

# سیدک لادم طہور<sup>۳</sup>

حکومت جہانی

## حفظہم ظاہرہم



سید محمد موسوی





تقدیم به پیشگاہ حضرت باقر العلوم علیہ السلام

سلسلہ مباحث پیرامون امام عصر (ع) ۳

# پسیدہ دم ظہور

حکومت جهانی

مؤلف:

سید محمد موسوی

موسوی، سید محمد، ۱۳۳۹ -

سلسله مباحث پیرامون امام عصر (عج): سپیده دم ظهور / تالیف سید محمد موسوی . - قم: مشهور، ۱۳۸۴.  
۲۸۸ ص.

ج. ۳.

شابک X-۹۸-۸۳۵۰-۹۶۴ (ج. ۳) ISBN 964 - 8350 - 98 - X

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. مهدویت - - انتظار. ۲. مهدویت. ۳. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. . الف. عنوان. ب. عنوان:

سپیده دم ظهور.

۲۹۷ / ۴۶۲

س ۸ م ۹ / ۴ / ۲۲۴ BP



موسسه انتشارات مشهور

شناسنامه کتاب

نام کتاب	سپیده دم ظهور (جلد سوم)
تهیه و تنظیم	سید محمد موسوی
ناشر	انتشارات مشهور
شمارگان	۳۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ	اول / ۱۳۸۴
چاپ	کوثر
قیمت	۱۲۰۰ تومان

دفتر فروش:

انتشارات مشهور / میراث ماندگار

قم: خیابان ارم / پاساژ قدس / طبقه آخر - پلاک ۱۸۴

ص. پ ۳۳ ۹۶ - ۳۷ ۱۸۵ تلفن ۷۸۳۱ ۹۴۶ / - ۷۷ ۳۷ ۴۶۱ - ۲۵۱

دفتر مرکزی / خیابان سمیه / کوچه ۲۴ / پلاک ۴۱۸

تلفن: ۷۸۳۱ ۹۴۶ / ۰۲۵۱ / فاکس ۷۷۳۰ ۳۶۵



## فهرست مطالب

### بخش اول: آغاز حرکت

- فصل اول: مخالفت جهانی با ظهور حضرت مهدی علیه السلام ..... ۱۳
- سختی مأموریت امام علیه السلام بیش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است ..... ۲۱
- فصل دوم: سیره و روش حضرت مهدی علیه السلام ..... ۲۷
- سیره رفتاری حضرت مهدی علیه السلام ..... ۲۸
- الف) انتقام‌گیری ..... ۲۸
۱. دشمنان اهل بیت علیهم السلام و کسانی که دوست‌دار آنها هستند ..... ۲۹
۲. سردمداران و حاکمان ظالم در جهان ..... ۳۱
۳. علماء منحرف مذاهب و فرقه‌ها ..... ۳۲
- ب) دشمنی با اعراب ..... ۳۴
- ج) روش حضرت مهدی علیه السلام با کارگزاران ..... ۳۶
- د) روش زندگی حضرت مهدی علیه السلام ..... ۳۷
- فصل سوم: اسباب و وسایل حضرت مهدی علیه السلام ..... ۴۳
- امکانات عمومی امام عصر علیه السلام ..... ۴۴
- مهم‌ترین وسیله نقلیه امام عصر علیه السلام ..... ۵۰
- «رعب» نیروی امدادی ..... ۵۲



۶ ..... سپیده دم ظهور ۳

۵۶	.....	مقابله حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> با تکنولوژی پیشرفته
۵۷	.....	امکانات پیامبران در اختیار حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۵۹	.....	فصل چهارم: عملیات مکه
۶۴	.....	اولین قدم در جهت اجرای عدالت
۷۲	.....	تخریب کعبه و مسجدالحرام
۷۵	.....	فصل پنجم: آزادسازی مدینه
۷۵	.....	خروج از مکه
۸۱	.....	حوادث مدینه

### بخش دوم: امام مهدی علیه السلام در عراق

۹۵	.....	فصل اول: ورود به کوفه
۹۶	.....	ملاقات حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> با سید حسنی
۱۰۵	.....	استقبال جاه طلبان از حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۲۱	.....	نزول نیروهای آسمان
۱۳۴	.....	نزول اسلحه برای اصحاب
۱۳۸	.....	عبادت اصحاب پاسخی به حوادث سهمگین است
۱۴۲	.....	حوادث و آزمایشات سهمگین
۱۵۱	.....	فصل دوم: خروج از کوفه و پیگرد سفیانی
۱۵۵	.....	حرکت به سوی ایران و افغانستان
۱۵۷	.....	بازگشت اولیه به کوفه
۱۶۰	.....	اصلاحات در کوفه
۱۶۲	.....	استفاده از خانه‌های موجود
۱۶۵	.....	تقسیم سه سپاه



۷	فهرست مطالب
۱۶۹	فصل سوم: صلح با اروپا
۱۷۴	استخراج آثار
۱۷۵	حملة نهایی به اروپا
۱۸۵	فلسفه برده‌داری در اسلام
۱۸۶	حملة به امریکا و ظهور دجال
۱۹۴	دجال و نزول عیسی مسیح <small>علیه السلام</small>
۲۰۹	نزول عیسی <small>علیه السلام</small>
۲۱۱	راه حل پیشگیری از اختلاف تفسیر در هنگام ظهور
	بخش سوم: حکومت جهانی عدل
۲۱۵	فصل اول: تشابه ظهور حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> با ظهور اسلام
۲۲۱	فصل دوم: استقرار در کوفه
۲۲۹	فصل سوم: روش حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> در حکومت‌داری
۲۳۱	عدم تعیین جانشین و عدم پذیرش توبه
۲۳۴	رفتار با اهل کتاب و ادیان مختلف
۲۳۷	اجرای احکام
۲۳۸	اصلاح مساجد و اماکن مقدس
۲۴۲	نمونه‌هایی از تغییر احکام پس از ظهور
۲۴۴	شیعیان پس از ظهور
۲۴۸	محل استقرار حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۵۱	فصل چهارم: رفاه در عصر حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۵۵	فصل پنجم: دانش و تکنولوژی در عصر حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>



۸ ..... سپیده دم ظهور ۳

بخش چهارم: پایان حکومت حضرت مهدی علیه السلام

- فصل اول: مدت حکومت ..... ۲۶۵
- فصل دوم: رجعت ..... ۲۶۹
- ضرورت اعتقاد به رجعت ..... ۲۷۰
- اثبات رجعت براساس قرآن ..... ۲۷۰
- تمامی انبیاء و ائمه اطهار علیهم السلام باز می گردند ..... ۲۷۲
- اولین کسی که رجعت می کند ..... ۲۷۵
- پاک شدن زمین پس از رجعت ..... ۲۷۶
- فصل سوم: نابودی شیطان و قیامت ..... ۲۷۹
- پایان هستی ..... ۲۸۳
- دعای امام عصر علیه السلام هنگام عبور از وادی السلام ..... ۲۸۵

## مقدمه

کتاب حاضر جلد سوم از کتاب سپیده دم ظهور است. هدف ما در این کتاب بررسی برخی از نشانه‌های ظهور و حوادث بعد از ظهور است. هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند برداشت‌های وی از روایات، کامل و بی‌نقص است ولی هر کس می‌تواند سعی کند تا برداشت همه جانبه‌نگرتری ارائه نماید و در هر حال احتمالات مختلف را در نظر گیرد. برداشت‌هایی که در این کتاب ارائه شده است، آخرین و تنها برداشت نیست و می‌تواند برای بررسی و مقابله با حوادث آتی مورد استفاده سیاستمداران یا مسئولان قرار گیرد. زیرا در برخی موارد به پیش‌بینی حوادث آتی پرداخته‌ایم که ممکن است در سرنوشت مردم و ملت مؤثر باشد و با آگاهی از آنها بهتر بتوان عکس‌العمل مناسب ترتیب داد. برخی دوستان در تکمیل و تصحیح این اثر با حقیر همکاری نموده‌اند که در این جا از همگی تشکر و قدردانی می‌نمایم و از محققین محترم تقاضا دارم ما را از انتقادات سازنده خویش جهت پربارتر کردن آثار بعدی محروم نسازند و این اثر و آثار دیگر مانند آن، آغازی برای توجه خاص به روایات و آثار اهل بیت علیهم‌السلام باشد.

سید محمد موسوی

بیست و یکم ذی القعدة، سال ۱۴۲۶ق، مطابق با سوم دی ۱۳۸۴ ه.ش





# بخش اول

آغاز حرکت

## فصل اول:

### مخالفت جهانی با ظهور حضرت مهدی علیه السلام

از آنجا که جهان پر از شرک و کفر گردیده، طبیعی است که با ندای خالصانه و حق طلبانه حضرت مهدی علیه السلام مخالف باشد. هرگروهی برای مخالفت خود، انگیزه‌ای دارد و به طور کلی تمامی زورگویان جهان از حرکت ایشان متنفر هستند.

شرق و غرب ایشان را نفرین می‌کنند و تمام کسانی که در این جهان، کفر یا شرک باطنی دارند هنگام ظهور، از ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام ناخشنود خواهند شد.

ابوبصیر گوید:

«حضرت صادق علیه السلام در مورد سخن خداوند: «او (خداوند) کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان برتری دهد، گرچه مشرکان ناخرسند باشند»<sup>۱</sup>، فرمود:

سوگند به خداوند هنوز تاویل این آیه نیامده و تاویل آن تا زمان قیام قائم علیه السلام نخواهد آمد. پس هرگاه قائم علیه السلام قیام نمود هیچ کافری به خداوند بزرگ و نه مشرکی به امام باقی نمی‌ماند مگر از قیام ایشان ناخرسند می‌باشد. تا جایی که اگر کافر یا مشرکی در درون تخته

۱. برائت (۶۳) آیه ۳۴.



سنکی پنهان شده است، خواهد گفت: ای مؤمن درون من کافری است مرا بشکاف و او را به قتل برسان»<sup>۱</sup>.

### نکات مهم حدیث:

۱. برتری دین حق بر تمام ادیان جهان، فقط و فقط در زمان حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود. امام علیه السلام با سوگند خویش این مطلب را با تأکید فراوان بیان می‌فرمایند.

۲. کسانی که به خداوند کافر هستند در ردیف و هم‌گام با مشرکین به امام خواهند بود.

۳. مشرک به امام، کسی است که کسی غیر از امام را با صفات و مأموریت امام عصره علیهم السلام یعنی اقامه عدل، بشناسد. در نتیجه این افراد نیز از ظهور حضرت و قیامشان ناخرسند خواهند بود.

۴. کسانی که برای امام شریک و هم‌شان درست کرده‌اند به دلیل این که مقام خود را در خطر می‌بینند با ظهور ایشان مخالفت خواهند کرد. این مخالفت در مراحل بعد و پس از حرکت امام علیه السلام و ظهور عجایب مختلف از آن حضرت حتی جنبه اعتقادی یافته و تبدیل به لعنت می‌گردد.

عبدالله بن سنان از حضرت صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

«خداوند با تعیین وقت توسط وقت‌گذاران مخالفت خواهد کرد، و آن

---

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۴ - عن ابی بصیر قال: «قال ابو عبدالله علیه السلام فی قوله عزوجل ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَبَيْنَ أَلْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ فقال: والله ما نزل تأويلها بعد و لا ينزل تأويلها حتى يخرج القائم علیه السلام فاذا خرج القائم لم يبق كافر بالله العظيم، و لا مشرك بالامام الا كره خروجه حتى لو كان كافر او مشرك في بطن صخرة لقالت، يا مؤمن في بطني كافر فاكسرنى واقتله».

بخش اول / فصل اول: مخالفت جهانی با ظهور حضرت مهدی علیه السلام ..... ۱۵

(پرچم)، پرچم رسول الله صلی الله علیه و آله است که جبرئیل در روز جنگ بدر آورد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به جنگ پرداخت.

سپس فرمود: ای ابا محمد آن پرچم از پنبه و کتان و یا دیبا و حریر نیست. گفتم: جنس آن از چیست؟

فرمود: از برگ‌های بهشتی است، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ بدر آن را گشود، سپس آن را پیچید و به علی علیه السلام داد و همواره نزد علی علیه السلام بود تا جنگ جمل (در بصره) که امیرالمؤمنین علیه السلام آن را گشود و خداوند جنگ را برای وی به پیروزی کشاند. سپس آن را پیچاند، و امروز آن پرچم نزد ما است و آن را هیچ‌کس نمی‌گشاید تا قائم علیه السلام قیام کند. هرگاه ایشان قیام کند کسی در شرق و غرب باقی نمی‌ماند جز این که آن (پرچم و صاحب پرچم) را لعنت می‌کند و «ترس» پیشاپیش آن به فاصله یک ماه و از پشت سر هم به فاصله یک ماه و از سمت راست و سمت چپ نیز به فاصله یک ماه حرکت می‌کند...»<sup>۱</sup>.

---

۱. غیبت نعمانی، ص ۳۰۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۰ - عن عبدالله بن سنان عن ابی عبدالله جعفر بن محمد علیه السلام انه قال: «أبی الله الّا أن یخلف وقت الموقتین، و هی رایة رسول الله صلی الله علیه و آله نزل بها جبرئیل یوم بدر سیر به. ثم قال: یا ابا محمد ماهی و الله من قطن و لا کتان و لا قز و لا حریر. فقلت: من انی شیء هی؟ قال: من ورق الجنة، نشرها رسول الله صلی الله علیه و آله یوم بدر، ثم لَفَّها و دفعها الی علی علیه السلام فلم تزل عند علی علیه السلام حتی کان یوم البصرة، فنشرها امیرالمؤمنین علیه السلام ففتح الله علیه ثم لَفَّها. و هی عندنا هناك لا ینشرها احد حتی یقوم القائم علیه السلام فاذا قام نشرها فلم یبق فی المشرق و المغرب أحد الّا لعنها و ینسیر الرعب قدّامها شهراً و [وراءها شهراً] و عن یمینها شهراً و عن ینسارها شهراً».



### نکات مهم مورد نظر در حدیث:

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ بدر آن پرچم را گشود و به همین جهت بود که ملائکه و امدادهای آسمانی نازل شدند، هر چند مردم معمولی توان دیدن آنها را نداشتند.

۲. این پرچم، نشانه‌ای شگفت‌آور و غیر قابل درک است و علامتی آسمانی از آن ساطع می‌شود که هر وقت گشوده شود پیروزی قرینش می‌شود (البته با امداد رسانی نیروهای آسمانی).

۳. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز فقط یک بار از آن استفاده کردند.

۴. دیگر، هیچ‌کس جز حضرت قائم علیه السلام آن را نخواهد گشود.

۵. وقتی آن را می‌گشایند، تمام مردم دنیا آن پرچم یا حضرت مهدی علیه السلام صاحب آن پرچم را لعنت می‌کنند.

۶. ارتباط مستقیمی میان گسترش «رعب» یا «ترس» با گشوده شدن پرچم وجود دارد. از آنجا که در حوادث عراق خواهد آمد، با فرود آمدن نیروهای آسمانی، «ترس» و «وحشت» نیز مطرح می‌شود. پیداست که در واقع «ترس»، ارتباط مستقیمی با فرود «نیروهای آسمانی» یا «موجودات فرازمینی» دارد.

۷. چرا مردم شرق و غرب (و چه کسانی از میان آنها) این لعن را انجام می‌دهند؟ جواب این سؤال، در حدیث بعد می‌آید.

ابان بن تغلب گوید:

«شنیدم حضرت صادق علیه السلام می‌گوید: «هرگاه پرچم حق آشکار شد،

مردم مشرق و مغرب آن را لعنت می‌کنند. آیا می‌دانی چرا؟

گفتم: خیر. فرمود: به جهت مسائلی که از جانب اهل بیتش پیش از

بخش اول / فصل اول: مخالفت جهانی با ظهور حضرت مهدی علیه السلام ..... ۱۷

قیامش بر مردم وارد شده است»<sup>۱</sup>.

کدام مسائل از سوی اهل بیت امام عصر علیه السلام بر مردم وارد می شود؟ روایت بعد تا حدودی این مطلب را آشکار می کند.

منصور بن حازم گوید:

«حضرت صادق علیه السلام فرمود: هرگاه پرچم حق برافراشته شد، مردم

شرق و غرب آن را لعنت خواهند کرد.

به ایشان گفتم: چرا این گونه است؟

فرمود: به دلیل مشکلاتی که از سوی بنی هاشم دیده اند»<sup>۲</sup>.

اکنون گمان می کنم مطلب کاملاً روشن شده باشد. حوادثی پیش از ظهور از سوی سادات آشکار می شود که موجب دردسر، کشتار و رنج مردم منطقه خاورمیانه به گونه خاص و تمامی مردم جهان به گونه عام می شود. در نتیجه مردم جهان و منطقه نسبت به هر نوع قیام از سوی اعراب بخصوص سادات حساس هستند و آن را به قیام های پیش از ظهور مانند، بن لادن، مقتدا صدر و... تشبیه می کنند و از آنجا که شرایط جهانی پیش از ظهور بسیار بحرانی و دردناک است، وقتی ظهور امام علیه السلام یا چنین ادعاهایی را مشاهده می کنند از آن بیزار می خواهند جست.

شاید به همین جهت است که بنی هاشم و سادات، پیش از ظهور مطرح شده

---

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۳؛ غیبت نعمانی، ص ۲۹۹ - عن ابان بن تغلب قال: سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول: «اذا ظهرت راية الحق لعنها اهل المشرق و المغرب، اتدري لم ذلك و قلت: لا، قال: للذي يلقى الناس من اهل بيته قبل خروجه».

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲؛ غیبت نعمانی، ص ۲۹۹ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «اذا رفعت راية الحق لعنها اهل المشرق و المغرب، قلت له: مم ذلك؟ قال: ممّا يلقون من بنی هاشم».

و فعالیت روز افزونی خواهند داشت.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«قائم علیه السلام قیام نمی‌کند مگر وقتی که دوازده نفر از بنی هاشم قیام

کنند. همگی (مردم) را به (پیروی) از خود دعوت می‌کنند.»<sup>۱</sup>

### نکات مهم این حدیث:

۱. تعدادی از بنی هاشم پیش از ظهور قیام می‌کنند.
۲. هدف آنان برتری جویی و دعوت مردم به پیروی و تبعیت از خود است.
۳. قیام این تعداد از سادات که در جهت خودخواهی و ریاست‌طلبی است، موجب کشتار و خونریزی فراوان می‌شود تا جایی که مردم جهان را نسبت به سادات بدبین می‌سازد و به همین جهت است که وقتی امام عصر علیه السلام ظهور می‌کند، ایشان را نیز مانند چنین ساداتی، جاه‌طلب و خودخواه می‌شمرند و در نتیجه همگی از شرق تا غرب او را لعنت می‌کنند، به دلیل بلاهایی که از ناحیه بنی هاشم بر آنها وارد شده است.

بی‌جهت نیست که می‌بینیم در برخی از روایات پیش از ظهور، نسبت ترس به شیعیان داده‌اند، تا به این وسیله در جهت آزار دیگران نباشند.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«ترس در قلب‌های شیعیان ما نسبت به دشمنانمان افکنده شده است، هنگامی که امر (حکومت) ما فرا رسید و مهدی ما قیام کرد هر یک از شیعیان (و اصحاب ما) قوی‌تر از شیر و محکم‌تر از سپر

---

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۹؛ غیبت طوسی، ص ۴۳۷ - قال ابو عبدالله علیه السلام: «لا یخرج القائم حتی یخرج اثنی عشر من بنی هاشم کلهم یدعو الی نفسه».

بخش اول / فصل اول: مخالفت جهانی با ظهور حضرت مهدی علیه السلام ..... ۱۹

(آهنین) خواهد بود، دشمن ما را با گام‌هایش له کرده و با دستش به قتل می‌رساند»<sup>۱</sup>.

### نکات مهم این حدیث:

۱. خداوند برای محافظت از شیعیان (خالص) ترس و وحشت از دشمنان اهل بیت علیهم السلام را در دل آنان افکنده است. زیرا اگر چنین ترسی در دل آنان نباشد، به راحتی خود را در معرض هر خطری خواهند افکند و در این صورت به عرصه ظهور نخواهند رسید.
۲. این روایت گفته‌های جلد دوم را ثابت می‌کند که اصحاب امام عصر علیه السلام خود را از حوادث و درگیری‌های عصر ظهور دور ساخته تا به سلامت این تشنجات و درگیری‌های مختلف سیاسی و اجتماعی را پشت سر گذارند و به این وسیله به گونه‌ای طبیعی در عرصه ظهور، حضور خواهند یافت.
۳. عملیات عصر ظهور به گونه‌ای طبیعی رخ خواهد داد، حتی محفوظ بودن اصحاب نیز به این صورت تضمین می‌شود. شاید آنان خودشان نیز ندانند که چرا از دشمنان خویش که همان دشمنان اهل بیت علیهم السلام هستند می‌ترسند ولی با الهام الهی به دلیل همین ترس است که آنان از مواضع خطر و درگیری و تشنج فاصله می‌گیرند.
۴. آنان هرچند به ظاهر ترسو هستند ولی در باطن قوی و آماده قدرت‌نمایی می‌باشند. این قدرت شگرف را پس از ظهور امام عصر علیه السلام خواهیم

---

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲ - قال ابو جعفر علیه السلام: «القی الرعب فی قلوب شیعتنا من عدونا، فاذا وقع امرنا و خرج مهدینا کان أحدهم احری من اللیث وامضی من السنان، یطأ عدونا بقدمیه و یقتله بکفیه».



دید. چیزی که تمامی دوستان و آشنایانشان را به تعجب واد می‌دارد.

۵. به این ترتیب متوجه می‌شویم، ساداتی که پیش از ظهور بی‌محابا خود و دیگران را به کام مرگ می‌فرستند، نمی‌توانند جزء اصحاب و یاران امام عصر علیه السلام باشند.

۶. این افراد ماجراجو و به ظاهر شجاع اما در واقع جاه‌طلب، وسیله‌ای برای مشغول شدن مردم و مخالفین از اهل بیت علیهم السلام و یاران امام عصر علیه السلام هستند و با درگیری میان خود، موجب نجات و سالم ماندن یاران امام عصر علیه السلام خواهند شد.<sup>۱</sup>

به همین جهت است که می‌بینیم، ائمه اطهار علیهم السلام همواره ما را به رعایت تقیه دعوت می‌نمایند حتی تا پیش از ظهور نیز ما موظف به رعایت تقیه هستیم.

حضرت رضا علیه السلام می‌فرماید:

«کسی که پرهیزکاری ندارد، دین نیز ندارد و کسی که تقیه نمی‌کند، ایمان ندارد. گرامی‌ترین شما نزد خداوند، کسی است که پیش از قیام قائم ما، بیشتر به تقیه عمل کند، پس اگر کسی پیش از قیام قائم ما، تقیه را رها سازد از (پیروان) ما اهل بیت علیهم السلام نیست».<sup>۲</sup>

---

۱. بررسی بیشتر پیرامون شخصیت و رفتار اصحاب امام عصر علیه السلام در پیش از ظهور و پس از ظهور را در کتاب «اصحاب امام عصر علیه السلام» می‌آوریم. (ان شاء الله)  
۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «لا دین لمن ورع له و لا ایمان لمن لا تقیه له ان اکرّمکم عندالله عزوجل اعملکم بالتقیة قبل خروج قائمنا فمن ترکها قبل خروج قائمنا فلیس منا».

### نکات مهم این حدیث:

۱. افرادی که تقیه نمی‌کنند، ایمان ندارند.
  ۲. بهترین افراد نزد خداوند کسانی هستند که روش تقیه را برای حفظ جان و مال خویش رها نساخته بلکه پیش از ظهور، بیش از دیگران و هر زمانی به کار می‌بندند.
  ۳. هر کس به تقیه و حفظ جان و اسرار عقیدتی خویش اعتقاد ندارد در واقع ولایت اهل بیت علیهم السلام را نپذیرفته است.
- تقیه روشی است که با آن انسان، اعتقادات حقیقی و درست خویش را از افراد جاهل پنهان می‌سازد تا جاهلان ضرر جانی یا مالی بر وی وارد نسازند.
- در واقع تقیه به همراه ترس در حفظ جان و مال است که کارایی خویش را به شکلی کامل جلوه‌گر می‌سازد. به این ترتیب رمز احادیث قبل مبنی بر ظهور ترس در شیعیان پیش از ظهور حضرت نحجت علیها السلام را متوجه می‌شوید. در واقع همین ترس است که موجب رعایت تقیه و کناره‌گیری آنان از درگیری و تشنجات می‌شود.
- رعایت تقیه آنچنان مهم است که هر چه به ظهور نزدیک می‌شویم در اثر شدت حوادث و ناامنی، تقیه نیز شدیدتر می‌گردد. این مطلب نشان از سختی اوضاع اجتماعی در جهان دارد.

### سختی مأموریت امام علیه السلام بیش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است

با شناخت حوادث و مشکلات ظهور امام عصر علیه السلام و مأموریتی که ایشان خواهند داشت، معلوم می‌شود که مشکلات و موانع مختلف بر سر راه ایشان،

گسترده‌تر و عمیق‌تر از دوره ظهور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خواهد بود.

فضیل گوید: شنیدم حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«هرگاه قائم ما، قیام نمود از ناحیه مردم جاهل با (حوادثی) سخت‌تر از آنچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از ناحیه مردم جاهلیت مواجهه شده روبرو خواهد شد.

گفتم: چگونه این چنین خواهد بود؟

فرمود: زیرا هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نزد مردم (مبعوث) شد، آنان چوب و سنگ و خاشاک و چوب‌های تراشیده (بت‌های چوبی و...) می‌پرستیدند، در حالی که وقتی قائم ما نزد مردم می‌آید، همگی کتاب قرآن را علیه وی تفسیر می‌کنند و بر ضد او (آیات) دلیل می‌آورند. سپس فرمود: بدان، سوگند به خداوند، (مهدی علیه السلام) عدل خویش را به درون خانه‌های آنان می‌آورد، همان‌گونه که گرما و سرما وارد می‌شود».<sup>۱</sup>

### نکات مهم حدیث:

۱. مشکلات امام عصر علیه السلام در قانع کردن مردم به مراتب بیشتر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۹۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲ - عن الفضیل قال: «سمعت ابا عبد الله علیه السلام يقول: ان قائمنا اذا قام استقبل من جهلة الناس اشد مما استقبله رسول الله صلی الله علیه و آله من جهال الجاهلية، فقلت: و كيف ذلك؟ قال: ان رسول الله صلی الله علیه و آله أتى الناس و هم يعبدون الحجارة و الصخور و العیدان و الخشب المنحوتة و ان قائمنا اذا قام أتى الناس و كلهم يتأول عليه كتاب الله، و يحتج عليه به، ثم قال: أما و الله ليدخلن عليهم عدله جوف بيوتهم كما يدخل الحر و القر».

بخش اول / فصل اول: مخالفت جهانی با ظهور حضرت مهدی علیه السلام ..... ۲۳

۲. مردم هر چه کم سوادتر و ساده‌اندیش‌تر باشند راحت‌تر می‌توان آنها را قانع ساخت. اما با پیشرفت علم، بخصوص یافتن علم دین، قانع کردن آنان و نشان دادن انحرافشان مشکل‌تر می‌گردد.

۳. بر اساس این روایات، قانع نمودن مردم عادی توسط امام عصر علیه السلام آسان‌تر از قانع کردن علماء دین است.

۴. بیشترین و سخت‌ترین مخالفت با امام علیه السلام از ناحیه علماء دین است و آن کسانی که با استناد به قرآن و متون و باورهای مذهبی علیه حضرت استدلال می‌کنند و در این میان امام علیه السلام رنج فراوانی خواهد دید تا آنان را قانع سازد.<sup>۱</sup>

۵. همگی مردم معاصر ظهور متأسفانه این‌گونه با حضرت علیه السلام برخورد می‌کنند (البته اهل سنت بیشتر از دیگران به کتاب و سنت استشهاد خواهند کرد).

۶. اتکاء عمومی در برابر امام علیه السلام به قرآن و تفاسیر موجود و تأویل‌های خودساخته‌ای است که در تفسیر قرآن می‌آورند.

۷. مهم‌ترین عاملی که موجب می‌شود علماء دین، امام عصر علیه السلام را به حساب نیاورند و در برابر ایشان به مقابله علمی و حتی نظامی برخیزند، جوانی حضرت علیه السلام است. ایشان به صورت جوانی با محاسنی سیاه حدوداً ۳۰ ساله ظاهر می‌شود. طبیعی است کسانی که عمری در اسلام گذرانده و ریش سفید کرده‌اند به آسانی زیر بار رقبای هم سن و سال خویش نمی‌روند تا چه رسد به سخنان جوانی که اسلام دیگری آورده توجه کنند. به هر حال جوانی

---

۱. در آینده شدت فتنه‌ها و آزمایشات پس از ظهور را بررسی خواهیم کرد.



امام علیه السلام از شدیدترین آزمایشات پس از ظهور است.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«بزرگترین آزمایش این است که صاحب مردم (حضرت مهدی علیه السلام) نزد آنان به صورت جوانی می‌آیند در حالی که گمان می‌کردند ایشان پیرمرد هستند».<sup>۱</sup>

مردم ممکن است تصور کنند که حضرت مهدی علیه السلام جوان است ولی کمتر کسی می‌تواند تصور کند که ایشان خیلی خیلی جوان به نظر می‌رسند تا جایی که به جرأت می‌توان گفت مانند یک جوان ۳۰ ساله جلوه می‌کنند. این مطلبی است که بعد از ظهور، بسیاری از انسان‌ها حتی شیعیان را به اشتباه خواهد انداخت.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«ولی خداوند مانند عمر حضرت ابراهیم خلیل به مدت ۱۲۰ سال، عمر خواهد کرد و به صورت تازه جوانی رشید در حدود سی سال ظاهر خواهد شد».<sup>۲</sup>

#### نکات مهم حدیث:

۱. توجه داشته باشید که افراد سی ساله در یک هزار و دویست سال پیش مانند جوانان کمتر از سی سال امروز بودند. شما نیز منتظر جوانی با ظاهر کمتر

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۸۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۷ - قال الصادق علیه السلام: «و ان من اعظم البلیة ان ینخرج الیهم صاحبهم شاباً و هم یحسبونه شیخاً کبیراً».  
 ۲. غیبت طوسی، ص ۴۲۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۷ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «ان ولی الله ینعمر عمراً ابراهیم الخلیل و مائة سنة و ینظر فی صورة فنی موفق ابن ثلاثین سنه».

بخش اول / فصل اول: مخالفت جهانی با ظهور حضرت مهدی علیه السلام ..... ۲۵

از سی سال در حال حاضر، باشید.

۲. در حدیث مذکور عمر حضرت علیه السلام را به عمر حضرت ابراهیم علیه السلام یعنی ۱۲۰ سال تشبیه نموده‌اند شاید برای شما درک این مطلب و عمر طولانی حضرت مهدی علیه السلام مشکل باشد ولی مطلب آسان است. جواب‌های زیر می‌تواند بیان‌گر برخی از علل چنین تشبیهی باشد:

الف) طولانی بودن عمر حضرت ابراهیم علیه السلام نسبت به برخی پیامبران که عمری کوتاه داشتند.

ب) منظور فقط طولانی بودن عمر حضرت ابراهیم باشد، نه مدت آن. بنابراین معنای حدیث این‌گونه می‌شود: «عمر ولی خداوند مانند عمر حضرت ابراهیم که ۱۲۰ سال بود، طولانی خواهد شد...» بدون این که منظور نفس مدت سن ایشان باشد، بلکه طولانی بودن عمر حضرت ابراهیم علیه السلام منظور بوده است.

ج) عمر حضرت مهدی علیه السلام بعد از ظهور مانند ۱۲۰ سال عمر حضرت ابراهیم باشد. (البته اگر مدت حکومت امام علیه السلام را سیصد و نه سال بدانیم این دلیل باطل می‌شود ولی اگر عمر ایشان را پس از ظهور سیصد و نه سال بدانیم می‌تواند، ۱۲۰ سال باشد).

## فصل دوم:

### سیره و روش حضرت مهدی علیه السلام

حضرت مهدی علیه السلام ذخیره و باقی مانده حجّت‌های الهی بر روی زمین هستند. تا کنون معجزات و خصایص استثنایی و خارق‌العاده‌ای در مورد ایشان واقع شده است. ایشان خواه در تولد یا رشد و نمو یا غیبت و حتی ظهور و دوران حاکمیت، همگی استثناء و خارق‌العاده هستند.

به دلیل مأموریت جهانی و تاریخی که بر عهده ایشان است، روش و سیره و در نتیجه شخصیت ایشان نیز تحت تأثیر چنین مأموریت خطیر، فوق‌العاده و استثنائی می‌باشد. ایشان نظیری در گذشته و آینده نخواهند داشت. ایشان مجموعه‌ای از صفات و خصایص و معجزات تمامی انبیاء را دارا هستند.

جابر بن عبدالله انصاری در حدیث قدسی معروف به «لوح فاطمه علیها السلام» راجع به ائمه اطهار علیهم السلام مطالبی را مطرح می‌کند تا این‌که خداوند می‌فرماید: «...خداوند می‌فرماید: سپس او را کامل می‌کنم به فرزندش که رحمت جهانیان است. بر وی کمال موسی و بهاء عیسی و صبر ایوب است و به زودی اولیاء من در زمانش ذلیل می‌شوند و سرهای آنان مانند سرهای ترک و دیلم فرستاده می‌شود، آنان کشته شده و می‌سوزند و (همواره) ترسان و وحشت‌زده و نگران هستند، زمین از خونهاش رنگین می‌گردد و گریه و شیون در میان زن‌های

آنان گسترش می‌یابد. آنها به حق، دوستان من هستند و به وسیله آنان هر فتنه تاریک و عمیقی را می‌گشایم و به کمک آنان زلزله‌ها را بر طرف می‌سازم و غل و زنجیر را از دست و پای آنان بر طرف می‌سازم. بر آنان صلوات و رحمت خداوند باشد و آنان هدایت‌شدگان هستند.<sup>۱</sup>

### سیره رفتاری حضرت مهدی علیه السلام

#### الف) انتقام‌گیری

یکی از مهمترین مأموریت‌های حضرت، انتقام گرفتن از دشمنان اهل بیت علیهم السلام و اجرای عدالت است. همین صفت باعث شده است که برخی از وجود مقدس ایشان ترس و واهمه داشته باشند. در حالی که هر چند در روایات، ایشان را به نام منتقم و انتقام‌گیر شمرده‌اند ولی انتقام از افراد خاصی گرفته می‌شود.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«اگر مردم می‌دانستند قائم هنگام قیامش چه می‌کند اکثریت آنها دوست داشتند به جهت کشتن مردم، وی را نمی‌دیدند. بدانید که او جز از قریش آغاز نخواهد کرد، و آنها را جز با شمشیر نگرفته و به آنها

---

۱. کمال الدین، ص ۳۱۰ - عن جابر بن عبدالله انصاری: قال الله تعالى: «ثم اكمل ذلك بابنه رحمة للعالمين، عليه كمال موسى و بهاء عيسى و صبر ايوب، مستذل اوليائي في زمانه و فتتهادون رؤوسهم كما تتهادوا رؤوس الترك والديهم فيقتلون و يحرقون و يكونون خائفين مرعوبين و جلين، تصبغ الارض من دمائهم و يفسوا الويل و الرنين في نسائهم اولئك اوليائي حقاً بهم اذفع كل فتنة عمياء حنوس و بهم اكشف الزلازل و ارفع عنهم الاصار و الاغلال اولئك عليهم صلوات من ربهم و رحمة و اولئك هم المهتدون».



جز شمشیر نمی‌دهد. تا جایی که بسیاری از مردم می‌گویند: او از آل محمد صلی الله علیه و آله نیست زیرا اگر از آل محمد صلی الله علیه و آله بود رحم می‌کرد».<sup>۱</sup>  
آنچه که موجب وحشت اعراب و دیگران می‌شود، قاطعیت حضرت مهدی علیه السلام در برخورد با دشمنان و ظالمان می‌باشد.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«... خداوند تبارک و تعالی، محمد صلی الله علیه و آله را رحمت (برای بندگان)

برانگیخته و قائم علیه السلام را به عنوان مجازات برمی‌انگیزد».<sup>۲</sup>

حضرت صادق علیه السلام به عبدالله بن سنان فرمود:

«... ای ابامحمد او (مهدی علیه السلام) خشمگین و تنها و متأسف قیام

می‌کند، به دلیل غضب الهی بر مخلوقات...».<sup>۳</sup>

کسانی که مورد انتقام امام مهدی علیه السلام واقع می‌شوند عبارتند از:

۱. دشمنان اهل بیت علیهم السلام و کسانی که دوست‌دار آنها هستند

اولین و شدیدترین مخالفان حضرت مهدی علیه السلام، دشمنان دیرینه اهل بیت علیهم السلام یعنی مردم قریش بخصوص بنی‌امیه می‌باشند.

---

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۳۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴ - عن محمد قال: سمعت اباجعفر علیه السلام يقول: «لو يعلم الناس ما يصنع القائم اذا خرج لأحب أكثرهم ان لا يروه ممّا يقتل من الناس، أما انه لا يبده الا بقریش، فلا يأخذ منها الا السيف و لا يعطيها الا السيف حتى يقول كثير من الناس: ليس هذا من آل محمد صلی الله علیه و آله، لو كان من آل محمد لرحم».

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۵ - عن عبدالرحيم القصير قال: قال لي ابوجعفر علیه السلام: «... ان الله تبارك و تعالی بعث محمد صلی الله علیه و آله رحمة و بعث القائم علیه السلام نقمة».

۳. غیبت نعمانی، ص ۳۰۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۱ - قال الصادق علیه السلام: «... ثم قال: يا ابامحمد انه يخرج موتوراً غضبان أسفاً لغضب الله على هذا الخلق...».

هروی گوید:

«خدمت حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: ای فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله نظر شما در مورد حدیثی که از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که ایشان فرموده‌اند: هرگاه قائم علیه السلام قیام کرد فرزندان قاتلان حسین علیه السلام را به دلیل رفتار پدرانشان می‌کشد، چیست؟ فرمود: همین گونه است. گفتم: پس سخن خداوند که می‌فرماید: «هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد»<sup>۱</sup> چه معنایی دارد؟ فرمود: خداوند در تمام گفتارش راست گوید، اما فرزندان قاتلین امام حسین علیه السلام راضی به رفتار پدرانشان بوده و به آن افتخار می‌کنند، و هر کس به چیزی راضی باشد مانند کسی است که آن را انجام دهد. اگر انسانی در مشرق کشته شود و کسی در مغرب به مرگ وی راضی باشد، آن شخص در نزد خداوند، شریک قاتل است و قائم علیه السلام هنگامی که قیام کرد، آنان را به جهت رضایت از رفتار پدرانشان به قتل می‌رساند»<sup>۲</sup>.

۱. انعام (۶): آیه ۱۶۴.

۲. میون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۳؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۱۹ - عن الهروی قال: «قلت لابی الحسن الرضا علیه السلام: یابن رسول الله ما تقول فی حدیث روی عن الصادق علیه السلام انه قال: اذا خرج القائم قتل ذراری قتلة الحسین علیه السلام بفعال آبائها؟ فقال علیه السلام: هو كذلك. فقلت: و قول الله عزوجل: ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾ ما معناه؟ قال: صدق الله فی جمیع اقواله، ولكن ذراری قتلة الحسین علیه السلام یرضون بفعال آبائهم و یفتخرون بها، و من رضی شیئاً کان کمن أتاه و لو ان رجلاً قتل بالمشرق فرضی بقتله رجل بالمغرب، لکان الراضی عندالله عزوجل شریک القاتل و انما یقتلهم القائم علیه السلام اذا خرج لرضاهم بفعال آبائهم».

## ۲. سردمداران و حاکمان ظالم در جهان

گروه دومی که مورد خشم و غضب حضرت مهدی علیه السلام هستند، حاکمان سیاسی و ظالم در سراسر گیتی می باشند.

عبدالعظیم حسنی گوید:

خدمت محمد بن علی بن موسی علیه السلام (حضرت جواد علیه السلام) عرض کردم: «من امیدوارم که شما همان قائم اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله باشید که زمین را پر از عدل و داد می کند همان گونه که پر از ظلم و جور شده است.

حضرت جواد علیه السلام فرمود: ای ابوالقاسم همه ما قائم به امر خداوند و هدایت گر به دینش هستیم، اما قائمی که خداوند زمین را به وسیله وی از اهل کفر و انکار پاکسازی می کند و آن را پر از عدل و داد می کند، همان کسی است که ولادتش بر مردم مخفی بوده و خودش نیز از (دید) آنها نهان می شود، و یادآوری نام او نیز بر مردم حرام است. او هم نام رسول الله صلی الله علیه و آله و هم کنیه وی است. او کسی است که زمین برای وی پیچیده شده و هر مشکلی برایش آسان می گردد. اصحابش به تعداد اصحاب بدر یعنی ۳۱۳ مرد از سرزمین های دوردست نزد وی جمع می شوند، و این سخن خداوند است که می فرماید: «هرجا باشید خداوند همگی شما را می آورد. خداوند بر هر کاری توانا است»<sup>۱</sup>. وقتی این تعداد از اهل اخلاص جمع شدند، امر مهدی علیه السلام آشکار می شود و هرگاه مقدار «عقد» که همان ده هزار مرد است تکمیل شد به اذن خداوند (از مکه) خروج می کند و همواره دشمنان خدا را می کشد تا خداوند راضی شود.

عبدالعظیم گفت: عرض کردم: سرورم، چگونه متوجه می شود که خداوند

راضی شده است؟ فرمود: رحمت را در قلبش می افکند...»<sup>۱</sup>  
 همان گونه که مشهود است مأموریت ظلم ستیزی حضرت علیه السلام با خشم و  
 تنبیه ظالمان همراه است تا خداوند راضی شود.

### ۳. علماء منحرف مذاهب و فرقه‌ها

دسته سومی که در مقابل حضرت مهدی علیه السلام قرار گرفته و مشکلات بسیاری  
 برای آن حضرت ایجاد می کنند علماء محلی ادیان و مذاهب و فرقه های  
 مختلف است.

قندوزی به نقل از حضرت باقر علیه السلام می گوید:

«هنگامی که امام مهدی علیه السلام قیام کند دشمن آشکاری نخواهد داشت  
 مگر فقط فقهاء، او و شمشیر با هم هستند، و اگر شمشیر در دستش  
 نبود فقهاء فتوی به قتلش می دادند ولی خداوند ایشان را با شمشیر و  
 بخشش آشکار می کند، در نتیجه اطاعت وی می کنند در حالی که

.....

۱. کمال الدین، ص ۳۷۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۳ - عن عبدالعظیم حسنی قال:  
 «قلت لمحمد بن علی بن موسی علیه السلام: ان لأرجو ان تكون القائم من اهل بیت محمد  
 الذی یملاء الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً. فقال علیه السلام: یا ابا القاسم ما متنا  
 الا قائم بأمر الله عزوجل و هاد الی دینه ولكن القائم الذی یتطهر الله به الارض من اهل  
 الکفر و الجحود و یملاها عدلاً و قسطاً هو الذی ینحی علی الناس ولادته و یغیب  
 عنهم شخیصه و یحرم علیهم تسمیة و هو سمی رسول الله و کنیة و هو الذی تطوی له  
 الارض و یدل له کل صعب، یجتمع الیه اصحابه عدّة اهل بدر ثلاثمائة و ثلاثة عشر  
 رجلاً من اقصی الارض و ذلك قول الله عزوجل: ﴿أینما تَکُونُوا یأتِ بِکُمُ اللهُ جَمیعاً  
 إِنَّ اللهَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ﴾. فاذا اجتمعت له هذه العدة من اهل الاخلاص اظهر امره  
 فاذا کمل له العقد و هو عشرة آلاف رجل، خرج باذن الله عزوجل، فلا یزال یقتل اعداء  
 الله حتی یرضی الله عزوجل. قال عبدالعظیم: فقلت له: یا سیدی و کیف یعلم ان الله قد  
 رضی؟ قال: یلقى فی قلبه الرحمة...»



می ترسند و حکمش را می پذیرند بدون این که ایمان داشته باشند بلکه مخالفت وی را در ذهن مخفی می کنند»<sup>۱</sup>.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«...بر شما باد به تسلیم و برگرداندن (اموری که نمی دانید) به سوی ما و انتظار امر ما و امر شما و رهایی ما و رهایی شما. هرگاه قائم ما قیام کرد و سخن گوی ما سخن گفت، از آغاز برای شما به آموزش قرآن و احکام دین و احکام و واجبات همان گونه که خداوند بر محمد صلی الله علیه و آله نازل نموده، می پردازد. (در آن هنگام) اهل بصیرت (آگاهان در دین) از میان شما علیه وی انکار شدیدی خواهند کرد و به دین خدا و روش او تسلیم نمی شوند مگر در زیر (سایه) تیزی شمشیر بر روی گردنشان»<sup>۲</sup>.

نکات مورد نظر در حدیث:

۱. این حدیث خطاب به شیعیان است، در نتیجه منظور از اهل بصیرت، افراد آگاه و عالم در میان شیعیان می باشد.
۲. برخی از شیعیان نیز به دلیل شمشیر امام علیه السلام به فرامین وی گردن می نهند.

۱. بنایع المودة، ج ۳، ص ۶۲، اثر خواجه کلان قندوزی، «...وإذا خرج هذا الامام المهدي فليس له عدو مبین الا الفقهاء خاصة هو و السيف اخوان و لو لا ان السيف بيده لا فتى الفقهاء في قتله ولكن الله يظهره بالسيف و الكرم فيطبعون و يخافون و يخافون فيقبلون حكمه من غير ايمان بل يضمرون خلافه».

۲. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۰، اثر شیخ حرّ عاملی - قال الصادق علیه السلام: «... عليكم بالتسليم و الرد إلينا و انتظار امرنا و امرکم و فرجنا و فرجکم، و لو قد قام قائمنا و تكلم متكلمنا ثم استأنف بكم تعليم القرآن و شرائع الدين و الاحكام و الفرائض كما انزله الله على محمد صلی الله علیه و آله لانكر اهل البصائر فيكم ذلك اليوم انكاراً شديداً ثم لم تستقيموا على دين الله و طريقه الا من تحت حدّ السيف فوق رقابکم».

مالک بن ضمیره گوید:

«امیرالمؤمنین علیه السلام گوید: ای مالک بن ضمیره، چگونه هستی وقتی شیعه این چنین دچار اختلاف شوند، و انگشتان دستش را داخل هم کرد. گفتم: ای امیرالمؤمنین در آن هنگام خیری نخواهد بود. فرمود: ای مالک تمام خیر در آن زمان است، زیرا در آن هنگام قائم ما قیام خواهد کرد و هفتاد مرد را که به خدا و پیامبرش صلی الله علیه و آله به دروغ (چیزی) نسبت داده‌اند، پیش آورده و به قتل می‌رساند، آن‌گاه خداوند آنان (شیعیان) را بر اعتقاد واحدی جمع می‌کند»<sup>۱</sup>.

از آنجا که بحث بر سر اختلاف شیعه است، طبیعی است که این هفتاد نفر از بزرگان شیعه باشند که به دروغ مطالبی را به خداوند و پیامبرش نسبت داده‌اند که مثلاً این مطلب حکم شرعی است یا واجب است و یا این کار را انجام دهید و... همین مطالب باعث شده که میان شیعیان اختلاف پیش آید. وقتی حضرت تشریف آوردند با از بین بردن عامل اختلاف که همان افراد بدسیرت و بدرفتار هستند، شیعیان از دام اختلاف بیرون می‌آیند.

### ب) دشمنی با اعراب

همان‌گونه که می‌دانید حضرت مهدی علیه السلام از نسل و نژاد عرب است و از سرزمین عرب یعنی مکه نیز ظهور رسمی و قیام خویش را آغاز می‌کند، طبیعی

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۰۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۵ - عن مالک بن ضمیره قال: «قال امیرالمؤمنین علیه السلام: یا مالک ابن ضمیره، کیف انت اذا اختلف الشیعه هكذا، و شبک اصابعه و ادخل بعضها فی بعض، فقلت: یا امیرالمؤمنین ما عند ذلك من خیر؟ قال: الخیر کله عند ذلك یا مالک، عند ذلك یقوم قائمنا فیقدم سبعین رجلاً یکذبون علی الله و علی رسوله فیقتلهم ثم یجمعهم الله علی امر واحد».

است که گمان کنید توجه و عنایت خاصی به اعراب داشته باشند و آنان در قیام و حرکت ایشان نقش گسترده‌ای ایفا کنند. در حالی که قضیه برعکس است. امام علیه السلام بزرگترین دشمن نژاد عرب است.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«میان ما و عرب چیزی جز کشتن (انتقام خونین) باقی نمانده است، و با دست اشاره به حلق خویش فرمود».<sup>۱</sup>

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«از عرب بپرهیزید (دوری کنید)، زیرا خبر بدی برای آنها است. بدانید که کسی از اعراب با قائم علیه السلام قیام نمی‌کند».<sup>۲</sup>

نکات مهم حدیث:

۱. فاصله گرفتن از اعراب برای پیش‌گیری از سرنوشت مشترک در آینده است.
۲. چنین فاصله‌ای بیشتر به جهت حوادث آینده است، زیرا امام علیه السلام از آینده آنان خبر داده و فرموده که در آینده کسی از آنها با قائم علیه السلام نخواهد بود.
۳. نزدیک شدن به اعراب خطر هم‌سرنوشتی و درگیری با امام عصر علیه السلام یا حداقل در زمره سپاهیان ایشان نبودن را به همراه دارد.
۴. در روایات دیگری تعداد اندکی از اعراب را از یاوران حضرت مهدی علیه السلام بر شمرده است.<sup>۳</sup> با توجه به حدیث بالا و احادیث دیگر مبنی بر حضور تعدادی از اعراب می‌توان در مورد حدیث فوق چند احتمال داد:

---

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۳۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۹ - قال ابو عبدالله علیه السلام: «ما بقى بيننا و بين العرب الا الذبح و او ما بيده الى حلقه».

۲. غیبت طوسی، ص ۴۷۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳ - عن ابی عبدالله علیه السلام انه قال: «اتق العرب فانّ لهم خیر سوء أما انه لم يخرج مع القائم منهم واحد».

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۸.

الف) شاید منظور این است که میان اصحاب خاص یعنی ۳۱۳ نفر هیچ عربی یافت نمی‌شود.

ب) ممکن است در ابتدا هیچ عربی به کمک امام عصر علیه السلام نیاید ولی پس از استقرار در مکه و جمع شدن مردم تعدادی عرب نیز در ضمن اصحاب یافت شوند.

ج) شاید اعرابی که در میان اصحاب وارد می‌شوند، عربی الاصل نباشند بلکه منشاء آنها کشورهای غیر از کشورهای شبه جزیره عربستان باشد. زیرا همان‌گونه که مشهود است کشورهای مانند سوریه، اردن، مصر و... هیچ کدام عربی الاصل نیستند و پس از حمله اعراب، به قلمرو کشورهای عربی افزوده شده‌اند.

### ج) روش حضرت مهدی علیه السلام با کارگزاران

در حکومت‌های طاغوتی و دنیا مدار، اساس برتری و فضیلت در پست و مقام و ریاست‌طلبی و شهرت و ثروت است. کسی که فاقد یکی از این ارزش‌ها باشد بیچاره و مفلوک و مطرود از توجه و عنایت اجتماعی و حکومتی است و برای رسیدن به این ارزش‌ها به هر وسیله‌ای اعم از تبلیغ، تهدید و تزویر متوسل می‌شوند تا به اهداف پلید دنیوی خویش برسند و آنگاه که به این اهداف رسیدند با هر دروغ و نیرنگی سعی در حفظ موقعیت خویش دارند. اما حکومت‌های الهی این‌گونه نیست. در این حکومت‌ها، خدمت به مردم و به دست گرفتن زمام قدرت و سیاست، یک فرصت طلایی برای کسب جاه و منزلت و شهرت و ثروت نیست. مدیریت بر اساس حقوق و مزایای مادی سنجیده نمی‌شود. بالاترین مقام، مقام حضرت مهدی علیه السلام است، که از لحاظ مادی پایین‌ترین مزایا را خواهد داشت. اصحابشان نیز این چنین هستند.

اصحاب امام علیه السلام مدیران جامعه بشری هستند، اما از همان ابتدای پیمان با حضرت ولی عصر علیه السلام متعهد می‌شوند، خاک فرش، و سنگ، بالش آنها باشد.

#### د) روش زندگی حضرت مهدی علیه السلام

برخی گمان می‌کنند ظهور حضرت مهدی علیه السلام به آسانی صورت گرفته و ایشان بدون دردسر و به راحتی بر سراسر گیتی مسلط می‌شوند. اما در واقع این‌گونه نیست. ایشان مأمور هستند با ابزار و امکانات ظاهری و متناسب، به پیشروی خویش ادامه دهند و مردم را با تلاش و کوشش، هدایت و آگاه و در نهایت در صورت مقاومت سرکوب سازند.

بشیرنبال گوید:

«هنگامی که خدمت حضرت باقر علیه السلام گفتم: مردم می‌گویند هرگاه مهدی علیه السلام قیام کرد کارها برای ایشان به آسانی تمام می‌شود و هیچ خونی ریخته نمی‌شود. فرمود: هرگز، سوگند به کسی که جانم در اختیار اوست اگر برای کسی به آسانی درست می‌شد برای رسول الله صلی الله علیه و آله درست می‌شد، زمانی که دندان رباعی ایشان افتاد و پیشانی مبارکشان شکافت. هرگز، سوگند به کسی که جانم در اختیار اوست (این چنین نخواهد بود) مگر ما و شما عرق و خون لخته شده را پاک کنیم، سپس بر پیشانی خویش دست کشیدند (یعنی از پیشانی پاک کنیم)»<sup>۱</sup>.

---

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۸۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۸ - عن بشیرالنبال قال: لما قلت ابي جعفر علیه السلام: انهم يقولون ان المهدي لو قام لاستقامت له الامور عفواً و لا بهريق محجة دم، فقال: «كلاً و الذي نفسي بيده لو استقامت لاحد عفواً لاستقامت لرسول الله حين ادميت رباعيته و شجّ في وجهه كلاً و الذي نفسي بيده حتى لمسح نحن و انتم العرق و العلق، ثم مسح جبته».

و نیز مفضل گوید:

«نزد حضرت صادق علیه السلام در طواف بودم که ایشان به من نگاه کردند و فرمودند: ای مفضل چرا تو را غمگین و رنگ پریده می بینم؟ مفضل گفت: فدایت شوم به بنی عباس توجه می کنم، و به آن چه از حکومت و سلطنت و بزرگی که در اختیارشان است. اگر این امکانات در اختیار شما بود ما هم به همراه شما سهمی در آنها داشتیم.

امام علیه السلام فرمود: ای مفضل، بدان اگر حکومت (در دست ما) باشد چیزی جز سیاست شب و تلاش روزانه و خوردن غذای سخت و پوشیدن لباس خشن، مانند امیرالمؤمنین علیه السلام نخواهد بود، در غیر این صورت آتش است. پس (می بینی) حکومت (و رنج آن) از ما برداشته شده و ما (همه چیز) می خوریم و می آشامیم. آیا تاریکی می بینی که خداوند تا این حد، نعمت قرار داده باشد؟»<sup>۱</sup>

نکات مهم حدیث:

۱. مقام بزرگ مفضل در نزد حضرت صادق علیه السلام قابل انکار نیست ولی متأسفانه می بینیم، که ایشان تا چه حد از روح اسلام در زمینه فلسفه حکومت داری فاصله داشته است.

۲. روش حاکم الهی باید همانند امیرالمؤمنین علیه السلام باشد، یعنی در خوردن و پوشیدن و وسیله زندگی و... مانند پایین ترین و فقیرترین فرد در جامعه باشد.

---

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۸۷. عن المفضل بن عمر قال: «كنت عند أبي عبد الله عليه السلام بالطواف فنظر اليّ وقال لي: يا مفضل ما أراك مهموماً متغير اللبّن؟ قال: فقلت له: جعلت فداك نظري الي بنى العباس وما في ايديهم من هذا الملك والسلطان والجبروت، فلو كان ذلك لكم لكنّا فيه معكم، وقال: يا مفضل اما لو كان ذلك لم يكن الا سياسة الليل وسباحة النهار وأكل الجشب ولبس الخشن شبه أميرالمؤمنين عليه السلام والّا فالنار فزوى ذلك انا فصرنا نأكل ونشرب وهل رأية ظلامه جعلها الله نعمة مثل هذا؟».



۳. همان‌گونه که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج‌البلاغه در ضمن نامه‌ای به عثمان بن حنیف اشاره می‌کند، علت این شیوه زندگی این است که اگر مردم، نماینده خداوند را مرفه‌تر از خود ببینند در این صورت به خداوند بدبین می‌شوند و از خود می‌پرسند چرا خداوند تبعیض قائل شده است. زیرا همان‌گونه که همگی می‌دانید، روزی و رزق میان مردم تقسیم شده است و هر کسی هر چه از دنیا به دست می‌آورد با عنایت خداوند بوده است. حال اگر نماینده خدا در روی زمین که روزی دنیا، از طریق وی میان مردم پخش می‌شود برای خود در اثر منصب و مقام سهم بیشتری در مواهب دنیا اختیار کند، در این صورت بدبینی میان فقرا نسبت به خداوند و دستگاه الهی گسترش می‌یابد.

۴. حاکمان الهی حتی اگر از بیت المال نیز بهره‌مند نشوند، نباید با اموال شخصی خود، به شیوه‌ای برتر از فقرای جامعه زندگی کنند زیرا آفات ذکر شده در بند ۳ همچنان باقی خواهند ماند. به همین دلیل است که امیرالمؤمنین علیه السلام با داشتن اموال و باغ‌های فراوان، هرگز از این اموال بهره‌برداری نمی‌کرد.

۵. این روش وظیفه حضرت مهدی علیه السلام و اصحابشان است. در غیر این صورت باید مجازات آتش در قیامت را چاره‌اندیشی کنند.

۶. حکومت در اسلام یک آزمایش بسیار سخت است و اگر خداوند ما را به این آزمایش مبتلا نکرد در واقع به ما رحم کرده و در رفاه می‌مانیم و ما را با تکالیف شخصی و ساده آزمایش می‌کند. اما اگر دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام حکومت به ما رسید، آزمایش سخت در آن روز فراخواهد رسید.

۷. وقتی امام صادق علیه السلام و امام مهدی علیه السلام در صورت رعایت نکردن حال فقرا باید به فکر آتش جهنم باشند. پس سرنوشت اصحاب در صورتی که مقامی در حکومت الهی داشته باشند و در اثر آن مقام، ذره‌ای از مردم مرفه‌تر زندگی کنند چه خواهد بود؟

۸. هر حاکمی در هر نقطه از جهان در تمام مظاهر زندگی مادی خواه از اموال خود باشد یا اموال مردم، حق ندارد بیش از پایین‌ترین فقیر جامعه زندگی کند در غیر این صورت باید خود را در صف دوزخیان ببیند. همان‌گونه که امیرالمؤمنین علیه السلام و فرماندهانش این‌گونه بودند.

۹. امیرالمؤمنین علیه السلام به دلیل سمت قطعی از جانب خداوند، خواه به حکومت ظاهری برسند یا نرسند باید به این قانون الهی عمل کنند.

۱۰. اما دیگر ائمه اطهار علیهم السلام چون سمت امیرالمؤمنین ندارند، فقط در صورت به حکومت ظاهری رسیدن موظف هستند این‌گونه عمل کنند. اما اگر به حکومت ظاهری نرسیدند، در زندگی شخصی و اجتماعی مانند دیگر مردم بوده و می‌توانند از اموال خویش نیز بهره‌مند شوند، مانند آنچه که در زندگی حضرات صادق و باقر علیهم السلام می‌بینیم. به همین دلیل است که امام علیه السلام می‌فرماید کدام تاریکی (حکومت طاغوتی) برای ما این چنین راحتی دارد. یعنی در این عصر (خلفای عباسی) که حکومت در دست ما نیست، ما نیز مشمول قانون «رعایت حداقل» نیستیم و مثل بقیه از مواهب زندگی استفاده می‌کنیم.

۱۱. اصحاب نیز این‌گونه هستند یعنی در دوران باطل در خانه‌های خود ایمن و راحت زندگی می‌کنند و تکلیف سختی بیش از دیگران ندارند. اما اگر دولت حق تشکیل شد، حاکمان زمین شده و مسئول گرسنگی و فقر و حتی ناراحتی روانی فقرا در جامعه هستند و در صورت کوتاهی، در روز قیامت آنان را مؤاخذه خواهند کرد.

عمر و گوید:

«من نزد حضرت صادق علیه السلام در خانه ایشان بودم در حالی که خانه پر از جمعیت بود. مردم از ایشان می‌پرسیدند و حضرت علیه السلام نیز به هر سؤال پاسخ می‌داد. من در گوشه خانه گریه‌ام گرفت. امام علیه السلام فرمود:

ای عمر چه چیزی تو را به گریه انداخت؟ گفتم: فدایت شوم، چگونه گریه نکنم. آیا در میان امت کسی مانند شما وجود دارد؟ در حالی که درب خانه به روی شما بسته و پرده بر شما افکنده شده است (کسی با شما ارتباط ندارد). امام علیه السلام فرمود: ای عمرو گریه نکن. ما اکنون بیشترین غذای خوب خورده و لباس راحت (گران قیمت) می پوشیم. اما اگر آن چه می گویی (حکومت) واقع شود کاری نمی ماند جز خوردن غذای سخت (خشک) و پوشیدن لباس خشن مانند امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در غیر این صورت باید زنجیرهای آتشین را درمان کنیم.<sup>۱</sup>

این حدیث نیز در جهت همان حدیث سابق و تایید مطالبی است که

اشاره شد.<sup>۲</sup>

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۸۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۰ - عن عمرو بن شمر و قال: «كنت عند ابی عبدالله علیه السلام فی بیته و البیت غاص بأهله فأقبل الناس یسألونه فلا یسأل عن شیء الا أجاب فیہ، فبکیت من ناحیة البیت فقال: ما یبکیک یا عمرو؟ قلت: جعلت فداک و کیف لا أبکی و هل فی هذه الامة مثلك و الباب مغلق علیک و الستر لمرخی علیک؟ فقال: لاتبک یا عمرو نأکل أكثر الطیب و نلبس اللین و لو کان الذی تقول لم یکن الا أکل الجشب و لبس الخشن مثل امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و الا فمعالجة الاغلال فی النار».

۲. این حدیث و احادیث مشابه آن از گنج های مخفی در دوران غیبت و پیش از ظهور مهدی علیه السلام است. با درک این حدیث و امثال آن عده بسیاری به بهشت خواهند رفت و با درست درک نکردن این حدیث عده بسیاری به دوزخ افکنده خواهند شد. اگر این احادیث را آن گونه که شایسته است درک کردید، از الطاف خفیه الهی بهره مند گشته اید که با هیچ چیز قابل مقایسه نیست. این مطالب را زمانی به واقع باور خواهید کرد که در عصر ظهور مهدی علیه السلام قرار گیرید و از زبان مبارک امام عصر علیه السلام بشنوید، هرچند در آن روز نیز عده ای بر علیه امام علیه السلام خواهند شورید.

برخی گمان می‌کنند از آنجا که امام عصر علیه السلام برای انتقام الهی از ظالمان می‌آید، پس هیچ کس از دست انتقام ایشان خلاصی نخواهد داشت. عده دیگری نیز برعکس به دنبال نشان دادن چهره‌ای آسان‌گیر و کاملاً با گذشت از امام عصر علیه السلام هستند.

با بررسی روایات که تعدادی از آنها را مطرح نمودیم، معلوم می‌شود که هیچ کدام از دو نظریه فوق صحیح نیست. همان‌گونه که اشاره شد، امام عصر علیه السلام با شمشیر قیام کرده و به مدت هشت ماه<sup>۱</sup> دائم می‌جنگد و... ولی جنگ آن حضرت و مبارزاتش با سرکشان و ظالمان سیاسی و سران مذهبی که در مقابل ایشان ایستادگی و مقابله کنند، می‌باشد. اما کسانی که بر سر راه ایشان قرار نگرفته و اگرچه جزء یاران ایشان نمی‌شوند ولی در مقابل آن حضرت نیز قرار نمی‌گیرند، در این صورت مشمول تنبیه و مجازات قرار نخواهند گرفت، هر چند در پیشگاه خداوند کسی که خودش را از امداد و یاری امام عصر علیه السلام کنار بکشد، در آخرت تنبیه می‌گردد ولی عذاب دنیوی توسط حضرت علیه السلام نخواهد داشت.

## فصل سوم:

### اسباب و وسایل حضرت مهدی علیه السلام

ائمه اطهار علیهم السلام به نمایندگی از امیرالمؤمنین علیه السلام پادشاهان مطلق هستی هستند. اراده آنان به هر چیزی تعلق گرفت با اذن و اجازه الهی می‌توانند انجام دهند. اما با این وجود می‌بینیم آنان حکومت‌های ستمگر را تحمل کرده و در مقابل گرسنگی، بی‌توجهی دیگران، تهدید و زندانی شدن صبر می‌کردند. در زندگی از اسباب و امکانات ظاهری استفاده می‌کردند. همین رفتار آنان سبب شده تا برخی کم‌خردان دو مورد گمان نادرست پیدا کنند:

اولاً: برخی گمان می‌کنند که امام علیه السلام از توانایی خارق‌العاده برخوردار نبوده و از امکاناتی مانند دیگران برخوردار است، مزیتی بر دیگران ندارد و فقط از طرف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عهده‌دار حکومت و سرپرستی مردم شده‌اند و نیروی خارق‌العاده و یا علمی افزون بر روابط ظاهری و آشکار میان پدیده‌ها ندارند. ثانیاً: برخی به سوی دیگر رفته و آنچنان افراطی فکر می‌کنند که گمان می‌کنند، امام مهدی علیه السلام جز با وسایل خارق‌العاده و معجزه‌آسا مبارزه و عمل نمی‌کند و برای اثبات عقیده خود به روایاتی متوسل می‌شوند که بیانی به ظاهر شگفت‌آور و خارق‌العاده دارد.

اما با بررسی این روایات و توجه به سنت الهی مبنی بر حفظ آزادی انتخاب و تشخیص انسان‌ها، معلوم می‌شود که بحث اسباب و وسایل امدادی امام

عصر ع که در روایات مطرح شده است نشان دهنده وجود ابزار و امکانات خاصی در خدمت ایشان است و نمی‌توان این‌گونه روایات را با دیدی یک جانبه‌نگر ملاحظه نمود.

در این فصل تعدادی از این روایات را بررسی می‌کنیم تا معلوم شود که اسباب و وسایل مورد نظر چیست؟

### امکانات عمومی امام عصر ع

این امکانات در روایات به شکل‌های گوناگون مطرح شده است و هر یک به برخی از این امکانات اشاره کرده‌اند.

هروی از امام رضا ع ایشان نیز از پدرانشان ع نقل می‌کند، فرمودند: «پیامبر اکرم ص فرمود: هنگامی که مرا به آسمان بردند، مرا ندا دادند، ای محمد! گفتم: پروردگارم گوش به فرمان و مطیع هستم، شما با برکت و برتر هستید. ندا آمد که ای محمد تو بنده منی و من پروردگار تو هستم، فقط مرا پرستش کن و بر من توکل نما. زیرا تو نور من در میان بندگانم و رسولم در میان مخلوقاتم و حجت من بر پرورده‌هایم هستی. بهشت خودم را برای تو و کسانی که از تو پیروی کنند ساختم و آتش خویش را برای کسانی که با تو مخالفت کنند ایجاد کردم و کرامت خود را برای جانشینان واجب نمودم و پاداش خود را برای شیعیان‌شان واجب ساختم.

گفتم: ای پروردگارم، جانشینانم چه کسانی هستند؟ ندا آمد که ای محمد، جانشینان تو را بر پایه عرشم نوشته‌ام و من در حالی که در برابر پروردگارم قرار داشتم به پایه عرش نگاه کردم. دوازده نور را دیدم که در هر نور سطری سبز رنگ بود که در آن اسم جانشینی از جانشینانم وجود داشت. اولین (شخص) علی بن ابی‌طالب و آخرین



(شخص) از آنها مهدی امتم بود.  
گفتم: ای پروردگارم آیا این‌ها جانشینانم هستند؟ ندا آمد که ای محمد آنها اولیاء و دوستان و برگزیدگان و حجّت‌های (دلیل و راهنمایان) من بر مخلوقاتم پس از تو هستند. آنان جانشینان و اوصیاء تو و بهترین مخلوقاتم پس از تو می‌باشند و به عزت و جلالم سوگند به وسیله آنان دین خود را آشکار و به وسیله آنان کلمه (لا اله الا الله) خودم را برتر می‌نمایم. به وسیله آخرین آنها، زمین را از دشمنانم پاک ساخته و مشرق‌ها و مغرب‌های زمین را به مالکیت وی در آورده، و بادها را به تسخیر و ابرهای تند را رام وی می‌گردانم. او را در (تمام) اسباب ارتقاء (بالا) داده و او را به وسیله سپاهم یاری و با ملائکه‌ام کمک می‌نمایم، تا دعوتم آشکار گردد و مردم بر توحیدم جمع گردند سپس حکومتش را با دوام سازم و دوران را میان اولیائم می‌گردانم تا روز قیامت»<sup>۱</sup>.

---

۱. *علل الشرایع*، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۶؛ *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۳۱۲ - عن الهروی عن الرضا علیه السلام عن آبائه علیهم السلام قال: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: لَمَّا عَرَجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ نُوذِيتُ يَا مُحَمَّدًا فَقُلْتُ: لَبِيكَ رَبِّي وَ سَعْدِيكَ، تَبَارَكَتْ وَ تَعَالَيْتْ فَنُوذِيتُ يَا مُحَمَّدَ أَنْتَ عَبْدِي وَ أَنَا رَبُّكَ فَيَايَ فَاعْبُدْ، وَ عَلَيَّ فَتَوَكَّلْ فَانْكَ نُورِي فِي عِبَادِي وَ رَسُولِي إِلَى خَلْقِي وَ حَجَّتِي عَلَيَّ بِرَبِّي لَكَ وَ لِمَنْ تَبِعَكَ خَلَقْتَ جَنَّتِي وَ لِمَنْ خَالَفَكَ خَلَقْتَ نَارِي وَ لِأَوْصِيَائِكَ أَوْجِبْتَ كِرَامَتِي وَ لِشِيعَتِهِمْ أَوْجِبْتَ ثَوَابِي.

فقلت: يَا رَبِّ وَ مَنْ أَوْصِيَائِي؟ فَنُوذِيتُ يَا مُحَمَّدَ أَوْصِيَائِكَ الْمَكْتُوبُونَ عَلَيَّ سَاقِ عَرْشِي فَنَظَرْتُ وَ أَنَا بَيْنَ يَدَيِ رَبِّي جُلُّ جَلَالِهِ إِلَى سَاقِ الْعَرْشِ فَرَأَيْتُ اثْنَيْ عَشَرَ نُورًا فِي كُلِّ نُورٍ سَطَرَ أَخْضَرَ عَلَيْهِ اسْمُ وَصِيٍّ مِنْ أَوْصِيَائِي أَوْلَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ آخِرُهُمْ مَهْدِيٌّ أُمَّتِي. فقلت: يَا رَبِّ هَوْلَاءِ أَوْصِيَائِي بَعْدِي؟ فَنُوذِيتُ يَا مُحَمَّدَ هَوْلَاءِ أَوْلِيَائِي وَ أَحِبَّائِي وَ أَصْفِيَائِي وَ حَجَجِي بَعْدَكَ عَلَيَّ بِرَبِّي وَ هُمْ أَوْصِيَائُكَ وَ خَلَفَاؤُكَ

### نکات مهم حدیث:

۱. این حدیث از احادیث زیباست که شرح ماجرای یکی از موارد عروج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را بیان می‌فرماید.
۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دلیل تواضع و به دلیل این که نمی‌خواست مردم، ایشان را در کنار خداوند قرار دهند، با فعل مجهول «به آسمان برده شدم» رفتن به آسمان را بیان فرموده است. در حالی که ما می‌دانیم با توجه به همین حدیث و احادیث دیگر ایشان هر وقت می‌خواست می‌توانست با اذن و اجازه الهی شخصاً به آسمان رود.
۳. برداشت دیگری که از لفظ «برده شدم» می‌یابیم این است که ایشان با وسیله‌ای نورانی به نام «براق» به آسمان می‌رفت، شاید منظور از «برده شدم» یعنی «با این وسیله برده شدم» باشد.
۴. در این حدیث به دو نوع وسیله اشاره شده است.  
نوع اول: وسیله خداوند برای آشکار شدن دین و برتری کلمه توحید و پاکسازی جهان از دشمنان خداوند.
- نوع دوم: وسیله‌هایی که در اختیار امام عصر علیه السلام می‌گذارد تا با آن مأموریت خاص خودش را انجام دهد.
۵. نوع اول از وسایل، که همانا وسایل الهی یعنی ائمه اطهار علیهم السلام هستند

---

→ و خیر خلقی بعدك و عزتی و جلالی لاطهرن بهم دینی و لاعلین بهم کلمتی و لاطهرن الارض بأخرهم من اعدائی، و لا لأملکته مشارق الارض و مغاربها و لاسخرن له الريح و لاذلن له السحاب الصعاب و لارقینته فی الاسباب و لانصرته بجندی و لا مدنه بملائکتی حتی یعلن دعوتی، و یجمع الخلق علی توحیدی ثم لا دیمن ملکه، و لا داوین الایام بین اولیائی الی یوم القیامة».

۱. همان‌گونه که خداوند متعال در قرآن به ما دستور می‌دهد که برای شناخت خداوند و

نیز دو دسته هستند.

دسته اول: کسانی از ائمه اطهار علیهم السلام که خداوند به وسیله آنها دینش را آشکار و کلمه‌اش (لا اله الا الله) را برتری می‌بخشد که در مورد تمامی ائمه اطهار علیهم السلام می‌باشد و همه آنها این دو خصوصیت را دارا بودند. یعنی وسیله‌ای بودند که خداوند با آنها دین خود را آشکار نموده و کلمه توحید واقعی خویش را بر توحیدهایی که دیگران مطرح می‌کنند که همگی شرک‌آلود است، برتری بخشیده است.<sup>۱</sup>

دسته دوم: وسیله خاص الهی است که فقط در مورد یکی از ائمه اطهار علیهم السلام واقع می‌شود که همانا آخرین امام است. در واقع حضرت مهدی وسیله خاص الهی است که خداوند متعال به وسیله ایشان زمین را از دشمنان خویش پاکسازی می‌کند.

۶. نوع دوم وسایلی هستند که در اختیار امام عصر علیه السلام قرار دارد تا با

---

→ انجام تکالیف وی باید وسیله‌ای را اختیار کنیم: ﴿وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾ (مائده (۵): آیه (۳۵). حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید: ما آن وسیله‌های الهی هستیم، که خداوند دستور داده از آنها استفاده نمایید.

۱. آنچه که در طول تاریخ مورد نزاع بشر میان خود و نیز نزاع آنها با پیامبران الهی بوده در همین مسأله بوده است. پیامبران می‌گفتند ما وسایل خداوند در هدایت بشریت هستیم، ولی طاغوت‌ها و شیطان‌های انسان‌نما می‌گفتند، راه‌های خداشناسی و هدایت منحصر به انبیاء نیست و وسایل دیگری نیز برای هدایت وجود دارد. به این ترتیب بود که هر کسی می‌گفت من با نقاشی یا موسیقی یا ورزش یا شعر یا فلسفه یا عرفان یا... به شناخت خدا یا خداشناسی می‌رسم. در واقع آنها وسیله‌هایی غیر از وسایل الهی برمی‌گزیدند و به این ترتیب به وسایل الهی مشرک و کافر می‌گشتند. در عصر حاضر نیز همین افکار شیوع دارد که با ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام، مهمترین وسیله الهی ظهور می‌کند و تمام وسایل منحرف بشری نابود خواهد شد.

استفاده از آنها بر دشمنان خداوند در سراسر کیهان و هستی پیروز شود. مأموریت امام عصر علیه السلام فقط برپایی عدالت و برکناری شیطان از سطح زمین نیست بلکه تمامی کهکشان‌ها و ستارگان محل عملکرد ایشان است.

۷. گستردگی این مأموریت را از جمله «مشرق‌ها و مغرب‌های زمین» متوجه می‌شویم.<sup>۱</sup>

۸. امام عصر علیه السلام صاحب اختیار و مالک تمامی هستی می‌شود و پس از ظهور قلمرو ابلیس محدود و سرکوب خواهد شد.<sup>۲</sup>

۹. یکی از اسباب و وسایل که در اختیار ایشان قرار می‌گیرد «ریاح» یا «بادها» می‌باشد. در بسیاری از روایات «ریاح» یا «بادها» را با انواع مختلف وسیله‌ای جهت حرکت‌های سریع تعبیر کرده‌اند. در واقع «بادها» وسیله‌ای رانشی و قوه محرکه برای وسیله حرکتی امام علیه السلام است. از تسخیر شدن «بادها» توسط ایشان نیز این مطلب آشکار می‌شود. یعنی امام علیه السلام به وسیله تسخیر کردن و کنترل و تصرف کردن این نیروی محرکه و رانشی، وسایل حرکتی خویش را به حرکت در می‌آورد.

۱۰. وسیله حرکتی امام علیه السلام «سحاب» یا «ابر» نام دارد. امام علیه السلام بر «ابر» سوار می‌شود و به وسیله نیروی رانشی «باد» حرکت می‌کند. طبیعی است که این حرکت به آسمان‌ها خواهد بود.<sup>۳</sup>

۱۱. وسیله دیگر برای امام علیه السلام تمامی «اسباب» یعنی تمامی وسایل مورد

۱. بررسی مشرق‌ها و مغرب‌ها را در کتاب «فرازمینی‌ها در آیات و روایات» اثر اینجانب آورده‌ایم و اشاره به کهکشان‌ها و سیارات مختلف در سطح این کهکشان‌ها دارد.  
 ۲. به مبحث فصل هشتم از کتاب «فرازمینی‌ها در آیات و روایات» مراجعه کنید.  
 ۳. این مطلب را در فصل‌های آینده بیشتر توضیح خواهیم داد.

نیاز در جهت بالا رفتن به آسمان‌ها است.<sup>۱</sup>

۱۲. امام عصر علیه السلام به وسیله «سپاه الهی» یاری خواهد شد. آنها نیروهای آسمانی هستند که غیر از ملائکه می‌باشند و ما آنها را همان‌گونه که در کتاب «فرازمینی‌ها در آیات و روایات» اشاره کرده‌ایم به نام «نیروهای فرازمینی» نامیده‌ایم. آنها نیروهایی با وسایل بسیار پیشرفته هستند که امام علیه السلام را در نبردهایشان با قدرت‌های بزرگ شیطانی و دشمنان زمینی و آسمانی یاری می‌کنند.

۱۳. امام علیه السلام با نیروهای دیگری به نام ملائکه نیز یاری می‌شود. به دلیل این که «ملائکه» جدا از «سپاه الهی» آمده است، نشان می‌دهد که این دو نیرو جداگانه و متفاوت هستند.

۱۴. امام علیه السلام به وسیله این وسایل تمام مخلوقات را بر توحید جمع می‌گرداند.

۱۵. از آنجا که اجنه و نسناس‌ها نیز از مخلوقاتی هستند که نیازمند اصلاح عقیده می‌باشند و چون آنان در آسمان‌ها و کهکشان‌ها نیز قرار دارند، مأموریت امام عصر علیه السلام به آن نقاط هم گسترش می‌یابد. این مطلب دلیل دیگری بر آسمانی بودن رسالت ایشان می‌باشد.<sup>۲</sup>

۱۶. از جمله «حکومتش را دوام می‌دهم» معلوم می‌شود که حکومت آن حضرت علیه السلام طولانی خواهد بود.

۱۷. این حکومت میان اولیاء یعنی ائمه اطهار علیهم السلام به گونه‌ای پی‌درپی تا قیامت می‌گردد. این مطلب نشان از رجعت عمومی و همگانی اهل‌بیت دارد و

۱. این مطلب را در همین فصل توضیح می‌دهیم.

۲. فرازمینی‌ها در آیات و روایات، بخش دوم.

نظر برخی متفکرین که معتقدند همگی ائمه اطهار علیهم السلام در رجعت باز نمی‌گردند بلکه تعدادی رجعت می‌کنند، باطل است زیرا از کلمه «اولیاء» تمامی آنان را استنباط می‌کنیم، مگر این که تصریح بر تعداد خاصی شده باشد که چنین تصریحی در دست نیست.

### مهم‌ترین وسیله نقلیه امام عصر علیه السلام

همان‌گونه که اشاره شد، امام عصر علیه السلام تمامی وسایل هستی را در اختیار دارد. در هر موردی بهترین و بالاترین وسیله‌ها را در اختیار دارد. به دلیل وسعت و ابعاد مأموریت ایشان که همانا آسمان‌ها و زمین است، مهم‌ترین وسیله‌ای که به گونه‌ای گسترده کاربرد خواهد داشت، خواه در آغاز ظهور که بر روی زمین هستند و خواه پس از استقرار عدالت و بیرون راندن سپاهیان ابلیس از سطح زمین و پرداختن به نبردهای آسمانی در ابعاد کیهانی، وسیله نقلیه‌ای است که ایشان و اصحابشان را به اقصی نقاط زمین و کیهان برساند.

اگر بتوان تشبیه کرد، وسیله حمل و نقل خاص ایشان را می‌توان به قدرت نیروهای هوایی در ارتش‌های جهانی و انسان‌ها تشبیه نمود. همان‌گونه که مهم‌ترین نیروی رزمی در ارتش‌های مدرن جهان، نیروی هوایی است زیرا به راحتی از آسمان هر نقطه‌ای را می‌کوبند و نابود می‌سازند، مهم‌ترین سپاهیان و نیروهای امدادی امام علیه السلام نیز نیروهایی هستند که از آسمان امدادهای خویش را متمرکز می‌سازند.<sup>۱</sup>

ابوسلام از حضرت باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

«آگاه باش که ذوالقرنین (در انتخاب) میان دو ابر مختار شد. او «ابر

---

۱. در آینده در ضمن نبردهای سپاهیان امام علیه السلام با دشمنان زمینی به موارد متعددی از این نبردهای شگرف اشاره می‌کنیم.



آرام» را انتخاب نمود و «ابر خروشان» را برای حضرت صاحب علیه السلام ذخیره نمود.

گفتم: ابر خروشان چیست؟

فرمود: ابری که در آن غرّش و صاعقه و برق باشد. پس صاحب الامر بر آن سوار می شود. بدانید که ایشان بر «ابر» سوار می شود و در اسباب بالا می رود، همان اسباب آسمان های هفت گانه و زمین های هفت گانه، در حالی که پنج مورد از این زمین ها آباد و دو مورد خراب است.<sup>۱</sup>

نکات مهم این حدیث:

۱. تمام نکات حدیث قبل را مرور کنید، آنگاه متوجه بسیاری از اسرار حدیث فوق خواهید شد.
۲. شاید حدیث دیگری این چنین آشکارا بر وسیله نقلیه بودن «ابر» تأکید نداشته باشد.
۳. ذوالقرنین با «ابر آرام» تا مسافت کمی از آسمان ها بالا رفت ولی حضرت مهدی علیه السلام با «ابر خروشان» تمامی کائنات را خواهد گردید.
۴. آسمان های هفت گانه و زمین های هفت گانه ممکن است تعابیر دیگری

---

۱. بصائر الدرجات، ص ۴۲۹ - عن ابی جعفر علیه السلام قال: «أما إنّ ذوالقرنین قد خیر السحابین فاختار الذلول و ذخر لصاحبکم الصعب. قال: قلت: و ما الصعب؟ قال: ما کان من سحاب فیه رعد و صاعقة او برق فصاحبکم یرکبه. أما انه یرکب السحاب و یرقی فی الاسباب اسباب السماوات السبع و الارضین السبع، خمس عوامر و اثنتان خرابان».

- از آسمان نیمکره شمالی و آسمان نیمکره جنوبی باشد.<sup>۱</sup>
۵. امام علیه السلام تمدن‌های فاسد و خراب را از لوٹ دست‌های آلوده‌گر شیطان‌های تابع ابلیس پاکسازی می‌کند.
۶. غرّش و نور و روشنایی و تلالؤ خیره‌کننده از صفات بارز این سفینه‌ها یا «ابره‌های خروشان» است.
۷. استفاده از سفینه‌های آسمانی که در خدمت حضرت ولی‌عصر قرار می‌گیرد نشانه ضعف ایشان نیست بلکه نشانه سلطنت و تسلط ایشان بر تمامی موجودات، کائنات و هستی می‌باشد.<sup>۲</sup>
۸. اسباب، همه وسایلی است که در اختیار امام عصر علیه السلام می‌باشد و برای نفوذ و سفر به آسمان‌ها استفاده می‌شوند.

### «رعب» نیروی امدادی

تا کنون با بسیاری از نیروهای امدادی امام عصر علیه السلام آشنا شدیم. اما نیروی مرموز دیگری که به عنوان قدرتی پروازکننده و توسعه یافته و پیشرو مطرح است، وجود دارد. روایات، این نیروی مرموز را به نام «رعب» یا «وحشت» نام‌گذاری کرده‌اند.

جابر جعفی از جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند:

«شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: ذوالقرنین بنده صالحی بود که خداوند

- 
۱. در مورد آسمان‌های هفت‌گانه و زمین‌های هفت‌گانه احتمالات دیگری نیز وجود دارد که به دلیل اختصار از آوردن این احتمالات و بررسی بیشتر در این زمینه خودداری می‌کنیم و عزیزانی که مایل هستند بیشتر در این مورد مطالعه کنند را به مطالعه کتاب «فرازمینی‌ها در آیات و روایات» اثر اینجانب دعوت می‌کنم.
۲. مراجعه کنید به کتاب «فرازمینی‌ها در آیات و روایات».

وی را حجت خویش بر بندگانش قرار داد. وی مردم قومش را به سوی خداوند متعال دعوت می‌کرد و آنها را به خدا ترسی فرمان می‌داد، در نتیجه آنان بر شاخ (سرش) کوبیدند. وی نیز از (دست) آنها پنهان گشت تا این که گفتند وی مرده یا کشته شده یا در کدام وادی گم شده است.

سپس آشکار گشت و به سوی قومش بازگشت و آنها نیز دوباره بر شاخ (سرش) کوبیدند.

بدانید در میان شما کسی مانند روش ذوالقرنین هست و خداوند ذوالقرنین را در زمین مسلط گردانید و از هر چیزی وسیله‌ای (سببی) در اختیار وی گذاشت و به مشرق و مغرب رسید. خداوند متعال روش (سنت) وی را در مورد قائم علیه السلام فرزندم جاری می‌سازد و او را به شرق و غرب زمین می‌رساند تا جایی که هر دشت و نقاط (مختلف) هر دشت و کوهی که ذوالقرنین پیموده، خواهد پیمود و خداوند گنج‌های زمین و معادن (مختلف) آن را بر وی آشکار می‌سازد و او را با «رعب» (وحشت) یاری می‌کند تا زمین را پر از عدل و داد سازد همان‌گونه که پر از ظلم و جور شده باشد.<sup>۱</sup>

---

۱. کمال الدین، ص ۳۹۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۲ - عن جابر الجعفی عن جابر بن عبدالله الانصاری قال: «سعمت رسول الله يقول: ان ذوالقرنین کان عبداً صالحاً جعله الله حجّةً علی عباده، فدعا قومه الی الله عزوجل و امرهم بتقواه فضربوه علی قرنه فغاب عنهم زماناً حتی قیل مات او هلك بای واد سلك. ثم ظهورو رجع الی قومه فضربوه علی قرنه.

ألا و فیکم من هو علی سنته و ان الله عزوجل مکّن له فی الارض و آتاه من کل

نکته جالب در این روایت این است که به ذوالقرنین از هر چیزی یک سبب اعطاء شد ولی تمام اسباب به حضرت ولی عصر علیه السلام داده می شود. نکته مهم و مورد نظر دیگر در این روایت مسأله یاری شدن امام عصر به وسیله «رعب» است. شاید برخی گمان کنند که وحشت یک احساس و الهام درونی است که در اثر رفتار امام عصر علیه السلام در دل مشرکان و دشمنان ایشان به وجود می آید. البته این مطلب را قبول دارم، یعنی رفتار امام عصر علیه السلام این احساس را در مردم جهان ایجاد می کند ولی مسأله «رعب» یا «وحشت» که امدادگر حضرت علیه السلام است به عنوان یک موجود محسوس و ملموس مطرح است.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«... (پس از بیان پرچم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که بسته شده است می فرماید)، آن پرچم نزد ما است، هیچ کس آن را نخواهد گشود تا زمانی که قائم علیه السلام قیام کند. وقتی ایشان قیام کرد آن را می گشاید، در نتیجه در مشرق و مغرب کسی نیست مگر آن که آن را لعنت می کند و (با باز شدن پرچم) «رعب» (وحشت) پیشاپیش آنها به مدت یک ماه و در پشت سر به مدت یک ماه و در سمت چپ و در سمت راست نیز (هرکدام) به مدت یک ماه حرکت می کند»<sup>۱</sup>.

---

→ شیء سبباً و بلغ المشرق و المغرب و ان الله تبارک و تعالی سيجري سنته في القائم من ولدي و يبلغه شرق الارض و غربها، حتى لا يبقى سهل و لا موضع من سهل و لا جبل و طئه ذوالقرنین الا و طئه و يظهر الله له كنوز الارض و معادنها و ينصره بالرعب يملا الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً».

۱. غیبت نعمانی، ص ۳۰۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۱ - قال الصادق علیه السلام: «... و هی عندنا هناك لا ينشرها احد حتى يقوم القائم علیه السلام فاذا قام نشرها فلم يبق المشرق

### نکات مهم حدیث:

۱. ارتباط مستقیمی میان باز شدن پرچم و حرکت «رعب» وجود دارد. به گونه‌ای که با باز شدن پرچم است که می‌بینیم «رعب» حرکت می‌کند.
  ۲. در قدیم مسافت‌ها را نیز با ماه و سال و روز می‌سنجیدند. مثلاً فاصله شهرها را ده روز یا یک ماه اعلام می‌کردند، که در واقع می‌خواستند مسافت را اعلام کنند. در اینجا نیز وقتی می‌فرماید «رعب» به فاصله یک ماه جلو می‌رود یعنی رعب به مسافت یک ماه در اطراف و جهات چهارگانه امام قرار دارد.
  ۳. به این ترتیب در واقع «رعب» جاده صاف کن بوده و شرایط را برای پیشروی امام و محافظت از ایشان فراهم می‌نماید.
  ۴. در آینده<sup>۱</sup> زمانی که حوادث عراق را بررسی می‌کنیم نشان خواهیم داد که این پرچم در نجف گشوده خواهد شد و پس از آن است که «رعب» حرکت اصلی خویش را به صورتی کاملاً آشکار و مقتدرانه آغاز می‌کند.<sup>۲</sup>
- در روایات، اشاره به نوعی ترس نیز شده است که در اثر حادثه‌ای میان مردم واقع می‌شود.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«هنگامی که یکی از مردان (اصحاب امام علیه السلام) در کنار امام مهدی علیه السلام است و حضرت امر و نهی وی می‌کند، ناگهان می‌فرماید:

---

و المغرب احد الا لعنها و يسير الرعب قد امها شهراً [و وراء شهراً] و عن يمينها شهراً  
و عن يسارها شهراً».

۱. بخش دوم، فصل اول همین کتاب.
۲. دو پرچم هنگام ظهور گشوده می‌شود، پرچمی در آغاز ظهور رسمی در مکه و دیگری پرچم اصلی در نجف، در همان‌جا بررسی بیشتری در مورد حقیقت رعب خواهیم داشت.

او را بچرخانید. وی را در مقابل حضرت علیه السلام می‌گردانند، ایشان نیز فرمان می‌دهد تا وی را گردن بزنند، در نتیجه در شرق و غرب چیزی نمی‌ماند جز این که از وی (مهدی علیه السلام) می‌ترسد.<sup>۱</sup>

البته این شخص منافق بود که امام علیه السلام با علم الهی او را شناسایی می‌کند. این خوف و ترس از ناحیه قاطعیت امام علیه السلام است اما «رعب» یک نیروی امدادی از جانب خداوند است که اعطایی می‌باشد و ارتباطی با قاطعیت و عملکرد آن حضرت ندارد. هر چند این عملکرد نیز در ایجاد ترس و وحشت هنگام برخوردهای ایشان با گروه‌های متخاصم مؤثر است ولی «رعب» و «وحشت» اعطایی از جانب خداوند به فاصله یک ماه که احتمالاً چیزی حدود هزار کیلومتر است<sup>۲</sup> پیش رو و در اطراف آن حضرت، نقش آماده‌سازی و حمایت و محافظت را برای امام علیه السلام و اصحابشان ایفا می‌کند.

### مقابله حضرت مهدی علیه السلام با تکنولوژی پیشرفته

شاید مهم‌ترین پرسش در مورد شیوه ظهور امام عصر علیه السلام این باشد که ایشان در مقابل نیروهای دهشتناک و پیشرفته امروزی چگونه و با چه اسلحه‌ای می‌جنگند. در این فصل اشاره‌ای به برخی نیروهای امدادی ایشان نمودیم اما در آینده به صورت گسترده در مورد توانایی‌های ظاهری امام علیه السلام و زمان استفاده از آنها گفتگو خواهیم کرد.

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۳۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۵ - عن ابی عبدالله انه قال: «بینا الرجل علی رأس القائم علیه السلام یأمره و ینهاه اذ قال: اذیروه فی دیروه الی قدّامه فیأمر بضرب عنقه، فلا یبقی فی الخاقین شیء الا خافه».

۲. هر کسی در دوران گذشته به طور متوسط روزانه و روزانه پیاده سی کیلومتر راه می‌پیمود که در طول یک ماه نزدیک به هزار کیلومتر می‌شود.



### امکانات پیامبران در اختیار حضرت مهدی علیه السلام

همان‌گونه که حضرت مهدی علیه السلام دارای صفات تمام انبیاء بزرگ هستند، امکانات و معجزات همگی آنان نیز در اختیار ایشان خواهد بود.  
ابوبصیر گوید:

«شنیدم حضرت باقر علیه السلام می‌فرماید: در صاحب این امر شباهتی با چهار پیامبر است: شباهتی از موسی علیه السلام و شباهتی از عیسی علیه السلام و شباهتی از یوسف علیه السلام و شباهتی از محمد صلی الله علیه و آله.

گفتم: شباهت موسی علیه السلام چیست؟ فرمود: ترسان بودن و مراقبت داشتن (هنگام خروج از مدینه). گفتم: شباهت ایشان به عیسی علیه السلام در چیست؟ فرمود: در مورد وی همان که در مورد عیسی علیه السلام گفتند، خواهند گفت.

گفتم: شباهت به یوسف علیه السلام چیست؟ فرمود: زندان و غیبت نمودن (غیبت نمودن حضرت شبیه غیبت یوسف علیه السلام است).

گفتم: شباهت به محمد صلی الله علیه و آله در چیست؟ فرمود: هرگاه قیام نمود مانند سیره رسول الله صلی الله علیه و آله عمل خواهد کرد، جز این که ایشان آثار محمد صلی الله علیه و آله را روشن خواهد نمود و شمشیر را به مدت هشت ماه بر می‌دارد و بسیار می‌کشد تا خدا از وی راضی شود.

گفتم: چگونه می‌فهمد که خداوند راضی شده است؟ فرمود: خداوند رحمت را در قلبش می‌افکند.<sup>۱</sup>

---

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۶۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۷ - عن ابی بصیر قال: «سمعت ابا جعفر الباقر علیه السلام يقول: فی صاحب هذا الامر شبه من أربعة انبیاء: شبه من موسی

شباهت حضرت ولی عصر علیه السلام با حضرت عیسی علیه السلام در آنچه مسیحیان ادعا می‌کردند، در مورد حضرت صاحب الامر علیه السلام واقع نشده است و ممکن است در آینده نزدیک و پیش یا پس از ظهور عده‌ای از شیعیان نسبت به امام علیه السلام دچار غلو شده و نعوذاً بالله، نسبت خدایی یا شبیه آن به حضرت بدهند. این شباهت‌ها در رفتار و عملکرد نیز می‌باشد. شباهت حضرت مهدی علیه السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در موارد متعددی است که در اینجا به دو مورد اشاره نموده‌اند ولی در آینده موارد متعددی را از این شباهت‌ها می‌آوریم.

حضرت رضا علیه السلام فرمود:

«... همراه حضرت مهدی علیه السلام عصای موسی علیه السلام و انگشتر سلیمان است...»<sup>۱</sup>

البته برخی از آثار انبیاء را از ابتدا همراه دارند و برخی از این آثار را از نقاط مختلف مانند غار انطاکیه یا دریاچه طبریه بیرون خواهند آورد.<sup>۲</sup>

→ و شبهه من عیسی و شبهه من یوسف و شبهه من محمد صلی الله علیه و آله. فقلت: و ما شبهه موسی؟ قال: خائف یترقب، قلت: و ما شبهه عیسی؟ فقال: قیل فیہ ما قیل فی عیسی. قلت: فما شبهه یوسف؟ قال السجن و الغیبة. قلت: و ما شبهه محمد صلی الله علیه و آله؟ قال: اذا قام سار بسیرة رسول الله صلی الله علیه و آله الا انه یبین آثار محمد و یضع السیف ثمانية أشهر هرجاً هرجاً حتی یرضی الله، قلت: فكیف یعلم رضا الله؟ قال: یلقى الله فی قلبه الرحمة».

۱. کمال الدین، ص ۳۷۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۲ - قال الرضا علیه السلام: «...یکون معه عصا موسی و خاتم سلیمان».

۲. در آینده در ضمن دنبال نمودن مسیر حرکت حضرت علیه السلام به سوی شام و فلسطین به استخراج این آثار اشاره خواهیم کرد.

## فصل چهارم:

### عملیات مکه

در جلد دوم در بررسی روند ظهور رسمی حضرت حجّت علیه السلام به مرحله سخنرانی و تصرف مکه توسط حضرت مهدی علیه السلام و اصحابشان رسیدیم. احتمالاً امام علیه السلام شبانه پس از تصرف مسجد الحرام، مراکز حساس در مکه را تصرف می‌نماید و صبحگاهان با تصرف رادیو و تلویزیون و مراکز خبری شهر مکه، سخنرانی معروف خویش را خطاب به تمام جهانیان آغاز می‌کنند. در این سخنرانی مقام و موقعیت خویش و مأموریتی که از جانب خداوند بر عهده‌اش گذاشته‌اند را برای جهانیان شرح می‌دهند و هر کسی در شهر خود با زبان محلی سخنان ایشان را شنیده و تصویر حضرت علیه السلام را می‌بیند.<sup>۱</sup> در این هنگام است که مردم جهان نسبت به این سخنان و عملیات عکس العمل نشان می‌دهند. این عکس‌العمل‌ها را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

الف) اکثریت مردم جهان به دلیل مشاهده عملیات تروریستی از سوی

---

۱. پیشرفت علم و تکنولوژی در عصر حاضر مرهون عنایت امام عصر علیه السلام است و وسایل ارتباط جمعی در عصر حاضر در جهت آماده‌سازی اعلام ظهور فعالیت می‌کنند و به زودی مردم شاهد استفاده صحیح از این ابزارها خواهند بود.

مسلمانان تندرو با ادعاهایی مشابه ادعای امام عصر علیه السلام در پیش از ظهور، به این ادعای حق نیز بدبین شده و در اثر مشکلاتی که با آن روبرو شده‌اند، حرکت حضرت ولی عصر علیه السلام را محکوم و علیه آن موضع‌گیری می‌کنند.

ب) کشورهای دوست عربستان سعودی به دلیل روابط سیاسی نزدیک با رژیم حاکم، پس از ظهور مشکل خواهند داشت و از آنجا که حرکت امام عصر علیه السلام حرکتی سیاسی علیه حکومت موجود در عربستان خواهد بود، طبیعی است که این متحدان و دوستان نزدیک عربستان، به محض مشاهده حرکتی علیه حکومت وقت، آنان نیز علیه حضرت ولی عصر علیه السلام موضع‌گیری نمایند. در اینجا است که متوجه می‌شویم نزدیکی به عربستان خطری بالقوه در مرحله ظهور خواهد بود و بسیاری از کشورهای منطقه ناخودآگاه در معرض مخالفت با حرکت حضرت ولی عصر علیه السلام قرار می‌گیرند.

ج) مؤمنینی که به دنبال علماء رفته و همواره از آنان کسب تکلیف می‌کنند، از آنجا که علماء نیز در هنگام ظهور به دلایل مختلف دچار اختلاف می‌شوند، این اختلاف نصیب پیروانشان نیز می‌گردد. در نتیجه مؤمنین ساده‌دل و کم اطلاع دچار اختلاف و شبهه و اضطراب می‌گردند، تا جایی که کار به کشمکش و درگیری می‌انجامد.

د) گروه چهارمی وجود دارد که با بصیرت حوادث را دنبال نموده‌اند و سعی کرده‌اند اعتقادات خود را از زبان روایات و منابع اصیل الهی کسب کنند و هیچ‌گاه چشم بسته به دنبال دیگران نبوده‌اند در نتیجه این افراد با داشتن مدارک الهی و آثار ائمه اطهار علیهم السلام، هرچند پیش از اعلام ظهور رسمی متوجه ظهور نبوده و خود را به مکه نرسانده‌اند ولی با شنیدن ندای حضرت مهدی علیه السلام در وسایل ارتباط جمعی بلافاصله صداقت ماجرا را تشخیص داده و به سوی مکه

روان می‌شوند. از این تعداد گروهی نیز در سپاه خراسانی به سوی عراق رفته‌اند و از آن طریق به سپاه امام علیه السلام می‌پیوندند. طبیعی است شیعیانی که در اطراف مکه هستند پیش از دیگران خود را به حضرت علیه السلام می‌رسانند.

امام علیه السلام تا جمع شدن اصحاب در شهر مکه درنگ می‌کنند. توقف حضرت در مکه به چند دلیل است:

۱. اجتماع یاران، تا تعداد آنها به ده تا دوازده هزار نفر برسد.

۲. آشکار شدن معجزات و دلایل متعدد جهت اثبات مهدویت حضرت صاحب الامر علیه السلام.

۳. اقدامات اصلاحی و تصفیة اولیه در شهر مکه تا روند حرکت امام پس از مکه را هموار سازد.

ابوبصیر گوید:

«مردی از اهل کوفه از حضرت صادق علیه السلام پرسید: چند نفر به همراه

قائم علیه السلام قیام می‌کنند؟ زیرا مردم (اهل سنت) می‌گویند همراه وی

(مهدی علیه السلام) به تعداد اصحاب جنگ بدر یعنی ۳۱۳ مرد خروج

می‌کنند. امام علیه السلام فرمود: مهدی علیه السلام خروج نمی‌کند مگر با «اولی قوه»

(صاحبان قدرت) و «اولوالقوه» کمتر از ده هزار نفر نخواهد بود»<sup>۱</sup>.

با توجه به حدیث فوق ظاهراً امام علیه السلام حداقل با ده هزار نفر قیام می‌کند،

ولی با توجه به احادیث دیگر که اصحاب اولیه امام علیه السلام را ۳۱۳ نفر می‌داند

---

۱. کمال الدین، ص ۶۵۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۳ - عن ابی بصیر قال: «سأل رجل من اهل الكوفة ابا عبد الله علیه السلام کم ینخرج مع القائم علیه السلام؟ فانهم یقولون انه ینخرج معه مثل عدّة اهل بدر ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلاً. قال: ما ینخرج الا فی اولى قوه، و ما ینكون اولوالقوه اقل من عشرة آلاف».

معلوم می‌شود که در اینجا منظور از خروج حضرت علیه السلام قیام اولیه نبوده بلکه خروج از مکه می‌باشد. بخصوص که در روایات دیگر نیز این مطلب تصریح شده است.

عبدالعظیم حسنی گوید:

«خدمت حضرت جواد علیه السلام عرض کردم: من آرزو دارم شما قائم اهل بیت علیهم السلام باشید... امام علیه السلام فرمود: ای ابوالقاسم هر کدام از ما قائم به امر خداوند و هدایت‌گر به سوی دینش هستیم ولی قائمی که خداوند به وسیله او زمین را از اهل کفر و انکار پاکسازی می‌کند... کسی است که اصحابش به تعداد اصحاب بدر، ۳۱۳ مرد از مکان‌های دوردست زمین می‌آیند... هرگاه این تعداد از اهل اخلاص دور او جمع شد، امرش را آشکار می‌کند و وقتی تعداد «عقد» کامل شد که عبارت از ده هزار نفر است، به اذن خداوند خروج می‌کند و همواره دشمنان خداوند را می‌کشد تا خداوند راضی شود...»<sup>۱</sup>

نکات مورد نظر در این حدیث شریف:

۱. وقتی تعداد ۳۱۳ نفر از اصحاب خاص دور حضرت را گرفتند ایشان اعلام ظهور می‌کند.

۱. کمال الدین، ص ۳۷۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۳ - عن عبدالعظیم الحسنی قال: «قلت لمحمد بن علی بن موسی علیه السلام: انی لارجوان تکون القائم من اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله و سلم... فقال علیه السلام: یا ابالقاسم ما منّا الا قائم بامر الله عزوجل و هاد الی دینه، ولكن القائم الذی یطهر الله به الارض من اهل الکفر و الجحود... یجتمع الیه عدّة اهل بدر ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلاً من اقاصی الارض و ذلك... فاذا اجتمعت له هذه العدة من اهل الاخلاص اظهر امره فاذا اکمل له العقد و هو عشرة آلاف رجل، خرج باذن الله عزوجل فلا یزال یقتل اعداء الله حتی یرضی الله عزوجل...»

۲. خروج نمودن یعنی نبرد کردن و درگیری گسترده ایشان پس از اجتماع ده هزار نفر یا «عقد» می‌باشد.

۳. به این ترتیب مطالبی که حضرت صادق علیه السلام در حدیث سابق فرمودند روشن‌تر می‌گردد. یعنی در آغاز، ظهور رسمی همراه با ۳۱۳ نفر مرد است ولی برای درگیری و مبارزه مستقیم و خروج، نیاز به جمع شدن ده هزار نفر می‌باشد. ولی آیا منظور از خروج، درگیری با مردم مکه و خروج با شمشیر است، یا خروج از مکه؟ این پرسشی است که حدیث بعد آن را پاسخ می‌دهد.  
ابوبصیر گوید:

«حضرت صادق علیه السلام می‌فرمایند: قائم علیه السلام از مکه خارج نمی‌شود تا این که «حلقه» کامل شود. گفتیم: «حلقه» چند نفر است؟ فرمود: ده هزار نفر. جبرئیل سمت راست و میکائیل سمت چپ ایشان است. سپس پرچم «پیروزی» را برافراشته و به وسیله آن حرکت می‌کند، در نتیجه هیچ کس در مشرق و مغرب باقی نمی‌ماند جز این که وی را لعنت می‌کند...»<sup>۱</sup>

به این ترتیب می‌بینیم که حضور ده هزار نفر برای خروج از مکه الزامی است و تا آن موقع مکه را تصفیه می‌سازند. در این حدیث نیز حرکت حضرت علیه السلام را به کمک همان پرچم می‌داند، یعنی پرچم وسیله‌ای برای پیشرفت حرکت ایشان است.

---

۱. غیبت نعمانی، ص ۳۰۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۷ - عن ابی بصیر قال: «قال ابو عبد الله علیه السلام: لا یخرج القائم من مکه حتی تکمل الحلقة. قلت: وکم الحلقة؟ قال: عشرة آلاف، جبرئیل عن یمینہ و میکائیل عن یسارہ، ثم یهز الراية المغلبه و یسیر بها فلا یبقی احد فی المشرق و لا فی المغرب الا لعنها».

### اولین قدم در جهت اجرای عدالت

مهم‌ترین رسالت حضرت مهدی علیه السلام نابودی ظلم و جایگزینی عدالت است. همان‌گونه که در روایات به طور مکرر مطرح شده است. تبلور این رسالت در مبارزه با حاکمان و ظالمان سیاسی و مذهبی جلوه گر می‌شود. بنابراین از هم اکنون می‌توان تصور کرد چه کسانی منافع و موقعیتشان به خطر می‌افتد و آنان جزء اولین دشمنان حضرت مهدی علیه السلام قرار می‌گیرند.

در کشورهایمانند عربستان که قدرت مذهبی و قدرت سیاسی در یک نفر و یک گروه جمع شده است طبیعی است که شدت برخورد با آنها بیشتر خواهد بود. در عربستان، پادشاه قانون‌گذار و پرده‌دار و خادم حرم‌های شریف است. طبیعی است که جنایات‌های موجود در این کشور بیش از هر کسی متوجه شخص اول این مملکت باشد، زیرا به هر میزان یک کشور به گونه استبدادی اداره شود به همان میزان تعهد حاکم و تقصیر وی در وقوع جرم و جنایت حکومتی و ستم و جور وارد بر مردم نیز بیشتر خواهد بود. در حکومت‌های به ظاهر دموکراتیک، به دلیل اجرای خواست عمومی، هر نوع فساد و تعدی بر گردن عموم مردم است، زیرا آنها چنین تصمیم و اراده‌ای داشته‌اند و این فساد را ترویج داده‌اند ولی در کشورهای با نظام بسته و تک محوری، مردم دخالتی در تصمیم‌گیری و فساد جامعه نداشته در نتیجه بیشترین گناه به گردن شخص اول مملکت است هر چند مردم نیز در این جرم شریک هستند.

هنگام ظهور تمامی تبعیض، ستم سرقت اموال مردم در شبه جزیره عربستان توسط خاندان حاکم یعنی خاندان آل سعود خواهد بود و طبیعی است که اولین گام در دفع ظلم و استیفاء حقوق بیچارگان، برخورد شدید با خاندان آل سعود است.



هروی از حضرت رضا علیه السلام پرسید:

«...قائم علیه السلام شما زمانی که قیام کرد در آغاز چه کاری می‌کند؟ فرمود:  
از بنی شیبه آغاز می‌کند، در نتیجه دست‌های آنان را قطع می‌نماید،  
زیرا آنها دزدان بیت‌الله هستند»<sup>۱</sup>.

### نکات مهم حدیث:

۱. اولین اقدام در مکه قطع دست بنی‌شیبه است.
۲. آنان دزدان بیت‌الله هستند.
۳. آنان کسانی هستند که هم موقعیت برتر اجتماعی و سیاسی و هم موقعیت برتر مذهبی دارند، زیرا دزدی آنها مربوط به بیت‌الله می‌شود. معلوم می‌شود که آنان از موقعیت مذهبی خویش سوء استفاده کرده‌اند.
۴. این مجازات هشداری بزرگ به کسانی است که از دین و مذهب و موقعیت مذهبی خویش در جهت کسب منافع مادی و اجتماعی و سیاسی استفاده می‌کنند.
۵. از آنجا که در تمام مناطق جهان کثیف‌ترین اجحاف و ستم، ستم و نیرنگ با پشتوانه مذهبی است، امام عصر علیه السلام در هر منطقه‌ای که وارد می‌شوند از ستمگران مذهبی آن منطقه پیش از هر کار و اقدام دیگری انتقام می‌گیرند. زیرا آن ظالمان از مذهب و خداوند یا قرآن یا اسلام یا اهل بیت علیهم السلام سوء استفاده کرده و با تهمت زدن به خداوند، در جهت منافع خویش قدم برداشته‌اند.

---

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۳ - عن الهروی قال: قلت لابی الحسن الرضا علیه السلام: «... بای شیء القائم منکم اذا قام؟ قال: یبدء بنی شیبه فیقطع ایدیهم لانهم سراق بیت‌الله عزوجل».

قرآن کریم نیز بزرگ‌ترین ظلم و مجازات را در روز قیامت، تهمت‌زدن به خداوند و نسبت دادن احکام دروغین به خداوند و دستگاه الهی می‌داند.  
قال الله تعالى:

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَٰئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ﴾؛ ترجمه: «و چه کسی ظالم‌تر از کسانی است که به خداوند بهتان (دروغ) نسبت می‌دهند. آنان (کسانی هستند که) بر پروردگارشان عرضه می‌شوند و شاهدان می‌گویند این‌ها کسانی هستند که به پروردگارشان دروغ نسبت داده‌اند. بدانید لعنت خداوند بر ظالمین است».<sup>۱</sup>

#### نکات مهم در آیه شریفه:

۱. بزرگ‌ترین ظلم، نسبت دادن دروغ به خداوند است. آنان حتی از کفار نیز بدتر هستند. زیرا کفار کسانی هستند که آشکارا خداوند را انکار می‌کنند، در نتیجه مؤمنین هیچ‌گاه آنان را باور نخواهند کرد و زیانی برای مؤمنین نخواهند داشت ولی کسانی که از جانب خداوند سخن می‌گویند و آن را به خدا نسبت می‌دهند کسانی هستند که در ظاهر به خدا ایمان داشته و مؤمنین ساده‌دل نیز آنها را مؤمن و عالم می‌شمرند ولی آنان در باطن کافر بوده و از ظاهر ایمان استفاده کرده و با نسبت دروغ به خداوند دادن، چیزی که در دین نیست را جزء دین قلمداد کرده و مردم را نیز به این انحراف و بدعت فرامی‌خوانند و مردم نیز بدون این که متوجه باشند به کفر و انحراف دچار می‌شوند در حالی که گمان می‌کنند مؤمن هستند. چنین کافرانی که این‌گونه از خداوند سوء استفاده

۱. هود (۱۱): آیه ۱۸.

کرده و افکار خود را فرمان و دین خدا معرفی می‌کنند، بدترین و ظالم‌ترین مخلوقات هستند.

۲. در روایات، «اشهاد»<sup>۱</sup> یعنی شاهدان را که علیه این ظالمان شهادت می‌دهند، ائمه اطهار علیهم‌السلام شمرده‌اند. این تقارن بسیار جالب است، زیرا ائمه اطهار علیهم‌السلام اولین کسانی هستند که بر دروغ‌گو بودن این افراد شهادت می‌دهند.

۳. قیام حضرت مهدی علیه‌السلام به منزله قیامت صغری معرفی شده است و طبیعی است حضرت مهدی علیه‌السلام به عنوان مجری عدالت در جهان پیش از قیامت کبری در اولین اقدام بر علیه ظالمان، نخست ظالم‌ترین ظالمان را مجازات کند.

این بزرگ‌ترین ظالمان در زمان پیش از ظهور، کسانی هستند که از مذاهب برای منافع خویش سوء استفاده کرده‌اند و مذهب و دین را بر اساس تمایلات و افکار خویش توجیه و تأویل نموده، آنگاه سخنان خود را دین و فرمان خداوند اعلام می‌کنند. اینان در هر شهر و مملکت که باشند جزء اولین اهداف مهدی عادل علیه‌السلام خواهند بود. پس بسیار طبیعی است در اولین شهر آزاد شده یعنی مکه مکرمه، سردمداران دین و سیاست تنبیه شوند، آنان کسانی هستند که هم دزد فکری و دینی هستند و هم اموال و حقوق مادی مردم مکه را غصب کرده‌اند.

این تنبیه و مجازات توأم با بی‌آبرو شدن آنان است. زیرا پس از قطع دست، دست‌هایشان را از کعبه آویزان می‌نمایند. آنها اعلام می‌کنند ما از دزدان کعبه هستیم.<sup>۲</sup>

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۲۱، اثر علی بن ابراهیم قمی.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲.

نه تنها حضرت دست آنان را قطع نموده و بر کعبه می‌آویزد تا خودشان فریاد دزد بودن را اعلام کنند، بلکه امام علیه السلام نیز این‌گونه ندا می‌دهد.  
حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«بدانید هرگاه قائم علیه السلام قیام نمود، بنی‌شیبه را دستگیر کرده و دست‌هایشان را قطع می‌کند و آنها را می‌گرداند و می‌فرماید: این‌ها دزدان خدا هستند»<sup>۱</sup>.

در این حدیث شریف نیز دزدی بنی‌شیبه را از خداوند می‌داند.

### نکات مهم حدیث عبارتند از:

۱. خاندان حاکم بر عربستان و گماشتگان آنها در شهرها را دستگیر می‌کنند.

۲. قطع دست‌هایشان و آنگاه گرداندن آنها نشان از بی‌آبرو نمودن آنان است تا در شهر و میان مردم مشهور به دزدی شوند.

۳. دزدی از خدا نشان دهنده فعالیت‌های منحرف مذهبی و تهمت زدن به خداوند می‌باشد.

شاید برخی این پرسش را در ذهن داشته باشند که چرا آنان را بی‌آبرو می‌کند؟ همان‌گونه که همه قبول داریم مجازات باید مطابق با جرم و ستم باشد.

اگر کسی دزدی کند و فقط هدفش کسب مال باشد، طبیعی است مجازات عادلانه‌ی وی پس از ثبوت شرایط دزدی، قطع دست است. اما اگر کسی هدفش دزدی توأم با کسب شهرت باشد، آنگاه مجازات آنان نیز باید متناسب با دزدی

---

۱. همان، ص ۳۱۷ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «أما انّ قائمنا لو قد قام، لقد اخذ بنی‌شیبه و قطع ایدیهم و طاف بهم و قال: هؤلاء سراق الله».

و شهرت طلبی باشد.

حاکمان عربستان کسانی هستند که:

نخست آنکه دزدی می‌کنند؛

دوم آنکه از دین سوء استفاده می‌کنند؛

سوم آنکه در جهت شهرت طلبی به نیکی و دینداری گام برمی‌دارند.

در اینجا است که حضرت صاحب‌الامر علیه السلام هر سه ستم و جرم آنان را این‌گونه عادلانه مجازات می‌کند. هر کس طالب شهرت و ریاست باشد، مجازاتش نیز بی‌آبرویی و خواری در میان مردم خواهد بود، اگر مذهب نیز در این میان باشد و از آن سوء استفاده شود، این بی‌آبرویی تبدیل به بی‌آبرویی و رسوایی مذهبی می‌شود که در اینجا دست‌های آنان بر کعبه آویزان می‌شود و خودشان فریاد می‌زنند ما دزدان خانه خدا هستیم.

پرسش دیگری که ممکن است در ذهن برخی ساده‌دلان بیاید این است که می‌گویند «بنی‌شیه» حاکمان عربستان نیستند، بلکه یک قبیله و یا گروه خاص هستند. پاسخ این پرسش را در حدیث زیر مشاهده می‌کنیم.

سدیر صیرفی از مردی از اهل جزیره (عراق) نقل می‌کند که گفت:

«من کنیزی را (برای کعبه) نذر کردم و آن را به مکه آوردم. پس با نگهبانان (کعبه) برخورد کردم و ماجرای کنیز را به آنها گفتم و به هر کدام ماجرای آن را گفتم در جوابم گفتند: آن کنیز را به من بده، خدا نذر تو را قبول می‌کند.

از این حالت آنها دچار وحشت زیادی شدم، ماجرا را به یکی از مردان اصحاب خودم (شیعیان) از اهالی مکه بیان کردم. به من گفت: از من می‌پذیری؟ گفتم: بله. گفت: به آن مرد نگاه کن که در کنار حجرالاسود نشسته و مردم در اطرافش هستند، او ابو جعفر محمد بن

علی بن الحسین علیه السلام است. نزد او برو و بین چه دستوری به تو می‌دهد، همان را انجام بده.

من نیز نزد ایشان رفتم و گفتم: خداوند شما را رحمت کند، من مردی از اهل جزیره (عراق) هستم و همراه من کنیزی است که آن را برای خانه خداوند نذر کردم و سوگندی خوردم و آن را همراه خودم آوردم و به نگهبان‌ها این مطلب را گفتم و به هر کدام که گفتم در جوابم گفتند: آن را به من بده، خدا نذرت را قبول می‌کند. از این مطلب وحشت زیادی یافتیم.

حضرت علیه السلام فرمود: ای عبدالله خانه که (غذا و آب) نمی‌خورد و نمی‌آشامد. کنیز را بفروش و میان اهل سرزمین خودت از کسانی که به حج این خانه آمده‌اند تحقیق و بررسی کن، هر کس از آنان از هزینه خویش ناتوان است، (مبلغی) به او پرداخت کن تا بتواند به شهر خود برگردد. من نیز آن کار را انجام دادم.

سپس به هر کدام از آن نگهبانان برخورد کردم گفتند: با کنیز چه کردی؟ و ماجرای آن چه حضرت باقر علیه السلام فرموده بود را گفتم، در نتیجه آنان می‌گفتند: او دروغ‌گوی جاهلی است که نمی‌داند چه می‌گوید.

این سخن آنان را به خدمت حضرت باقر علیه السلام نقل کردم. امام علیه السلام فرمود: سخن آنان را به من رساندی، پس سخن من را نیز به آنان ابلاغ کن. گفتم: البته.

امام علیه السلام فرمود: به آنها بگو که ابوجعفر علیه السلام به شما می‌گوید: چه وضعی خواهید داشت هنگامی که دست‌ها و پاهای شما قطع شده و بر کعبه آویزان می‌شوند سپس به شما گفته می‌شود: صدا زنید (بگویید) ما دزدان کعبه هستیم.

وقتی خواستم برخیزم فرمود: من این کار را نمی‌کنم بلکه مردی از (خانواده) من انجام می‌دهد.<sup>۱</sup>

### نکات مهم در حدیث:

۱. یکی از مصادیق بنی‌شبهه، همین نگهبانان بیت‌الله‌الحرام است و این مطلب نشان می‌دهد که منظور از بنی‌شبهه یک گروه خاص نیست بلکه گروه حاکم به همراه تمامی عمله‌ها و کارگزارانشان حتی نگهبانان مسجدالحرام نیز می‌باشند یعنی تمام کسانی که به نوعی در هیئت حاکمه شریک هستند، به یک

---

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۳۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۹ - عن سدير الصيرفي، عن رجل من اهل الجزيرة: «كان [قد] جعل على نفسه نذراً في جارية بها الى مكة قال: فلقيت الحجة فأخبرتهم بخبرها و جعلت لا أذكر لأحد منهم امرها إلا قال: جئني بها، و قد وفي الله نذرك.

فدخلني من ذلك وحشة شديدة، فذكرت ذلك لرجل من اصحابنا من اهل مكة فقال لي: تأخذ عني؟ فقلت: نعم. فقال: انظر الرجل الذي يجلس عند الحجر الاسود و حوله الناس و هو ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين عليه السلام فاته فأخبره بهذا الامر فانظر ما يقول لك فاعمل به. فأتيته فقلت: رحمك الله أتى رجل من اهل الجزيرة و معي جارية جعلتها عليّ نذراً لبیت الله في يمين كانت عليّ و قد أتيت بها و ذكرت ذلك للحجة و أقبلت لا ألقى منهم احداً إلا قال: جئني بها و قد وفي الله فدخلني من ذلك وحشة شديدة. فقال: يا عبدالله ان البيت لا يأكل و لا يشرب فبيع جاريتك و استقص و انظر اهل بلادك ممن حجّ هذا البيت، فمن عجز منهم عن نفقة فأعطه حتى يقوى على العود الى بلادهم ففعلت ذلك. ثم أقبلت لا ألقى احداً من الحجة الا قال: ما فعلت بالجارية؟ فأخبرتهم بالذي قال ابو جعفر عليه السلام: فيقولون: هو كذاب جاهل لا يدري ما يقول؟ فذكرت مقالتهم لابي جعفر عليه السلام فقال: قد بلغني فبلغ عني. فقلت: نعم. فقال: قل لهم قال لكم ابو جعفر: كيف بكم لو قد قطعت ايديكم و أرجلكم و علقت في الكعبه ثم يقال لكم: نادوا نحن سراق الكعبه. فلما ذهبت لاقوم قال: اني لست انا افعل ذلك و انما يفعله رجل مني».

جرم و یک مجازات محکوم می‌شوند.

۲. از جمله نکهبانان یعنی «خدا نذر تو را قبول می‌کند» متوجه عمق جرم دینی آنان می‌شویم. این افراد به این ترتیب است که به خداوند تهمت می‌زنند. یعنی خودشان اموال مردم را به نام خدا برمی‌دارند، آنگاه بهشت را از طرف خدا به مردم هدیه می‌دهند. از طرف خداوند نذر را قبول می‌کنند، اعمال و عبادت کسی را قبول می‌کنند و یا عبادت و اعمال دیگری را مردود می‌دانند. گویا زکات را زمانی خدا می‌پذیرد که به این آقایان بدهید، آنان هستند که اعمال شما را در پیشگاه خدا تصحیح می‌کنند. دین از کانال و زبان و کلام و قلم آنان آشکار می‌شود و هیچ کس حق اظهار نظر پیرامون اسلام را ندارد. در واقع خصوصیت بارز آنها این است که دین را به انحصار خویش درآورده‌اند. اینان هستند که به لقب «دزدان خدا» ملقب می‌شوند. در واقع خدا را ندزدیده‌اند چون خدا به چنگ بشر نمی‌آید، بلکه دین خدا را دزدیده‌اند و مال خود می‌دانند. آنها همگی چنین سرنوشتی خواهند داشت.

۳. جالب است که این دزدان دین خدا، سخن حق امام باقر علیه السلام را دروغ می‌نمایند. در روز ظهور معلوم می‌شود که چه کسی واقعاً آنچه را ادعا می‌کرده درست بوده است. (هرچند خردمندان پیش از ظهور نیز با ملاک‌های اهل بیت علیهم السلام قدرت تشخیص حق از باطل را دارند).

### تخریب کعبه و مسجدالحرام

از جمله اقدامات اساسی که حضرت ولی عصر علیه السلام انجام می‌دهد نابود کردن بناهای مذهبی است که با ریا و انحراف یا گناه‌آلود ساخته شده‌اند.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«قائم علیه السلام مسجدالحرام را خراب می‌کند تا آن را به پایه اصلی آن



برگرداند و مسجدالرسول ﷺ (در مدینه) را نیز تا پایه اولیه (خراب می‌کند) و کعبه را (خراب کرده و) به محل اصلی آن باز می‌گرداند و آن را بر روی پایه اصلی (که ابراهیم علیه السلام ساخته بود) می‌سازد و دست بنی‌شیبه دزد را قطع کرده و بر کعبه می‌آویزد»<sup>۱</sup>.

#### نکات مهم حدیث:

۱. امام علیه السلام مسجدالحرام و کعبه و مسجدالرسول صلی الله علیه و آله را تخریب می‌کند.
  ۲. آنها را برای بازسازی تخریب می‌کند و به محل اصلی و پایه و اساس اولیه می‌رساند آن‌گاه از نو بر پایه و اساس اولیه می‌سازد.
- برخی ممکن است گمان کنند که مسجد دیگری چه گناهی کرده که خراب شود. باید توجه داشته باشید که خداوند فقط اعمال متقین را می‌پذیرد. چگونه می‌توان مسجدی که بر پایه نفاق، خودنمایی و مال حرام و با تزئینات مادی ساخته شده است را تحمل کرد. شاید در دنیای مادی امروز فقط نتیجه اعمال مهم باشد ولی در اسلام واقعی، هدف وسیله را توجیه نمی‌کند. اگر هدف به ظاهر مقدسی داشتید نمی‌توانید از طریق فساد، ظلم، تهدید و بدون قصد قربت آن را انجام دهید، در این صورت هم عمل شما باطل است و هم ظالم محشور خواهید شد. هر چند در ظاهر عمل شما جان ده‌ها نفر را نجات دهد ولی برای شما هیچ پاداشی منظور نخواهد شد که هیچ، تنبیه نیز می‌شوید، حتی اگر کار شما ساختن مسجدالحرام یا کعبه باشد.

---

۱. غیبت طوسی، ص ۴۷۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲ - عن ابی عبد الله علیه السلام قال: «القائم یهدم المسجد الحرام حتی یرده الی اساسه و مسجد الرسول صلی الله علیه و آله الی اساسه و یرده الی موضع و اقامه علی اساسه و قطع ایدی بنی شیبه السراق و علقها علی الکعبه».

ابی‌هاشم جعفر گوید:

«من نزد ابی‌محمد علیه السلام (حضرت عسکری علیه السلام) بودم، فرمودند: هرگاه قائم علیه السلام قیام کرد دستور می‌دهد تا مناره و کنگره‌هایی که در مساجد است نابود سازند. درون خود گفتم: برای چه هدفی این کار را انجام می‌دهد؟ حضرت علیه السلام به من رو کرد و فرمود: معنای این کار این است که این بناها جدید و بدعت بوده و آنها را پیامبر یا حجت الهی نساخته است»<sup>۱</sup>.

نکات مهم حدیث:

۱. مساجدی که کنگره و مناره دارند تخریب می‌شوند. به این ترتیب اکثریت مساجدی که این‌گونه بنا شده‌اند تخریب خواهند شد حتی اگر افراد پاکدامن و پرهیزکار و با مال حلال ساخته باشند. چون اشکال از نوع بنای آنها است.
  ۲. ملاک دیگر در تخریب این نوع اماکن آن است که توسط امام علیه السلام یا پیامبری ساخته نشده است و این بناها باید به دستور و تحت کنترل و اشراف و یا تأیید آنان ساخته شوند.
  ۳. هر نوع رفتار جدیدی که مورد تأیید امام علیه السلام یا پیامبری واقع نشود و مربوط به مسائل الهی و عبادی باشد چون بدعت در دین خداست، مردود و محکوم به نابودی است.
- این مساجد با شیوه زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و با همان سادگی و اخلاص بنا خواهند شد.<sup>۲</sup>

۱. غیبت طوسی، ص ۲۰۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۳ - عن ابی‌هاشم الجعفری قال: «كنت عند ابی‌محمد علیه السلام فقال: اذا قام القائم امر بهدم المنار و المقاصیر التي فی المساجد، فقلت فی نفسی: لای معنى هذا؟ فأقبل علی فقال: معنى هذا أنها محدثة مبتدعة لم ینها نبی و لا حجة».

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳.

## فصل پنجم:

# آزادسازی مدینه

## خروج از مکه

زمانی که ده تا دوازده هزار نیروهای امیدآبادی زمینی از اقصی نقاط جهان خود را به مکه رساندند و عملیات اصلاحی در مکه به پایان رسید، شرایط حرکت به سوی مناطق دیگر فراهم می‌شود. شاید مدت اقامت حضرت در مکه ۱۵ تا ۳۰ روز باشد. با فروپاشی سپاهیان سفیانی که مأمور نابودی مکه و حضرت صاحب‌الامر علیه السلام بودند، مردم مکه با معجزه بزرگی مانند نابودی سپاه ابرهه در حمله به کعبه مواجه می‌شوند. از این حادثه خارق العاده دو نفر جان سالم به در می‌برند که چهره‌شان برگشته و نشانه‌ای برای این حادثه می‌شوند. نام آن دو نفر «بشیر و نذیر» است. شاید به جهت مأموریتشان این دو لقب به آنها داده شده است. نذیر به سوی سفیانی می‌رود تا خبر نابودی سپاهیان را به اطلاع وی برساند و بشیر نیز که از دوست‌داران امام علیه السلام بوده و از زمانی که از دمشق حرکت کرده جنایتی مرتکب نشده و هدفش نزدیک شدن به سپاه امام علیه السلام و آنگاه جدایی از سپاه سفیانی و رفتن به سوی سپاه مهدی علیه السلام بوده است، بشیر به خدمت امام علیه السلام می‌رسد و بشارت نابودی این سپاه را می‌دهد و امام علیه السلام عنایت می‌کند و چهره وی سالم می‌گردد و جزء سپاهیان حضرتش قرار می‌گیرد ولی

«نذیر» به سوی سفیانی برمی‌گردد و موجب وحشت و فرار سفیانی می‌شود.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«قائم علیه السلام در مکه بنا بر کتاب خدا و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله بیعت می‌کند. آن‌گاه (هنگام خروج از مکه) شخصی را بر مکه می‌گمارد، سپس عازم مدینه می‌شود. اما به وی خبر می‌رسد که کارگزار (عامل) ایشان کشته شده است. در نتیجه به مکه باز می‌گردد و قاتلین او را می‌کشد و بیش از این با آنها درگیر نمی‌شود. سپس آمده و میان دو مسجد، مردم را به کتاب خدا و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و بیزاری از دشمنان دعوت می‌کند تا به بیابان بیداء می‌رسد در این هنگام سپاه سفیانی به سوی آنها حرکت می‌کند و در نتیجه خداوند همگی را به زمین فرو می‌برد»<sup>۱</sup>.

#### نکات مهم حدیث:

۱. امام علیه السلام با پاکسازی مکه، نماینده‌ای به عنوان کارگزار بر این شهر می‌گمارد.
۲. برخی افراد مخالف که جرأت مقابله با شخص امام علیه السلام را نداشتند، در غیاب امام علیه السلام بر نماینده ایشان شوریده و او را قتل می‌رسانند.
۳. به دلیل عدم مداخله مردم در این جنایت، فقط کسانی که در آن شرکت کرده‌اند کشته می‌شوند ولی امام علیه السلام بقیه مردم را نصیحت و دعوت به ولایت

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸ - عن ابی جعفر علیه السلام قال: «یبایع القائم بمكة على كتاب الله و سنة رسوله و يستعمل على مكة، ثم يسير نحو المدينة فيبلغه ان عامله قتل، فيرجع اليهم فيقتل المقاتلة و لا يزيد على ذلك، ثم ينطلق فيدعو الناس بين المسجدين الى كتاب الله و سنة رسوله صلی الله علیه و آله والولاية لعلي بن ابی طالب علیه السلام و البرائة من عدوه حتى يبلغ البیداء فيخرج اليه جيش السفیانی فيخسف الله بهم».

امیرالمؤمنین علیه السلام و بیزاری از دشمنان می‌کند.

۴. به دلیل این که مردم مکه در جنایت نسبت به اهل بیت علیهم السلام کمتر از مردم مدینه دخالت داشته‌اند و آزمایش خاص مردم مدینه نیز در این شهر جاری نمی‌شود، طبیعی است که مجازات سنگینی نصیب مردم مکه نمی‌شود، بر خلاف مردم مدینه.

۵. در این روایت نابودی سپاه سفیانی را پس از خروج حضرت علیه السلام از مکه می‌داند. هرچند در مورد زمان نابود شدن سپاه اطلاع دقیقی در دست نیست ولی محدوده نابودی آنها زمانی میان آغاز ظهور تا خروج حضرت از مکه است. حضرت صادق علیه السلام از پدرشان چنین نقل می‌کنند:

«هرگاه قائم علیه السلام در مکه قیام کرد و خواست به سوی کوفه حرکت کند، سخن‌گوی ایشان اعلام می‌کند: توجه کنید، هیچ یک از شما غذا و آشامیدنی بر ندارد. ایشان سنگ موسی علیه السلام را که از آن دوازده چشمه می‌جوشد همراه دارد و در هر قرارگاه که توقف می‌کنند آن سنگ را نصب می‌کند و چشمه‌ها از آن می‌جوشد. هر کسی گرسنه باشد سیر و هر کسی تشنه باشد سیراب می‌گردد...»<sup>۱</sup>

#### نکات مهم حدیث:

۱. وقتی امام علیه السلام به سوی کوفه حرکت می‌کنند از این سنگ استفاده می‌کنند.

---

۱. الخرائج والجرائع، قطب الدین راوندی، ج ۲، ص ۶۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۵ - عن ابی سعید الخراسانی عن جعفر بن محمد عن ابیه علیه السلام قال: «إذا قام القائم علیه السلام بمکه و اراد ان یتوجه الی الکوفه نادی منادیه: الا لا یحمل احد منکم طعاماً و لا شراباً و یحمل حجر موسی الذی انبجست منه اثنتی عشرة عیناً فلا ینزل منزلاً الا نصبه فانبجست منه العیون، فمن کان جائعاً شبع و من کان ظمان روی، فیکون زادهم حتی ینزلوا النجف من ظاهر الکوفه».

اما معلوم نیست حرکت اولیه از مکه یا مدینه منظور باشد. یعنی پس از حرکت از مکه یا مدینه از این سنگ استفاده می‌کنند.

۲. این سنگ همان سنگی است که خداوند در قرآن کریم<sup>۱</sup> از آن یاد می‌کند که همراه حضرت موسی علیه السلام بوده و با عصا به آن سنگ می‌زد و در نتیجه دوازده چشمه به تعداد دوازده نسل بنی اسرائیل می‌جوشید و هر گروهی از چشمه مخصوص خود می‌نوشید.

۳. محتوای این چشمه‌ها به گونه‌ای است که هم زمان، تأمین غذا و آب می‌نماید.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«هرگاه قائم علیه السلام از مکه خارج شود سخن‌گویی اعلام می‌کند: توجه کنید، هیچ کس غذا و آشامیدنی بر ندارد و سنگ موسی بن عمران علیه السلام که به اندازه بار یک شتر است را با خود حمل می‌کند. در هر منزلی فرود آید چشمه‌هایی از آن جاری می‌شود، هر کس گرسنه باشد، سیر و هر کسی تشنه باشد سیراب می‌گردد و چهارپایانشان نیز سیراب می‌گردند، تا در نجف بالای کوفه فرود آیند»<sup>۲</sup>.

نکات مهم در این حدیث:

۱. این حدیث پرسش‌هایی که در حدیث سابق مطرح می‌شد را پاسخ

۱. بقره (۲): آیه ۶۱.

۲. کمال الدین، ص ۶۷۱؛ غیبت نعمانی؛ ص ۲۳۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۴ - عن ابی الجارود قال: قال ابو جعفر علیه السلام: «اذا خرج القائم علیه السلام من مکه ینادی منادیه: الا لا یحملن احد طعاماً و لا شراباً و حمل معه حجر موسی بن عمران علیه السلام و هو وقر بعین فلا ینزل منزلاً الا انفجرت منه عیون، فمن كان جائعاً شبع و من كان ظمناً روی، و رویت دوابهم حتی ینزلوا النجف من ظهر الکوفه».

داده است.

۲. از هنگام خروج از مکه این سنگ برای تأمین آذوقه و آب استفاده می‌شود. این دلیل محکمی بر اعجاز امام علیه السلام است.

۳. وزن آن حدود یک صد کیلو (باریک شتر) است.

۴. سپاه امام علیه السلام بسیار چالاک و سریع حرکت می‌کند زیرا تدارکات خاصی برای تغذیه همراه آنان نیست.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«هرگاه قائم علیه السلام آشکار شد با پرچم رسول الله صلی الله علیه و آله و انگشتر سلیمان و سنگ موسی و عصایش آشکار خواهد شد. سپس فرمان می‌دهد تا سخن‌گویش اعلام کند: توجه کنید، هیچ کس از شما غذا و آب و علف بر ندارد. اصحابش گویند: او می‌خواهد ما و چهارپایانمان را از گرسنگی و تشنگی به قتل رساند. پس امام و همراهانش حرکت می‌کنند. در اولین قرارگاهی که فرود می‌آیند بر سنگ می‌زند و از آن غذا و آشامیدنی و علف (برای چهارپایان) بیرون می‌آید. آنها نیز مانند چهارپایانسان می‌خورند و می‌آشامند تا در نجف بالای کوفه فرود آیند»<sup>۱</sup>.

---

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۳۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۱ - عن ابی الجارود عن ابی جعفر علیه السلام قال: «إذا ظهر القائم علیه السلام ظهر برایة رسول الله صلی الله علیه و آله و خاتم سلیمان و حجر موسی و عصاه ثم یأمر منادیه فینادی ألا لایحمل رجل منکم طعاماً و لا شراباً و لا علفاً فیکول اصحابه: انه یرید ان یقتلنا و یقتل دوابنا من الجوع و العطش فیسیرو یشیرون معه، فاؤل منزل ینزله یضرب الحجر فینبع منه طعام و شراب و علف، فیاکلون و یشربون و دوابهم حتی ینزلوا النجف».

### نکات مهم حدیث:

۱. بنا بر این حدیث آثار مخصوص پیامبران الهی علیهم السلام در آغاز حرکت نزد امام علیه السلام است و بقیه آثار را در طول مسیر خود به سوی اورشلیم بیرون می‌آورد.

۲. سنگ حضرت موسی علیه السلام به وسیله عصا و ضربه زدن بر آن عکس العمل نشان می‌دهد و از آن آب و غذا می‌جوشد.

۳. برخی اصحاب که این چنین سخن می‌گویند، جزء یاران خاص نیستند و همین افراد هستند که در آینده دچار امتحان‌های سخت شده و حتی ممکن است علیه امام علیه السلام شورش کنند. اگر اصحاب بدون شناخت مقام امام علیه السلام صرفاً تحت تأثیر احساسات وارد سپاهیان حضرت علیه السلام شوند، در اثر امتحانات متعدد پس از ظهور دچار تزلزل و بی‌اعتقادی می‌شوند حتی برخی علیه حضرت مهدی علیه السلام قیام خواهند کرد.

در حدیث دیگری حضرت صادق علیه السلام، عصای حضرت موسی و تابوت آدم را در دریاچه طبریّه<sup>۱</sup> ذکر می‌کنند. البته شاید در احادیث فوق که عصای حضرت موسی علیه السلام را در آغاز حرکت در اختیار امام علیه السلام می‌داند فقط در خصوص عصا باشد و این عصا را پیش‌تر از دریاچه استخراج کرده‌اند و بقیه آثار را پس از حرکت به سوی اورشلیم و از دریاچه طبریّه در شمال فلسطین بیرون می‌آورند.



### حوادث مدینه

پس از تعیین عامل و کارگزار خویش بر مکه، به سوی مدینه رهسپار می‌شوند. مردم مکه نیز سرسپرده و تسلیم عامل حضرت علیه السلام می‌شوند. در مسیر مدینه حوادث مربوط به نابودی سپاه سفیانی پیش آمده و با پشت سر گذاشتن این حوادث وارد مدینه می‌شوند، مردم مدینه که با هجوم سپاه سفیانی شکست سختی خورده و ضعیف و پراکنده شده‌اند، اینک با ورود امام علیه السلام به این شهر توان چندانی برای مقابله با آن حضرت علیه السلام ندارند.

حضرت باقر علیه السلام می‌فرمایند:

«... سپس (مهدی علیه السلام) داخل مدینه می‌شود. قریشیان از وی پنهان می‌گردند و این همان (تأویل) سخن علی بن ابی طالب علیه السلام است که فرمود: «سوگند به خداوند زمانی قریش آرزو خواهد کرد، تمام آنچه را دارد و تمام آنچه خورشید بر آن می‌تابد یا غروب می‌کند، تقدیم کند تا به اندازه بریدن گردن یک شتر جای مخفی شدن بیابد. سپس حادثه‌ای رخ می‌دهد و او (مهدی علیه السلام) کاری انجام می‌دهد که قریشیان می‌گویند: با ما علیه این طاغوت قیام کنید، سوگند به خداوند اگر وی محمدی (پیرو محمد صلی الله علیه و آله و سلم) بود این کار را نمی‌کرد و اگر علوی (پیرو علی علیه السلام) بود این کار را نمی‌کرد و اگر فاطمی (از فرزندان فاطمه علیه السلام) بود، نمی‌کرد. در این هنگام خداوند آنها را زیر سلطه حضرتش درآورده، شورشیان را کشته و خانواده‌هایشان را اسیر می‌گرداند. سپس از مدینه خارج می‌شود تا در محل «شقره» فرود می‌آید. در آنجا به وی خبر می‌رسد که عاملش را (در مدینه) کشته‌اند.

آن‌گاه حضرت به مدینه باز می‌گردد و آنچنان کشتاری در آنجا بر پا می‌کند که کشتار «حزّه» نسبت به آن چیزی نخواهد بود. آن‌گاه مردم را به کتاب خدا و سنت پیامبرش ﷺ و ولایت علی بن ابی طالب ﷺ و بیزاری از دشمنانش دعوت می‌کند...»<sup>۱</sup>

### نکات مهم حدیث:

۱. قریش به دو دلیل آرزوی حضور حضرت امیرالمؤمنین ﷺ را دارد:
  - الف) به دلیل انتساب حضرت مهدی ﷺ به ایشان.
  - ب) به دلیل قدرت و قاطعیت حضرت مهدی ﷺ که گمان می‌کنند کسی نمی‌تواند از قریش در برابر مهدی ﷺ دفاع کند مگر حضرت امیرالمؤمنین ﷺ.
۲. مردم مدینه در ابتدای ورود امام ﷺ به این شهر به دلیل ضعف و ناتوانی نیروهای مقاومت در مدینه، تسلیم ایشان می‌شوند یا حداقل اعتراض علنی به عمل نمی‌آورند و صرفاً سعی می‌کنند از سر راه ایشان کنار روند و ببینند ایشان چه کاری انجام خواهند داد.
۳. امام ﷺ هنگام ورود به مدینه بر خلاف اعتقادات و تصورات مردم این

---

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۲ - قال الباقر ﷺ: «... ثم يدخل المدينة فيغيب عنهم عند ذلك قریش و هو قول علی بن ابی طالب ﷺ: «والله لو دت قریش ای عندها موقفاً واحداً جز جزور بکل ما ملکت و کل ما اطلعت علیه الشمس او غربت» ثم يحدث حدثاً فاذا هو فعل ذلك قالت قریش: اخرجوا بنا الى هذه الطاغية، فوالله ان لو كان محمدياً ما فعل، و لو كان علویاً ما فعل و لو كان فاطمياً ما فعل، فيمنحه الله اکتافهم، فيقتل المقاتلة و يسبي الذرية ثم ينطلق حتى ينزل الشقره فيبلغه أنهم قد قتلوا عامله فرجع اليهم فيقتلهم مقتلة ليس قتل الحرّة اليها بشيء ثم ينطلق يدعوا الناس الى كتاب الله و سنة نبيه و الولاية لعلی بن ابی طالب ﷺ و البرائة من عدوه...».

شهر رفتاری از خود نشان می‌دهد که مردم را علیه خویش می‌شوراند و وادار می‌کند تا علیه ایشان موضع‌گیری کنند.

۴. در اثر موضع‌گیری مردم علیه حضرت علیه السلام، امام علیه السلام نیز با آنان برخورد شدیدی می‌کند. اما این برخورد با تعداد محدودی است.

۵. واقعه حرّه در زمان یزید بن معاویه واقع شد و در آن واقعه تعداد زیادی از مردم مدینه کشته شدند.

۶. پس از آن که عاملی را بر مردم مدینه می‌گمارد و از شهر خارج می‌شوند، مردم علیه عامل حضرت علیه السلام می‌شورند و او را به قتل می‌رسانند. وقتی حضرت علیه السلام این خبر را می‌شنوند به مدینه بازگشته و کشتاری انجام می‌دهد که کم نظیر است.

۷. وسعت کشتار، نشان می‌دهد که عموم مردم مدینه در این شورش و کشتن عامل حضرت علیه السلام در این شهر تقصیر دارند. به همین دلیل امام هنگام بازگشت اکثریت مردم را تنبیه می‌کنند تا کاملاً تسلیم شوند.

۸. این رفتار خاص، کدام عمل است که موجب رمیده شدن مردم مدینه می‌گردند. پیداست حرکتی برخلاف اعتقادات صریح و عمیق آنان انجام گرفته است که این چنین دین خود را در خطر دیده و به دین امام علیه السلام اعتراض می‌کنند.

۹. ممکن است معنای دیگر روایت حضور حضرت امیر علیه السلام نباشد بلکه یافتن جایی برای پنهان شدن از دست حضرت مهدی علیه السلام باشد.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«هرگاه قائم علیه السلام وارد (مدینه) شد می‌جهد تا دیواری که بر قبر (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم) است را خراب کند. خداوند طوفان شدیدی به همراه رعد

و برق مهیبی بر می‌انگیزد. مردم می‌گویند: این حوادث برای این کار است. اصحاب (مهدی علیه السلام) نیز از کنار وی فرار می‌کنند تا جایی که (از ترس) کسی در کنار وی نمی‌ماند. امام علیه السلام کلنگ را با دست مبارک خویش بر می‌دارد و اولین کسی است که با کلنگ (به دیوار) می‌کوبد. سپس اصحابش وقتی می‌بینند کلنگ به دست امام علیه السلام است باز می‌گردند. در آن روز ارزش هر کدام (از اصحاب) به میزان پیشی گرفتن آنان در برگشتن به سوی امام علیه السلام است. دیوار قبر را خراب کرده و سپس آن دو را تازه و نو بیرون آورده و لعنت نموده و از آن دو بیزاری می‌جوید و سپس به دار می‌آویزد، آن‌گاه آنها را پایین آورده و آتش می‌زند و سپس آنها را به باد می‌دهد.<sup>۱</sup>

#### نکات مهم حدیث:

۱. امام علیه السلام هنگام ورود به مکه با مقاومت چندانی روبرو نمی‌شود.
۲. امام علیه السلام مستقیم به مسجد النبی صلی الله علیه و آله می‌آیند و اقدام به تخریب مسجد و قبر مبارک می‌کنند.
۳. از آنجا که قبر آن دو نفر در کنار قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است برای تخریب

---

۱. همان، ص ۳۸۶ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «إذا قدم القائم علیه السلام و ثب ان یکسر الحائط الذی علی القبه فیبعث الله تعالی ریحاً شدیداً و صواعق و رعوداً حتی یقول الناس: انما ذا لذا. فیتفرق اصحابه عنه حتی لا یبقی معه احد، فیأخذ المعول بیده، فیکون اول من یضرب بالمعول ثم یرجع الیه اصحابه اذا رأده یضرب المعول بیده، فیکون اول من یضرب بالمعول ثم یرجع الیه اصحابه اذا رأو یضرب یضرب المعول بیده فیکون ذلك الیوم فضل بعض علی بعض بقدر سبقهم الیه، فیهدمون الحائط ثم یخرجا غصین رطبین فیلعنهما و یتبرا منهما و یصلبهما ثم ینزلهما و یحرقهما ثم ینزلهما فی الریح».

قبر آن دو، امام علیه السلام ناچار است دیوار قبر را خراب کند تا بتواند قبر آن دو را خراب نماید.

۴. از آنجا که مردم مدینه ارزش فراوانی برای آن دو قائل هستند و با مشاهده حوادث هم‌زمان تردید نمی‌کنند که حق با آن دو نفر است.

۵. خداوند همواره مردم را امتحان می‌کند، در این‌جا نیز امتحان شدیدی از جانب خداوند مطرح می‌شود تا معلوم شود چه کسانی از روی بصیرت اعتقاد دارند و چه کسانی بر اساس خرافات و افکار مردم، ایمان آورده‌اند.

۶. با ارزش‌ترین اصحاب کسانی هستند که پیش از دیگران به خدمت حضرت علیه السلام می‌رسند. احتمالاً پیش از ظهور رسمی نیز همین‌گونه است و اصحاب بزرگ‌تر زودتر به خدمت امام علیه السلام می‌رسند و همان‌ها جزء دوازده نفر نقباء قرار می‌گیرند.

مفضل بن عمر خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض می‌کند:

«گفتم ای مولایم، سپس مهدی علیه السلام به کجا می‌رود؟ فرمود: به سوی شهر جدّم رسول الله صلی الله علیه و آله، وقتی وارد آنجا می‌شود حادثه بزرگ و عجیبی آشکار می‌شود که موجب خوشحالی مؤمنین و سرافکنندگی کافران می‌شود.

مفضل گفت: ای سرورم، آن حادثه چیست؟ فرمود: نزد قبر جدّش رسول الله صلی الله علیه و آله می‌آید و می‌گوید: ای مردم، این‌جا قبر جدّم رسول الله است؟

مردم می‌گویند: بله ای مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله.

امام علیه السلام می‌فرماید: در قبر چه کسی (دفن) است؟

می‌گویند: دو هم قبری ایشان و هم نشینان ایشان که ابوبکر و عمر باشند.

مهدی علیه السلام در حالی که از همه به آن دو و از آن دو آگاه‌تر است، می‌فرماید: چگونه از میان مردم، آن دو در این‌جا به همراه جدم رسول‌الله صلی الله علیه و آله دفن شده‌اند؟ شاید کسی غیر از آن دو این‌جا دفن شده باشد. مردم (مدینه) می‌گویند: ای مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله این‌جا غیر از آن دو نفر کسی نیست و آنها به این دلیل این‌جا دفن شده‌اند که جانشینان رسول‌الله صلی الله علیه و آله و پدران زن‌های ایشان هستند....

مهدی علیه السلام می‌فرماید: آیا میان شما کسی هست که آن دو را بشناسد؟ می‌گویند: ای مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله، ما آن دو را با صفات می‌شناسیم و هم قبر جدت غیر از آن دو نفر نیستند.

می‌فرماید: آیا در میان شما کسی هست که غیر از این مطالب را بگوید و در آن دو شک داشته باشد؟ می‌گویند: خیر.

پس مهدی علیه السلام تا سه روز نبش قبر را به تأخیر می‌اندازد. آن‌گاه خبر میان مردم منتشر می‌شود و فتنه‌گرانی که از دوست‌داران آن دو هستند در محل حاضر می‌شوند و حضرت مهدی علیه السلام نیز می‌آید و دیوار را از دو قبر بر می‌دارد و به نقباء (اصحاب خویش) می‌فرماید از آن دو جستجو کنید و نبش قبر نمایید. آنها با دست خود دنبال آن دو می‌گردند تا به آنها رسیده و آنها را تازه و نو مانند حالت اولیه‌شان در دنیا بیرون می‌آورند. کفن‌های آنها را

برداشته و فرمان می‌دهد بر شاخه درخت خشک آویزان می‌کنند در نتیجه درخت زنده شده و بلند می‌گردد و شاخ و برگ داده و شاخه‌هایش بلند می‌شوند.

افراد مردّد و مشکوک که از اهل ولایت آن دو هستند، می‌گویند: سوگند به خدا این حق است. ما از محبت و دوستی آن دو رستگار شدیم، و از آن‌چه در باطن ایشان مخفی است خبر می‌دهند هرچند به اندازه دانه‌ای از محبت و دوستی آنها باشد. پس کنار آن دو آمده و آنها را مشاهده می‌کنند و به وسیله آن دو آزمایش می‌گردند.

سخن‌گوی حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید: هرکس دو یار و هم‌قبر رسول‌الله صلی الله علیه و آله را دوست دارد یک طرف قرار گیرد. پس مردم دو دسته می‌شوند، عده‌ای دوست‌دار و عده‌ای دشمن آن دو می‌گردند. حضرت مهدی علیه السلام بر دوست‌داران آن دو پیشنهاد براءت از آن دو را مطرح می‌کند.

آنان می‌گویند: ای مهدی آل رسول‌الله صلی الله علیه و آله ما از آن دو بی‌زاری نمی‌جوئیم و ما باور نمی‌کنیم که جایگاه آن دو در نزد خداوند و شما این‌گونه باشد، در حالی که چنین حالتی از فضل آنها نیز آشکار شده است، اصلاً از آن دو بی‌زاری نمی‌جوئیم در حالی که ما این حوادث را شامل تازگی و سرحالی و زنده شدن درخت در اثر وجود آن دو را نیز دیده‌ایم. بلکه سوگند به خدا از تو و آن که به تو ایمان آورده و کسانی که به آن دو ایمان نیاورده و آنها را مصلوب و نبش قبرشان کرده و این اعمال را درباره آنان انجام داده، بی‌زاری می‌جوئیم.

پس مهدی علیه السلام فرمان می‌دهد تا طوفان سیاهی وزیده و همگی را مانند تنه درخت خشک (نابود) می‌کند.

سپس دستور می‌دهد تا آن دو را پایین آورده و با اجازه خداوند آنها را زنده می‌کند و دستور می‌دهد تمام مردم حاضر شوند، آن‌گاه برای مردم ماجرای رفتار آنها را در هر دوره و زمانی مطرح می‌کند، تا جایی که ماجرای کشته شدن هابیل پسر آدم علیه السلام و جمع‌آوری آتش برای ابراهیم علیه السلام و افکندن یوسف علیه السلام در چاه و زندانی شدن یونس علیه السلام در شکم ماهی و کشته شدن یحیی علیه السلام و به صلیب آویخته شدن عیسی علیه السلام و مجازات جرجیس و دانیال پیامبر و کتک زدن سلمان فارسی و افروختن آتش بر درب خانه امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام و به آتش کشیده شدن آنها و تازیانه زدن به دست صدیقه کبری فاطمه علیها السلام و زدن به شکم ایشان و سقط محسن و مسموم کردن امام حسن علیه السلام و کشتن امام حسین علیه السلام و سر بریدن کودکان و پسر عمو و یارانش و به اسارت گرفتن خانواده رسول الله صلی الله علیه و آله و ریختن خون خانواده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و تمام خون‌هایی که ریخته شده و زناهایی که صورت گرفته و هر پلیدی و زشتی و گناهی و ستمی و ظلمی که از زمان حضرت آدم علیه السلام تا زمان قیام قائم علیه السلام صورت گرفته به حساب آن دو می‌گذارد و آنها را ملزم به آن دو می‌کند و آن دو نیز به آن جرائم اعتراف می‌کنند. سپس فرمان می‌دهد برای ظلم‌هایی که بر حاضرین نموده‌اند قصاص شوند. آن‌گاه آن دو را بر درخت آویخته و به آتش فرمان می‌دهد تا از زمین خارج شده و درخت



و آن دو را بسوزاند. سپس به باد فرمان می‌دهد تا آنها را برداشته  
و در دریا بیافکند»<sup>۱</sup>.

۱. نوائب الدهور، ج ۳، ص ۱۲۸ تا ۱۲۹ - قال المفضل: «قلت يا سيدي ثم يسير المهدي الى اين قال الى مدينة جدى رسول الله ﷺ فاذا هو وردها كان له بها مقام عظيم عجيب يظهر فيه سرور المومنين و خزي الكافرين. قال المفضل: قلت يا سيدي و ما هو ذلك قال يرد الى قبر جده رسول الله ﷺ فيقول: يا معشر الخلائق هذا قبر جدى رسول الله فيقولون: نعم يا مهدي آل محمد. فيقول و من معه فى القبر فيقولون ضحيعاه و صاحباه ابوبكر و عمر فيقول و هو بهما اعلم و من الخلق جميعاً و من فلان و فلان و كيف دفنا من بين الخلق مع جدى رسول الله و عسى المدفون غيرهما فيقول الناس يا مهدي آل محمد ما هيهنا غيرهما و انما دفنا لانهما خليفتا رسول الله ﷺ و ابوا زوجته... فيقول هل فيكم من يعرفهما فيقولون يا مهدي آل محمد نعرفهما بالصفة و ليس ضحيعا جدك غيرهما فيقول هل فيكم احد يقول غير هذا و يشك فيهما فيقولون لا. و يحضر المهدي و يكشف الجدران عن القبرين و يقول للثقباء ابحثوا عنهما و انبشوهما فيبحثون بايديهم حتى يصلوا اليهما فيخر جان غضيين طريين كهيئة صورتهم فى الدنيا فيكشف عنهما اكفانهما و يامر برفعهما على دوحه يابسة نخرة فيصلبان عليها فتحى الشجرة و ترتفع و تورق و يطول فرعها فيقول المرتابون من اهل ولايتهما هذا و الله الشرف حقاً و لقد فزنا بمحبتهم و ولايتهما و يخبر من اخفى نفسه ممن فى نفسه مقياس حبة من محبتهم و ولايتهما فيحضرونهما و يرونهما و يفتنون بهما و ينادى مناد المهدي عليه السلام كل من احب صاحبى رسول الله ﷺ و ضجيعيه فلينفرد جانباً فيتجزءوا الخلق جزئين موال لهما و متبرء منهما فيعرض المهدي عليه السلام على اوليائهما البرائة منهما فيقولون يا مهدي آل رسول الله نحن لم نتبرء منهما و لسنا نعلم ان لهما عند الله و عندك هذه المنزله و هذا الذى قد بدالهما من فضلهم لا نتبرء الساعة منهما و قد رأينا منهما ما رأينا فى هذا الوقت من نضارتهم و غضاضتهم و حيوه الشجرة بهما بل و الله نتبرء منك و ممن آمن بك و من لا يؤمن بهما و من صلبهما و اخرجهما و فعل بهما ما فعل. فيامر المهدي عليه السلام ريحاً سوداء فتهب عليهم فتجعلهم كاعجاز نخل خاوية ثم يأمر بانزالهما فينزلان اليه

### نکات مهم حدیث:

۱. این حادثه از معجزات مهم برای حقانیت حضرت مهدی علیه السلام است که توسط اصحاب و مردم مدینه به دیگران گزارش خواهد شد.
۲. اصحاب امام علیه السلام در حدیث سابق به جهت ترسی که از این حادثه برای آنان ایجاد شده است از امام علیه السلام فاصله گرفته اند.
۳. نقباء هیچ گاه امام علیه السلام را رها نمی کنند. زیرا ایمان و شناخت آنان نسبت به حضرت مهدی علیه السلام بی نظیر است.
۴. آن دو ملعون که از قبر بیرون می آیند، هرچند جسدشان تازه است ولی هنوز مرده اند و آن گاه پس از حوادث مذکور به فرمان امام علیه السلام زنده می شوند.
۵. تمامی گناهان پس از غضب خلافت به گردن آن دو نفر است اما چرا امام علیه السلام گناهان پیش از آنها را نیز به آنها نسبت می دهد. علت آن ساده است

→ فیحییهما باذن الله تعالی و یامر الخلائق بالاجتماع ثم یقضّ علیهم قصص فعالهما فی کل کور و دور حتی یقتضّ علیهم امر قتل هابیل بن آدم علیه السلام و جمع النار لابراهیم علیه السلام و طرح یوسف فی الجب و حبس یونس فی بطن الحوت و قتل یحیی علیه السلام و صلب عیسی علیه السلام و عذاب جرجیس و دانیال و ضرب سلمان الفارسی و اشعال النار علی باب امیرالمؤمنین و فاطمة و الحسن و الحسین علیه السلام لاحراقهما بها و ضرب ید الصدیقة الكبرى فاطمة بالسوط و رفس بطنها و اسقاط محسنها و سمّ الحسن علیه السلام و قتل الحسین علیه السلام و ذبح اطفاله و بنی عمّه و انصاره و سبی ذراری رسول الله صلی الله علیه و آله و اراقة دماء آل محمد علیهم السلام و کل دم سفک و کل فرج نکح حراماً و کل خبث و فاحشة و اثم و ظلم و جور و غشم منز عهد آدم علیه السلام الی وقت قیام قائمنا کل ذلك یعدّده علیه السلام علیهما و یلزمها ایاه فیعترفان به ثم یأمر بهما فیقتضّ منهما فی ذلك الوقت بمظالم من حضر ثم یصلبهما علی الشجرة و یامر نارا تخرج من الارض فتحرقهما و الشجرة ثم یامر ریحاً فتنسفهما فی الیم نسفاً».

زیرا این دو نفر که در روی زمین در مقابل امیرالمؤمنین علیه السلام ظاهر شده‌اند پیش از تولد زمینی خود نیز توسط شیطان اما به شکلی نامرئی مجری فساد و تباهی در سطح زمین و کائنات بوده‌اند.<sup>۱</sup> آنان از دستیاران مستقیم ابلیس بوده‌اند که برای پیش‌گیری از گسترش اسلام و مقابله با امپراتور هستی یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام در قالب این دو شخص به زمین آمده‌اند و پس از ظهور، رجعت می‌کنند تا مجازات این جهان را داشته باشند و احتمالاً با حمله نهایی ابلیس به سیاره زمین و مبارزه نهایی با حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در کنار ابلیس علیه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام وارد جنگ خواهند شد.

۶. جالب این است که در این دادگاه، آن دو به تمامی جنایت‌ها اعتراف می‌کنند و اعتراف آنان تأییدی است بر صحت گفتار ما که آنان از اول خلقت دستیار اول ابلیس بوده‌اند و بعد از شیطان تمامی خطاها در هستی و کهکشان‌ها بر عهده این دو نفر یعنی جانشینان ابلیس بر روی زمین می‌باشد.

---

۱. برای توضیح بیشتر و مشاهده دلایل کافی برای این مطلب به کتاب «فرارزمینی‌ها در آیات و روایات» اثر اینجانب مراجعه فرمایید.



# بخش دوم

امام مهدی علیه السلام در عراق

## فصل اول:

### ورود به کوفه

پس از عملیات مدینه و تسلیم شدن مردم به امام عصر علیه السلام، مرحله اصلی حرکت ایشان یعنی حرکت به سوی کوفه آغاز می‌شود. آزادسازی مکه و مدینه حرکت‌های مقدماتی بوده که در مسیر آزادسازی عراق انجام می‌گیرد. عراق دروازه ورود و تصرف جهان خواهد بود و جنگ‌های اصلی و جدی امام علیه السلام نیز پس از ورود به عراق انجام خواهد گرفت.

وسایل نبرد اصحاب تا کنون بسیار ابتدایی است. از این جهت است که استفاده از اسب<sup>۱</sup> به عنوان مرکب (وسیله نقلیه) و شمشیر به عنوان اسلحه، طبیعی است. زیرا همان‌گونه که در جلد اول اشاره شد پیش از ظهور رسمی امام علیه السلام در اثر دو جنگ بزرگ جهانی سوم و چهارم (منطقه‌ای) منابع سوخت و چاه‌های نفت و پالایشگاه‌ها و کارخانه‌های اسلحه‌سازی از کار افتاده و به تعطیلی کشانده خواهند شد. در این فضا دیگر هواپیماها و تانک‌ها و وسایل نقلیه موتوری زمین گیر شده و منطقه با کمبود امکانات مدرن و پیشرفته مواجه می‌شود و مردم ناچار می‌شوند برای مدتی در حمل و نقل و یا کشاورزی

---

۱. در این روایات تصریح شده است که امام علیه السلام با اسب و شمشیر حرکت می‌کند.

و حتی جنگ، از وسایل قدیمی مانند چارپایان و شمشیر استفاده کنند. به این ترتیب معلوم می‌شود که استفاده از این وسایل در تصرف مکه و مدینه چندان عجیب نخواهد بود. اما با وارد شدن به عراق و حوادث بزرگی که در انتظار نیروهای امام مهدی علیه السلام است این وسایل کاربرد چندانی نخواهد داشت. در این جا است که نیروها و امدادهای الهی نزول می‌یابد.<sup>۱</sup>

### ملاقات حضرت مهدی علیه السلام با سید حسنی

با ورود حضرت مهدی علیه السلام به حوزه جغرافیایی کوفه، سپاه ایشان با نیروهای سید حسنی (خراسانی) که از پیش برای مبارزه با سفیانی در منطقه به سر می‌برند ملاقات خواهد کرد.

حضرت باقر علیه السلام می‌فرماید:

«... تا (مهدی علیه السلام) به منطقه ثعلبیه (محلی در عراق) می‌رسد، مردی از نسل پدرانش که قوی‌ترین افراد به لحاظ جسمی و شجاع‌ترین فرد بعد از مهدی علیه السلام است بر می‌خیزد و می‌گوید: ای آقا چه کار می‌کنید؟ سوگند به خداوند شما مردم را مانند گوسفند پراکندید. آیا این رفتار با پیمانی از جانب رسول الله صلی الله علیه و آله است و یا چرا انجام می‌دهید؟»

یک ایرانی (از اصحاب حضرت علیه السلام) که متولی بیعت گرفتن است می‌گوید: سوگند به خدا ساکت می‌شوی یا آن‌چه که چشم‌هایت در آن

---

۱. البته لازم به تذکر است که احتمال دارد امام علیه السلام در حرکت خود به سوی عراق از امکانات متعارف امروز نیز استفاده نمایند ولی این وسایل نسبت به وسایلی که در عراق نصیب ایشان می‌شود و از آسمان نازل می‌شود بسیار اندک و ضعیف است.

قرار دارد را قطع کنم (گردنت را بزنم).  
قائم عليه السلام به وی می‌فرماید: فلانی ساکت شو. بله سوگند به خداوند  
همراه من پیمانی از رسول الله صلى الله عليه وآله است.  
خراسانی گوید: ای آقا این گنجینه و عهدنامه را به من نشان بدهید.  
امام عليه السلام نیز آن را نشان وی می‌دهد و او پیمان رسول اکرم صلى الله عليه وآله را  
مطالعه می‌کند آن‌گاه (به امام عليه السلام) می‌گوید: خداوند مرا فدای شما  
گرداند، سر مبارکتان را بدهید تا آن را ببوسم. امام عليه السلام نیز سر مبارک  
خویش را پیش می‌آورد و او میان دو چشم امام عليه السلام را می‌بوسد.  
سپس می‌گوید: خداوند مرا فدای شما گرداند، بیعت را برای ما تجدید  
کن، امام عليه السلام نیز دوباره با آنها بیعت می‌کند.<sup>۱</sup>

#### نکات مهم حدیث:

۱. این حدیث ظاهراً ماجرای ملاقات خراسانی با حضرت مهدی عليه السلام را بیان می‌کند.
۲. با توجه به این حدیث، خراسانی از نظر قدرت جسمی و شجاعت پس از حضرت مهدی عليه السلام قرار دارد.

---

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۳ - قال الباقر عليه السلام: «... حتى اذا بلغ الى الثعلبية قال اليه رجل من صلب أبيه و هو من اشد الناس ببدنه و اشجعهم بقلبه ما خلا صاحب هذا الامر فيقول: يا هذا ما تصنع؟ فوالله انك لتجعل الناس اجفال النعم أفبعهد من رسول الله صلى الله عليه وآله بماذا؟ فيقول المولى الذي ولى البيعة: والله لتسكنن او لأضربن الذي فيه عينك. فيقول القائم: اسكت يا فلان اي والله انّ معى عهداً من رسول الله هات لى [يا] فلان العيبة او الزنجيلجه فيأتيه بها فيقرؤه العهد من رسول الله فيقول: جعلنى الله فذاك أعطنى رأسك أقبله فيعطيه رأسه فيقبل بين عينيه ثم يقول: جعلنى الله فذاك، جدّد لنا بيعة فيجدّد لهم بيعة».

۳. کسی که متولی و مسئول بیعت گرفتن است فردی ایرانی است.

۴. هرچند خراسانی حضرت ولی عصر علیه السلام را می‌شناسد ولی برای این که اصحاب خودش و دیگر مردم از مقام حضرت آگاه شوند، چنین گفتگو می‌کند.  
حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«سپس حسنی خوش سیما که از اطراف دیلم آمده قیام می‌کند. با صدایی آشکار فریاد می‌زند: از آل احمد اجابت کنید این شخص غمگین و آن که از اطراف ضریح فریاد می‌زند. در نتیجه گنج‌های خداوند در طالقان و عجب گنج‌هایی هستند، گنج‌هایی که از جنس طلا و نقره نیست بلکه مردانی هستند مانند پاره‌های آهن که بر اسب‌های تندرو سوار شده و اسلحه در دست دارند. از شدت علاقه به نبرد (علیه دوستان امام علیه السلام) همانند گرگ‌ها هجوم می‌آورند. فرمانده آنان مردی از تمیم است که به وی شعیب بن صالح می‌گویند. حسنی در میان آنان در حالی که صورتش مانند قرص ماه است و زیبایی و سرعت وی مردم را به شگفتی می‌آورد، حرکت کرده و به دنبال ظالمان می‌گردد. شمشیرش کوچک و بزرگ و دون پایه و عالی مقام را می‌گیرد. پس از تمام این نبردها وارد کوفه می‌شود (و همواره ظالمان را می‌کشد تا وارد کوفه می‌شود در حالی که زمین را پاکسازی کرده است) و آنجا را مقر خویش قرار داده است که خبر (قیام مهدی علیه السلام) به وی و اصحابش می‌رسد. (در نتیجه نزد سپاه حضرت مهدی علیه السلام می‌آیند). یاران خراسانی گویند: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله این مهدی که وارد قلمرو ما شده است، کیست؟ خراسانی گوید: برویم نزد وی تا ببینیم کیست و چه می‌خواهد. در



حالی که سوگند به خداوند، خودش مهدی علیه السلام را می‌شناسد و می‌داند که مهدی علیه السلام است و هدفش از این کار آن است که اصحابش نیز او را بشناسند. حسنی بیرون آمده و (نزد امام علیه السلام می‌رسد) می‌گوید اگر شما مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله هستید پس چوب دستی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و انگشتر و برد (شئل) و زره ایشان به نام فاضل و عمامه وی به نام سحاب و اسب وی به نام یربوع و ناقه وی به نام غضباء و قاطر ایشان به نام دُلْدُل و تاج آن حضرت و الاغش به نام یعفور و اسب وی به نام براق و قرآن امیرالمؤمنین علیه السلام که جد شما امیرالمؤمنین علیه السلام بدون هیچ تغییری (در آیاتش) جمع‌آوری کرد کجاست؟... حسنی گوید: کافی است ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله این مقدار که دیدم کافی است. آن‌چه از شما می‌خواهم این است چوب دستی رسول الله صلی الله علیه و آله را (در زمین) بکاری، هدف او از این گفته این است که مقام حضرت مهدی علیه السلام را به اصحابش نشان دهد تا از او اطاعت کرده و علاقمند شوند. (حسنی گوید) این چوب دستی را در سنگ سخت بکار و از خدا بخواه تا در آن (سنگ) رشد کند، در حالی که یارانش مشاهده می‌کردند. مهدی علیه السلام تمام آن‌چه را می‌خواهد ارائه می‌کند و چوب دستی را به دست گرفته و در سنگ می‌کارد و در نتیجه سبز شده و بالا آمده و شاخ و برگ می‌یابد تا حدی که بر سپاه مهدی علیه السلام و سپاه حسنی سایه می‌افکند. پس حسنی گوید: الله اکبر، ای پسر رسول الله صلی الله علیه و آله دستت را دراز کن تا با شما بیعت کنیم، پس حسنی و بقیه سپاه وی بیعت می‌کنند مگر چهل هزار نفر اصحاب مصاحف (قرآن‌ها) که معروف به زیدیه هستند. آنها می‌گویند این

عملیات جادوی بزرگی است در نتیجه دو سپاه با هم درگیر می‌شوند. حضرت مهدی علیه السلام به سوی گروه منحرف می‌رود و آنها را نصیحت می‌کند تا سه روز آنان را دعوت می‌کند. ولی جز سرکشی و کفر بیشتر در آنها نمی‌افزاید. امام علیه السلام نیز فرمان می‌دهد تا همگی کشته شوند. سپس به اصحابش می‌فرماید این قرآنها را از آنها دور نکنید تا مایه حسرت آنان (در آن دنیا) باشد همان‌گونه که قرآن را (با تفسیر به رأی خویش) تغییر داده و تحریف نموده و به آن عمل نمی‌کردند.<sup>۱</sup>

۱. نواب الدهور، ج ۳، ص ۱۳۹ - ۱۴۲: عن مفضل بن عمر عن جعفر بن محمد علیه السلام قال: «ثم يخرجني الحسني الصبيح الذي من نحو الديلم يصبح بصوت له فصيح يا ال احمد اجيبوا الملهوف و المنادي من حول الضريح فتجيبه كنوز الله بالطائفان كنوز و اي كنوز ليست من فضة و لا من ذهب بل هي رجال كزبر الحديد على البراز بين الشهب بايدهم الحراب يتغاورون شوقاً الى الحراب كما تغاور الذئاب اميرهم رجل من تميم يقال له شعيب بن صالح فيقبل الحسني فيهم و وجهه كدائرة القمر يروع الناس جمالا انفا فيقفى على اثر الظلمة ياخذ سيفي للمصغير و الكبير و الوضيع و العظيم ثم ياتي تلك الرايات كلها حتى يرد الكوفة (و لم يزل يقتل الظلمة حتى يرد الكوفة و قد صفا اكثر الناس) فيجعله معقلا فيتصل به و باصحابه خبير المهدي و يقولون يا بن رسول الله من هذا المهدي الذي قد نزل بساحتنا فيقول اخرجوا بنا اليه حتى ننظر من هو و ما يريد و هو و الله يعلم انه المهدي و انه ليعرفه و لم يرد بذلك الامر الا ليعرف اصحابه من هو فيخرج الحسني فيقول ان كنت مهدي ال محمد فاين هراوة جدك رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم و خاتمه و برده و درعه الفاضل و عمامته السحاب و فرسه اليربوع و ناقته الغضباء و بغلته الدلدل و تاجه و حماره اليعفور و نجيبه البراق و مصحف امير المؤمنين الذي جمعه جدك امير المؤمنين بغير تبديل و لا تغيير قال فيحضر المهدي السفط الذي فيه جميع ما طلبه... فيقول الحسني حسبي يا بن رسول الله بعض ما قد رأيت و الذي اسئلك ان تغرز هراوة رسول الله و جدك صلى الله عليه و آله و سلم و هو لا يريد بذلك الا ان يرى اصحابه فضل المهدي عليه السلام حتى يعطيوه و يتألفوه و تغرزها

### نکات مهم حدیث:

۱. خراسانی با یاران خاص خود که بهترینشان از طالقان هستند به سوی کوفه حمله می‌کند.

۲. نیروهای فراوانی از ایران به همراه خراسانی حرکت می‌کنند. این نیروها قوی و جنگجو هستند ولی به دلیل حوادث بعدی و خروج چهل هزار نفر از آنان علیه امام علیه السلام، معلوم می‌شود که از لحاظ شناخت و ایمان رتبه آنان مختلف باشد. برخی با شناخت و ایمان والا و برخی دیگر ذاتاً فاسد و بی‌اعتقاد ولی در ظاهر مؤمن و نمازگزار می‌باشند.

۳. حوادث بعدی است که شخصیت واقعی اصحاب خراسانی را روشن خواهد کرد.

۴. ایرانیان مشتاق به پیشگامی در عرصه ظهور به دنبال خراسانی روان می‌شوند (البته غیر از اصحاب خاص که به سوی مکه و مدینه روان شده‌اند) اما کسانی که در ایران باقی می‌مانند غافلان یا فرصت‌طلبان و جاه‌طلبانی هستند که یا اعتمادی به خراسانی نداشته و یا تمایلی به یاری رساندن به

---

→ فی هذا الحجر الصلد و تسئل الله ان ینبتها فیه و هؤلاء ینظرون فیخرج المهدی جمیع ما طلبه منه و یاخذ المهدی الہراوة بیدہ و غرزها فی الحجر فتنبت و تملو و تفرع و تورق حتی ظللت عسکر المهدی و عسکر الحسنی فیقول الحسنی الله اکبر مد یدک یا بن رسول الله حتی نبایعک فیبایعہ و یبایعہ سابر العسکر الا اربعین الف اصحاب المصاحف المعروفون بالزبیدیہ فانہم یقولون ما هذا الا سحر عظیم فیختلط العسکران فیقبل المهدی علی الطائفہ المنحرفۃ فیعظہم و یدعوہم ثلاثۃ ایام فلا یزدادون الا طغیاناً و کفراً فیامر فیقتلون جمیعاً ثم یقول لاصحابہ لاتأخذوا المصاحف و دعوا تكون علیہم حسرة کما بدلوا و غیروا و حرّفوا و لم یعلموا بما فیہا».

امام عصر علیه السلام ندارند و گمان می‌کنند آمدن امام علیه السلام به ضرر آنان تمام خواهد شد. البته همین افراد هستند که در زمان حرکت امام علیه السلام به ایران موجب درگیری با حضرت مهدی علیه السلام می‌شوند و در روایات آمده که شهر ری<sup>۱</sup> از جمله شهرهایی است که با سپاهیان قائم علیه السلام و یاران آسمانی ایشان می‌جنگند.

۵. خراسانی در مسیر خود به کوفه، شهرهای بین راه را تصفیه و پاک می‌کند همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد.

۶. کوفه محل استقرار و پایگاه خراسانی می‌گردد ولی همچنان دچار زلزله و کشمکش خواهد بود.

۷. خراسانی امام علیه السلام را می‌شناسد ولی از آنجا که می‌داند در میان اصحابش افراد سست ایمان یا با اعتقادات انحرافی نیز وجود دارد، سعی می‌کند با دلایل آشکار با امام علیه السلام بیعت کند تا به این وسیله یارانش نیز به حضرت ایمان آورند.

۸. با وجود این تمهیدات خراسانی، اصحاب وی آنچنان متغیر و متفاوت هستند که با وجود دلایل و معجزات آشکار، نسبت به امام مشکوک شده و ایشان را جادوگر و بی‌دین می‌شناسند.

۹. شاید علت این حادثه در ذهن شما به عنوان یک معما باقی مانده باشد. اما با توجه به روایات دیگر که اشاره خواهد شد در زمان ورود امام عصر علیه السلام به کوفه، امام علیه السلام مطالبی را مطرح می‌کنند که برای این افراد خوشایند نیست. در نتیجه می‌بینند دینی که آنان می‌شناخته‌اند غیر از دینی است که

---

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۹۹.

بخش دوم / فصل اول: ورود به کوفه ..... ۱۰۳

ایشان مطرح می‌کنند، پس به امام علیه السلام بدبین شده و حاضر نیستند دست از اعتقاد خویش بردارند.

۱۰. همان‌گونه که در این حدیث اشاره شده است این چهل هزار نفر شورشی در سپاه خراسانی کسانی هستند که «اصحاب مصاحف» بوده و معروف به زیدیه هستند.

۱۱. «اصحاب مصاحف» را می‌توان به «اصحاب قرآن» ترجمه کرد. زیرا با توجه به عکس‌العمل امام علیه السلام که می‌فرماید مصاحف را کنار آنها گذارید تا مایه حسرت آنها شود همان‌گونه که آن را تغییر و تبدیل و تحریف کرده‌اند، معلوم می‌شود که منظور از مصاحف، قرآن است و «اصحاب مصاحف» کسانی هستند که اصحاب قرآن و پیروان راستین قرآن معروف هستند.

۱۲. ملاحظه می‌فرمایید کسانی که تا پیش از ظهور به پارسایی و پیرو قرآن و اسلام واقعی مشهور بودند تا جایی که به آنها «یاران قرآن» یا «همدمان قرآن» می‌گفتند به دلیل نداشتن بصیرت در دین و عدم احاطه بر احادیث اهل بیت علیهم السلام این چنین از دشمنان درجه اول امام عصر علیه السلام می‌گردند.

۱۳. راه نجات برای کسانی که نمی‌ترسند مبادا در دین‌داری خویش بیراهه رفته باشند این است که:

(الف) به هیچ وجه شخصیت پرست نشوند. یعنی دین خود را وابسته به هیچ کس نکرده و به هیچ وجه تعصب بر هیچ شخصیتی پیش از ظهور نداشته باشند.

(ب) به تمام سخنان توجه کنند، هر چند این سخنان برخلاف افکار و اعتقاداتشان باشد. اما پس از بررسی و مطابقت با ملاک حق و ارزش‌هایی که بر اساس حق شناخته است، آن‌گاه آن را بپذیرد.

(ج) برای یافتن ملاک حق سعی کنند از چارچوب روایات تخطی نکنند. اگر

روایتی را درک نکردند انکار نکرده و سعی کنند از روایاتی که درک می‌کنند و می‌فهمند، عدول نکنند. اگر نمی‌توانند تمام روایات را قبول و عمل نمایند حداقل آنها را انکار نکرده و مخالفت صریح با روایات نداشته باشند.

(د) علائم و نشانه‌های ظهور را مطالعه کرده و آمادگی مواجهه با شرایط و امتحانات عصر ظهور را داشته باشند.

(ه) با تمام اخلاص و بدون توجه به هیچ کس و هیچ چیز با امام علیه السلام ارتباط دائمی داشته و همواره از ایشان تقاضا کنیم تا حقیقت را آن‌گونه که صلاح می‌دانند بر ما آشکار کنند و مطمئن باشیم که امام علیه السلام ما را در همه حال یاری خواهد کرد.

(و) با تمام وجود، تسلیم حضرت علیه السلام باشیم حتی در مسائلی که مورد قبول و درک ما نیست.

۱۴. صفت معرفی کننده این گروه سرکش و شورشی، «زیدی» است. یعنی آنان گروهی هستند که معروف به زیدی می‌باشند. زیدیه گروهی بودند که معتقد به قیام در برابر حکومت‌های موجود، بوده و هیچ‌گاه برای زمامداری، منتظر امام معصوم علیه السلام نمی‌شدند. در واقع آنان برای تشکیل حکومت و اقامه احکام دینی نیازی به وجود امام علیه السلام نمی‌بینند. به همین دلیل است که بود و نبود امام علیه السلام را در اجرای احکام و اهداف حکومت‌داری خویش یکسان می‌بینند، در نتیجه وقتی می‌بینند رفتار و افکار امام علیه السلام برخلاف روش حکومت‌داری و جاه‌طلبی آنان است، می‌گویند نیازی به وجود شما نداریم. همان‌گونه که در حدیث بعد به وضوح این مطلب را در دستة دیگری از زیدیه هنگام ورود حضرت علیه السلام در کوفه مشاهده می‌کنیم.

### استقبال جاه طلبان از حضرت مهدی علیه السلام

همان گونه که پیشتر اشاره شد مشکلات حضرت مهدی علیه السلام بیشتر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. زیرا زمانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد، مردم سنگ و چوب را به عنوان بت ستایش می کردند ولی وقتی مهدی علیه السلام می آید، مردم با کتاب و سنت علیه ایشان وارد میدان می شوند. از این که کتاب و سنت را ایشان به کار می برند استفاده می کنیم که مردم معمولی و بی خبر از کتاب و سنت نمی توانند چنین رفتاری در مقابل حضرتش علیه السلام داشته باشند و این کار فقط از علماء دین ساخته است. از جمله مواردی که علماء شیعه در برابر حضرت علیه السلام می ایستند هنگام ورود به شهر نجف، مرکز حوزه علمیه شیعه است.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«هرگاه قائم علیه السلام قیام کرد به کوفه می رود. در این هنگام چند ده هزار نفر که به آنان «بُتریّه» می گویند سلاح به دست در مقابل وی ایستاده و می گویند: از همان جا که آمدی برگرد ما نیازی به فرزندان فاطمه نداریم. امام علیه السلام نیز شمشیر در میان آنها می گذارد و همگی را نابود می سازد، سپس داخل کوفه می شود و در آنجا هر منافق مشکوکی را کشته و قصرهای آن را خراب می سازد و شورشیان آنجا را می کشد تا خداوند راضی گردد»<sup>۱</sup>.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸ - روی ابوالجارود عن ابی جعفر علیه السلام فی حدیث طویل انه قال: «اذا قام القائم علیه السلام سار الی الکوفه فیخرج منها بضعة عشر آلف انفس یدعون البُتریة علیهم السلاح فیقولون له: ارجع من حیث جئت فلا حاجة لنا فی بنی فاطمة فیضع منهم السیف حتی یأتی علی آخرهم ثم یدخل الکوفه، فیقتل بها کل منافق مرتاب و یهدم قصورها و یقتل مقاتلیها حتی یرضی الله عز و علا».

### نکات مهم حدیث:

۱. پیش از ورود به کوفه، دشمنان امام علیه السلام (و شیعیان ظاهری) این گونه از حضرت علیه السلام استقبال می کنند.
۲. بیشترین دشمنان حضرت مهدی علیه السلام در کوفه و نجف که مقرر شیعیان و حوزه علمیه است، منافقین و شکاکان در دین هستند.
۳. منظور از منافقین کسانی هستند که به ظاهر امام و اهل بیت علیهم السلام را دوست دارند ولی در باطن جاه طلب و قدرت مدار هستند.
۴. بُتریّه<sup>۱</sup> گروهی از زیدیه هستند. هرچند به ظاهر زیدیه در عراق یا شهر نجف نیستند ولی وقتی بدانیم افکار زیدیه چگونه است آنگاه متوجه می شویم افکار زیدیه در میان شیعیان فراوان یافت می شود. زیدیه گروهی بودند که به دلیل جاه طلبی و انقلابی گری سعی می کردند به هر طریق که شده حکومت های وقت را ساقط کرده و خود به جای آنان بر مسند قدرت تکیه زنند. آنان در ظاهر به نام دفاع از مظلومین و برقراری عدل در جامعه، حکومت وقت را ساقط می کردند. اما به محض قدرت یافتن همان اعمال را حتی با خشونت بیشتر انجام می دادند. شاید بعد از خوارج، بزرگترین دشمنان شیعه دوازده امامی همین فرقه زیدیه بوده اند.
۵. امام باقر علیه السلام از این جهت این گروه از شیعیان را به بُتریّه که فرقه ای از زیدیه است، تشبیه نموده که آنها معتقدند خودشان در اداره جامعه و حکومت

---

۱. در گذشته اشاره نمودیم که تعداد چهل هزار نفر از افراد زیدی مسلک از سپاه خراسانی علیه حضرت علیه السلام می شورند. احتمالاً این فرقه نیز از طرفداران و همفکران آنان باشند.



بخش دوم / فصل اول: ورود به کوفه ..... ۱۰۷

توانایی و امکانات لازم را دارند و دیگر نیازی به مدعی مهدویت (یعنی حضرت مهدی علیه السلام) ندارند. به همین دلیل مقابل ایشان می ایستند.

۶. از مقابله آنان با امام مهدی علیه السلام روشن می شود که:

الف) آنان شیعه هستند (از لفظ منافق استفاده می شود که ظاهراً شیعه ولی در باطن مخالف اهل بیت علیهم السلام هستند).

ب) از سردمداران شهر نجف می باشند. چون می گویند نیازی به فرزند فاطمه علیها السلام نداریم و خودشان قدرت کنترل دارند.

ج) به دلیل این که شهر نجف مذهبی و پر دست علماء است، احتمالاً برخی از علماء این شهر هستند که در برابر آن حضرت می ایستند.

۷. مقابله آنان با امام علیه السلام چند احتمال دارد:

الف) آنان اعتقادی به این که ایشان مهدی علیه السلام هستند، ندارند. از مشکوک بودن افراد شاید این نظریه تقویت شود.

ب) می دانند که ایشان مهدی علیه السلام هستند ولی نمی توانند موقعیت و امکانات خویش را رها سازند.

ج) اعتقاد به مهدویت و آمدن وی ندارند. این احتمال ضعیف است زیرا آنان خود را در اداره جامعه و اسلام قوی می دانند. پیداست در اصل، اعتقاد به مهدویت دارند ولی برای تشکیل حکومت وجود حضرت مهدی علیه السلام را ضروری نمی دانند.

۸. فراموش نکنید که تا کنون قریب دو ماه از آغاز رسمی ظهور امام عصر علیه السلام می گذرد و بسیاری از مردم منطقه از نوع عملکرد ایشان و مجازاتی که در شهرهای مکه و مدینه داشته اند با اطلاع هستند. پس طبیعی است که

سردمداران شهر نجف یا تمام شهرها بر مقام و جایگاه خویش بترسند.  
 ۹. احتمالاً شیعیان پیش از ظهور، در عراق صاحب قدرت خواهند شد.  
 به این ترتیب می‌بینیم اولین مشکل اساسی امام علیه السلام برخورد با شیعیان  
 خودسر و لجوج و جاه‌طلب است. شاید فلسفه دولت‌های مختلف توسط  
 شیعیان و غیر شیعیان را بتوان در حدیث زیر شناخت.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«دولت ما آخرین دولت‌هاست و هیچ خاندان دولت‌طلبی نیست مگر  
 این که پیش از (ظهور قائم علیه السلام) ما حکومت می‌یابند تا مبدا هنگامی  
 که روش حکومتی ما را دیدند، بگویند: اگر ما نیز به حکومت  
 می‌رسیدیم مانند این خانواده (اهل بیت علیهم السلام) حکومت می‌کردیم و  
 این همان سخن خداوند است: و در پایان (حکومت) متعلق به متقین  
 است.»<sup>۱</sup>

#### نکات مهم حدیث:

۱. دولت اهل بیت علیهم السلام یعنی دولتی که توسط ایشان (ائمہ اطهار علیهم السلام) به  
 وجود آید و طبیعی است که بقیه دولت‌ها منسوب به اهل بیت علیهم السلام نبوده بلکه  
 به بانیان آنها نسبت داده می‌شوند. مانند دولت عباسیان، دولت فاطمیان و  
 دولت صفوی و دولت هخامنشیان و... هر کدام از این دولت‌ها منسوب به نژاد  
 یا خانواده آنان است و هیچ کدام منسوب به اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیست.

۱. غیبت شیخ طوسی، ص ۴۷۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲ - عن ابی جعفر علیه السلام قال:  
 «دولتنا آخر الدول، و لن یبقی اهل بیت لهم دولة الا ملکوا قبلنا لثلا یقولوا اذا رأوا  
 سیرتنا: اذا ملکنا سرنا مثل سیرة هولاء و هو قول الله عزوجل: ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾  
 اعراف (۷): آیه ۱۲۷؛ قصص (۲۸): آیه ۸۳».

اگر کسی هم این ادعا را کرد دروغگو است و دو جرم مرتکب شده است، اول این که بدون اجازه، حکومتی را تشکیل داده و دوم این که خطاهای خود را در حکومت‌داری و جاه‌طلبی خویش بدون دلیل الهی به امام و اهل بیت علیهم‌السلام نسبت داده است و این تهمت بزرگی است.

۲. هر خانواده‌ای پیش از ظهور صاحب حکومت نمی‌شود، بلکه خانواده‌هایی به حکومت می‌رسند که در دل و از درون، رؤیای حکومت و سلطنت در سر پیوررانند و جاه‌طلبی باعث شود که در تلاش برای حاکمیت برآیند. در این صورت هر کسی که این نیت درونی را داشته باشد و در این جهت تلاش کند و در علم الهی نیز صاحب دولت باشد، مطمئن باشد روزی خانواده وی به حکومت خواهد رسید.

۳. فلسفه اجازه یافتن این گروه‌ها برای تشکیل حکومت این است که چون مدعی اجرای عدالت هستند، توفیق تشکیل حکومت را می‌یابند. در واقع شرط یافتن حکومت این است که هدفشان اجرای عدالت باشد. یعنی کسانی موفق می‌شوند تا حکومتی را تشکیل دهند که اولاً جاه‌طلب باشند؛ ثانیاً هدفشان و شعارشان اجرای عدالت باشد. در این صورت برای این که وقتی حکومت مهدی علیه‌السلام را دیدند نگویند ما نیز برنامه اجرای عدالت داشتیم و اگر حکومت می‌کردیم می‌توانستیم وضع اقتصادی، اجتماعی و... جامعه را اصلاح کنیم.

۴. شاید سؤال کنید پس مؤمن واقعی پیش از ظهور نسبت به توانایی خویش در اجرای عدالت در جامعه، چه اعتقادی باید داشته باشد تا مشمول این حدیث نشود؟ پاسخ بسیار روشن است، شما باید بدانید هر قدر باهوش و باتجربه باشید به دلایل مختلف امکان اجرای عدالت در جامعه را نخواهید

داشت، زیرا بر فرض که شما عادل باشید، کارگزاران و نمایندگان شما تضمینی بر امانت داریشان نیست. در واقع شما واسطه دنیاطلبی دیگران می‌شوید و روز قیامت باید پاسخ‌گوی اعمال خلاف زیر دستانتان نیز باشید. در این جا است که شیعه زیرک، تکلیفی را که بر وی نگذاشته‌اند، بر عهده نمی‌گیرد، به ویژه اگر با آن رفتار، گناهان دیگران را نیز به دوش خویش بکشد.

۵. در نهایت، چه آنها که مدعی توانایی اجرای عدالت در جامعه هستند و چه آنها که این ادعا را ندارند، پیش از ظهور در اثر بدبختی‌ها و بدرفتاری‌های بشر، همه انسان‌ها از حکومت‌ها و برنامه‌های خویش ناامید شده و همگی رو به سوی منجی الهی می‌آورند. در این هنگام است که ارزش امام علیه السلام برای مردم از جمله شیعیان روشن می‌شود.

۶. حتی در این هنگام نیز برخی از شیعیان نادان و جاه‌طلب که هنوز باد نخوت و خودخواهی از سر آنها نرفته در مقابل امام علیه السلام می‌ایستند و به ایشان نحوه حکومت‌داری را یاد می‌دهند. زهی تأسف برای این‌گونه شیعیان دروغین. چهره واقعی این شیعیان را پس از ظهور خواهید شناخت.

۷. امام علیه السلام همگی آنان را می‌کشد. این مطلب هشدار می‌دهد به شیعیان است، زیرا حضرت علیه السلام این عمل را در مکه و مدینه انجام نمی‌دهد. یعنی در مورد وهابی‌ها و ناصبی‌ها با رأفت و گذشت نسبی برخورد می‌کند و فقط به تنبیه مقصرین آنان بسنده می‌نماید ولی در برخورد با شیعیان کج‌فهم با خشونت تمام همگی را می‌کشد تا نطفه فتنه‌ها از ابتدا خشکانده شود.

برخوردها و درگیری‌های امام علیه السلام در همین جا تمام نمی‌شود. امام‌درگیری‌های بسیاری در نجف و پس از آن خواهد داشت.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«مهدی علیه السلام وارد کوفه می شود در حالی که در آنجا سه پرچم با یکدیگر درگیر هستند. آنها را پاکسازی می کند و داخل شهر می شود تا به منبر بر آمده و سخنرانی کند، مردم از شدت گریه سخنان ایشان را نمی شنوند. این همان سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که فرمود: مانند این است که من حسنی و حسینی را می بینم در حالی که حسنی رهبری (سپاه) دارد و آن را به حسینی تقدیم می کند و با وی بیعت می نماید. وقتی جمعه دوم (از ورود ایشان) می رسد، مردم می گویند: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز پشت سر شما، برابر با نماز پشت سر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است در حالی که مسجد ظرفیت ما را ندارد. امام علیه السلام می فرماید: من به فکر شما هستم. پس به منطقه «غری» می رود و محدوده مسجدی را معین می کند که هزار درب دارد که استحکام و ظرفیت همه مردم را دارد و عده ای را می فرستد تا از پشت قبر امام حسین علیه السلام نهری را حفر کنند تا به محل «غری» آب جریان یابد و به نجف برسد و بر آن پل هایی و محل عبور برای رفت و آمد قرار می دهد. مانند این است که من پیرزنی را می بینم که بر سرش ظرفی است که در آن گندم است تا به کربلا برده و در آنجا آرد کند»<sup>۱</sup>.

۱. غیبت طوسی، ص ۴۶۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۱ - عن ابی جعفر علیه السلام: «یدخل المهدي علیه السلام الكوفة و بها ثلاث رايات قد اضطربت بينها، فتصفوله فيدخل حتى يأتي المنبر و يخطب و لا يدري الناس ما يقول من البكاء و هو قول رسول الله صلی الله علیه و آله: كَأَنِّي بِالْحُسَيْنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ قَدْ قَادَاهَا فَيَسْلَمُهَا إِلَى الْحُسَيْنِ فَيُبَايِعُونَهُ فَإِذَا كَانَتِ الْجُمُعَةُ الثَّانِيَةَ، قَالَ النَّاسُ: يَا بَنَ رَسُولَ اللَّهِ الصَّلَاةُ خَلْفَكَ تَضَاهِي الصَّلَاةِ خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله»

### نکات مهم حدیث:

۱. این ماجرا مربوط به ورود امام علیه السلام به کوفه و نجف است.
۲. درگیری سه پرچم در کوفه مربوط به مشکلات سیاسی و داخلی عراق است که از هم اکنون در عراق وجود دارد و تا زمان ورود امام علیه السلام به این کشور نیز ادامه خواهد یافت.
۳. سه پرچم درگیر در عراق احتمالاً مربوط به درگیری سفیانی، یمانی و خراسانی و گروه سومی از نیروهای زیدی مسلک باشد. اما با توجه به این که در این حدیث اشاره شده، امام عصر علیه السلام پس از ورود به کوفه اول اختلاف موجود میان سه پرچم را تصفیه و پاکسازی می‌کند، احتمالاً سفیانی در میان این سه پرچم نباشد بلکه گروهی وابسته به سفیانی است. بخصوص که می‌دانیم سفیانی پس از خسف در بیداء از کوفه عقب‌نشینی کرده است.
۴. با توجه به گروه خاصی از شیعیان (که زیدی مسلک هستند) و در آغاز ورود به کوفه در مقابل امام علیه السلام می‌ایستند، می‌توان نتیجه گرفت که یکی از این پرچم‌های سه گانه اختلافاتی است که درون شیعیان رخ داده است و ارتباطی با سفیانی که از نجف خارج شده، ندارد. شیعیان در نجف سه گروه می‌شوند: الف) یک گروه طرفدار سید حسنی که از ایران آمده و گروه دیگر طرفدار یمانی می‌شوند که از یمن آمده است.

---

→ و المسجد لا یسعدنا فیقول: أنا مرتادکم فیخرج الی الغری فیخط مسجداً له ألف باب یسع الناس علیه أویص و یبعث فیحفر من خلف قبر الحسین علیه السلام لهم نهراً یجری الی الغریین حتی ینبذ فی النجف و یعمل علی فوهته قناطر و أرحاء فی السبیل و کأنی بالعجوز و علی رأسها مکتل فیه برّ حتی تطحنه بکربلا».

ب) گروه دوم کسانی هستند که ایرانی یا وابسته به ایران می‌باشند ولی مخالف افکار خراسانی و یمانی هستند و گرایش زیدی مسلک دارند.

ج) گروه سوم نیز کسانی هستند که طرفدار عراق و اعراب بوده و با گروه‌های خارجی مخالفت می‌کنند. به نظر می‌رسد این سه گروه با توجه به روایات گذشته و آنچه در آینده می‌آید منطقی‌ترین گزینش باشد. بخصوص وقتی می‌بینیم امام علیه السلام پس از ورودش به کوفه و پس از مدتی با ایرانی‌های خارجی مقابله می‌کند. پیداست که نطفه این افراد، پیش از ورود امام علیه السلام به کوفه منعقد شده است.

۵. امام علیه السلام درگیری میان این سه پرچم را برطرف می‌کند. ولی گرایش‌های درونی آنان تقریباً دست نخورده باقی می‌ماند و منشأ تحولات بعدی خواهد شد.

۶. عشق و علاقه مردم به امام علیه السلام آنچنان زیاد است که از فرط گریه کمتر کسی موفق به دیدن و شنیدن کلام حضرت علیه السلام می‌شود.

۷. این عشق و علاقه حکایت از این مطلب دارد که حقانیت و مشخصات حضرت مهدی علیه السلام برای اکثریت شیعیان ثابت شده است. یعنی اگر کسی از شیعیان تاکنون تردید داشته است اما در کوفه دیگر کمتر کسی یافت می‌شود که در حقانیت امام علیه السلام تردید داشته باشد.

۸. ظاهراً در همین هنگام است که حسنی با امام علیه السلام مناظره می‌کند و در برابر دیدگان مردم و یارانش که از ایران آمده‌اند با امام علیه السلام بیعت می‌کند.

۹. در جمعه بعد طرح مسجد بزرگ کوفه ریخته می‌شود. پیداست که ایشان در هفته اول هنگام ورودشان به کوفه، مساجد اصلی این شهر را تخریب

می‌کنند و طرح مسجد جدیدی با هزار درب می‌ریزند.

۱۰. منطقه «غری» اکنون در حومه نجف و کوفه قرار دارد ولی به زودی شاهد برپایی مسجد بزرگ کوفه به دست مبارک حضرت مهدی علیه السلام خواهید بود.

به این ترتیب است که تمامی شیعیان بخصوص در ایران و عراق و عربستان سراسیمه به سوی کوفه رهسپار می‌شوند.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«هرگاه قائم علیه السلام داخل کوفه شد، مؤمنی باقی نمی‌ماند مگر آن که در کوفه است یا به سوی آن رو می‌آورد و این سخن امیرالمؤمنین علیه السلام است و حضرت مهدی علیه السلام به اصحابش می‌فرماید: بیاید به سوی این طاغوت برویم و در نتیجه به سوی او حرکت می‌کند»<sup>۱</sup>.

#### نکات مهم حدیث:

۱. این حوادث نیز هنگام ورود حضرت به کوفه رخ می‌دهد.
۲. مؤمنین به سوی حضرت حرکت می‌کنند.
۳. امام علیه السلام در کوفه توقف بیشتری خواهند کرد.
۴. پس از استقرار در کوفه برنامه حمله به طاغوت را که احتمالاً سفیانی است پی‌ریزی می‌کنند.

مردم کوفه و عراق، پیش از آمدن حضرت مهدی علیه السلام با سفیانی بیعت

---

۱. غیبت طوسی، ص ۴۵۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۰ - عن ابی جعفر علیه السلام قال: «اذا دخل القسائم الكسوفه، لم یبق مؤمن الا و هو بها او یجىء اليها و هو قول امیرالمؤمنین علیه السلام و یقول لاصحابه: سیرو بنا الی هذه الطاغیة فیسیر الیه».



کرده‌اند و طبیعی است که نیروهای منظم ارتش عراق در مقابل امام علیه السلام صف‌آرایی کند.

حضرت سجاد علیه السلام فرمود:

«... سپس (مهدی علیه السلام) حرکت می‌کند تا به قادسیه می‌رسد در حالی که مردم در کوفه جمع شده و با سفیانی بیعت نموده‌اند»<sup>۱</sup>.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«قائم علیه السلام پیش می‌آید تا به نجف می‌رسد. سپاه سفیانی و یارانش از کوفه به سوی امام علیه السلام می‌آیند در حالی که عموم مردم با وی هستند. آن روز، چهارشنبه است. امام علیه السلام آنها را دعوت نموده و حق خودش را یادآوری می‌کند و به آنان خبر می‌دهد که وی مظلوم و تحت ستم بوده و می‌گوید: هرکس با من به وسیله خداوند مقابله کند، من نزدیک‌ترین شخص به خداوند هستم... آنها در جواب (حضرت علیه السلام) می‌گویند: از همان جا که آمده‌ای بازگرد ما به تو احتیاج نداریم، ما شما را امتحان و آزمایش کرده‌ایم. در نتیجه (دو سپاه) بدون جنگ پراکنده می‌شوند.

وقتی روز جمعه می‌شود دوباره دو سپاه گرد می‌آیند، تیری (از سپاه سفیانی) آمده و به یکی از مردان مسلمان برخورد کرده و او را به قتل می‌رساند. گفته می‌شود فلان شخص کشته شد. در این هنگام پرچم رسول الله صلی الله علیه و آله را می‌گشاید. وقتی آن را گشود ملائکه بدر فرود می‌آیند. وقتی بعد از ظهر رسید باد برای ایشان وزیده در نتیجه

---

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۷ - عن الکابلی عن علی بن الحسین علیه السلام قال: «... ثم یسیر حتی ینتهی الی القادسیه و قد اجتمع الناس بالکوفه و بايعوا السفیانی».

امام علیه السلام و یارانش را به پرواز در می آورد و آنها را بر سپاهیان سفیانی مسلط می گرداند و آنان نیز فرار می کنند. حضرت علیه السلام نیز آنان را به قتل می رساند تا آنها را وارد خانه های کوفه می کند. سخن گوی حضرت علیه السلام صدا می زند: توجه کنید! کسی که فرار کرد دنبال نکنید و کسی که مجروح شده را نکشید و با آنان مانند حضرت امیر علیه السلام در روز جنگ جمل رفتار می کند.<sup>۱</sup>

### نکات مهم حدیث:

۱. سفیانی و نیروهایش برای مقابله با حضرت مهدی علیه السلام آماده می شوند.
۲. حضور و صف آرای نیروهای سفیانی در کوفه و عراق حکایت از عدم موفقیت کامل خراسانی در دفع سپاه سفیانی دارد.
۳. احتمالاً آن سه پرچم درگیر در کوفه شامل نیروهای خراسانی و یمانی از یک طرف و نیروهای سفیانی به عنوان حاکم مقتدر بر عراق، از طرف دیگر و نیز نیروهای سومی که احتمالاً شیعیان زیدیه مسلک هستند می باشد.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۷ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «يقدم القائم علیه السلام حتى يأتي النجف فيخرج اليه من الكوفة جيش السفیانی و اصحابه و الناس معه و ذلك يوم الاربعاء فيدعوهم و يناديهم حقّه يخبرهم انه مظلوم مقهور و يقول: من حاجني في الله فأنا اولی الناس بالله... فيقولون: ارجع من حيث شئت لا حاجة لنا فيك، قد خبرناكم و اختبرناكم فيتفرقون من غير قتال. فاذا كان يوم الجمعة يعاود فيجيبهم سهم فيصيب رجلاً من المسلمين فيقتله فيقال: ان فلاناً قد قتل فعند ذلك ينشر راية رسول الله صلی الله علیه و آله فاذا نشرها انحطت عليه الملائكة بدر فاذا زالت الشمس هبت الريح له فيحمل عليهم هو و اصحابه فيمنحهم الله اكتافهم و يولون، فيقتلهم حتى يدخلهم ابيات الكوفة و ينادي مناديه ألا لا تتبعوا مولياً و لا تجهزوا على جريح و يسير بهم كما سار على علیه السلام يوم البصرة».

۴. علاوه بر نیروهای شیعیان زیدی مسلک که در مقابل امام علیه السلام می ایستند، احتمالاً نیروهای دیگری از پیروان سفیانی نیز مقابل امام علیه السلام صف آرای می کنند. هرچند احتمال دارد این دو نیرو برای دفع امام علیه السلام با یکدیگر متحد باشند. بخصوص نوع برخورد و گفتگوی آنان با حضرت تقریباً یکسان است.

۵. امام علیه السلام و اصحابشان به وسیله امداد «باد» به پرواز در می آیند. این از شگفتیهایی است که در امدادهای غیبی و آسمانی به امام علیه السلام متذکر شده ایم. به هر حال در این جنگ برای اولین مرتبه است که پرچم رسول الله صلی الله علیه و آله در حرکت به سوی عراق گشوده می شود و با گشوده شدن این پرچم و فرود نیروها و تجهیزات، موجودات آسمانی به زمین فرود می آیند. از جمله امکاناتی که برای امام علیه السلام و اصحابشان به ارمغان می آورند (علاوه بر شمشیرهای نورانی) نیروی ضد جاذبه و سفینه هایی است که با ایجاد باد به پرواز در می آیند و گاهی به نام ابر و گاهی به نام باد از آن تعبیر می شود.

۶. اصحاب موظف هستند کسانی را که فرار کرده اند دنبال نکرده و مجروحان را به قتل نرسانند. همان گونه که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ جمل رفتار کردند.

اما در مقابل این حدیث، احادیث دیگری وجود دارد که روش امام علیه السلام در نبردهای دیگر این گونه نیست، بلکه برخلاف روش حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مجروحان را کشته و فراریان را دنبال می کنند.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: من می توانم فراریان و مجروحین را به قتل برسانم ولی این کار را به جهت عاقبت اندیشی برای اصحابم

رها کردم تا اگر مجروح شدند آنها را به قتل نرسانند ولی قائم علیه السلام می تواند فراری و مجروحان را به قتل برساند.<sup>۱</sup>

### نکات مهم حدیث:

۱. در مورد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و دیگر ائمه اطهار علیهم السلام صحیح نیست بگوییم آنها وظیفه دارند، زیرا تعیین تکلیف و شریعت به دست آنان است. بلکه باید بگوییم آنها می توانند این کارها را انجام دهند.
۲. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام کشتن مجروحان و فراریان را رها کرد زیرا بعد از ایشان دشمنانشان نیز با شیعیان همین گونه رفتار می کردند.
۳. ولی وقتی حضرت قائم علیه السلام می آیند، ترسی از تسلط دشمنان بر شیعیان ندارند در نتیجه هر وقت صلاح دیدند به این عمل اقدام می کنند.
۴. در ماجرای نبرد اولیه با سپاه سفیانی به دلیل نادانی و جهالت سپاه (احتمالاً) حضرت فرصت دیگری به مجروحان و فراریان دادند. ولی در نبرد با فرقه (بتریه) یعنی شیعیان زیدی مسلک به دلیل فساد باطن و خودخواهی که داشتند هرچند امام علیه السلام را می شناختند ولی مقابلشان ایستادند، در نتیجه امام علیه السلام همگی را نابود ساخت. فرق اصلی آن دو نبرد در همین رفتار حضرت علیه السلام مشاهده می شود.

---

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۳۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۳ - عن ابی عبدالله علیه السلام انه قال: «انّ علیاً علیه السلام قال: کان لی ان اقتل المولّی و اجهّز علی الجریح و لکنی ترکت ذلك للعاقبة من اصحابی ان جرحوا لم یقتلوا و القائم له ان یقتل المولّی و یجهّز علی الجریح».

و نیز حسن بن هارون گوید:

«من نزد حضرت صادق علیه السلام نشسته بودم که معلى بن خنيس پرسید: آیا قائم علیه السلام بر خلاف روش علی علیه السلام رفتار می کند؟ فرمود: بله. زیرا علی علیه السلام به روش منت گذاری و گذشت رفتار می کرد، زیرا او می دانست به زودی پس از وی بر شیعیانش غلبه پیدا می کنند. ولی قائم علیه السلام هرگاه قیام کند میان (مخالفینش) با شمشیر و اسیر گرفتن عمل می کند، زیرا می داند پس از وی دشمنانش بر شیعیان مسلط نخواهند شد»<sup>۱</sup>.

همان گونه که اشاره شد مسأله برخورد شدید با مخالفین به دست امام علیه السلام است. اگر خواست با شدت برخورد می کند و اگر نخواست با گذشت رفتار می کند. ما نمی توانیم پیش بینی کنیم که امام علیه السلام کدام روش را انتخاب خواهد کرد تنها می دانیم در این دو نبردی که در عراق رخ می دهد به هر دو روش عمل می کنند.

اما می توان یک قاعده کلی ارائه نمود که امام مهدی علیه السلام با کسانی که با علم و تعمد مقابلش قرار بگیرند بدون گذشت و ترحم برخورد خواهد کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«وقتی روز قیامت برپا شد، فاطمه علیه السلام با گروهی از زنان می آید. به ایشان گفته می شود: وارد بهشت شوید. ایشان می گویند: من داخل

---

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۲۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۳ - عن الحسن بن هارون قال: «كنت عند ابي عبد الله علیه السلام جالسا فسأله المعلى بن خنيس: أيسير القائم علیه السلام اذا سار بخلاف سيرة علي علیه السلام? فقال: نعم و ذلك ان عليا سار بالمن و الكف لانه علم ان شيعة سيظهر عليهم من بعده و ان القائم اذا قام سار فيهم بالسيف و السبي و ذلك انه يعلم ان شيعة لم يظهر عليهم من بعده أبداً».

نمی‌شوم تا بدانم پس از خودم با فرزندانم چه کردند؟ گفته می‌شود: به وسط قیامت (محشر) نگاه کن، ایشان حضرت حسین علیه السلام را می‌بینند در حالی که بدون سر ایستاده‌اند. حضرت زهرا علیها السلام فریاد می‌زند و با فریاد ایشان، اهل محشر و ملائکه نیز ضجه می‌کشند... در نتیجه خداوند برای وی خشم گرفته و فرمان می‌دهد تا آتشی به نام «هب هب» که هزار سال برافروخته شده تا جایی که سیاه گشته و هیچ نسیمی به آن نوزیده و هیچ اندوهی از آن خارج نشده است. پس گفته می‌شود: (ای هب هب) قاتلین حسین را فراگیر! آتش هم همگی را می‌بلعد... پس قاتلین با زبانی گویا و روان می‌گویند: ای پروردگار ما چرا پیش از بت پرستان آتش را بر ما واجب کردید؟ جواب از سوی خداوند می‌آید که: آیا کسی که می‌داند مانند کسی است که نمی‌داند.<sup>۱</sup>

### نکات مهم حدیث:

۱. همان‌گونه که مشهود است عذاب قاتلین امام حسین علیه السلام بیشتر و پیش از کفار است، در حالی که می‌دانیم آنها به ظاهر مسلمان هستند.

۱. ثواب الاعمال، ص ۲۱۷، اثر شیخ صدوق - عن النبی صلی الله علیه و آله انه قال: «اذا كان يوم القيامة جاءت فاطمة علیها السلام فی لمة من نسائها فيقال لها ادخلى الجنة فتقول: لا ادخل حتى اعلم ما صنع بولدى من بعدى، فيقال لها: انظري في قلب القيامة فتنظر الى الحسين علیه السلام قائماً ليس عليه رأس فتصرخ صرخة، فاصرخ لصراخها و تصرخ الملائكة لصراخها... فيغضب الله عزوجل لها عند ذلك فيأمر ناراً يقال له هب هب، قد اوقد عليها الف عام حتى اسودت لا يدخلها روح ابداً و لا يخرج منها غم ابداً فيقال: التقطى قتلة الحسين فتلتقطهم... فينطقون بالسنة ذلقة ناطقة يا ربنا بم اوجبت لنا النار قبل عبدة الاوثان؟ فيأتيهم الجواب عن الله عزوجل: ان من علم ليس كمن لا يعلم».

۲. علت مجازات سنگین آنها، آگاهی آنان بر عمل مجرمانه‌شان است در حالی که کافران از اعمال خود غافل بوده‌اند. یعنی با بی‌خبری کافر شدند ولی این‌ها با آگاهی از قرابت و خویشاوندی امام حسین علیه السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایشان را به قتل رساندند.

۳. به این ترتیب معلوم می‌شود که هرکس به ظاهر امکان آگاهی بیشتری از حق داشته باشد ولی به آن بی‌توجه باشد، و مقابل حضرت ولی عصر علیه السلام بایستد، مجازاتش سنگین‌تر می‌باشد. پس علمائی که آگاه بر دین هستند ولی با حضرت مخالفت می‌کنند، شدیدترین مجازات را خواهند داشت.

### نزول نیروهای آسمان

حرکت حضرت مهدی علیه السلام به سوی عراق تجهیزات چندانی نمی‌خواهد. از این رو امکانات تدارکاتی و لجستیکی فراوانی لازم ندارند. زیرا نیروهایی که در مقابل ایشان قرار می‌گیرند، شامل نیروهای پراکنده محلی و قبیله‌ای است و سرکوب کردن آنان چندان مشکل نیست. اما با ورود به عراق مسأله فرق خواهد کرد. در عراق نیروهای منظم و قدرتمندی قرار دارند، نیروهای سفیانی و شیعیان زیدی مسلک که در مقابل امام علیه السلام ایستادگی می‌کنند. علاوه بر آنها نیروهای قوی‌تری شامل نیروهای ترکیه و برخی از نیروهای ایرانی و چین و روس و غرب. همگی قدرتمند هستند و در مقابله با آنها شمشیر و اسب یا احتمالاً اسلحه‌های سبک که در اختیار حضرت مهدی علیه السلام است کفایت نمی‌کند. اما نیروهای کمکی و امدادی کجا و چگونه در خدمت حضرت مهدی علیه السلام و یارانش قرار خواهد گرفت؟

پاسخ را در روایت بعدی می‌بینیم.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«من قائم علیه السلام را می بینم در حالی که بر بلندای نجف است، زره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را پوشیده و بروی راست می آید. سپس با آن پرش (پرواز) می کند در نتیجه زره اطرافش را می گیرد، سپس روی زره را با لباس استبرقی می پوشاند. سپس سوار بر اسب خویش می شود که رنگارنگ و میان دو چشمش نشانه ای است. با آن اسب پرش (پرواز) می کند در این حالت مردم هیچ شهری باقی نمی ماند مگر آن که نور این علامت پیشانی اسب به وی می رسد و نشانه ای برای (حقانیت) وی می گردد. سپس پرچم رسول اکرم صلی الله علیه و آله را می گشاید. وقتی آن را گشود میان شرق و غرب برای وی روشن (آشکار) می شود»<sup>۱</sup>.

#### نکات مهم حدیث:

۱. حضرت مهدی علیه السلام پیش از ورود به نجف ناچار می شوند لباس رسول اکرم صلی الله علیه و آله را پوشیده و پرچم را که نشانه ای برای نزول نیروها و امدادهای آسمانی است، بگشایند.
۲. اسب حضرت علیه السلام با آن مشخصات خاص می تواند از مرکبها و وسایل

---

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱ - قال ابو عبدالله علیه السلام: «کاننی بالقائم علیه السلام، علی ظهر النجف لابس درع رسول الله صلی الله علیه و آله فیتقلص علیه، ثم یتنفض بها فیستدیر علیه، ثم یغشی الدرع بثوب استبرق ثم یرکب فرساً له ابلق بین عینیه شمراخ، یتنفض به لا یبقی اهل بلد الا اتاهم نور ذلك الشمراخ حتی یکون آیه له، ثم ینشر رایة رسول الله صلی الله علیه و آله اذا نشرها اضاء له ما بین المشرق و المغرب».



نقلیه غیرزمینی باشد. بخصوص نوری از آن متصاعد می‌شود که اطراف را روشن می‌کند و همه مردم دنیا آن نور را از طریق وسایل ارتباط جمعی خویش خواهند دید.

۳. با گشودن این پرچم، شرق و غرب برای امام علیه السلام روشن یا آشکار می‌شود. منظور از این جمله آن نیست که شرق و غرب پیش از گشودن پرچم بر امام علیه السلام پوشیده است بلکه امام علیه السلام بر تمامی هستی اشراف دارد ولی منظور این است که با گشوده شدن پرچم بر اساس ظاهر نیز همه چیز آشکار می‌شود یعنی قدرت ظاهری امام علیه السلام و اصحابش آنچنان قوی می‌شود که می‌توانند، آشکارا شرق و غرب و اتفاقاتی که در آنجا می‌افتد را ببینند. چیزی که تا کنون با ابزارهایی همچون ماهواره و اینترنت نتوانسته‌ایم به آن مرحله از پیشرفت برسیم ولی نیروهای فرازمینی با پایین آمدن و در خدمت حضرت قرار گرفتن، این امکانات فوق بشری را نیز به ارمغان می‌آورند. این پرچم احتمالاً غیر از پرچم ابتدایی باشد که در مکه گشوده می‌شود، هرچند ممکن است همان پرچم باشد ولی در اختیار جبرئیل قرار گرفته و دوباره در هنگام ورود به عراق در اختیار ایشان قرار می‌گیرد.

ثمالی گوید:

«حضرت باقر علیه السلام فرمود: ای ثابت من قائم اهل بیت علیهم السلام را می‌بینم در حالی که مشرف بر (ورود به) این نجف شما شده است و با دست اشاره به قسمتی از کوفه می‌کند. هنگامی که مشرف بر نجف شد، پرچم رسول اکرم صلی الله علیه و آله را می‌گشاید. وقتی آن را گشود، ملائکه بدر فرود می‌آیند. گفتم: پرچم رسول اکرم صلی الله علیه و آله چیست؟ فرمود: چوبش از

ستون‌های عرش خداوند و رحمت ایشان است و حرکت دهنده آن از یاری (کمک) الهی است. با آن پرچم به هر نقطه‌ای که حرکت کند، خداوند آنجا را نابود می‌سازد. گفتم: آن پرچم نزد شما پنهان شده تا زمانی که قائم علیه السلام قیام کرد آن را پیدا می‌کند یا (همان موقع) برای ایشان می‌آورند؟

فرمود: بلکه (همان موقع) برای وی می‌آورند.

گفتم: چه کسی آن را می‌آورد؟

فرمود: جبرئیل علیه السلام <sup>۱</sup>.

#### نکات مهم حدیث:

۱. در این حدیث به وضوح به زمان و مکان گشودن پرچم اشاره شده است. پیش از ورود به نجف و زمانی که بر آن شهر مشرف می‌شود.
۲. هنگام درگیری با نیروهای سفیانی و به دلیل قدرت فوق‌العاده‌ای که دارند، امکانات فوق بشری در خدمت امام علیه السلام قرار می‌گیرد.
۳. این پرچم، شرایط پیروزی را برای امام علیه السلام فراهم می‌کند، بخشی از آن مربوط به فرود آمدن ملائکه هستند که در جنگ بدر در صدر اسلام نیز به یاری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمدند.

---

۱. غیبت نعمانی، ص ۳۰۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۱ - عن الثمالی قال: «قال ابو جعفر علیه السلام یا ثابت کأنی بقائم اهل بیتی قد اشرف علی نجفکم نشر رایة رسول الله فاذا هو نشرها انحطت علیه ملائكة بدر قلت: و ما رایة رسول الله صلی الله علیه و آله؟ قال: عودها من عمد عرش الله و رحمته، و سائرها من نصر الله، لا یهوی بها الی شیء الا اهلکة الله قلت: فمخبوة [هی] عندکم حتی یقوم القائم فیجدها ام یؤتی بها؟ قال: لا بل یؤتی بها، قلت: من یأتیها بها؟ قال: جبرئیل علیه السلام».

۴. این پرچم را از آسمان برای حضرت علیه السلام می آورند. این مطلب نیز آسمانی بودن امدادهای الهی را نشان می دهد. همان گونه که پیش تر اشاره شد از جمله امدادهای آسمانی، امداد «رعب» (وحشت) است. شاید گمان کنید که رعب یعنی وحشت، یک احساس و تصور است که از قاطعیت حضرت علیه السلام ایجاد می شود. در حالی که با آگاهی از ارتباط «رعب» با گشوده شدن پرچم و نزول نیروهای آسمانی، معلوم می شود این نیروها به گونه ای هستند که امام علیه السلام را تا شعاع یک هزار کیلومتری، در اطرافش محافظت می کنند. به همین دلیل است که با آن پرچم به هر جا هجوم آورد از پیش پیروز هستند، هر چند درگیری هایی خواهند داشت. از این جهت به فاصله هشت ماه، کار منطقه ای بزرگ از سطح جهان را یکسره می کنند.

عبدالله بن سنان از حضرت صادق علیه السلام نقل می کند:

«... این (پرچم) امروز نزد ما است هیچ کس آن را نمی گشاید تا این که قائم علیه السلام قیام کند. هرگاه قیام کرد آن را می گشاید در نتیجه در مشرق و مغرب هیچ کس باقی نمی ماند مگر آن که آن را لعنت کند و «رعب» پیشاپیش و از پشت سر و چپ و راست آن به فاصله یک ماه حرکت می کند، سپس فرمود: ای ابامحمد، مهدی علیه السلام تنها و خشمگین و متأسف خروج می کند زیرا خداوند بر این مخلوقات خشم گرفته است. بر وی لباس رسول الله صلی الله علیه و آله در روز جنگ احد، پوشیده است و عمامه اش ابر و زره آن حضرت و نیز شمشیر رسول الله صلی الله علیه و آله (یعنی) ذوالفقار خواهد

بود. مدت هشت ما شمشیر را بر شانه می‌گذارد و بی‌محابا می‌کشد».<sup>۱</sup>

### نکات مهم حدیث:

۱. با گشوده شدن پرچم، «رعب» نیز به حرکت در می‌آید. پیداست «رعب» یک پدیده واقعی و آشکار و قدرتمند است که قدرت و سرعت انتشار بسیار پیشرفته دارد.

۲. نیروی قدرتمند دیگری که در این حدیث به آن اشاره شده است، نیرویی به نام «سحاب» یعنی «ابر»<sup>۲</sup> است. «ابر» نیروی فوق‌العاده دیگری است که بر سر امام علیه السلام سایه می‌افکند و در نتیجه همواره بر بالای سر امام علیه السلام است و او را از شر افراد شرور محافظت می‌نماید.

در بسیاری از روایات از سفینه‌های فضایی که عامل انتقال افراد به آسمان بوده، به عنوان «ابر» تعبیر شده است.<sup>۳</sup> شاید به همین جهت است که این چنین

۱. غیبت نعمانی، ص ۳۰۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۰ - عن عبدالله بن سنان عن ابي عبدالله جعفر بن محمد عليه السلام انه قال: «... و هي عندنا هناك لا ينشرها أحد حتى يقوم القائم عليه السلام فاذا قام نشرها فلم يبق في المشرق و المغرب احد الا لعنها و يسير الرعب قدماها شهراً [و وراها شهراً] و عن يمينها شهراً و عن يسارها شهراً. ثم قال: يا ابا محمد انه يخرج موتوراً غضبان أسفاً لغضب الله على هذا الخلق عليه قميص رسول الله صلى الله عليه وآله، الذي كان عليه يوم احد و عمامة السحاب و درع رسول الله صلى الله عليه وآله السابغة و سيف رسول الله صلى الله عليه وآله ذوالفقار يجرّد السيف على عاتقه ثمانية أشهر يقتل هرجاً».

۲. برای بررسی بیشتر پیرامون حقیقت «ابر» به کتاب «فرازمینی‌ها در آیات و روایات» مراجعه کنید.

۳. برای تحقیق و بررسی بیشتر این مطلب به کتاب «فرازمینی‌ها در آیات و روایات» صفحات ۱۲۷ - ۱۳۵ مراجعه فرمایید.

بر مرکب فضایی امام علیه السلام به عنوان «ابر توفنده» تأکید شده است، در حالی که «ابر» نقلیه ذوالقرنین «ابر آرام» می باشد.

این موجودات فضایی و یاوران فضایی مهدی علیه السلام از کرانه های دوردست فضا و کهکشان ها برای یاری حضرت ولی عصر علیه السلام آمده اند و زمانی که حضرت ولی عصر علیه السلام وارد کوفه شدند به فرمان امام علیه السلام و با نشانه گشودن پرچم پیامبر اکرم علیه السلام نزول یافته و امام علیه السلام با کمک ایشان و اسلحه هایی که همراه خود آورده اند با دشمنان می جنگند.

محمد بن مسلم گوید:

«حضرت صادق علیه السلام فرمود: خداوند متعال دو شهر (تمدن) دارد، شهری در مشرق و شهری در مغرب. در آن دو، قومی (گروهی) هستند که ابلیس را شناخته و اطلاعی از خلقت ابلیس ندارند. ما هر موقع (که خواستیم) با آنها ملاقات می کنیم و آنها آن چه نیاز دارند از ما درخواست می کنند و از ما طلب دعا می کنند و ما می دانیم و می پرسند که قائم ما چه موقع ظهور می کند؟ در میان آنها عبادت و کوشش بسیار (در عبادت) است. شهر آنها دروازه هایی دارد که میان هر دروازه تا دروازه دیگر، صد فرسخ است. آنها تقدیس و تمجید و دعا و کوشش بسیاری دارند. اگر شما آنها را ببینید (عبادت و) عملتان را حقیر می شمرد. یک مرد از آنها یک ماه نماز می خواند در حالی که سرش را از سجده بر نمی دارد. غذایشان تسبیح (خداوند) و لباسشان برگ درخت و چهره شان با نور روشن است. هرگاه یکی از ما (اهل بیت علیهم السلام) را می بینند او را احاطه کرده و دورش جمع می شوند و اثر گامش را از روی زمین به عنوان تبرک برمی دارند. آنها هنگام نماز

صدایی سخت‌تر از صدای طوفان دارند، از میان آنها گروهی هستند که از زمان (آغاز) انتظار ظهور قائم ما (علیه السلام) اسلحه خویش را برداشته‌اند، و از خدا می‌خواهند تا وی را به آنها نشان دهد. طول عمر هر کدام از آنها هزار سال است. هرگاه آنها را ببینید، خشوع و شکسته دلی و درخواست آن‌چه آنها را به خدا نزدیک می‌کند در آنها می‌بینید. هرگاه مدتی نزد آنها نرویم گمان می‌کنند بر آنها خشم گرفته‌ایم، زمان حضور ما را در نظر دارند (تقویم نموده‌اند). خسته و وامانده نمی‌شوند و کتاب خداوند (قرآن کریم) را آن‌گونه که به آنها یاد دادیم تلاوت می‌کنند و از جمله مطالبی که (از قرآن) به آنها یاد دادیم، مطالبی است که اگر بر مردم (روی زمین) خوانده شود، آن را انکار می‌کنند (کافر می‌شوند) و نمی‌پذیرند. هرگاه سؤالی از قرآن برایشان پیش آید از ما سؤال می‌کنند و هر موقع برایشان توضیح می‌دهیم سینه‌شان از آن‌چه از ما شنیده‌اند گشاده می‌گردد (سعه صدر پیدا می‌کنند) و برای ما دعای طول عمر کرده و می‌خواهند ما را از دست ندهند و می‌دانند که منت الهی بر آنها در آن‌چه به آنها یاد می‌دهیم بسیار بزرگ است.

آنها زمان قیام مهدی علیه السلام خروج خواهند کرد و با اصحاب اسلحه در این زمان پیش‌گام می‌گردند و همواره دعا می‌کنند تا خداوند آنها را از یاوران مهدی علیه السلام در یاری دینش قرار دهد. در میان آنها کهنسال و جوان است، هرگاه جوانی از آنها کهنسالی را می‌بیند در برابر او مانند یک غلام می‌نشیند و از پیش او بر نمی‌خیزد تا وی (کهنسال) به او دستور دهد. آنها نسبت به دیگران از منظور امام علیه السلام آگاه‌تر هستند و

می‌دانند امام علیه السلام به چه چیزی فرمان داده است. هرگاه امام علیه السلام دستوری به آنها دهد، تا ابد مشغول انجام آن دستور می‌شوند تا این که امام علیه السلام شخصاً فرمان دیگری دهد. اگر آنها به میان مخلوقات شرق و غرب حمله‌ور شوند، در یک ساعت همگی را نابود می‌سازند، آهن در آنها کارساز نیست و آنها شمشیری آهنی غیر از آهن (روی زمین) دارند، به گونه‌ای که اگر هرکدام از آنها با شمشیرش به کوه بزنند، آن را شکافته و پاره پاره می‌کنند و در کنار امام مهدی علیه السلام به وسیله آنها با هند و دیلم و کردها و روم و بربر و فارس (ایران) و کسانی که میان جابرسا و جابلقا دو شهر در شرق و غرب (کائنات) هستند، می‌جنگند. بر هیچ یک از اهل ادیان وارد نمی‌شوند مگر این که آنها را به خداوند عزوجل و اسلام و اقرار به محمد صلی الله علیه و آله و توحید و ولایت اهل بیت علیهم السلام دعوت می‌کنند. کسانی که آنها را اجابت کرده و وارد اسلام شوند، رهایشان ساخته و فرماندهی بر آنها می‌گمارند، و کسانی که اجابت نکرده و اقرار به محمد صلی الله علیه و آله ننمایند و مسلمان نشوند، آنها را می‌کشند تا میان مشرق و مغرب (کائنات) و بعد از کوه (قاف) کسی باقی نمی‌ماند مگر آن که ایمان می‌آورد»<sup>۱</sup>.

۱. مختصر بصائر الدرجات ص ۱۰ - عن محمد بن مسلم قال سالت ابا عبد الله علیه السلام فقال: «ان لله عزوجل مدینتین، مدینة بالمشرق و مدینة بالمغرب، فیهما قوم لا یعرفون ابلیس و لا یعلمون بخلق ابلیس. نلقاهم فی کل حین فیسألونا عما یحتاجون الیه و یسألونا عن الدعا فتعلم و یسألونا عن قائمنا متی یظهر؟ و فیهم عبادة و اجتهاد شدید، و لمدینتهم ابواب ما بین المصراع الی المصراع مائة فرسخ، لهم تقدیس و تمجید و دعاء و اجتهاد شدید، لو رأیتموهم لا حتقرتم عملکم. یصلی الرجل منهم

### نکات مهم حدیث:

۱. مهم ترین تمدن های آسمانی در کائنات، تمدن جابلقا و جابرسا<sup>۱</sup> است.
۲. این دو تمدن اطلاعی از شیطان و خلق شدن وی ندارند ولی اهل بیت علیهم السلام

→ شهراً لا یرفع رأسه من سجدته طعامهم التسبیح و لباسهم الورق، و وجوههم مشرقة بالنور، اذا رأوا منا واحداً لحسوه واجتمعوا الیه و اخذوا من اثره من الارض یتبرکون به، لهم دوی اذا صلوا كأشد من دوی الريح العاصف، منهم جماعة لم يضعوا السلاح منذ كانوا ینتظرون قائمنا، یدعون الله عزوجل ان یربهم اياه و عمر احدهم الف سنة، اذا رأيتهم رأیت الخشوع و الاستكانة و طلب ما یربهم الی الله عزوجل، اذا احتبسنا عنهم ظنوا ان ذلك من سخط، یتعاهدون أوقاتنا التی نأتیهم فیها، لا یسامون و لا یفترون، یتلون کتاب الله عزوجل كما علمناهم و ان فیما نعلمهم ما لوتلی علی الناس لكفروا به و لانكروه! یسألونا عن الشیء اذا ورد علیهم من القرآن لا یعرفونه فاذا أخبرناهم به انشروحت صدورهم لما یستمعون منا و سألوا لنا طول البقاء و ان لا یفقدونا، و یعلمون ان المنة من الله علیهم فیما نعلمهم عظیمة و لهم خرجة مع الامام اذا قام یسبقون فیها اصحاب البیلاخ و یدعون الله عزوجل ان یجعلهم ممن یتنصر بهم لدينه، فیهم كهول و شبان، اذا رأى شباب منهم الكهل جلس بین یدیه جلسة العبد لا یقوم حتی یأمره، لهم طریق هم أعلم به من الخلق الی حیث یرید الامام علیه السلام فاذا امرهم الامام بأمر قاموا علیه ابدأ حتی یكون هو الذی یأمرهم بغيره، لو أنهم وردوا علی ما بین المشرق و المغرب من الخلق لافنوهم فی ساعة واحدة، لا یختل فیهم الحدید، لهم سیوف من حدید غیر هذا الحدید، لو ضرب احدهم بسیفه جبلا لقتله حتی یفصله و یغزو بهم الامام علیه السلام الهند و الدیلم و الكرد و الروم و بربر و فارس و بین جابرسا و جابلقا و هما مدینتان واحدة بالمشرق و واحدة بالمغرب لا یأتون علی اهل دین الا دعوهم الی الله عزوجل، الی الاسلام و الاقرار بمحمد صلی الله علیه و آله و التوحید و لولا یتنا اهل البیت، فمن اجاب منهم و دخل فی الاسلام تركوه و امروا علیه امیراً منهم، و من لم یجیب و لم یقر بمحمد صلی الله علیه و آله و لم یقر بالاسلام و لم یسلم قتلوه حتی لا یبقی بین المشرق و المغرب و مادون الجبل احد الا آمن».

۱. برای اثبات آسمانی بودن این دو تمدن به کتاب «فراز مینی ها در آیات و روایات»



را به ویژه امام عصر علیه السلام را به طور کامل می‌شناسند.

۳. از جایگاه و مقام اهل بیت علیهم السلام و مأموریت حضرت ولی عصر علیه السلام کاملاً آگاه هستند.

۴. آنان به دلیل آگاهی و آمادگی برای ظهور امام عصر علیه السلام از محل ظهور یعنی کره زمین با اطلاع هستند تا در اسرع وقت خود را به عرصه ظهور یعنی سیاره زمین برسانند.

۵. آنان تسلیم محض اهل بیت علیهم السلام هستند.

۶. سطح تکنولوژی آنها فوق العاده پیشرفته‌تر از انسان‌ها است. این برتری را در موارد زیر می‌توان دید:

الف) حرکت بالاتر از سرعت نور، با توجه به سرعت آنان در یاری رساندن به امام عصر علیه السلام هنگام ظهور.

ب) قدرت علمی آنها در ساختن تجهیزات و ساختن ابزار جنگی. شمشیرهای آنها به گونه‌ای است که کوه‌ها را می‌شکافد و نابود می‌سازد. این مطلب حکایت از قدرت اشعه افکنی این شمشیرها دارد (که در آینده در مورد شمشیرهای امام علیه السلام روشن می‌شود) و آلیاژ مخصوص از آهن دارند که غیر از آهن معمولی در روی زمین است.

ج) آهن در آنها نفوذ نمی‌کند، که کنایه از قدرت جسمی و پیشرفت طبی آنان دارد. آنان هم لباس‌های فوق‌العاده مدرن و سپرهای نفوذناپذیر دارند و هم جسم آنها در اثر برخورد با اشیاء آهنی (از جمله گلوله‌های فلزی عقب‌مانده ساخته دست بشر امروز) هیچ صدمه‌ای نمی‌بینند و بلافاصله ترمیم می‌شوند.

(د) قدرت نظامی فوق‌العاده‌ای دارند که می‌توانند تمامی ساکنین کائنات از جمله زمینیان را در یک لحظه نابود سازند. این مهمترین خصیصه آنها است.  
۷. امام عصر علیه السلام به کمک آنها نه تنها با دشمنان زمینی می‌جنگند بلکه با تمامی سرکشان آسمانی از جمله یاجوج و ماجوج و اجنه و نسناس‌ها نیز خواهند جنگید. این مطلب را از مبارزه آنان با تمامی موجودات از شرق تا غرب هستی می‌توان فهمید.

۸. ظهور امام عصر علیه السلام فقط برای برقراری عدل و توحید در زمین نیست. بلکه این آغازی برای استقرار عدل در تمامی کهکشان‌ها و ستارگان است. این قدرت تهاجمی و نوع اسلحه آنان یعنی شمشیرهای اشعه افکن و شعله افکن را می‌توان در روایات دیگر نیز مشاهده کرد.

حضرت صادق علیه السلام در حدیثی پیرامون کشته شدن ابلیس و رجعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«...رسول خدا صلی الله علیه و آله پیشاپیش او (امیرالمؤمنین علیه السلام) است و در دستش اسلحه‌ای از نور است، وقتی ابلیس به وی نگاه می‌کند عقب رفته و به پشت بر می‌گردد... پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به وی رسیده (با آن شمشیر) ضربه‌ای میان دو کتفش می‌زند که خودش و یارانش از بین می‌روند...»<sup>۱</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۲ - عن عبدالکریم عمرو الخشعمی قال: سمعت ابا عبد الله يقول: «...رسول الله صلی الله علیه و آله أما بيده حربة من نور فاذا نظر اليه ابليس رجع قهقري ناكصاً على عقبه... فيلحقه النبي صلی الله علیه و آله فيطعنه طعنة بين كتفيه، فيكون هلاكه و هلاك جميع اشياعه...»

### نکات مهم حدیث:

۱. در این حدیث شریف به وضوح نام «حربة من نور» یعنی اسلحه‌ای نوری آمده است. این اسلحه، بسیار پیشرفته‌تر از اسلحه‌ای است که در اختیار دیگران بوده است، در نتیجه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با استفاده از آن ابلیس را می‌کشد.

۲. از این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر اهل بیت علیهم السلام به فراخور مقام خویش اسلحه‌ای جداگانه داشته باشند، نقصی بر آنها نیست بلکه این ناشی از مقام علمی و الهی آنها می‌باشد. همان‌گونه که خداوند وسایلی برای اجرای مقاصد خویش دارد که همان اهل بیت علیهم السلام هستند، اهل بیت علیهم السلام نیز وسایلی برای انجام مقاصد خویش دارند که نیروهای فرازمینی و اسلحه‌های آنان و امکانات آنان از جمله این وسایل است و ما نیز وظیفه داریم ائمه اطهار علیهم السلام را وسایل خویش در میان خود و خداوند قرار دهیم.

۳. اسلحه‌هایی در زمان حضرت مهدی علیه السلام از آسمان آورده می‌شوند که با آن کوه‌ها شکافته می‌شوند، این‌ها نیز همانند سلاح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشند. شبیه این اسلحه توسط نیروهای فرازمینی که اطراف زمین را احاطه نموده‌اند بکار می‌رود و از خارج جو زمین هر نوع تحرکی را علیه امام علیه السلام و یارانش ردیابی کرده و با گرفتن دستور از سوی امام علیه السلام یا یاران آن حضرت علیه السلام وارد عمل می‌شوند. از جمله وقتی به شهری در ایتالیا حمله می‌کنند با اشعه سفینه خود «ستونی از نور و آتش» را از آسمان تا زمین ایجاد می‌کنند که نابودی آن شهر را به همراه دارد.

حذیفه به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ماجرای حمله به اروپا می‌گوید:  
«...پس خداوند عزوجل آتشی از آسمان بر می‌انگیزد که مانند ستونی

می باشد تا به وسط شهر می رسد...»<sup>۱</sup>

برانگیختن این ستون آتش از آسمان به زمین توسط خداوند هیچ منافاتی ندارد که این آتش به وسیله موجودات فرازمینی که از اقصی نقاط کهکشانها به مدد امام علیه السلام آمده اند مهیا شده باشد.

در روایات بعد پیرامون اسلحه و امکاناتی که برای امام علیه السلام و یارانشان نازل می شود بیشتر توضیح داده ایم.

### نزول اسلحه برای اصحاب

اسلحه های اصحاب نیز از آسمان می آید. اسلحه ای که با هر اسلحه که تا کنون دیده اید متفاوت است.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«هرگاه قائم علیه السلام قیام کرد، شمشیرهای جنگ (از آسمان) نازل می شود که بر هر شمشیری نام آن شخص و نام پدرش ثبت شده است»<sup>۲</sup>.

### نکات مهم حدیث:

۱. این شمشیرها غیر از شمشیرهای معمولی است. زیرا از آسمان نازل می شود.

---

۱. عقد الدرر، ص ۲۳۸ - ۲۴۱ - قال حذیفه: «قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم:... فيبعث الله عز وجل اليهم ناراً من السماء كأنها عمود حتى تتوسط المدينة...». شرح کامل این حدیث در آینده نزدیک می آید.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۴۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۶ - عن ابی عبد الله علیه السلام قال: «إذا قام القائم علیه السلام نزلت سيوف القتال على كل سيف اسم الرجل و اسم ابیه».

۲. نزول این شمشیرها ارتباط مستقیم با نزول نیروهای فرازمینی و «رعب» و «ابر» و ملائکه نشان‌دار دارد. زیرا همگی در صحنهٔ پیش از ورود به کوفه نازل می‌شوند.

۳. هرکدام از شمشیرها متناسب با شخصی است که از آن استفاده می‌کند. زیرا به نام افراد نازل شدن، اشاره ضمنی بر خصوصی بودن این شمشیرها دارد که تنها توسط آن شخص قابل استفاده است و هرکس با اسم رمز خود می‌تواند از آن استفاده کند.

۴. این همان شمشیری است که اگر با آن په کوه‌ها بزند کوه‌ها را خرد می‌کند و از آن اشعه و نور ساطع می‌شود.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«... او (مهدی علیه السلام) چهره‌ای مانند ماه و دندان‌هایی مانند دندان‌های شانه و شمشیری مانند شعله آتش دارد...»<sup>۱</sup>

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«هرگاه قائم علیه السلام قیام کرد به محله «رحبه» کوفه آمده و با پای خویش اشاره می‌کند و با دست محلی را نشان می‌دهد و می‌فرماید: این‌جا را حفر کنند. پس از حفر کردن دوازده هزار زره و دوازده هزار شمشیر و دوازده هزار «بیضی» (کره و گوی) بیرون می‌آورند به گونه‌ای که هر «بیضی» (گوی) دو وجه دارد. سپس دوازده هزار نفر از (یاران) عجم و عرب را فرا می‌خوانند و آنها را به ایشان می‌پوشاند. سپس

---

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۴۷ - قال ابو عبد الله علیه السلام: «... ذاك الذي وجهه كالدینار و اسنانه كالمنشار و سيفه كحریق النار...»

می‌فرماید: هرکس این امکانات شما را نداشت به قتل برسانید.<sup>۱</sup>

### نکات مهم حدیث:

۱. اسلحه‌ها و زره‌های اصحاب در زیرزمین مخفی شده است. ممکن است این امکانات همان اسلحه‌هایی باشد که از آسمان نازل شده که سپس در کوفه دفن شده‌اند و ممکن است، امکاناتی غیر از اسلحه‌های خاص باشد. با توجه به تعداد آنها و توزیع آنها میان دوازده هزار نفر معلوم می‌شود این اسلحه‌ها غیر از اسلحه‌های نازل شده که نام و رمز خاص هر فرد بر روی آن ثبت شده، می‌باشد.

۲. از جمله اسرار نامعلوم مسأله «بیضی‌ها» یا «گوی‌هایی» است که دو چهره دارند. به هیچ وجه نمی‌توان آن را تفسیر کرد فقط می‌دانیم از جمله امکانات خارق‌العاده اعطایی به امام علیه السلام و اصحابشان است ولی چرا دو رو یا دو چهره دارد. شاید منظور از دو رو داشتن اشاره تلویحی به کاربرد دوگانه آن «گوی‌ها» باشد. ممکن است کارت شناسایی خاصی باشد که هرکس آن را نداشته باشد، مستحق مرگ گردد. خدا می‌داند حقیقت این حدیث چیست. باید بود و دید.

۳. این لباس‌ها و امکانات به گونه‌ای خاص و منحصر به فرد است به همین دلیل شبیه و نظیری میان مردم ندارد.

---

۱. اختصاص، ص ۳۳۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۷ - عن الصادق علیه السلام قال: «إذا قام القائم علیه السلام أتى رحبة الكوفة فقال برجله هكذا و أوما بيده الى موضع ثم قال: احفروا ههنا، فيحفرون فيستخرجون اثني عشر الف درع و اثني عشر الف سيف و اثني عشر الف بيضة لكل بيضة وجهان ثم يدعوا اثني عشر الف رجل من الموالى [من العرب] و العجم فيلبسهم ذلك، ثم يقول: من لم يكن عليه مثل ما عليكم فاقتلوه».

علاوه بر این اسلحه‌ها، امکانات حمل و نقل از جمله «ابر توفنده» که تعبیر دیگری از سفینه‌های فضایی است در اختیار حضرت قرار می‌گیرد. وقتی که امام علیه السلام را میان دو ابر «ابر آرام» و «ابر توفنده و سهمگین» مخیر می‌کنند، امام علیه السلام «ابر توفنده و سهمگین» را انتخاب می‌کند ولی ذوالقرنین «ابر آرام» را بر می‌گزیند و با آن به آسمان‌ها می‌رود ولی قدرت و دامنه برد «ابر سهمگین» به مراتب بیشتر از «ابر آرام» است.<sup>۱</sup>

در کوفه و نجف نیز این «ابره‌های سهمگین» که غرش‌کنان و نور دهنده هستند بر حضرت ولی عصر علیه السلام عرضه خواهد شد، زمانی که این موجودات فرازمینی با گشوده شدن پرچم رسول الله صلی الله علیه و آله به عنوان یک علامت و اجازه فرود، آشکار می‌شوند.

حضرت باقر علیه السلام در شرح ماجرای ظهور می‌فرماید:

«امام حسین علیه السلام می‌فرمود: ... سپس گروهی از آسمان از جانب خداوند بر من نازل می‌شوند در حالی که تا کنون هرگز به زمین نیامده‌اند و نیز جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و سپاهیان از ملائکه نازل می‌شوند...»<sup>۲</sup>

احتمالاً این گروه فرازمینی غیر از ملائکه هستند و شامل همان موجودات آسمانی از جابلقا و جابرسا می‌باشند. این گروه هستند که سفینه‌های نورانی «ابره‌های سهمگین» را نزد حضرت ولی عصر علیه السلام می‌آورند و ایشان پس

---

۱. ماجرای ذوالقرنین را می‌توانید در کتاب «فرازمینی‌ها در آیات و روایات» صفحات ۱۶۳ - ۱۶۷ مطالعه فرمایید.

۲. نواب الدهور، ج ۲، ص ۳۴۹ - قال الباقر علیه السلام: «قال الحسين علیه السلام: ... ثم ينزلن عليّ و فد من السماء و من عند الله لم ينزلوا الى الارض قطّ و لينزلن الى جبرئيل و ميكائيل و اسرافيل و جنود من الملائكة...»

از این بیشتر مواقع با این سفینه‌ها به مسافرت در سطح زمین و خارج از زمین می‌روند.

حضرت باقر علیه السلام می‌فرماید:

«حضرت مهدی علیه السلام در هفت سفینه نورانی در پشت کوفه (نجف) فرود می‌آید در حالی که کسی نمی‌فهمد امام علیه السلام در کدام سفینه است.»<sup>۱</sup>

### نکات مهم حدیث:

۱. تعبیری که در روایت آمده «قباب» یعنی هفت قبه است که از آسمان پایین می‌آیند. این تعبیر عجیب است که شکل و طراحی سفینه‌ها را نیز بیان می‌فرماید. یعنی این سفینه‌ها به شکل قبه یا گنبد یا مخروط شکل هستند و مشخصه بارز آنها نورانی و روشنایی خیره کننده آنها است. بیشترین گزارشاتی که تا کنون از مشاهده این سفینه‌ها مطرح شده به صورت مخروطی شکل یا شبیه بشقاب پرنده، بوده است.<sup>۲</sup>

۲. همه این سفینه‌ها در هاله‌ای از نور پوشیده شده‌اند و نوری به شدت خیره کننده دارند.

۳. این سفینه‌ها یکسان و همانند هستند و تفاوتی با یکدیگر ندارند.

### عبادت اصحاب پاسخی به حوادث سهمگین است

حوادث خارق‌العاده‌ای که هنگام ورود به کوفه و نجف آشکار گشته و مشاهده ملائکه و اجنه و نیروهای فرازمینی برای اصحابی که تا کنون چنین حوادثی را

۱. همان، ص ۴۱۰ - قال الباقر علیه السلام: «ینزل فی سبع قباب من نور لا یعلم فی ایها هو حین ینزل فی ظهر الکوفة فهذا حین ینزل».

۲. بررسی کامل تر در این مورد را در کتاب «فرازمینی‌ها در آیات و روایات» آورده‌ایم.



ندیده‌اند ترسناک و سخت است. برای این که آنان با مشاهده این حوادث از خود بی‌خود نشده و تصورات ناصواب نیابند و برای بزرگداشت خداوند و این که بدانند در پشت تمام این نیروها، خداوند قرار دارد، امام عصر علیه السلام دستور می‌دهند تا آن شب را تا صبح به عبادت و نیایش و تضرع به درگاه الهی پردازند.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«من آنها را می‌بینم در حالی که بر بالای نجف کوفه صعود می‌کنند (مشرف می‌شوند). آنان سیصد و سیزده نفر مرد هستند که قلبشان مانند پاره آهن است. جبرئیل سمت راست و میکائیل سمت چپ امام علیه السلام و «رعب» پیش رو و پشت سر ایشان با فاصله یک ماه حرکت می‌کند. خداوند ایشان را به پنج هزار ملائکه نشان‌دار یاری می‌دهد تا وقتی که به بالای نجف رسیدند (به نجف مشرف شدند) به اصحابش می‌فرماید: امشب را به عبادت پردازید. آنان نیز به رکوع و سجود و تضرع به درگاه خداوند تا صبح بیدار می‌مانند. وقتی صبح شد می‌فرماید: با ما به سوی «نخلیه» حرکت کنید. در حالی که بر (اطراف) کوفه خندقی حفاظت شده زده‌اند (در روایت دیگر سپاهی حفاظت شده) (روای گوید) گفتم: خندقی حفاظت شده؟ امام صادق علیه السلام فرمود: سوگند به خداوند آری. (حضرت مهدی علیه السلام پیش می‌رود) تا به مسجد ابراهیم علیه السلام در «نخلیه» می‌رسد. در آنجا دو رکعت نماز می‌گذارد. آن‌گاه نیروهای سفیانی اعم از اجنه و غیر از آنان که در کوفه هستند علیه امام علیه السلام قیام می‌کنند. حضرت مهدی علیه السلام به اصحابش

می فرماید: (آماده) حمله به آنان باشید. سپس می فرماید: حمله کنید.

حضرت باقر علیه السلام فرمود: سوگند به خداوند هیچ کدام برای خبر دادن از خندق عبور نخواهند کرد.

سپس حضرت مهدی علیه السلام وارد کوفه می شود...<sup>۱</sup>

### نکات مهم حدیث:

۱. در این جا نیز امداد به «رعب» جزء محافظین حضرت و یارانش است.
۲. در این هنگام یعنی پیش از ورود به کوفه، ملائکه و «رعب» و دیگر امدادها همراه آنان است.
۳. معنای ملائکه نشان دار را به طور کامل پس از ظهور خواهیم شناخت.
۴. امام علیه السلام برای این که اصحاب خاص دچار تزلزل یا غرور نشوند، دستور می دهد شب تا صبح را بیدار بوده و از خداوند برای اعطای این کمک ها تشکر کنند. تا مبادا با مشاهده و دریافت این کمک های خارق العاده دچار خود

---

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۳ - قال ابو جعفر علیه السلام: «لکأنی انظر الیهم مصعدین من نجف الکوفة ثلاث مائة و بضعة عشر رجلاً کأنّ قلوبهم زبر الحدید، جبرئیل عن یمینه و میکائیل عن یساره، ینسیر الرعب امامه شهراً و خلفه شهراً، أمده الله بخمسة آلاف من الملائكة مسؤمین حتی اذا صعد النجف قال لأصحابه: تعبدوا لیلتکم هذه، فیبیتون بین راکع و ساجد یتضرعون الی الله حتی اذا أصبح قال: خذوا بنا طریق النخلیه و علی الکوفة خندق مخندق، قلت: خندق مخندق؟ (در روایت دیگر جند مجند؟) قال: ای والله حتی ینتهی الی مسجد ابراهیم علیه السلام بالنخلیه، فیصلی فیہ رکعتین فیخرج الیه من کان بالکوفه من مرجئها و غیرهم من جیش السفیانی فیقول لأصحابه: استطردو الیهم ثم یقول: کتروا علیهم، قال ابو جعفر علیه السلام: [و] لا یجوز و الله الخندق منهم مخبر. ثم یدخل الکوفة...»

بخش دوم / فصل اول: ورود به کوفه ..... ۱۴۱

بزرگ بینی و غرور شوند و همواره خداوند را پشت تمام این امدادها مشاهده کنند.

۵. احتمالاً درگیری مجددی در هنگام ورود به کوفه با نیروهای متحد سفیانی و شیعیان زیدی و مرجئه خواهند داشت که همگی را نابود می‌سازند. در حدیث دیگری میزان عبودیت و صفات سیصد و سیزده تن اصحاب را بیشتر شرح می‌دهند.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«من قائم علیه السلام و اصحابش را در نجف کوفه می‌بینم در حالی که همچون کسی هستند که بر سرشان پرنده نشسته است (از شدت تسلیم و سرسپردگی به امام عصر علیه السلام). در حالی که لاغر شده و لباس‌هایشان کهنه گردیده است. سجده‌ها بر پیشانی‌شان اثر گذاشته است. روزها (در تلاش و کوشش دنیوی مانند) شیر و در شب عابد (و رهبان) هستند. قلب‌هایشان پاره‌های آهن است. به هر کدام از مردان نیروی چهل مرد داده‌اند. هر کدام از آنها جز کافر و منافق را نمی‌کشند و خداوند در کتابش آنها را به (داشتن) توسم (زیرکی) توصیف کرده است، با این گفته که فرموده: (در این مطلب نشانه‌هایی برای متوسمین است)»<sup>۱</sup>.

---

۱. همان، ص ۲۰۲ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «کأنی أنظر الی القائم علیه السلام و اصحابه فی نجف الکوفة کأن علی رؤسهم الطیر قد فنیت أزوادهم و خلقت ثيابهم قد اثر السجود بجباههم لیوث بالنهار و رهبان باللیل کأن قلوبهم زبر الحدید یعطی الرجل منهم قوه اربعین رجلاً لا یقتل احداً منهم الا کافر او منافق و قد وصفهم الله تعالی بالتوسم فی کتابه العزیز بقوله: ﴿إِنَّ فِی ذَٰلِكَ لآیةً لِّکُمْ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ﴾ حجر (۱۵): آیه ۷۵».

### حوادث و آزمایشات سهمگین

ادعاهای انسان‌ها مبنی بر اعتقاد به ارزش‌های الهی، همیشه در بوته آزمایش و امتحان گذارده شده است. اصحاب حضرت مهدی علیه السلام نیز از این قاعده مستثنی نیستند. آنان از ابتدای حرکت خویش و حتی پیش از آن مورد آزمایش بوده‌اند. اکنون در عراق با مشاهده حوادث سهمگین آماده آزمایشات سخت‌تر می‌گردند.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«من قائم علیه السلام را می‌بینم که بر منبر کوفه قرار دارد و اصحابش به تعداد ۳۱۳ نفر مانند تعداد اصحاب جنگ بدر در اطرافش هستند. آنها اصحاب پرچم‌ها و حاکمان خداوند در روی زمین بر مخلوقاتش هستند. تا این که (مهدی علیه السلام) از زیر قبایش نامه‌ای با مهری طلایی از جانب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بیرون می‌آورد. اصحاب مانند چهارپایان از کنار وی فرار می‌کنند. پس کسی (از اصحاب) باقی نمی‌ماند مگر وزیر و یازده نفر نقباء، همان‌گونه که همین تعداد در کنار حضرت موسی علیه السلام باقی ماندند.

آنها در اطراف زمین به سرعت می‌گردند اما راهی برای رهای نمی‌یابند پس در نتیجه به سوی امام علیه السلام باز می‌گردند. سوگند به خداوند من سخنی که مهدی علیه السلام به آنان می‌گوید و (این چنین) منکر آن (کلام) می‌شوند را می‌دانم»<sup>۱</sup>.

۱. کمال الدین، ص ۶۷۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶ - عن المفضل بن عمر قال: «قال

### نکات مهم حدیث:

۱. از جمله امام علیه السلام که می فرماید: «من قائم را می بینم» معلوم می شود که این حادثه حتماً واقع خواهد شد. زیرا مورد مشاهده امام علیه السلام واقع شده است.
۲. ۳۱۳ نفر اصحاب خاص امام علیه السلام حاکمان بر روی زمین خواهند بود.
۳. از آنجا که اکثریت شیعیان وارد کوفه شده اند، سخنرانی امام علیه السلام در میان تعداد بسیاری از شیعیان و دوست داران حضرت می باشد.
۴. امام علیه السلام با خواندن نامه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای شیعیان آنان را دچار تزلزل شدید می کند.
۵. هیچ کدام از ۳۱۳ نفر از این حادثه، بدون آسیب نمی مانند مگر دوازده نفر نقباء (وزیر و یازده نفر دیگر).
۶. پیداست که دیگر شیعیان نیز دچار تزلزل و انحراف می شوند.
۷. این چه پیام و خطابه ای است که بسیاری از شیعیان را دچار تزلزل و دوری از امام علیه السلام می کند تا جایی که اصحاب خاص نیز از پیش امام علیه السلام فرار می کنند.

۸. اصحاب خاص در ابتدای ظهور هنوز کاستی هایی در کسب مراحل ولایت دارند و با این حوادث رفته رفته به مرحله بالایی از شناخت ولایت

---

→ الصادق علیه السلام: کأنی أنظر الى القائم على منبر الكوفة و حوله اصحابه ثلاث مائة و ثلاثة عشر رجلاً عداة اهل بدر، و هم اصحاب الالوية و هم حکام الله في ارضه على خلقه، حتى يستخرج من قبائه كتاباً مختوماً بخاتم من ذهب عهد معهود من رسول الله صلی الله علیه و آله فيجفلون عنه اجفال الغنم، فلا يبقى منهم الا الوزير واحد عشر نقيباً كما بقوا مع موسى بن عمران علیه السلام فيجولون في الارض فلا يجدون عنه مذهباً، فيرجعون اليه و الله انى لأعرف الكلام الذي يقوله لهم فيكفرون به».

حضرت مهدی علیه السلام می‌رسند. همان‌گونه که پس از فرار دوباره به سوی امام علیه السلام باز می‌گردند.

۹. این پیام احتمالاً ارتباط با حقیقت «ولایت اهل بیت علیهم السلام» دارد. چیزی که در عصر حاضر نیز بسیاری از حقیقت آن و شناخت دقیق آن، بی‌بهره هستند.

۱۰. راه نجات از این فتنه این است که اخلاص خود را نسبت به اهل بیت علیهم السلام و بخصوص حضرت مهدی علیه السلام روزافزون کنیم و پیش از ظهور، شریکی برای مقام یا نام یا القاب ائمه اطهار علیهم السلام قرار ندهیم.

۱۱. از تشبیه ماندگاری نقباء در کنار حضرت موسی علیه السلام که در حادثه سامری اتفاق افتاده است حکایت از ماجرای شبیه ماجرای سامری در میان شیعیان دارد و از آنجا که بسیاری از این شیعیان از ایران هستند بعید نیست مطالبی در رابطه با ایران یا شرایط ایران و عراق باشد. این مطلب ممکن است با خروج چهل هزار ایرانی علیه امام علیه السلام نیز ارتباط داشته باشد. این حادثه آخرین فتنه داخلی سپاه آن حضرت علیه السلام است.

۱۲. جالب این است که کسانی از اطراف امام علیه السلام فرار می‌کنند که تا کنون جهاد کرده و شمشیر زده‌اند اما متأسفانه شناخت کافی از شخصیت امام علیه السلام نداشته‌اند. بنابراین شمشیر زدن و حتی کشته شدن چندان هنر نیست، بلکه در اصل شناخت ولایت امام علیه السلام مهم است.

فلسفه چنین آزمایشات و فتنه‌هایی برای اصحاب و یاران امام علیه السلام در این است که به دلیل رسالت جهانی بلکه کهکشانی و کیهانی حضرت مهدی علیه السلام، کسانی که از جانب ایشان عهده‌دار سمت‌های مختلف می‌شوند می‌بایست در

چند خصوصیت به شدت امتحان‌گردند. آن صفات با توجه به روایات مختلف بدین شرح است:

۱. سرسپردگی مطلق، فقط و فقط نسبت به حضرت ولی عصر علیه السلام: تا جایی که مطلقاً هیچ کس در نظرشان لیاقت هم‌لقبی و هم‌شأنی امام علیه السلام را نداشته باشد و اطاعت محض را مخصوص ایشان بدانند و اطاعت از هر کسی بجز امام علیه السلام یا اجازه مستقیم وی را شرک بدانند. این امتحان مهم‌ترین امتحان پیش و پس از ظهور است.

۲. طمع ریاست نداشتن: دومین امتحان سخت برای اصحاب است. پست و مقام برای اصحاب باید آنچنان بی‌ارزش و متعفن باشد که به هر پست و مقامی باید مانند یک مردار گندیده بنگرند. اگر ذره‌ای محبت و علاقه به ریاست در دل آنان باشد در حوادث پیش از ظهور یا پس از ظهور سرنگون خواهند شد. همان‌گونه که تاکنون واقع شده است.

در واقع مسیر امتحانات دوران غیبت و یا مقارن ظهور برای شیعیان در این صفت خلاصه می‌شود. تا مشخص شود چه کسی داوطلب و به دنبال ریاست است و چه کسی به آن پشت می‌کند.<sup>۱</sup>

۳. تواضع و خاک‌ساری: تواضع و فروتنی پیشه کردن و عدم سرکشی و طغیان حتی در جایی که حق با شماست، موجب می‌شود بیشتر به روش اهل بیت علیهم السلام نزدیک شوید. بخصوص اصحاب باید در نهایت تواضع و سادگی زندگی کنند.

---

۱. البته برخی به دلیل این که دستشان به مقام نمی‌رسد آن را نکوهش می‌کنند ولی این افراد نیز باید به آسانی به پست و مقام برسند تا مشخص شود پیش از این ادعای راستین داشته‌اند یا خیر.

۴. نوع علم و قضاوت: قضاوت‌های حضرت علیه السلام آزمایش سختی است که عده بسیاری در مقابل آن قدرت تحمل ندارند.

این حوادث اختصاص به اصحاب خاص یعنی ۳۱۳ نفر ندارد بلکه عموم اصحاب را در بر می‌گیرد.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«قائم علیه السلام با قضاوت‌هایی، قضاوت می‌کند ولی برخی اصحابش که در کنارش شمشیر زده‌اند آن را انکار می‌کنند و آن قضاوت آدم علیه السلام است. پس (امام علیه السلام) منکرین را پیش رانده و گردنشان را می‌زند. سپس در مرتبه دوم قضاوت می‌کند، عده دیگری از کسانی که در کنار وی شمشیر زده‌اند، قضاوتش را انکار می‌کنند. (حضرت مهدی علیه السلام) آنها را نیز پیش آورده و گردن می‌زند و آن، قضاوت داود علیه السلام بوده است. سپس در مرتبه سوم قضاوت می‌کند، اما کسانی که در کنار ایشان شمشیر زده‌اند آن را انکار می‌کنند و آن نیز قضاوت ابراهیم علیه السلام است. (امام علیه السلام) آنها را پیش آورده و گردن می‌زند. سپس در مرتبه چهارم قضاوت می‌کند که قضاوت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است ولی دیگر کسی آن را انکار نمی‌نماید»<sup>۱</sup>.

این آزمایش براساس تشخیص علم و بالا بردن میزان آگاهی اصحاب است

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۹ - عن ابی جعفر علیه السلام قال: «يقضى القائم بقضا یا ينكرها بعض اصحابه ممن قد ضرب قدامه بالسيف و هو قضاء آدم علیه السلام فيقدمهم اعناقهم ثم يقضى النانية فينكرها قوم آخرون ممن قد ضرب قدامه بالسيف و هو قضاء داود علیه السلام فيقدمهم فيضرب اعناقهم ثم يقضى الثالثة فينكرها قوم آخرون ممن قد ضرب قدامه بالسيف و هو قضاء ابراهيم علیه السلام فيقدمهم فيضرب اعناقهم ثم يقضى الرابعة و هو قضاء محمد صلی الله علیه و آله و سلم فلا ينكرها احد عليه».



تا بدانند دین، آن چه که آنان فکر می‌کنند نیست بلکه بسیار وسیع‌تر و عمیق‌تر است و نباید براساس عقل و درک خویش راجع به دین قضاوت کنند.  
ابن ابی‌یعفور می‌گوید:

«من بر حضرت صادق علیه السلام وارد شدم و تعدادی از اصحابش نیز نزد ایشان بودند. به من فرمود: ای پسر یعفور آیا قرآن خوانده‌ای؟ گفتم: بله این قرائت (متعارف) را خوانده‌ام.

حضرت فرمود: از آن (خواندن) سؤال کردم نه از چیز دیگری (قرائت دیگر). گفتم: بله فدایت شوم. چرا؟ فرمود: زیرا موسی علیه السلام حدیثی را به قومش گفت نتوانستند آن را تحمل کنند در نتیجه علیه موسی علیه السلام در مصر قیام کرده و با وی جنگیدند و او نیز با آنها نبرد کرد و (همگی) آنها را کشت و نیز حضرت عیسی علیه السلام به قومش حدیثی گفت نتوانستند آن را تحمل کنند، در نتیجه در تکریت علیه وی قیام کرده و با وی جنگیدند. او نیز با آنها نبرد کرد و (همگی) آنها را کشت. این همان سخن خداوند است که می‌فرماید: «گروهی از بنی اسرائیل (به وی) ایمان آوردند و گروهی کافر شدند. پس ما کسانی را که ایمان آورده بودند بر علیه دشمنانشان یاری رساندیم و در نتیجه پیروز گشتند»<sup>۱</sup> و همچنین در ابتدای قیام، قائم ما اهل بیت علیهم السلام به شما حدیثی می‌گوید که نمی‌توانید آن را تحمل کنید در نتیجه در بیابان «دسکره» علیه وی قیام نموده و با ایشان می‌جنگید و او نیز با شما می‌جنگد و (همگی) شما را می‌کشد و این آخرین خروج علیه امام علیه السلام است»<sup>۲</sup>.

۱. صف (۶۱) آیه ۱۴.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۵ - عن ابی‌یعفور قال: «دخلت علی ابی‌عبدالله علیه السلام و عنده

### نکات مهم حدیث:

۱. هر پیامبری تجربه جنگ با پیروانش را دارد (به جز پیامبر اسلام ﷺ) که به جای ایشان حضرت مهدی علیه السلام با مسلمانان می جنگد).
۲. عامل تمامی این قیام‌ها علیه پیامبران علیهم السلام و همچنین حضرت مهدی علیه السلام سخنانی است که از زبان این رهبران الهی می شنوند.
۳. بنابراین می توان عامل نافرمانی و امتحان سخت در برابر رهبران الهی را ناشی از «حدیث» بدانیم.
۴. آنان «حدیثی» می گفتند ولی چون مردم و پیروانشان قادر به درک و پذیرش آن نبودند، حدیث را تا آنجا انکار می کردند که پیامبر یا امام را دشمن خدا دانسته و در نتیجه خود را برای مبارزه با وی قانع می ساختند.
۵. آنان همگی، خود را متدین به آیین و دین می دانستند و «حدیث» مذکور را مخالف اعتقادات خود می دیدند و در نتیجه در ابتدا به رسالت یا امامت گوینده شک کرده و سپس شک تبدیل به انکار شده و آن گاه او را دشمن خدا شمرده و سپس «جنگ با دشمن خدا را واجب» دانسته و بعد از آن با وی می جنگیدند. شاید کشته های خود را شهید نیز می دانستند و یا خواهند دانست.

→ نفر من اصحابه فقال لی: یا ابن یعفر هل قرأت القرآن؟ قال: نعم هذه القراءة. قال: عنها سألتك ليس عن غيرها. قال: فقلت: نعم جعلت فداك، ولم؟ قال: لأن موسى عليه السلام حدث قومه بحديث لم يحتملوه عنه فخرجوا عليه بمصر، فقاتلوه فقاتلهم فقتلهم، و أن عيسى عليه السلام حدث قومه بحديث فلم يحتملوه عنه فخرجوا عليه بتكريرت فقاتلوه فقاتلهم فقتلهم و هو قول الله عزوجل ﴿فَأَمْنَتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ كَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ﴾ وانه اول قائم يقوم منا اهل بيت يحدثكم بحديث لا تحتملونه فتخرجون عليه بر ميلاء الدسكرة فتقاتلونه فيقتلكم فيقتلكم و هي آخر خرجة تكون».

۶. در این جا بزرگ‌ترین حادثه و علت آن رفتار کشف می‌شود. اینجانب از هم اکنون می‌توانم دشمنان امام علیه السلام پس از این سخنرانی را در جامعه امروز بشریت ببینم و همواره صفات آنان را گوشزد نموده‌ام.

ولی تصدیق کنید راز الهی را نمی‌توان برای همگان آشکارا گفت مگر افرادی که آزمایش خویش را سپری کرده و سربلند در آمده باشند. چگونه می‌توانید تصور کنید که حقیر می‌توانم راز کوچکی را بگویم و مردم عکس‌العمل سوئی نداشته باشند در حالی که می‌بینیم حضرت ولی عصر علیه السلام با بیان یک راز ناچار می‌شود با شیعه‌نمایان! بجنگد و آنها را به قتل رساند. پس ما نیز باید به گونه‌ای که برای دیگران قابل درک است و خطری اعتقادی یا رفتاری برای افراد ایجاب نمی‌کند، مطرح نماییم.

۷. «حدیث» در عصر حاضر جای امام علیه السلام را گرفته است. یعنی هر کس به «احادیث» اهل بیت علیهم السلام با چشم احترام و تجلیل بنگرد، آمادگی بیشتری در نجات از «حدیث» خاص حضرت مهدی علیه السلام پس از ظهور خواهد داشت. اما آن که احادیث را از پیش خود به غلط و درست تقسیم کرده و تعدادی را با ملاک شخصی و عقل خویش ضعیف یا مجعول می‌شمرد، مطمئن باشید پس از ظهور، سرنگون شده یا حداقل متزلزل خواهد شد. این سرّی است از اسرار الهی که اکنون گفتیم و گمان نمی‌کنم عده بسیاری حقیقت این سخن را درک کنند و یا اگر درک کردند بپذیرند. در حالی که این گفته نسبت به حدیثی که حضرت قائم علیه السلام بیان می‌کند بی‌اهمیت است.

۸. حضرت باقر علیه السلام به صراحت می‌فرماید اگر حدیثی را از ما شنیدید و آن را درک نکردید مبدا انکار کنید که در این صورت از ولایت ما خارج بوده

و کافر می شوید.<sup>۱</sup> سخن من چیزی فراتر از سخن حضرت باقر علیه السلام نیست ولی وقتی حتی این روایت را برای نابخردان و کوتاه‌بینان به ظاهر شیعه مسلک، بیان کنیم فوری در پاسخ می‌گویند از کجا معلوم که این حدیث ضعیف نباشد؟ در جواب این افراد جز اظهار تأسف و حواله کردن به فرمان ظهور چاره‌ای نداریم.

۹. در این جا راز کوچکی را افشا کردیم اگر این راز را درک کنید با توسل به حضرت حجّت علیه السلام رازهای دیگری برای شما گشوده خواهد شد و در عرصه ظهور از این امتحان‌ها جان سالم به در خواهید برد. در غیر این صورت ما جز مالک نفس خویش نیستیم و کار خویش را به خدا واگذار می‌کنیم که او خوب نگهبان و خوب نگهداری است.

۱۰. از هم اکنون بزرگانی در این عرصه سقوط کرده‌اند و ما می‌توانیم خروج کنندگان بر حضرت مهدی علیه السلام را همین امروز مشاهده کنیم.

۱۱. «حدیث» حضرت مهدی علیه السلام که موجب طغیان شیعیان ظاهری علیه ایشان می‌شود مربوط به حقیقت قرآن و دین و سیاست است، بقیه را تا ظهور خواهید دانست.

۱۲. برای رهایی از این دام، سعی کنید هر سخنی را شنیدید که به اهل بیت علیهم السلام نسبت داده می‌شود، حتی اگر درک نمی‌کنید، انکار نکرده و با احترام از کنار آن بگذرید تا ارزش سخنان آنان در وجود شما ترقی نماید.

## فصل دوم:

### خروج از کوفه و پیگرد سفیانی

پس از درگیری و تصفیه نسبی نجف و عراق اکنون نوبت به مقابله نهایی با سفیانی رسیده است.

حضرت باقر علیه السلام می فرماید:

«وقتی به سفیانی خبر می رسد که قائم علیه السلام از کوفه به سوی وی حرکت کرده است، از سپاهیانش جدا می شود تا (شخصاً) با قائم علیه السلام ملاقات کند. پس حضرت بیرون آمده و می فرماید: پسر عمویم را نزد من آورید، در نتیجه سفیانی نزد وی می آید و قائم علیه السلام با وی سخن می گوید و سفیانی نیز با وی بیعت می نماید. آن گاه نزد اصحابش باز می گردد. اصحابش به سفیانی می گویند: چه کار کردی؟ می گوید: اسلام آوردم و بیعت نمودم. آنان به وی می گویند: خداوند نظرت را زشت گرداند، در حالی که خلیفه ای پیشوا بودی فرد تابع (دیگری) شدی. در نتیجه سفیانی بازگشته و با امام علیه السلام مبارزه می کند. آن گاه آن شب را به سر می آورند، وقتی صبح شد، قائم علیه السلام تمام آن روز را می جنگد.

سپس خداوند قائم علیه السلام و اصحابش را بر آنها پیروز می گرداند و همگی را می کشند تا جایی که اگر مردی بر درختی یا سنگی پنهان

شده است، درخت و سنگ فریاد می‌زنند: ای مؤمن این مرد کافری است او را بکش، پس او را می‌کشد. پس درندگان و پرندگان از گوشتشان سیر می‌شوند. حضرت مهدی علیه السلام تا مقداری که خواست آنجا اقامت می‌کند... .

حضرت باقر علیه السلام (ادامه داد): سپس قائم علیه السلام در آنجا سه پرچم آماده می‌سازد. یک پرچم به سوی قسطنطنیه (استانبول) که خداوند آنجا را برای وی می‌گشاید و یک پرچم به سوی چین که آنجا را فتح می‌کند و یک پرچم نیز به سوی کوه‌های دیلم که آنجا را نیز فتح می‌کنند»<sup>۱</sup>.

#### نکات مهم حدیث:

۱. سفیانی تسلیم امام علیه السلام می‌شود ولی طرفداران و زیردستانش او را منصرف می‌کنند.

۲. بسیاری افراد در طول تاریخ این‌گونه بوده‌اند یعنی هرچند خودشان به

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۸ - جابر بن یزید عن ابی جعفر علیه السلام قال: «إذا بلغ السفیانی ان القائم قد توجّه الیه من ناحیة الکوفة، يتجرّد بخيله حتى یلقى القائم فيخرج فيقول: أخرجوا الی ابن عمی فيخرج علیه السفیانی فيکلمه القائم علیه السلام فيجیء السفیانی فیبايعه ثم ینصرف الی أصحابه فيقولون له: ما صنعت؟ فيقول: اسلمت و بايعت فيقولون له: قبح الله رأيك بين ما انت خليفة متبوع فصرت تابعا فيستقبله فيقاتله ثم ان الله تعالى يمنح القائم و أصحابه أكتافهم فيقتلونهم حتى يفنوهم حتى ان الرجل یختفی فی الشجرة و الحجرة فتقول الشجرة و الحجرة: یا مؤمن هذا الرجل کافر فاقتله، فيقتله. قال: فتشبع السباع و الطيور من لحومهم. فيقيم بها القائم علیه السلام ما شاء. قال: ثم يعقد بها القائم ثلاث رايات: لواء الی القسطنطينية یفتح الله له ولواء الی الصّين فيفتح له لواء الی جبال الديلم فيفتح له».

بخش دوم / فصل دوم: خروج از کوفه و پیگرد سفیانی ..... ۱۵۳

۳. سخن گفتن سنگ و درخت نیز از عجایب دیگر در صحنه ظهور است.
  ۴. سه سپاه مذکور، سپاه‌های اصلی است که به سوی مقاصد مهم و دشمنان اصلی گسیل می‌شوند. در واقع دشمنان خطرناک و قوی برای امام عصر علیه السلام هستند، اروپایی‌ها، چینی‌ها و دیلمی‌ها (ایرانی‌ها).
  ۵. هرچند برخی از ایرانی‌ها در سپاه حضرت مهدی علیه السلام هستند ولی برخی دیگر نیز هستند که در مقابل امام قیام کرده و یا مقاومت می‌کنند.
- حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبة البیان پس از پرسش اصحاب در مورد سفیانی می‌فرماید:

«اسم وی حرب بن عنبسة بن مزة بن کلیب... است. وی در آسمان و زمین ملعون و بدترین مخلوقات خداوند است و ملعون‌ترین اجداد و ظالم‌ترین مخلوق است. وی با سپاهیان و نیروها و اسب‌هایش با دویست هزار جنگاور حرکت می‌کند تا به حیره<sup>۱</sup> می‌رسد. آن‌گاه مهدی علیه السلام نیز با اسب‌ها و مردان و سپاهیان و سواره‌هایش در حالی که جبرئیل در سمت راست و میکائیل سمت چپ و پیروزی پیش رویش است، حرکت می‌کند. مردم نیز از تمامی نقاط به وی ملحق می‌شوند تا به ابتدای حیره نزدیک سفیانی می‌رسد. با خشم الهی آنها نیز به همراه دیگر مخلوقات حتی پرندگان آسمان خشم می‌گیرند، به گونه‌ای که با بال‌های خود تیر می‌افکنند و کوه‌ها با سنگ‌های خود آنها را هدف قرار می‌دهند. میان سفیانی و مهدی علیه السلام جنگی بزرگ

---

۱. شهری در عراق است.

درمی‌گیرد تا جایی که تمامی سپاه سفیانی متلاشی می‌شود و سفیانی با اندکی از سپاهیان فرار می‌کنند. مردی از یاران قائم علیه السلام به نام «صیاح» به همراه سپاهیان به وی رسیده و او را اسیر می‌کند و نزد مهدی علیه السلام می‌آورد، در حالی که ایشان نماز عشاء را اقامه می‌کنند. حضرت علیه السلام نمازش را کوتاه می‌کند، سفیانی می‌گوید: ای پسر عمو من را زنده نگه‌دار تا از یارانت باشم. مهدی علیه السلام می‌فرماید: شما چه می‌گویید، زیرا من با خود پیمان بسته‌ام تا شما راضی نباشید کاری انجام ندهم. اصحاب می‌گویند: سوگند به خدا ما راضی نمی‌شویم جز با کشتن وی. زیرا خون بسیاری که خداوند حرام نموده بود، ریخته است و شما می‌خواهید با ادامه حیات بر وی منت بگذارید. مهدی علیه السلام می‌فرماید: هرچه می‌خواهید انجام دهید. در نتیجه گروهی از اصحاب وی را در کنار رودخانه هجیر<sup>۱</sup> زیر درخت پرشاخ و برگی خوابانده و گردنش را می‌برند همان‌گونه که گردن گوسفندی را می‌برند و روحش را به سرعت به جهنم می‌فرستند.<sup>۲</sup>

۱. هجیر رودخانه‌ای میان بصره و کوفه است.

۲. نواب الدهور، ج ۲، ص ۱۳۲ - «فقامت الیه جماعة من اهل الکوفة و قالوا ما اسم هذا السفیانی فقال علیه السلام: اسمه حرب بن عنبسة بن مرة بن کلیب... ملعون فی السماء و الارض اشتر خلق الله تعالی و العنهم جداً و اکثرهم ظلماً ثم انه یخرج بجيشه و رجاله و خيله فی ماتی الف مقاتل فیسیر حتی ینزل الحیرة ثم ان المهدی علیه السلام یقدم بخيله و رجاله و جيشه و کتابه و جبرئیل عن یمینه و میکائیل عن شماله و النصر بین یدیه و الناس یلحقونه فی جمیع الافاق حتی یأتی اول الحیرة قریباً من السفیانی و یغضب لغضب الله سائراً من خلقه حتی الطیور من السماء ترمیهم باجنحتها و ان الجبال ترمیهم بصخورها و جرى بین السفیانی و بین المهدی حرب عظیم حتی یهلك جمیع



### حرکت به سوی ایران و افغانستان

پس از نابود کردن نیروهای سفیانی در عراق فرصت مناسبی پیش می‌آید که به تصرف منطقه بپردازد. پیش از هر چیز «ایران» مطرح است. حضرت ولی عصر علیه السلام با اسبابی که در اختیار دارند به دلیل شوق بسیار ایرانیان و شیعیان افغانستان و نیز حسابرسی علماء سفر مختصری به این دو نقطه خواهند داشت و به این ترتیب پاسخ مناسبی به چشمان مشتاق این دو کشور به خصوص ایرانیان خواهند داد. چه زیباست دیدن حضرت صاحب الامر علیه السلام در تهران و قم و چه زیباتر پاداش و تنبیه ایشان در این دو شهر، که این قیامت صغری است. عده‌ای خرسند از تأیید ایشان و عده‌ای سرافکننده و شقاوت‌زده و پشیمان از خطاهای خویش، ولی افسوس که جایی برای بازگشت آنان نخواهد ماند.<sup>۱</sup>

ابوبصیر در حدیثی گوید:

«...امام علیه السلام (در کوفه) اندکی درنگ می‌کند تا عده‌ای ایرانی به تعداد

---

→ عسکر السفیانی فیهزم و معه شردمة قليلة من اصحابه فیلحقه رجل من انصار القائم اسمه صیاح و معه جيش فیستاسره فیاتی به الی المهدی و هو یصلی العشاء الاخرة فیخفف صلوته فیقول السفیانی: یا ابن العم استبقنی اکون لك عوناً فیقول لاصحابه یا تقولون فیما یقول فانی آلیت علی نفسی لا افعل شیئاً حتی ترضوه فیقولون والله ما نرضی حتی تقتله لانه سفك الدماء التي حرّم الله سفکها و انت تريد ان تمنّ علیه بالحیوة فیقول المهدی شانکم و ایاه فیأخذوه جماعة منهم فیضجعونه علی شاطیء الهجیر تحت شجرة مدّلاة باغصانها فیذبحونه کما یذبح الكبش و عجل الله بروحه الی النار».

۱. کسانی که به دنبال رهبری و ولایت الهی باشند پس از ظهور نیز مورد تأیید خواهند بود و کسانی که در مقابل رهبری و ولایت الهی قرار بگیرند در آن روز نیز سرنگون خواهند شد.

ده هزار نفر در صحرای «دسکره» خروج می‌کنند، شعارشان: ای عثمان، ای عثمان است. حضرت علیه السلام مردی از ایرانی‌ها را فراخوانده و شمشیرش را بر او می‌آویزد و شخصاً علیه آنها حرکت کرده و همگی را می‌کشد، تا جایی که خبر دهنده‌ای از آنان باقی نمی‌ماند. آن‌گاه به سوی «کابل» شاه حرکت می‌کند و آنجا شهری است که هیچ کس نتوانسته (به طور کامل) آن را فتح کند مگر حضرت صاحب‌الامر علیه السلام که آنجا را فتح می‌نماید...»<sup>۱</sup>

#### نکات مهم حدیث:

۱. امام علیه السلام در کوفه همواره با عده‌ای از شیعیان یاغی برخورد می‌کند از جمله پیش از رفتن به ایران و افغانستان است که در قالب ده هزار نفر به طرفداری از سفیانی یا اهل تسنن (عثمان) علیه حضرت قیام می‌کنند.
۲. امام علیه السلام با کسانی که علیه ایشان با آگاهی و اعتقاد قیام می‌کنند به شدت برخورد می‌کنند.
۳. کابل تا پیش از ظهور متشنج و ناآرام است. حتی امروز نیز زیر سلطه کفر و اشغال امریکا است.
۴. با شروع جنگ سوم و برچیده شدن نیروهای امریکایی از منطقه، افغانستان دوباره در جنگ وحشتناک داخلی به مراتب بدتر از اول فرو خواهد رفت و این جنگ تا ظهور حضرت علیه السلام ادامه خواهد یافت.

---

۱. غیبت طوسی، ص ۴۷۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳ - قال ابوبصیر: «...ثم لا یلبث الا قليلاً حتى یخرج علیه ما رقة الموالی بر میله الدسکره عشرة آلاف شعارهم: یا عثمان، یا عثمان، فیدعو رجلاً من الموالی فیقلده سیفه فیخرج الیهم فیقتلهم حتی لا یبقی منهم احد ثم یتوجه الی کابل شاه و هی مدینه لم یفتحها احد قط غیره فیفتحها ثم یتوجه الی الکوفه فینزلها و یکون داره و یتبهرج سبعین قبيلة من قبائل العرب».

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«...سپس حضرت مهدی علیه السلام سه پرچم را مهیا می‌کند: یک پرچم به سوی قسطنطنیه می‌فرستد که خداوند آنجا را برای وی می‌گشاید و یک پرچم به سوی چین می‌فرستد که برای وی گشوده می‌شود و یک پرچم به سوی کوه‌های دیلم (ایران) می‌فرستد که آنجا نیز برای وی گشوده می‌شود»<sup>۱</sup>.

**نکات مهم حدیث:**

۱. حرکت امام علیه السلام به سوی ایران در همین هنگام و در طول مسیر افغانستان می‌باشد. اما سپاهیان امام علیه السلام ممکن است به طور مستقل عازم چین شوند.
۲. حمله به چین به عنوان قدرت بزرگ جهانی نشان از بیشتر قدرت یافتن این کشور است.
۳. کشورهای بزرگ دیگر از قبیل روسیه در اثر جنگ با امریکا قدرتشان تضعیف شده است.
۴. کشور هندوستان نیز در اثر جنگ با پاکستان چندان نیرویی برای مقابله با سپاهیان امام علیه السلام ندارد.

**بازگشت اولیه به کوفه**

حضرت مهدی علیه السلام پس از حرکت به افغانستان و ایران به کوفه باز می‌گردد. حرکت ایشان به افغانستان و ایران بسیار کوتاه خواهد بود. زیرا دشمنان اصلی در غرب در کمین هستند.

---

۱. متن حدیث را در ضمن حدیث پیش آوردیم.

ابوبصیر در حدیثی گوید:

«... سپس به سوی «کابل» شاه حرکت می‌کند و آنجا شهری است که هیچ کس نتوانسته (به طور کامل) آن را فتح کند مگر حضرت صاحب‌الامر علیه السلام که آنجا را فتح می‌نماید. سپس به کوفه باز می‌گردد و در آنجا اقامت می‌گزیند و خانه‌اش خواهد بود»<sup>۱</sup>.

**نکات مهم حدیث:**

۱. امام عصر علیه السلام وارد افغانستان (کابل) خواهند شد.
  ۲. افغانستان تا زمان ظهور شاهد درگیری و ناامنی داخلی است و فقط امام علیه السلام است که می‌تواند امنیت واقعی را در این شهر و کشور برقرار سازد.
  ۳. پس از تصفیه افغانستان و رسیدگی به وضع ایران به کوفه باز می‌گردند تا حرکت خویش را به سوی ترکیه و فلسطین آغاز کنند.
- از آنجا که امام علیه السلام از وسایل مختلف برای نقل و انتقال استفاده می‌کند، در این مرحله از مسافرت خویش از سفینه‌های قدرتمند (ابره‌ای سهمگین) استفاده می‌کنند. به همین جهت به سرعت به ایران و کابل آمده و پس از انجام اصلاحات لازم به کوفه باز می‌گردند.

جابر گوید:

«حضرت باقر علیه السلام در تفسیر آیه: «خداوند در سایه‌ای از ابر به همراه ملائکه می‌آید و کار تمام می‌شود»، فرمود: مهدی علیه السلام با هفت سفینه

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳؛ غیبت طوسی، ص ۴۷۵ - عن ابی بصیر (عن الباقر علیه السلام) قال: «...ثم يتوجه الى كابل شاه، و هي مدينة لم يفتحها احد قط غيره، فيفتحها ثم يتوجه الى الكوفة، فينزلها و يكون داره و...».

نورانی در نجف کوفه فرود می‌آید به گونه‌ای که هیچ کس نمی‌داند  
ایشان در کدام سفینه قرار دارند...»<sup>۱</sup>

### نکات مهم حدیث فوق:

۱. منظور از آمدن خداوند در سایه‌ای از ابر همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شده است، چون خداوند دیدنی نیست به معنای امام مهدی علیه السلام است و به جهت احترام و ارزش ایشان در پیشگاه خداوند این‌گونه درباره ایشان سخن رفته است.
۲. حضرت مهدی علیه السلام با هفت «قَبَه» نورانی فرود می‌آید. در ترجمه «قَبَه» کلمه سفینه آورده‌ام. اگر دقت کنیم می‌بینیم در کلمه «قَبَه» حتی شکل سفینه نیز که حالت مخروطی دارد و شبیه چیزی است که امروز در افکار و اذهان افراد به نام «بشقاب پرنده» معروف است ظاهر می‌شود.
۳. «بشقاب پرنده» با شکل‌های مختلفی گزارش شده است. ولی مشهورترین آنها شکل مخروطی یا «قَبَه» مانند آنها است.
۴. از مشخصات دیگر این «بشقاب پرنده‌ها» نورافکنی و نورانی بودن آنها است.
۵. امام علیه السلام برای استتار به صورت مخفی در این سفینه‌ها حرکت می‌کند.<sup>۲</sup>

---

۱. نواب‌الدهور، ج ۲، ص ۳۶۲ - قال جابر: «قال الباقر علیه السلام فی قوله تعالی: ﴿أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللّٰهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ﴾ قال: ينزل فی سبع قباب من نور لا يعلم فی ایها هو حین ينزل فی ظهر الكوفه...».

۲. برای بررسی بیشتر در مورد این سفینه‌ها و علت آمدن آنها به زمین و گسترش مشاهدات آنها در دهه‌های اخیر در سطح جهان به کتاب «فرازمینی‌ها در آیات و روایات» اثر اینجانب مراجعه فرمایید.

### اصلاحات در کوفه

در روایات، زمان این اصلاحات کاملاً مشخص نشده است، مقداری مربوط به آغاز ورود و تصرف این شهر و مقداری مربوط به پس از بازگشت به کوفه و مقداری نیز پس از بازگشت از غرب و دفع دجال می‌باشد و تفکیک آنها از یکدیگر بسیار مشکل است. اکنون به اصلاحات ایشان پیش از حرکت به سوی غرب می‌پردازیم.

ابوبصیر در حدیثی می‌گوید: حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«هرگاه قائم علیه السلام قیام نمود وارد کوفه می‌شود و فرمان می‌دهد در آنجا چهار مسجد را خراب کنند، هیچ مسجدی روی زمین که دارای بالکن باشد نمی‌گذارد مگر آن که خراب می‌نماید و آن را آوار می‌کند (از نو بنا می‌سازد) و شاهراه‌ها را وسیع می‌گرداند و هر بالکنی که به راه تجاوز کرده باشد تخریب می‌نماید و آبراه‌ها و ناودان‌هایی که بر سر راه (مردم) است را ممنوع می‌سازد و هیچ بدعتی نیست مگر آن که آن را نابود و هر سنتی را ایجاد می‌سازد و قسطنطنیه و چین و کوه‌های دیلم (ایران) را فتح می‌کند...»<sup>۱</sup>

### نکات مهم حدیث:

۱. امام علیه السلام مساجدی که دارای بنایی خارج از ضوابط استفاده عبادتی و

---

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹ - روی ابوبصیر عن ابی جعفر علیه السلام فی حدیث طویل انه قال: «اذا قام القائم، سار الی الکوفة فهوم بها اربعة مساجد و لم یبق مسجد علی الارض له شرف الا هدمها و جعلها جماء و وسع الطريق الاعظم و کسر کل جناح خارج عن الطريق و ابطل الکنف و المیازیب الی الطريق و لا یتربک بدعة الا ازالها و لا سنة الا اقامها، و یفتح قسطنطنیه و الصین و جبال الدیلم...»

بخش دوم / فصل دوم: خروج از کوفه و پیگرد سفیانی ..... ۱۶۱

نماز گزاردن یا قضاوت کردن باشد را نابود می‌سازد، از جمله بالکن‌ها، قصرها و نشیمن‌گاه‌های موجود در مساجد، مناره‌ها و گنبد‌های بدون استفاده در جهت اهداف اولیه مساجد در صدر اسلام.

۲. شاهراه‌ها را توسعه داده و بزرگراه‌های متعدد درست می‌کند.

۳. فاضلاب‌های خروجی خانه‌ها به محل عابرین را تعطیل می‌کند.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«هرگاه قائم علیه السلام قیام کرد در حومه کوفه مسجدی بنا می‌کند که هزار

درب دارد و خانه‌های کوفه به شهر کربلا متصل می‌گردد».<sup>۱</sup>

این مسجد به جهت کثرت جمعیت شیعیان در این شهر است.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«هرگاه قائم آل محمد صلی الله علیه و آله قیام کرد برای کسانی که به مردم قرآن را

آن‌گونه که خداوند متعال نازل نموده، آموزش می‌دهند خیمه‌هایی

نصب می‌شود. کسانی که امروز حافظ قرآن هستند بسیار مشکل

خواهند داشت. زیرا با ترتیبی که امروز می‌شناسند تفاوت دارد».<sup>۲</sup>

**نکات مهم حدیث:**

۱. حضرت مهدی علیه السلام با قرآن جدید می‌آید.

---

۱. همان، ص ۳۳۷ - عن المفضل قال سمعت ابا عبد الله علیه السلام يقول: «إذا قام القائم آل محمد صلی الله علیه و آله بنی فی ظهر الکوفه مسجداً له الف باب واتصلت بیوت الکوفه بنهر کربلا».

۲. همان، ص ۳۳۹ - عن ابی جعفر علیه السلام انه قال: «إذا قام القائم آل محمد صلی الله علیه و آله ضرب فسا طیط لمن یعلم الناس القرآن علی ما أنزل الله جل جلاله، فأصعب ما یكون علی من حفظه الیوم لأنه ینخالف فیہ التالیف».

۲. اگر معتقد به آوردن قرآن جدید شدیم منافاتی با حقانیت قرآن امروزی ندارد. زیرا این قرآن دست نخورده است به این معنا که هیچ انسانی هیچ آیه‌ای را در قرآن وارد نکرده است ولی این حرف به معنای جابه جاشدن برخی آیات یا حتی حذف برخی آیات (همان‌گونه که در برخی روایات آمده) نیست.

۳. ما اکنون مأمور به قرآن فعلی هستیم ولی با آمدن حضرت مهدی علیه السلام باید تابع ایشان باشیم زیرا حقانیت اسلام و قرآن منوط به تأیید و تعلیم امام است و نباید تصور کرد که امام علیه السلام تابع این اسلام و قرآنی است که در اختیار ماست، بلکه امام علیه السلام تابع اسلام و قرآنی است که در اختیار حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌باشد. در واقع اسلام و قرآن است که تابع امام علیه السلام می‌باشد و این اعتقاد نیز از امتحانات پس از ظهور می‌باشد.

۴. ممکن است قرآن جدیدی که امام علیه السلام می‌آورند، قرآن حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام باشد که با تفسیر و تأویل ایشان نوشته شده است.

### استفاده از خانه‌های موجود

ما هر چند امام عصر علیه السلام را به عنوان نابود کننده آثار کفر و شرک می‌دانیم ولی همان‌گونه که اشاره کردیم اماکن مذهبی که قصد قربت در ساختشان شرط است و فقط برای عبادت ساخته می‌شوند را تخریب می‌کند و ساختمان‌هایی که صرفاً برای فساد ساخته شده‌اند مانند: سینماها و قمارخانه‌ها و... را نیز تخریب می‌کند. اما اماکن اداری و کاربردی مناسب که هدف از ساخت آنها استفاده‌های معقول و منطقی اداری است را حفظ می‌کنند.

سعد بن عمر می‌گوید:

«مردی در محضر حضرت صادق علیه السلام گفت: خانه صالح و خانه عیسی بن علی باقی مانده و همچنین خانه عباسیان را یاد کرد. مرد دیگری



گفت: خداوند خرابی آنها را به ما نشان دهد یا آنها را به دست ما خراب نماید. حضرت صادق علیه السلام به وی فرمود: این چنین نگو، بلکه آنها خانه‌های قائم علیه السلام و اصحابش خواهد بود. آیا نشنیدی که خداوند می‌فرماید: (و ساکن شدید در مساکن کسانی که بر خودشان ظلم کردند)»<sup>۱</sup>.

### نکات مهم حدیث:

۱. خانه‌ها و امکاناتی که از دولت‌های ظالم باقی می‌ماند چند دسته هستند.

الف) اماکن عبادتی شامل حسینیه‌ها، مساجد و دیگر تکیه‌ها و امامزاده‌ها و مقابر برخی افراد که منسوب به دین یا مذهب هستند. این اماکن به طور کلی تخریب می‌شوند زیرا برخی با مال حرام و شبهه‌ناک ساخته شده‌اند در حالی که آن را باید افراد متقی و با مال حلال بسازند و برخی هرچند عبادی هستند ولی با اهداف آلوده و دنیاطلبانه<sup>۲</sup> ساخته شده‌اند و برخی با زرق و برق<sup>۳</sup> که برخلاف سادگی و اخلاص و توجه بی‌ریا به خداوند است، ساخته شده‌اند و برخی همراه با مزاحمت<sup>۴</sup> و آزار به دیگران ساخته شده است. برخی از این

---

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۷ - قال رجل (فی محضر اباعبدالله علیه السلام): قد ثبت دار صالح و دار عیسی بن علی و ذکر دوار العباسیین فقال رجل: اراتها الله خراباً او خربها بأیدینا فقال له ابو عبدالله علیه السلام: لا تقل هكذا بل یكون مساکن القائم و اصحابه اما سمعت الله یقول: ﴿وَسَكَنْتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ﴾ ابراهیم (۱۴): آیه ۴۵.

۲. برای جاهل طلبی و یا شهرت طلبی.

۳. تجملات داخلی و یا بیرونی مساجد و حسینیه‌ها و امامزاده‌ها...

۴. بلند ساختن گنبد یا مناره‌ها و یا اشراف داشتن بر ساختمان‌های مجاور و یا کنگره و بالکن داشتن.

اماکن نیز برای افراد ناشایست به عنوان مقبره<sup>۱</sup> و بارگاه ساخته شده است همگی این ساختمانها هرچند امروز آنها را اماکن مقدس می‌شمیریم ولی در دوران امام عصر علیه السلام جزء اولین اهداف تخریبی و اصلاحی امام علیه السلام قرار دارند. (ب) اماکن لهو و لعب، که هدف از ساخت آنها ترویج فساد و تباهی بوده است، مانند کازینوها، استودیوهای سینمایی، سالنهای سینما و تئاتر و... طبیعی است این اماکن نیز نابود شوند تا جایی که اثری از آنها باقی نماند.

(ج) آثار باستانی و اماکن تاریخی که برای کسب درآمد و توریست مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. این اماکن اگر برای عبرت گرفتن و پندگرفتن از آنها استفاده شود یعنی با دیدن آنها بدانیم که نیاکان ما چقدر گمراه و جاه‌طلب و فاسد بودند و از عمل گذشتگان شرم‌منده شویم، پیداست از آنها درست استفاده کرده‌ایم. اما اگر به آنها مباحثات نماییم و مایه افتخار ما باشد که چنین و چنان تمدن مملو از کفر و شرک داشتیم پیداست نه تنها این آثار مایه عبرت نشده بلکه باعث ادامه گمراهی و گم‌گشتگی انسان‌ها می‌شود و باید نابود گردد. به طور کلی این آثار نیز چون در زمره آثار شقاق و کفر در گذشته است محکوم به نابودی می‌باشند.

(د) اماکن شخصی و اداری که هدف از ساختن آنها کاربری منطقی و معقول بوده است. این بناها پس از ظهور محفوظ مانده و از آنها استفاده لازم می‌شود مگر قصرها و اماکنی که کاربری معقول شخصی و اداری از آنها نشود. مانند

۱. مقبره افراد منحرف و صوفی که به ظاهر دین‌دار بودند ولی با اهداف و روش اهل بیت علیهم السلام فاصله داشته‌اند مثل مقبره ابوسعید ابی‌الخیر، جلال‌الدین رومی (مولوی) و دیگر سران صوفیه، عرفان و فلسفه و...

بخش دوم / فصل دوم: خروج از کوفه و پیگرد سفیانی ..... ۱۶۵

قصرها و ساختمان‌های بسیار پر زرق و برق که شایسته نیست کسی مانند حضرت ولی عصر علیه السلام یا اصحابشان برای مصارف شخصی یا اداری از آنها استفاده کنند، که بدون شک این‌گونه بناها را نیز خراب خواهند کرد.

۲. نباید گمان کنید که حضرت ولی عصر علیه السلام و اصحاب ایشان در خانه‌های پر زرق و برق ساکن می‌شوند در حالی که مردم فقیر و ناتوان در بیغوله‌ها ساکن باشند.

### تقسیم سه سپاه

پس از حضور در کوفه برای مقابله با قدرت‌های جهانی سه سپاه را تدارک می‌بینند.

ارطاة گوید:

«اولین پرچمی که مهدی علیه السلام مهیای کارزار می‌کند به سوی ترک است و آنها را شکست می‌دهد و اسرا و اموالی که نزد آنان است را پس گرفته سپس به سوی شام می‌رود و آنجا را فتح می‌کند»<sup>۱</sup>.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«...مهدی علیه السلام سپاهی را راهی قسطنطنیه می‌کند. هنگامی که به خلیج می‌رسند بر پاهایشان چیزی می‌نویسند و بر آب راه می‌روند (وقتی رومیان می‌بینند که آنها بر آب راه می‌روند) می‌گویند: این‌ها اصحاب وی (مهدی علیه السلام) هستند که این‌گونه بر آب راه می‌روند پس خودش چگونه است؟ در این هنگام دروازه شهر برای آنها گشوده

۱. عقد الدرر، ص ۲۸۰؛ الفتن ابن حماد، ص ۱۲۸ - عن ارطاة قال: «اول لواء يعقده المهدي الى الترك فيهمهم و يأخذ ما معهم من السبي و الاموال ثم يسير الى الشام فيفتحها».

شده و آن گونه که می‌خواهند در آنجا حکم می‌رانند»<sup>۱</sup>.

### نکات مهم حدیث:

۱. راه رفتن اصحاب بر روی آب از حوادث خارق‌العاده است که در عصر ظهور در موارد بسیاری مشاهده خواهد شد.

۲. کارهای خارق‌العاده‌ای که از امام علیه السلام و اصحابشان ظاهر می‌شود ترس و وحشت دشمنان را بیشتر خواهد کرد.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«سپس قائم علیه السلام سه پرچم (سپاه) آماده می‌کند: سپاهی به سوی

قسطنطنیه که خداوند آنجا را فتح می‌کند و سپاهی به چین و سپاهی

به سوی کوه‌های دیلم (ایران) و آنجا را نیز فتح می‌کند»<sup>۲</sup>.

بزرگ‌ترین مبارزات و جنگ‌های حضرت در حمله به ترکیه به عنوان دروازه تمدن غربی است. از هم اکنون می‌توان پیش‌بینی کرد که ترکیه کاملاً به دامن غرب افتاده و استانبول یعنی قسطنطنیه به عنوان پایگاه تمدن غرب و دروازه ورود به آنجا می‌باشد.

با حرکت حضرت مهدی علیه السلام به سوی ترکیه به دلیل حمایت بقایای ناتو از

۱. غیبت نعمانی، ص ۳۱۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵ - قال الصادق علیه السلام: «... و یبعث جنداً الى القسطنطنیة فاذا بلغوا الى الخلیج كتبوا على اقدامهم شیئاً و مشوا على الماء [فاذا نظر اليهم الروم یمشون على الماء] قالوا: هولاء اصحاب یمشون على الماء فكيف هو؟ فعند ذلك یفتحون لهم باب المدینة فیدخلونها فیحكمون فیها بما یریدون».

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۸ - قال الباقر علیه السلام: «... ثم یعقد بها القائم ثلاث رایات: لواء الى القسطنطنیة یفتح الله له و لواء الى الصين فیفتح له و لواء الى جبال دیلم فیفتح له».

بخش دوم / فصل دوم: خروج از کوفه و پیگرد سفیانی ..... ۱۶۷

ترکیه، می‌توان آنجا را یکی از پایگاه‌های مسیحیت دانست و حتی به ظاهر نیز اثری از اسلام در آن کشور و شعارهایش نمی‌بینیم. به طور کلی امام علیه السلام با چندین ملت و کشور می‌جنگد.

یعقوب بن سراج گوید:

«شنیدم حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید: سیزده شهر و گروه هستند که ساکنانشان با قائم علیه السلام و ایشان نیز با آنان می‌جنگند: مردم مکه، مردم مدینه، مردم شام، بنی‌امیه، مردم بصره، مردم دمیسان، کردها، اعراب، ضیبه، غنی، باهله، ازد (سه مورد اخیر نام قبیله‌هایی از اعراب است) و مردم ری».<sup>۱</sup>

---

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۹۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۳ - عن یعقوب بن السراج قال: «سمعت ابا عبد الله علیه السلام يقول: ثلاثة عشر مدينة و طائفة بحارب القائم اهلها و بحاربونه: اهل مكة و اهل مدينة و اهل الشام و بنو امية و اهل البصرة و اهل دمیسان و الاكراد و الاعراب و ضیبه و غنی و باهله و ازد و اهل الری».

## فصل سوم:

### صلح با اروپا

با حرکت به سوی ترکیه و شام، نیروهای اروپایی به نمایندگی از غرب به تکاپو می‌افتند تا مانع پیشروی امام علیه السلام و اصحابشان شوند. اما وقتی معجزات و امدادهای آسمانی و نیز اسلحه‌هایی که از آسمان برای امام علیه السلام و اصحابشان آورده‌اند را می‌بینند، ناچار می‌شوند با آن حضرت صلح نمایند تا در فرصت مناسبی علیه ایشان مبارزه کنند.

ابوبصیر از حضرت باقر علیه السلام نقل می‌کند:

«عده بسیاری از بنی‌امیه (از جنگ امام علیه السلام) فرار می‌کنند تا به سرزمین روم (اروپا) پناهنده می‌گردند. از فرمانده رومیان (اروپا) می‌خواهند که آنها را در حکومتشان بپذیرند. فرمانده روم (اروپا) به آنها می‌گوید: شما را به داخل حکومت خویش راه نمی‌دهیم مگر وارد دین ما شده و با ما ازدواج کنید و ما با شما ازدواج نماییم و گوشت خوک بخورید و شراب بیاشامید و صلیب بر گردن بیاویزید و کمر بند مخصوص بر کمر ببندید. آنها نیز می‌پذیرند و داخل روم (اروپا) می‌شوند.

قائم علیه السلام نماینده‌ای سوی آنان (اروپا) می‌فرستد که: این افرادی را که پناه داده‌اید برگردانید، آنان (اروپائیان) می‌گویند: اینها

گروهی هستند که به دین ما علاقه دارند و از دین شما دست کشیده‌اند. امام علیه السلام می‌فرماید: اگر آنها را اخراج نکنید به شما اعلام جنگ می‌کنیم.

آنها (اروپائیان) به حضرت علیه السلام می‌گویند: این کتاب خدا میان ما و شماست.

حضرت علیه السلام نیز می‌فرماید: من نیز می‌پذیرم. در نتیجه آنها (اروپائیان) نزد امام علیه السلام می‌آیند و حضرت ولی عصر علیه السلام (کتاب آسمانی خودشان) را برای آنها قرائت می‌کند. از جمله شرط‌هایی که با آنان مطرح می‌کند این است که هرکس از اسلام مرتد شد و به آنها پناه برد به امام بازگردانند ولی اگر کسی از آنان خارج شد و به اسلام رو کرد به آنها باز نگردانند. وقتی امام علیه السلام این پیمان را بر آنها قرائت کرد دیدند که باید به آن شرط الزامی عمل کنند به ناچار پناهنده‌ها را به امام علیه السلام تحویل می‌دهند...»<sup>۱</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۸ - ابویصیر عن ابی جعفر علیه السلام قال: «و ینهزم قوم کثیر من بنی امیه حتی یلحقوا بارض الروم فیطلبوا الی ملکها ان یدخلوا الیه فیقول لهم الملك: لا ندخلکم حتی تدخلوا فی دیننا و تنکحونا و ننکحکم و تأکلوا اللحم الخنزیر و تشربوا الخمر و تعلقوا الصلیبان فی اعناقکم و الزنائیر فی اوساطکم فیقبلون ذلك فیدخلونهم.

فیبعث الیهم القائم علیه السلام أن: اخرجوا هؤلاء الذین ادخلتموهم فیقولون: قوم رغبوا فی دیننا و زهدوا فی دینکم فیقول علیه السلام: انکم ان لم تخرجوهم وضعنا السیف فیکم، فیقولون له: هذا الكتاب الله بیننا و بینکم. فیقول: قد رضیت به فیخرجون الیه فیقرأ علیهم و اذا فی شرطه الذی شرط علیهم ان یدفعوا الیه من دخل الیه مرتدّاً عن الاسلام و لا یؤد الیه من خرج من عندهم راغباً الی الاسلام فاذا قرأ علیهم الكتاب و رأوا هذا الشرط لازم لهم اخرجوهم الیه فیقتل الرجال...».

### نکات مهم حدیث:

۱. با حرکت به سوی ترکیه و دیدن حوادث خارق‌العاده از اصحاب و شخص امام علیه السلام، پیش از آن که اصحاب آن حضرت با دشمنان اهل بیت ملاقات کنند آنها به اروپا پناهنده می‌شوند.
۲. مانند امروز که اگر کسی به اروپا پناهنده سیاسی یا اجتماعی شود متعهد به رعایت قوانین آنجا می‌گردد. در آن زمان نیز باید به فرهنگ و دین آنان پایبند شوند، پناهندگان نیز می‌پذیرند.
۳. آویزان کردن صلیب همان‌گونه که در جلد اول این کتاب اشاره شد، بستن کراوات می‌باشد که متأسفانه حتی مسلمانان نیز در بستن کراوات به عنوان مظهر آویختن صلیب به گردن، مسابقه می‌دهند.
۴. اروپائیان که در جنگ سوم ضعیف شده و نیز عظمت و قدرت امام علیه السلام و امدادهای آسمانی به ایشان را می‌بینند از ترس ناچار می‌شوند از امام تقاضای صلح و متارکه جنگ نمایند.
۵. آنان با تحقیر و از موضع ضعف، ناچار می‌شوند تا با امام علیه السلام صلح کنند و به شروطی که حضرت بر آنان مقرر می‌نماید متعهد می‌شوند.
۶. از جمله شروط این است که اگر هر مسلمانی به اروپا پناهنده شد به سپاه امام علیه السلام تحویل داده شود ولی اگر کسی از اروپا به سپاه امام پناهنده شد، به آنان باز نگردد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«خبر کشته شدن سفیانی به (قبیله) بنی کلاب می‌رسد مبنی بر این که مردی از فرزندان علی بن ابی طالب علیه السلام او را کشته است. (قبیله)



بنوکلاب به مردی از فرزندان پادشاه روم پناهنده می‌شوند و با وی بیعت می‌کنند تا با مهدی علیه السلام نبرد کنند و انتقام خون سفیانی را بگیرند و به این ترتیب، قبیله بنوثقیف نیز به وی می‌پیوندند، پادشاه روم با هزار سرهنگ و تحت نظر هر سرهنگ، هزار جنگجو حرکت می‌کنند. در شهری از شهرهای (تحت حاکمیت) قائم علیه السلام به نام طرسوس فرود می‌آیند، در نتیجه اموال و چهارپایان و حریم آنان را به یغما می‌برند و مردان آنها را کشته و سنگ به سنگ خانه‌های آنان را بر می‌کنند. من زنان آنان را می‌بینم که پشت مردان کافر بر پشت اسب‌ها به ردیف نشسته‌اند و اسب‌های آنان در نور خورشید و ماه می‌درخشد. این خبر به مهدی علیه السلام می‌رسد و با سپاهش در پایین «رقه» با فاصله ده فرسخ با سپاه پادشاه روم برخورد می‌کنند و تا صبح با هم می‌جنگند تا جایی که آب رودخانه به وسیله خون و گندیدگی مردارها تغییر می‌یابد. در نتیجه پادشاه روم به انطاکیه فرار می‌کند و مهدی علیه السلام نیز تا قبه عباس در نزدیکی قطوار، وی را دنبال می‌کنند. پادشاه روم سفیری نزد مهدی علیه السلام می‌فرستد و تقاضای پرداخت خراج می‌کند و ایشان نیز می‌پذیرند به این (شرط) که از روم بیرون نرود و اسیری نزد وی باقی نماند مگر او را به خانواده‌اش برگرداند و او نیز می‌پذیرد و در زیر فرمان امام علیه السلام قرار می‌گیرد...»<sup>۱</sup>

۱. نواب الدهور، ج ۲، ص ۱۳۴ - قال امیر المؤمنین علیه السلام: «فیتصل خبره الی بنی کلاب ان حرب بن عنبه قتل قتله رجل من ولد علی بن ابی طالب فیرجعون بنوکلاب الی رجل من اولاد ملک الروم فیبایعونه علی قتال المهدی و الاخذ بثار حرب بن عنبه فتضم الیه بنوثقیف فیخرج ملک الروم فی الف سلطان و تحت کل سلطان الف مقاتل فینزل

نکته جالب در این حدیث اشاره به درخشش وسایل نقلیه اروپائیان در زیر نور ماه و خورشید است که تداعی کننده وسایل نقلیه امروزی است.

البته صلح میان رومیان و امام علیه السلام بدون درگیری نیست بلکه در ابتدا سعی می کنند در مقابل امام علیه السلام بایستند ولی با سرکوب شدن و مشاهده قدرت واقعی حضرت علیه السلام به صلح قناعت می کنند.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

«سپس مهدی علیه السلام دستور می دهد تا کشتی ها ساخته شوند. آن گاه چهارصد کشتی در ساحل عکا ساخته شده و رومیان با یکصد صلیب قیام می کنند و در زیر هر صلیبی ده هزار نفر حرکت می کنند تا در طرسوس مستقر شده و آنجا را با نیزه ها می گشایند. مهدی علیه السلام با آنان برخورد کرده و مقداری از رومی ها را به قتل می رساند که آب رودخانه فرات به وسیله خون و تعفن مردار تغییر می یابد. کسانی که در سپاه روم هستند فرار کرده و به انطاکیه می روند.

و مهدی علیه السلام در قبة العباس در محل کفرطورا فرود می آید. فرمانده روم از مهدی علیه السلام تقاضای صلح می کند و مهدی علیه السلام نیز از وی جزیه

---

→ علی بلد من بلدان القائم سمی طرسوس فینهب اموالهم و انعامهم و حریمهم و یقتلون رجالهم و ینقض حجارها حجرا علی حجر و کائی بالنساء و هن مردفات علی ظهور الخیل خلف العلوج خیلهن تلوح فی الشمس و القمر فینتهی الخبر الی القائم فیسیر الی ملک الروم فی جیوشه فیواقعه فی اسفل الرقة بعشر فراسخ فتصبح بها الواقعة حتی یتغیر ماء الشط بالدم و یتن جانبها بالجیف الشدید فینهزم ملک الروم الی الانطاکیه فیتبعه المهدی الی فئة العباس تحت القطور فیبعث ملک الروم الی المهدی علیه السلام و یؤدی له الخراج فیجیبه الی ذلك حتی ان لایروح من بلد الروم و لایبقى اسیر عنده الا اخرجہ الی امله فیفعل ذلك و یرقی تحت الطاعة».

می‌خواهد و او می‌پذیرد اما دیگر کسی از سرزمین روم (اروپا) حق نفوذ به خارج (سرزمین مسلمین) نداشته و هیچ اسیری نیز در روم (اروپا) نباید باقی بماند»<sup>۱</sup>.

### نکات مهم حدیث:

۱. اروپائیان از طریق خشکی و پایگاه‌هایی که در ترکیه دارند و از شمال لبنان وارد کارزار با حضرت مهدی علیه السلام می‌شوند.
۲. صلح با غربی‌ها پس از درگیری شدیدی واقع خواهد شد.

### استخراج آثار

امام مهدی علیه السلام با امکانات و وسایل مختلف پیامبران الهی علیهم السلام می‌آید ولی در مورد این آثار و زمان و مکان بهره‌برداری از آنها روایات مختلفی رسیده است. این وسایل دو دسته هستند:

الف) وسایل و امکانات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که هنگام ظهور همراه امام علیه السلام است.

۱. عقد الدرر، ص ۲۴۷ - عن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فی قصة المهدي و فتوحاته و رجوعه الى دمشق، قال: «ثم يامر المهدي عليه السلام بانشاء مراكب فينشئ اربعمائة سفينة في ساحل عكا و تخرج الروم في مائة صليب تحت كل صليب عشرة الاف فيقيمون على طرسوس و يفتحونها بأسنة الرماح و يوافقهم المهدي عليه السلام فيقتل من الروم حتى يتغير ماء الفرات بالدم و تنتن حافته بالجيف و ينهزم من في الروم فيلحقون بانطاكية و ينزل المهدي على قبة العباس حذو كفرطورا، فيبعث ملك الروم يطلب الهدنة من المهدي عليه السلام و يطلب المهدي عليه السلام منه الجزية فيجيبه الى ذلك، غير انه لا يخرج من بلد الروم احد و لا يبقى في بلد الروم اسير الاخرج».

ب) وسایل دیگر پیامبران که هر بخشی از آن در نقطه‌ای قرار دارد و حضرت مهدی علیه السلام در طول حرکت خویش به هر نقطه که رسیدند آثاری که در آن نقطه مخفی شده است را خارج می‌سازند.

سلیمان بن عیسی گوید:

«به من رسیده که مهدی علیه السلام تابوت سکینه را از دریاچه طبریه بیرون می‌آورد تا آن را حمل کنند. در نتیجه آن تابوت را در بیت المقدس پیشاپیش خویش می‌گذارد. وقتی یهودیان آن را می‌بینند همگی جز اندکی ایمان می‌آورند».<sup>۱</sup>

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پس از تبرّد اولیه با اروپائی‌ها و اسارت گرفتن آنان می‌فرماید:

«سپس مهدی علیه السلام به سوی بیت المقدس می‌رود، تابوت سکینه و انگشتر حضرت سلیمان و الواح تورات را بیرون می‌آورد».<sup>۲</sup>

### حملة نهایی به اروپا

پیمان صلح با غرب چندان نمی‌پاید آنان نقض پیمان کرده و در نتیجه با خشم و غضب الهی روبرو خواهند شد.

---

۱. عقد الدرر، ص ۱۹۸ - عن سلیمان بن عیسی قال: «بلغنی انه علی یدی المهدی یظهر تابوت السکینه من بحیره طبریه حتی یحمل فیوضع بین یدیہ ببیت المقدس فاذا نظرت الیه الیهود اسلمت الا قلیلاً منهم».

۲. نواب الدهور، ج ۲، ص ۱۳۸ - قال امیرالمؤمنین علیه السلام: «ثم ان المهدی سار الی البیت المقدس و استخرج تابوت السکینه و خاتم سلیمان بن داود و الالواح التي نزلت علی موسی».

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

«به زودی با روم صلحی ایمن خواهید داشت و سپس ناگهانی با آنان می‌جنگید، در نتیجه پیروز شده و از آنان غنیمت گرفته و سالم می‌مانید. سپس باز می‌گردید تا در محل «مرج ذی تلول» فرود می‌آید. آن‌گاه مردی از میان اهل صلیب، صلیب را برافراشته و اعلام می‌کند که صلیب پیروز است. مردی از مسلمانان خشمگین شده و به سوی وی رفته و او را دفع می‌کند. در این هنگام رومیان جمع شده و مشغول جنگ می‌شوند و با هشتاد پرچم حمله می‌کنند، در حالی که در زیر هر پرچم دوازده هزار نفر سرباز قرار دارد. مسلمانان نیز دست به اسلحه برده و با آنان می‌جنگند و خداوند این گروه را به فیض شهادت گرامی می‌دارد»<sup>۱</sup>.

#### نکات مهم حدیث:

۱. در ابتدا با اروپائیان صلح می‌کنند؛ با توجه به احادیث دیگر این صلح پس از ظهور و میان سپاهیان حضرت ولی عصر ﷺ و اروپائیان خواهد بود.
۲. نبرد مجدد با اروپائیان ناگهانی و براساس انحراف ضمیر باطنی آنان خواهد بود. زیرا از آنجا که می‌دانیم حضرت مهدی ﷺ پیش از آن‌که دشمنانش

---

۱. نواب الدهور، ج ۱، ص ۲۲۳ - قال رسول الله ﷺ: «استصالحكم الروم صلحاً آمناً ثم تغزون ائتم و هم عدواً فتنصرون و تغنمون و تسلمون ثم تنصرفون حتى تنزلوا بمرج ذی تلول فيرفع الرجل بين اهل الصليب الصليب فيقول غلب الصليب فيغضب رجل من المسلمين فيقوم اليه فيدفعه فعند ذلك يغزوا الروم و يجتمعون الملحمة فيأتون تحت ثمانين راية تحت كل راية اثني عشر الفاً و ثور المسلمين الى اسلحتهم فيقتلون فيكرم الله تعالى تلك العصابة بالشهادة».

افکار پلید خود را آشکار کنند، به باطن آنان علم دارد، در نتیجه از نقض پیمان آنان مطلع شده و بر آنان هجوم می‌آورد.  
حذیفه گوید:

«پیامبر اکرم ﷺ فرمود: خداوند عزوجل (توسط مهدی ﷺ) قسطنطنیه (استانبول) و روم (اروپا) را نابود خواهد کرد و شما وارد آنجا شده و با چهارصد هزار نفر می‌جنگید و گنج‌های بسیاری از طلا و جواهر برمی‌دارید و در دارالبلاط (دارالملک) می‌مانید. سپس مدت یک سال در آنجا مانده و مساجد بنا می‌کنید. آن‌گاه از آنجا حرکت می‌کنید تا وارد شهری به نام «مردقاریه» می‌شوید. در زمانی که شما گنج‌ها را تقسیم می‌کنید ناگهان صدایی می‌شنوید که می‌گوید: توجه کنید! دجال در پشت سر شما در میان خانواده‌هایتان در شام (کمین) کرده است. شما (به سرعت) باز می‌گردید اما می‌فهمید که خبر دروغ بوده است. در این هنگام شروع به ساختن کشتی می‌کنید، چوبش از کوه‌های لبنان و طناب‌هایش از نخلستان‌های بیان خواهد بود. در شهری به نام عکا با هزار کشتی که در ساحل اردن (اسرائیل) قرار دارد سوار بر کشتی‌ها می‌شوید. شما در آن روز چهار سپاه هستید، سپاهی از مشرق و سپاهی از مغرب و سپاهی از شام و سپاهی از حجاز مانند فرزندان یک پدر هستید و خداوند کینه و دشمنی را از قلب‌های شما دور ساخته است. از عکا به سوی روم (ایتالیا) حرکت می‌کنید. وقتی در (ساحل) آنجا اردو می‌زنید، راهبی از روم (ایتالیا) که عالمی از علماء آنجا است و نگهبان کتاب‌هایشان است به سوی شما می‌آید تا داخل لشکرگاه شما

می‌شود و می‌گوید: فرمانده شما کجاست؟

گفته می‌شود: اوست.

نزد او می‌نشینند و درباره صفات خداوند متعال و صفات ملائکه و بهشت و جهنم و خصوصیات آدم علیه السلام و انبیاء علیهم السلام پرسش می‌کند تا می‌رسد به حضرت موسی علیه السلام آن‌گاه می‌گوید: شهادت می‌دهم، دین شما همان دین خدا و دین پیامبرانش است و خداوند به دینی غیر از آن راضی نیست.

و نیز می‌پرسد: آیا اهل بهشت می‌خورند و می‌آشامند؟  
می‌فرماید: بله.<sup>۱</sup>

آن‌گاه در همان لحظه راهب به سجده می‌افتد. سپس می‌گوید: دین من غیر از این نیست و این همان دین موسی علیه السلام است و خداوند عزوجل آن را بر موسی علیه السلام نازل نموده است و صفت پیامبر شما نزد ما در انجیل «بارقلیط» و «صاحب شتر قرمز» است و شما اصحاب این شهر (رم) هستید، اجازه دهید من نزد آنها روم و آنان را (به دین اسلام) دعوت کنم زیرا عذاب (الهی) بر آنها سایه افکنده است.

پس وی داخل شهر (رم) می‌شود وقتی به وسط شهر رسید فریاد می‌زند: ای مردم رم! فرزند اسماعیل علیه السلام پسر ابراهیم علیه السلام نزد شما آمده است. همان امتی که آنان را در تورات و انجیل می‌یابید،

---

۱. این مطلب یعنی واقعی بودن بهشت و خوردن و آشامیدن مادی از خصوصیات بهشت است که برخلاف نظر فلاسفه می‌باشد. آنان (فلاسفه) برخلاف صریح قرآن و حدیث، معتقدند بهشت و جهنم معنوی بوده و لذت‌های بهشت نیز لذت‌های عقلانی و معنوی است.

پیامبرشان صاحب شتر قرمز است، آنان را اجابت کرده و اطاعت کنید.

مردم (شهر رم) به وی حمله کرده و او را به قتل می‌رسانند، خداوند نیز آتش از آسمان بر آنان می‌فرستد که مانند ستونی است تا این که (آن ستون آتش) به وسط شهر می‌رسد.

امام مسلمانان علیه السلام برخاسته و می‌فرماید: ای مردم! راهب کشته شد. حذیفه گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: این راهب مانند یک امت واحد برانگیخته خواهد شد. سپس چهار تکبیر بر آن (شهر) می‌زنند، دیوارش خراب می‌شود. از این جهت آن را رم می‌گویند زیرا مردمش بسیار هستند، مانند دانه انار (رقمان) و در آنجا ششصد هزار نفر کشته خواهند شد.<sup>۱</sup>

---

۱. عقد الدرر، ص ۲۳۸ - ۲۴۱؛ قال حذیفه: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله: ان الله عزوجل يهلك قسطنطينيه و روميّه و تدخلونها، فتقتلون بها اربع مائة الف و تستخرجون منها كنوزاً كثيراً ذهباً و كنوز جوهر تقيمون في دارالبلاط، قال: «دارالملك». ثم تقيمون بها سنة تبنون المساجد ثم ترحلون منها حتى تأتوا مدينة يقال لها مرد قاريه، فبينما انتم فيها تقسمون كنوزها اذ سمعتم منادياً ينادي: ألا ان الدجال قد خلفكم في اهليكم بالشام. فترجعون فاذا الامر باطل، فعند ذلك تأخذون في اقتناء سفن، خشبها من جبل لبنان و حبالتها من نخل بيان فتركبون من مدينة يقال لها عكّا في الف مركب من ساحل الاردن بالشام و انتم يومئذ اربعة اجناد، اهل المشرق و اهل المغرب و اهل الشام و اهل الحجاز كأنكم ولد رجل واحد. قد اذهب الله عزوجل الشحاء و الثباغض من قلوبكم فتسيرون من عكّا الى رومية فينما انتم تحتها معسكرين اذ خرج اليكم راهب من رومية عالم من علمائهم، صاحب كتب، حتى يدخل عسكركم فيقول: اين امامكم؟ فيقال: هذا. فيقعد اليه، فيسأله عن صفة الجبار تبارك و تعالی، و صفة الملائكة و صفة الجنة و النار و صفة آدم و صفة الانبياء عليهم السلام، حتى يبلغ الي



### تکات مهم حدیث:

۱. مدت اقامت در استانبول یکسال است.
۲. در طول این مدت مسجد و اماکن مذهبی که از شعائر اسلامی است بنا می‌کنند.
۳. پس از ترکیه و شام، از محل عکا در فلسطین (اسرائیل) با کشتی به روم (ایتالیا) حمله می‌کنند. از این جهت به ایتالیا اشاره کردم زیرا از راه دریا نزدیک‌ترین و نیز مذهبی‌ترین کشور نسبت به سواحل شرقی دریای مدیترانه می‌باشد. بخصوص که اشاره صریح به رم شهر مذهبی و مرکز مسیحیت نیز شده است.
۴. احتمالاً این حمله پس از صلح با غرب است. یعنی پس از این حمله است که غربی‌ها تسلیم امام علیه السلام می‌شوند.

→ موسی علیه السلام فیقول: اشهدکم انّ دینکم دین الله، و دین انبیائه و لم یرض دینا غیره. و یسأل: هل یأکل اهل الجنة و یشربون؟ فیقول: نعم. فیخر الراهب ساجداً ساعة ثم یقول: ما دینی غیره، و هذا دین موسی و الله عزوجل انزله علی موسی علیه السلام و انّ صفة نبیکم عندنا فی الانجیل البرقلیط صاحب الجمل الاحمر و انتم اصحاب هذه المدينة فدعونی ادخل الیهم فادعوه فانّ العذاب قد اظلم علیهم.

فیدخل فیتوسط المدينة فیصیح: یا اهل رومیة جاءکم ولد اسماعیل ابن ابراهیم، الامّة الذین تجدونهم فی التوراة و الانجیل نبیهم صاحب الجمل الاحمر فأجیبوهم و اطیعوا.

فیثبون الیه فیقتلونه فیبعث الله عزوجل الیهم ناراً من السماء کأنها عمود، حتی تتوسط المدينة فیقوم امام المسلمین فیقول: یا ایها الناس انّ الراهب قد استشهد.

قال حذیفة: قال رسول الله صلی الله علیه و آله یبعث ذلك الراهب امّة وحده ثم یکبرون علیها اربع تکبیرات فیسقط حائطها و انما سمیت رومیة لانها کرمانة من کثره الخلق فیها، فیقتلون بها ستمائة الف».

۵. سپاهیان امام علیه السلام در این لحظه بسیار زیاد شده‌اند که در مجموع چهار گروه و سپاه هستند:

الف) سپاهی که از مشرق و ایران آمده‌اند؛

ب) سپاهی که از اهل مغرب شامل آفریقا و مصر و غربی‌ها است؛

ج) سپاهی از شام؛

د) سپاهی از یاران اولیه امام علیه السلام و حجاز است.

۶. از عبارت «صحاب کتبهم» یعنی عالمی که میان آنها وجود دارد، یا نگهبان کتاب‌های مسیحیان است، متوجه می‌شویم که احتمالاً پاپ باشد و این نبرد نیز در محل استقرار واتیکان یعنی شهر «رم» پایتخت ایتالیا واقع شود.

۷. احتمالاً این حمله از طریق دریا صورت گرفته و از جزیره سسیل شروع می‌شود. زیرا نزدیک‌ترین نقطه غرب و کشور ایتالیا به ساحل عکا محل استقرار نیروهای امام علیه السلام است.

۸. غربی‌ها با ناجوانمردی این راهب را می‌کشند و به هیچ وجه به سخنان وی گوش نداده و توجهی نمی‌کنند. همیشه در طول تاریخ افراد مغرور و متعصب نادان، در برابر حقیقت این‌گونه رفتار کرده‌اند و بدترین غرور، همانا غرور دینی و مذهبی است، به گونه‌ای که (برداشت) دینی خود را بر هر تفکر و برداشت دیگری برتر دانسته و دیگران را به دلیل مخالفت فکری با خویش تکفیر می‌کند، بدون این که افکار وی مستند به پیام الهی و آیات روشن و واضح الهی و سخن پیامبران و معصومین علیهم السلام باشد.

۹. با کشته شدن راهب، خداوند آتشی مانند یک ستون از آسمان نازل می‌کند تا به وسط شهر برخورد می‌نماید.

۱۰. اشاره به عمود و ستون آتشین از آسمان به زمین نشان از اسلحه‌هایی دارد که در خدمت امام عصر علیه السلام است. این احتمالاً همان سلاح نیروهای فرازمینی از اهالی «جابلقا و جابرسا» است که با تعداد چندین میلیون نفر برای یاری امام عصر علیه السلام آمده‌اند. آنان سفینه‌ها و وسایل نقلیه بسیار مدرن خود را در خارج از جو زمین قرار داده‌اند تا هرگونه امام علیه السلام دستور می‌دهد بر اهداف مورد نظر هجوم آورند.

۱۱. شاید همواره در ذهن شما باشد که امام علیه السلام با اسلحه‌های نوترونی و اتمی چه کار می‌کند؟ بسیار ساده است همگی این اسلحه‌ها پیش از شلیک در محل پرتاب یا در فضا نابود می‌شوند. عامل انهدام نیز همین «ستون‌های آتش» است که در این حدیث نیز به آنها اشاره شده است.

۱۲. تکبیراتی که در روایات بسیار به آنها اشاره شده مبنی بر این که با تکبیر دروازه‌ها فرو می‌ریزد، شاید اعلام فرمان به همان نیروهای فوق بشری باشد که با شنیدن تکبیر اقدام به شلیک می‌کنند. در واقع تکبیرها، پیام حمله است که به صورت تکبیر ارائه می‌شود و به همراه این تخریب و امداد الهی، اصحاب نیز فریاد تکبیرشان بالا می‌رود.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«... سپس اصحاب مهدی علیه السلام وارد شهر رم می‌شوند و در آنجا پانصد جنگاور از مسیحیان را می‌کشند. سپس شهرشان را با قدرت الهی میان آسمان و زمین بلند می‌کنند. پادشاه روم (اروپا) و همراهانش به شهرشان نگاه می‌کنند در حالی که بر سر آنها آویزان است. در آن هنگام پادشاه به همراه سپاهیان برای مبارزه با مهدی علیه السلام در خارج

از شهر به سر می‌برند. وقتی به شهر آویزان شده نگاه می‌کنند فرار نموده و به اصحابش می‌گویند تا جای فراری برای خود بیابند و در نتیجه اول تا آخرشان فرار می‌کنند. در این هنگام شیر تنومندی بر آنها ظاهر می‌شود و نعره‌ای در برابرشان می‌زند و آنها تمام اسلحه و اموالی را که در اختیار داشتند، می‌افکنند و سپاهیان مهدی علیه السلام دنبال آنها می‌روند و اموال آنان را گرفته و (میان خود) تقسیم می‌کنند. برای هر کدام از آنان میلیون‌ها دینار و صدها کنیز و غلام خواهد بود. سپس مهدی علیه السلام به سوی بیت المقدس رفته و تابوت سکینه و انگشتر سلیمان بن داود علیه السلام و الواحی که بر موسی علیه السلام نازل شده است را بیرون می‌آورد»<sup>۱</sup>.

#### نکات مهم حدیث:

۱. بلند شدن شهر در آسمان که به قدرت الهی نسبت داده شده است منافاتی با کمک و یاری نیروهای آسمانی و فضایی که از اعماق کیهان آمده‌اند، ندارد. زیرا هر کاری در این دنیا با قدرت الهی انجام می‌گیرد، خواه اسباب و عوامل

---

۱. نواب الدهور، ج ۲، ص ۱۳۸ - قال امیر المؤمنین علیه السلام: «فیدخلونها اصحاب المهدي فيقتلون فيها خمس مائة مقاتل من النصارى ثم يعلق مدینتهم بین السماء و الارض بقدره الله تعالى فينظر الملك و من معه الى مدینتهم و هي معلقة عليهم و هو يومئذ خارج عنها بجميع جنوده الى قتال المهدي فاذا نظر الى ذلك فينهرم و يقول لاصحابه خذوا لكم مهرباً فيهرب اولهم و آخرهم فيخرج عليهم اسد عظیم فيزعق فی وجوهم فيلقون ما فی ايديهم من السلاح و المال و تتبعهم جنود المهدي فيأخذون اموالهم و يقسمونها فيكون لكل واحد من تلك الالوف مائة الف دينار و مائة جارية و مائة غلام ثم ان المهدي سار الى بيت المقدس و استخرج تابوت السكينة و خاتم سلیمان بن داود و الالواح التي نزلت على موسى».

ظاهری آن را بشناسیم یا خیر.

۲. هنگامی که شهر به آسمان بالا می‌رود، نیروهای مسیحی در خارج از شهر و برای مقابله با سپاهیان امام عصر علیه السلام قرار دارند. در نتیجه در اثر بالا رفتن شهر صدمه‌ای به آنان نمی‌رسد ولی از وحشت پا به فرار می‌گذارند.

۳. ما هیچ اطلاعی از مکانیسم و تکنولوژی به کار رفته در این حادثه یعنی بالا رفتن شهر نداریم. احتمالاً این حادثه نیز از طریق همان نیروهای امدادی آسمانی صورت می‌گیرد.

۴. نکته مهم در این شیوه تنبیه این است که شهر را فقط در هوا معلق می‌کنند ولی وارونه نمی‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مردم شهر هیچ‌کدام آسیبی نمی‌بینند بلکه مانند یک کره بلورین در اطراف خود فقط آسمان را می‌بینند.

۵. حوادث بسیار عجیبی در جمله به اروپا واقع می‌شود که حکایت از قدرت تهاجمی اروپائیان دارد و اصحاب امام علیه السلام با کمک نیروهای آسمانی این حوادث را به وجود می‌آورند. زیرا اسلحه‌های پیشرفته حضرت علیه السلام در برابر دشمنان قوی به کار گرفته می‌شود.

۶. از جمله این حوادث پیدایش شیر عظیمی است که (ظاهراً) با شیرهای معمولی متفاوت باشد و موجب وحشت عمومی و خلع سلاح آنان می‌شود.

۷. حضرت مهدی علیه السلام پس از ظهور با نبردهایی که با کفار و مشرکین انجام می‌دهند، اسیران جنگی را به عنوان کنیز و غلام می‌گیرد. همان گونه که در حدیث، بیان شده است، به هر یک از اصحاب یکصد کنیز و یکصد غلام می‌رسد.

### فلسفه برده‌داری در اسلام

شاید گمان کنید برده‌داری در اسلام توهین به ارزش‌های انسانی است و با شئون بشری مغایرت دارد. اما با توضیحی که می‌آید، این تصور باطل گشته و معلوم می‌شود که «برده‌داری اسلامی» تنها راه منطقی جهت نگهداری از اسرای جنگی است.

لازم است بدانیم زمانی برده به وجود می‌آید که میان سپاه اسلام و سپاه کفر جنگ در گیرد و کسانی که تسلیم می‌شوند آزاد هستند. حال در برابر اسرای کافر، چند راه مقابله وجود دارد:

الف) مسلمانان می‌توانند همه اسرای کافر را اعدام کنند. این عمل راحت‌ترین کار ولی بی‌رحمانه‌ترین کار است و فرصت اصلاح را از زنان و کودکان اسیر می‌گیرد.

ب) همه اسرا را آزاد کنند تا به محل کشور خود برگردند. این عمل تأیید کفار و تحقیر و تضعیف مسلمانان را در پی خواهد داشت و بسیار نابخردانه است.

ج) همه اسرا را در پادگان‌هایی نگهداری کنند. در این صورت هم خطر امنیتی و شورش و ایجاد ناامنی در داخل قلمرو اسلامی وجود دارد و هم این که به لحاظ اقتصادی هزینه نگهداری آنان بسیار زیاد خواهد بود.

د) اسرا را به طور پراکنده میان خانواده‌های مسلمان پخش کنند تا با قرار گرفتن زیر سلطه خانواده‌های مسلمان هم خطر ناامنی برطرف شده و هم هزینه نگهداری آنها بر بیت‌المال تحمیل نشود و هم آنها با اخلاق و تربیت اسلامی آشنا شوند و رفته رفته به اسلام گرایش پیدا کنند و به این ترتیب زمینه

آزاد شدن آنان فراهم شود. به همین دلیل است که در بسیاری از خطاهای شرعی، کفار جبران آنها را آزاد نمودن یک برده مؤمن قرار داده‌اند. بنابراین بهترین راه رفتاری در برابر اسرای جنگی، چنین رفتاری است که در عصر ظهور امام علیه السلام نیز شاهد آن خواهیم بود.

### حمله به امریکا و ظهور دجال

پس از آن که مسیحیان و غربی‌ها پیمان شکنی کرده و به قلمرو حکومت امام علیه السلام تجاوز نمودند، امام علیه السلام دستور حمله به سرزمین‌های غرب را صادر می‌کند و تا تسخیر تمامی جهان پیش می‌روند.  
حذیفه گوید:

«شنیدم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی علیه السلام (گنجینه‌های بیت المقدس) را بیرون آورده و به بیت المقدس باز می‌گرداند. با همراهانش (در اروپا) پیش می‌روند تا به پشت (انتهاء) روم (اروپا) می‌رسند. در آنجا شهری است که یکصد بازار داشته و در هر بازار صد هزار تاجر است، آنجا را فتح می‌کنند. سپس به شهری می‌روند به نام «قاطع» در کنار دریای سبز (اقیانوس آرام) که دنیا را احاطه کرده است و بعد از آن جز فرمان خداوند چیزی نیست. طول این شهر حدود هزار مایل و عرض آن حدود پانصد مایل است. در آنجا سه هزار دروازه است. این دریا کشتی‌های متحرک را تحمل نمی‌کند زیرا عمق آن نامحدود (بسیار) است و هر دریایی که مشاهده می‌کنید از حرکت این دریا ناشی شده است. خداوند آن را برای مصالح فرزند آدم ایجاد کرده است».<sup>۱</sup>

۱. عقد الدرر، ص ۲۵۹ - قال حذیفه: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله يقول: «ليستخرجن المهدى

### نکات مهم حدیث:

۱. شاید تعبیر گنجینه‌های بیت المقدس به معنی آثار باستانی مخفی شده در اطراف اورشلیم و دریاچه طبریه و غار انطاکیه باشد که توسط حضرت مهدی علیه السلام بیرون آورده می‌شود.

۲. ایشان در تصرف اروپا آن قدر پیش می‌روند تا به شهری می‌رسند که از لحاظ تجاری و اقتصادی مهم‌ترین شهر در اروپا می‌باشد. این مطلب را از توصیف اقتصادی این شهر می‌توان فهمید. امروز می‌دانیم در اروپا شهری پر اهمیت‌تر از لندن به لحاظ اقتصادی نیست و این شهر از نظر مسیر امریکا نیز در منتهی الیه اروپا به سمت امریکا قرار دارد.

۳. پس از فتح لندن (بزرگ‌ترین شهر اقتصادی اروپا) به سرزمینی به نام قاطع می‌روند. با توصیفی که از این سرزمین در این روایت و روایات بعدی می‌آید معلوم می‌شود که محتمل‌ترین مکان برای تعیین این سرزمین، قاره تازه تأسیس امریکا باشد. امریکا و بخصوص نیویورک در کنار دو اقیانوس بزرگ اطلس و آرام قرار دارند.

۴. امریکا به لحاظ اقتصادی نیز از هر نقطه‌ای در جهان پیشرفته‌تر و مرفه‌تر است.

---

→ ذلك حتى يرده الى بيت المقدس ثم يسير و من معه حتى يأتوا خلف رومية، مدينة فيها مائة سوق، في كل سوق مائة الف سوقى فيفتحونها، ثم يسرون حتى يأتوا مدينة يقال لها القاطع على البحر الاخضر المحقق بالدنيا، ليس خلفه الا امرالله تعالى، طول المدينة الف ميل، و عرضها خمسمائة ميل، لها ثلاثة آلاف باب و ذلك البحر لا يحمل جارية السفينة لانه ليسى له قعر و كل شىء ترونه من البحار انما هو خلجان من ذلك البحر، جعله الله تعالى منافع لابن آدم».



۵. به لحاظ جغرافیایی نیز بسیار وسیع و حاصلخیز می باشد.  
 ۶. توصیف اقیانوس آرام به عنوان دریای بزرگ و عمیق نیز بسیار جالب توجه است.

۷. پس از (قاطع) جز فرمان خدا چیزی نیست اشاره به گستردگی اقیانوس آرام است که تا ژاپن ادامه می یابد.

از مطالبی که در این روایت و همچنین روایت بعدی در مورد سرزمین جدید (قاطع) به دست می آید، کاملاً شرایط امریکا و اقامت هفت ساله حضرت مهدی علیه السلام را در این سرزمین مشاهده می کنیم.

۸. البته این احتمال نیز وجود دارد که منظور از پشت روم یا اروپا همان قاره امریکا باشد و اولین شهر بزرگ آن نیویورک و پس از آن دیگر شهرهای بزرگ تا لس آنجلس باشد که از بزرگترین شهرهای جهان می باشند.

امیرالمؤمنین علیه السلام درباره حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

«مهدی علیه السلام به دوردست ها توجه خواهد کرد. هر شهری که ذوالقرنین آن را پیموده، مهدی علیه السلام نیز وارد شده و آنجا را اصلاح می کند. هیچ ستمگری نمی ماند مگر آن که به دست وی هلاک می گردد و خداوند به وسیله وی قلب های مردم مسلمان را شفا می دهد. جواهرات (آثار) بیت المقدس را با صد کشتی وارد غزه و عکا نموده و به بیت المقدس حمل می کند و به شهری وارد می شود که هزار بازار دارد و در هر بازاری صد دکان است، آنجا را فتح می کند و به شهری می رود به نام «قاطع». این شهر بر کرانه دریای سبز که محیط بر دنیا است قرار دارد به گونه ای که پشت (بعد از) آن چیزی جز فرمان خداوند عزوجل نیست. درازای این شهر هزار مایل و عرض آن پانصد مایل است.

آنان با تکبیر خداوند رابه بزرگی یاد می‌کنند. در نتیجه دیوارهای آن فرو می‌ریزد. در آنجا یک میلیون سرباز را می‌کشند و هفت سال در آنجا می‌مانند هر مرد از آنان در این شهر به چیزهایی مانند دیگر (غنائم از) شهرهای روم (اروپا) می‌رسد و صاحب فرزند می‌شوند و خداوند را به حق عبادت می‌کنند و مهدی علیه السلام به کارگزارانش در شهرهای دیگر فرمان می‌دهد تا میان مردم با عدل رفتار کنند. گرگ و گوسفند در یک نقطه می‌چرند و بچه‌ها با مار و عقرب بازی می‌کنند، بدون این که ضرری به آنها بزنند. زشتی رخت بر بسته و خیز باقی می‌ماند، انسان‌ها یک مُد<sup>۱</sup> گندم می‌کارند ولی هفتصد مُد برداشت می‌کنند، همان‌گونه که خداوند فرمود: «مانند دانه گندمی که هفت خوشه از آن می‌روید و در هر خوشه صد دانه است و خداوند برای هر کسی خواست می‌افزاید». ربا و زنا و آشامیدن مشروب و ریا از بین می‌رود. مردم به سوی عبادت و شریعت و دین و نماز جماعت رو می‌آورند. عمرها طولانی و امانت پرداخته می‌شود، درختان افزون و برکات زیاد می‌گردد. افراد شرور نابود و افراد نیکوکار باقی می‌مانند و کسی که دشمن اهل بیت علیهم السلام باشد برجا نمی‌ماند.

سپس مهدی علیه السلام با یک هزار کشتی از شهر قاطع متوجه بیت المقدس می‌شود. در فلسطین میان عکا و صور و غزه و عسقلان نزول می‌نمایند و اموالی که همراهشان است را بیرون می‌آورند. مهدی علیه السلام در قدس شریف فرود می‌آید و در آنجا می‌ماند تا زمانی

که دجال خروج می‌کند و عیسی بن مریم علیه السلام نزول یافته و دجال را می‌کشد»<sup>۱</sup>.

### نکات مهم حدیث:

۱. هرجا ذوالقرنین رفته است، حضرت مهدی علیه السلام نیز خواهد رفت و از آنجا که ذوالقرنین سفرهای فضایی نیز داشته‌اند، حضرت مهدی علیه السلام نیز به فضا می‌رود. هرچند به دلیل نوع ابری که امام علیه السلام سوار می‌شود، سرعت و گستره حرکت فضایی ایشان بیشتر بلکه تمام کائنات است.

۱. عقد الدرر. ص ۲۵۶ تا ۲۵۸ - عن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فی قصّة المهدی قال: «و یتوجّه الی الافاق فلا تبقى مدينة وطئها ذوالقرنین الا دخلها و اصلحها و لا يبقى جبار الا هلك علی یدیه و یشف الله عزوجل قلوب اهل الاسلام و یحمل الی بیت المقدس و یأتی مدينة یقال لها القاطع و هی علی البحر الاخضر المحیط بالدنیا، لیس خلفه الا امرالله عزوجل، طول المدينة الف میل و عرضها خمس مائة میل، فیکبرون الله عزوجل ثلاث تكبيرات فتسقط حیطانها فیقتلون بها الف الف مقاتل و یقیمون فیها سبع سنین یبلغ الرجل منهم تلك المدينة مثل ما صحّ معه من سائر بلد الروم و یولد لهم الاولاد و یعبدون الله حقّ عبادته و یبعث المهدی علیه السلام الی امرائه بسائر الامصار بالعدل بین الناس و ترعى الشاة و الذئب فی کل مکان واحدة و تلعب الصبیان بالحیات و العقارب لا تضرهم بشیء و یدهب الشرّ و یرقی الخیر و یزرع الانسان مداً یرج سبعمائة مدّ، كما قال الله تعالی: ﴿ كَمَثَلِ حَبَّةٍ اَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِی كُلِّ سُنْبَلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَ اللّٰهُ یُضَاعِفُ لِمَنْ یَشَاءُ ﴾ و یدهب الربا و الزنا و شرب الخمر و الربا و تقبل الناس علی العبادة و المشروع و الدیانة و الصلاة فی الجماعات و تطول الاعمار و تودی الامانة و تحمل الاشجار و تتضاعف البركات و تهلك الاشرار و تبقى الاخیار و لا يبقى من یرغض اهل البیت علیهم السلام. ثم یتوجّه المهدی من مدينة القاطع الی القدس الشریف بالف مرکب فینزلون شام فلسطین بین عکّا و صور و غزّه و عسقلان فینخرجون ما معهم من الاموال و ینزل المهدی بالقدس الشریف و یقیم بها الی ان یرج الدجال و ینزل عیسی بن مریم علیه السلام فیقتل الدجال».

۲. تمام دشمنان اهل بیت علیهم السلام در قاره جدید از بین می‌روند.
۳. شاید علت اصلی حضور هفت ساله حضرت در قاره امریکا، سیطره و نفوذ اقتصادی و بخصوص فرهنگی این کشور بر جهان باشد. با نفوذ فرهنگی که امریکا به دست آورده می‌توان تمامی جهان را تحت تأثیر قرار داد.
۴. امام علیه السلام پیش از حرکت دجال به منطقه خاورمیانه نیز می‌آیند.
۵. فاصله قیام امام علیه السلام تا خروج دجال حدود هفت تا هشت سال خواهد بود.

۶. با ورود امام علیه السلام به بیت المقدس، دجال خروج کرده و سپس حضرت عیسی علیه السلام به همراه ملائکه نزول خواهند کرد.
۷. امام با هزار کشتی از شهر قاطع بازمی‌گردد، این دلیل دیگری است که فاصله میان اروپا و شهر قاطع را فقط با کشتی می‌توان رفت که بیانگر قاره امریکا می‌باشد.

در مجموع دلایل زیر را برای این که امام علیه السلام به امریکا می‌رود و در آنجا هفت سال می‌ماند و آنجا همان «قاطع» است می‌آوریم:

۱. نام «قاطع» یعنی «برنده» خشکی که دریا را بریده است. در واقع وقتی به قاره امریکا توجه کنید مانند یک بریدگی در میان اقیانوس اطلس و آرام می‌باشد. در حقیقت اقیانوس اطلس و آرام یک دریا هستند که به وسیله قاره امریکا جدا شده و قطع گردیده‌اند. از این جهت نام آن را «قاطع» آورده‌اند.

۲. فقط با کشتی می‌توان از اروپا به امریکا رفت و تأکید امیرالمؤمنین علیه السلام بر سوار شدن اصحاب حضرت مهدی علیه السلام بر کشتی شاید به همین جهت است.

۳. وسعت و عظمت خشکی آن که در روایت تصریح شده است.
  ۴. وضعیت اقتصادی و میزان ثروتی که در آنجا است، ده برابر آنچه در اروپا به چنگ اصحاب می آید، است.
  ۵. جایگاه امریکا در سطح دنیا، لزوم اقامت هفت ساله حضرت علیه السلام در آنجا را ایجاب می کند. کسی که امریکا را کنترل کند در واقع توانسته است بر تمام دنیا تأثیر گذارد. این اقامت هفت ساله در هیچ نقطه ای از جهان (غیر از کوفه که محل استقرار حضرت و بیت المقدس که محل نزول عیسی است) توجیه ندارد.
  ۶. مدت اقامت امام علیه السلام در اروپا یک سال است ولی در «قاطع» هفت سال می ماند. این مطلب نشان می دهد که آنها دو مکان مختلف هستند.
  ۷. قدرت نظامی آن محل حکایت از قدرت فوق العاده آن کشور دارد.
- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«شهر (قاطع) سیصد و شصت دروازه دارد که از هر دروازه یکصد هزار جنگجو خارج می شوند. (مسلمانان) چهار تکبیر بر آن شهر می خوانند در نتیجه دیوار آن خراب می شود و اموال آنجا را به غنیمت می برند. سپس هفت سال آنجا می مانند و بعد از آن به بیت المقدس باز می گردند که به آنها خبر می رسد، دجال از یهودیه اصفهان خارج شده است»<sup>۱</sup>.

۱. عقد الدرر، ص ۲۵۶ - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «لها ستون و ثلاثمائة باب يخرج من كل باب مائة الف مقاتل فيكبرون عليها اربع تكبيرات فيسقط حائطها فيغنمون ما فيها ثم يقيمون فيها سبع سنين ثم يقفلون منها الى بيت المقدس فيبلغهم ان الدجال قد خرج في يهوديه اصفهان».

### نکات مهم حدیث:

۱. ابعاد نیروهای نظامی (قاطع) حکایت از ابرقدرتی قوی دارد که در ویژگیهای کشور امریکا دیده می‌شود. نیروهای نظامی این کشور با ۳۶۰ میلیون نفر فقط از عهده امریکا و کانادا و مکزیک به طور جمعی ساخته است.
۲. مسلمانان هفت سال در آنجا خواهند بود.
۳. مدت حضور آنان نیز حکایت از گستردگی فساد و خطر این نقطه از جهان دارد زیرا برای اصلاح آنجا مدت مدیدی وقت لازم است.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«مهدی علیه السلام در شهر (قاطع) هفت سال باقی می‌ماند و سهم هر مرد (از اصحاب حضرت علیه السلام) از این شهر مانند ده برابر آنچه از روم (اروپا) به دست آورده‌اند، است...»<sup>۱</sup>

### نکات مهم حدیث:

۱. نکته مهم در حدیث فوق این است، آنچنان امکانات اقتصادی و ثروت در سرزمین (قاطع) زیاد است که با تصرف آنجا ده برابر غنایم اروپا نصیبشان می‌شود.
۲. مسأله غنیمت پس از ظهور نیز خواهد بود و اصحاب و یاران حضرت یعنی شیعیان از ثروتمندترین انسان‌های روی زمین خواهند شد و پس از آنها مردم بقیه سرزمین‌ها نیز به تدریج صاحب امکانات و رفاه خواهند گشت.

---

۱. نواب الدهور، ج ۲، ص ۱۳۹ - قال امیرالمؤمنین علیه السلام: «فیقیم المهدی فیها سبع سنین

فیبلغ سهم الرجل من تلك المدينة مثل ما اخذوه من الروم عشر مرات».

### دجال و نزول عیسی مسیح علیه السلام

هنگامی که امام عصر علیه السلام و اصحاب ایشان، تازه از قاره امریکا بازگشتند، متوجه می‌شوند که دجال از اصفهان خروج کرده است. به این ترتیب پس از هفت سال ماندن در قاطع (امریکا) نوبت به آخرین نبرد تاریخ می‌رسد. مسیحیان و یهودیان با ظهور دجال فرصت را غنیمت شمرده و احساس می‌کنند فرصت مناسبی به دست آورده‌اند تا کار اسلام و حضرت مهدی علیه السلام را یکسره کنند. اما آنها از حوادثی که در انتظارشان است بی‌خبرند.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«مهدی علیه السلام به مدت هفت سال در این شهر (قاطع) درنگ می‌کند. سهم هر کدام از (غنائم) این شهر مانند ده برابر غنائمی است که از روم (اروپا) به چنگ آورده‌اند. سپس مهدی علیه السلام با یکصد هزار کشتی که هر کشتی بیش از پنجاه هزار جنگجو دارد، حرکت می‌کند و بر ساحل فلسطین میان عکا و دیواره‌های غزه و عسقلان فرود می‌آیند. ناگهان خبر دجال یک چشم می‌رسد که کشت و زرع و انسان‌ها را هلاک نموده است. دجال یک چشمی، از آبادی به نام یهودا از آبادی‌های اصفهان خروج می‌کند. در حالی که این شهر (اصفهان) از شهرهای پادشاهان است. وی دارای یک چشم در پیشانی است مانند ستاره‌ای روشن و بر الاغی سوار است که گام‌هایش به بلندی میدان دید اوست و طول این الاغ (وسیله نقلیه) هفتاد ذراع (۳۵ متر) است، بر آب، همانند خشکی راه می‌رود. صدای وی تا آنجا که خداوند می‌خواهد می‌رسد، صدا می‌زند و می‌گوید: ای دوستانم به

سوی من، به سوی من بیایید. من پروردگار برتر شما هستم که خلقت متناسب نمودم. من کسی هستم که تقدیر و هدایت نمود. آن کسی که مراتع را سرسبز کردم. افراد زنازاده و بدترین مردم و فرزندان یهودی و مسیحی دنبال وی راه می‌افتند. هزاران نفر که تعدادشان را فقط خدا می‌تواند شمارش کند، گرد وی جمع می‌آیند. سپس پیش روی وی دو کوه حرکت می‌کند، کوهی از گوشت و کوهی از نان ثرید شده.

خروج دجال در زمانی که قحطی شدید هست، واقع می‌شود. سپس دو کوه در برابر وی حرکت می‌کنند و از آنها کاسته نمی‌شود و به هر کس که اقرار به پروردگاری وی نمود، اعطا می‌کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام ادامه دادند: توجه داشته باشید، او دروغ‌گوی ملعون است. بدانید پروردگار شما یک چشمی نیست و غذا نخورده و آب نمی‌آشامد و او زنده‌ای است که نمی‌میرد و هر خیری به دست اوست. او بر هر چیزی توانا است.<sup>۱</sup>

---

۱. نواب الدهور، ج ۲، ص ۱۳۹ - عن امیرالمؤمنین علیه السلام: «فیقیم المهدی فیها سبع سنین فیبلغ سهم الرجل من تلك المدينة مثل ما اخذوه من الروم عشر مرّات ثم یخرج منها و معه مائة الف موكب و كل موكب یزید علی خمسين الف مقاتل فینزل علی ساحل فلسطين بین عكّة و سور غزة و عسقلان فیاتیه خبر اعور الدجال بانه قد اهلك الحرث و النسل و ذلك انّ اعور الدّجال یخرج من بلدة یقال بها یهوداء و علی قرية من قرى اصفهان و هی بلدة من بلدان الاكاسرة له عین واحدة فی جبهة كانها الكوكب الزاهر راكب علی حمار خطوته مدّ البصر و طوله سبعین ذراعاً و یمشی علی الماء مثل ما یمشی علی الارض ثم ینادی بصوته یبلغ ما یشاء الله و هو یقول الی الی یا معاشر



### نکات مهم حدیث:

۱. حضرت مهدی علیه السلام مدت هفت سال در سرزمین قاطع (امریکا) می ماند.  
 ۲. ثروت فوق العاده ای در آنجا نصیب اصحاب می شود. ده برابر آنچه در اروپا نصیبشان شده است. این مطلب نیز دلیل دیگری بر امریکا بودن سرزمین قاطع است.

۳. پس از حرکت به سوی بیت المقدس و ورود به آنجا، خبر حرکت دجال می رسد.

۴. دجال از اصفهان خروج می کند. نام قدیم اصفهان، یهودیه بوده است.

۵. حمار (الاغ) وی تعبیری از وسیله نقلیه فوق مدرن او می باشد که مانند یک هواپیما در هر لحظه تا چشم کار می کند حرکت می کند. با توجه به این که سریع ترین هواپیماهای امروزی حداکثر در یک ساعت دو تا سه هزار کیلومتر در ساعت راه می پیمایند و میدان دید ما در هر یک ثانیه تا سطح افق، حداقل بیست تا سی کیلومتر است. چنین وسیله ای باید در هر ثانیه بیست کیلومتر و در یک ساعت هفتاد و دو هزار کیلومتر راه طی کند. وسیله دجال چنین مرکبی است. مرکبی یا سفینه ای

→ اولیائی فانا ربکم الاعلی الذی خلق فسوی و الذی قدرّ فهدی و الذی اخرج المرعی فتتبعه اولاد الزنا یومئذ و اسوء الناس اولاد الیهود و النصارى و تجتمع معه الوف کثیرة لا یحصی عددهم الا الله تعالی ثم یسیرو بین یدیه جبلان جبل من اللحم و جبل من الخبز الثرید. فیکون خروجه فی زمان فحط شدید ثم یمیران الجبلان بین یدیه و لا ینقص منه شیء فیعطی کل من اقرّ له بالربوبیة فقال علیه السلام الا و انه کذاب ملعون الا فاعلموا ان ربکم لیس باعور و لا یاکل الطعام و لا یشرب الشراب و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قذیر».

با سرعت هفتاد و دو هزار کیلومتر در ساعت، بسیار پیشرفته‌تر از هواپیماهای امروزی.

۶. ابعاد این وسیله ۷۰ ذرع یعنی ۳۵ متر است. طبیعی است که یک الاغ نمی‌تواند تا این ابعاد باشد و اگر هم باشد چنین سرعتی ندارد. این وسیله نقلیه هرچه هست، یک حیوان یا موجود طبیعی نیست. با توجه به مطالبی که در کتاب «فرازمینی‌ها در آیات و روایات» اشاره کردیم به احتمال قوی دجال از موجودات فرازمینی مخالف با حضرت مهدی علیه السلام یا دستیاران زمینی آنها است که با سفینه‌های آنان (که ما آنها را بشقاب پرنده می‌شناسیم) به پرواز درمی‌آید.

۷. با توجه به ادعاهای دجال معلوم می‌شود وی دارای صفات زیر است:  
الف) یک فرد به ظاهر مذهبی است، شاید عالم به دین هم باشد. زیرا از آیات قرآن و صفات خداوند کاملاً آگاه است و ادعای الوهیت دارد.  
ب) قدرتمند و مشهور است زیرا به مردم می‌گوید من آن کسی هستم که قدرت خلقت و برنامه‌ریزی و مدیریت فوق‌العاده‌ای دارم. پیداست باید تا حدودی از عهده این امور برآید و در غیر این صورت دروغش برای مردم آشکار می‌شد.

۸. عده‌ای بسیار از مردم به دور وی جمع می‌شوند. آنان افراد پست و زنازاده و بقایای مسیحیان و یهودیان پلید هستند. زیرا مسیحیان و یهودیان اصیل، همگی تا کنون مسلمان شده‌اند.

۹. دو کوه از مواد غذایی پیش روی وی و از پشت سر حرکت می‌کند. شاید این مطلب تعبیری از قدرت فوق‌العاده وی در ارائه کارخانه‌های مختلف مواد

غذایی و پروتئینی و نان باشد.

۱۰. نان خرید شده یا خرد شده شاید کنایه از مشتقات و محصولات مختلف و مصنوعی از گندم باشد، مانند کارخانه‌های بیسکویت‌سازی و یا نان ماشینی و... به گونه‌ای که هر کس خواست از آن کارخانه‌ها استفاده می‌کند بدون این که از آنها کم شود. این نیز دلیل دیگری است بر این که این دو کوه تعبیری از کارخانه‌های متعدد تغذیه و کنسروسازی باشد.

۱۱. هر کس تسلیم وی شد از نعمت‌های وی بهره‌مند می‌شود در غیر این صورت باید با مرگ دست و پنجه نرم کند.

دجال شخصیتی اهریمنی و خطرناک است، شاید قوی‌ترین نیروی شیطانی در روی زمین باشد. به همین دلیل است که تمامی پیامبران از وی و رفتارش بیم داده‌اند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«هیچ پیامبری پس از نوح علیه السلام نیامده مگر قومش را از دجال ترسانده است و من نیز شما را از او می‌ترسانم»<sup>۱</sup>.

دجال به معنای پوشاننده حق است. در طول تاریخ دروغ‌گویان و دجال‌های فراوانی آمده‌اند ولی دجال معروف همان کسی است که پیامبران الهی بخصوص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از وی ترسانده‌اند و او پس از ظهور، با آن قدرت و امکانات افسانه‌ای خروج می‌کند. بسیاری از علماء در تشریح وضعیت دجال دچار ابهام

۱. نوائب الدهور، ج ۱، ص ۳۰۸ - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «لم یکن نبی بعد نوح الا قد انذر الدجال قومه و انی انذرکموه».

شده‌اند تا جایی که بسیاری از روایات مربوط به دجال را نادیده می‌گیرند. اما باید دانست اگر شما روایت یا حدیثی را به دلیل وجود مطالب غریب، درک نمی‌کنید، این مطلب دلیل بر غلط بودن حدیث نیست بلکه ناشی از عدم درک صحیح شماست.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«اگر دجال خروج کند و من در میان شما نباشم، او مردی است که با نفس خود احتجاج (استدلال) می‌کند و خداوند جانشین من بر هر مسلمانی است. او (دجال) جوانی (با موهای) مجعد و چشم ایستاده شبیه به عبدالعزی بن قطن است. هر کسی او را دید باید آیات آغازین سوره کهف را بخواند. او از میان شام و عراق خروج می‌کند و راست و چپ (شرق و غرب) را فاسد می‌سازد. ای بندگان خدا (بردین حق) ثابت باشید.»

گفتم: ای رسول الله صلی الله علیه و آله تا چه مقدار در زمین درنگ می‌کند؟

فرمود: چهل روز، به گونه‌ای که یک روز مانند یک سال و یک روز مانند یک ماه و یک روز مانند جمعه و بقیه روزهایش مانند روزهای معمولی<sup>۱</sup> است.

گفتم: ای رسول الله صلی الله علیه و آله به نظر شما در روزی که مانند یک سال است، آیا نماز یک روز (۱۷ رکعت) کفایت می‌کند؟

فرمود: خیر باید به میزان آن محاسبه کنید (یعنی به اندازه هر ۲۴

---

۱. یک سال و یک ماه بعلاوه سی و هشت روز جمعاً می‌شود یک سال و دو ماه و هشت روز، این مقدار مدتی است که دجال مسلط می‌شود.

ساعت متعارف ۱۷ رکعت بخوانید).

گفتیم: ای رسول الله ﷺ سرعت حرکت وی در روی زمین چقدر است؟

فرمود: مانند بارانی که پشت سرش باد باشد. دجال نزد مردم می‌آید و آنان را (به خود) دعوت می‌کند. اما او را تکذیب کرده و سخنان وی را رد می‌کنند و از آنها دور می‌شود ولی اموالشان به دنبال دجال می‌رود. وقتی صبح می‌شود، مردم می‌بینند چیزی در دستشان نیست. در این هنگام (دوباره) دجال نزد مردم می‌آید و آنان را دعوت می‌کند (اما این دفعه) مردم او را اجابت کرده و تصدیق می‌کنند.

دجال به آسمان فرمان می‌دهد تا ببارد، آسمان نیز باران می‌بارد و به زمین فرمان می‌دهد تا بروید و زمین نیز می‌روید (سرسبز می‌شود). چهارپایانی که (برای چرا بیرون) رفته‌اند، بزرگ‌تر از آنچه بوده‌اند برمی‌گردند. در حالی که شکم‌هایشان سیرتر و پستان‌هایشان پر شیرتر گشته است.

فرمود: سپس نزد خرابه‌ای می‌آید به آن می‌گوید گنج‌های خودت را بیرون آور. از آنجا دور می‌شود در حالی که گنج‌ها (بیرون آمده) او را مانند زنبورهای عسل دنبال می‌کنند. سپس مرد جوان قدرتمندی را فراخوانده و با شمشیر بر سر وی می‌زند و سرش را دو قسمت می‌کند و (به میزان فاصله تیری که از نشان جدا شده باشد) میان آن دو قطعه (از سرش) جدایی می‌اندازد. سپس او (جوان) را می‌خواند (در همان حال)، آن جوان با روی خندان پیش

می‌آید. در همین هنگام است که عیسی بن مریم علیه السلام در قسمت شرقی دمشق در کنار مناره سفید که با دو جامه (رنگ شده با زعفران) پوشیده شده نازل می‌شود، در حالی که به بال‌های دو فرشته تکیه داده است. وقتی سر خود را تکان می‌دهد، عرق از او می‌چکد و وقتی که سر بلند می‌کند عرق مانند دانه‌های مروارید از وی سرازیر می‌شود. هر کافری که باد نفس وی به او برسد، می‌میرد و باد نفس وی تا منتهای دید وی می‌رسد. عیسی علیه السلام به دنبال دجال می‌گردد تا وی را بر دروازه «لد» (شهری نزدیک بیت المقدس) می‌یابد و او را به قتل می‌رساند. عیسی تا زمانی که خدا خواهد درنگ می‌کند سپس خداوند به او وحی می‌کند که بندگانم را به کوه طور بیاور، زیرا من بندگانم را نازل کرده‌ام که هیچ کس توان مبارزه با آنان را ندارد.

خداوند یاجوج و ماجوج<sup>۱</sup> را برانگیخته و آنها همان‌گونه که خداوند فرموده از هر جای بلندی به شتاب می‌آیند. گروه اول از آنها به دریاچه طبریه می‌رسند پس تمام آب آن را می‌اشامند. سپس گروه دیگری از آنها از دریاچه عبور می‌کنند، می‌گویند زمانی این جا آب بود. سپس حرکت می‌کنند تا به کوه بیت المقدس می‌رسند. آن‌گاه می‌گویند ما کسانی را که بر روی زمین بودند کشتیم پس بیابید کسانی که در فضا هستند نیز بکشیم پس با

---

۱. برای شناخت بیشتر از یاجوج و ماجوج و جایگاه آنان در آسمان و علت فرود آمدن آنها روی زمین و ارتباط آنها با ذوالقرنین به کتاب «فرازمینی‌ها در آیات و روایات» مراجعه فرمایید.

نشاب خویش (تیراسلحه‌شان) به آسمان نشان می‌گیرند اما خداوند نشاب آنها را خون آلود به سوی خودشان باز می‌گرداند. آنها عیسی بن مریم علیه السلام و اصحابش را محاصره می‌کنند تا جایی که یک رأس گاو در آن روز برای آنها از صد دینار برای شما در امروز با ارزش‌تر است.

عیسی بن مریم علیه السلام و اصحابش به خداوند تضرع می‌کنند. در نتیجه خداوند کرم‌هایی می‌فرستد تا در گردنش قرار می‌گیرند. در صبح همگی به گونه‌ی مردن یک نفر کشته می‌شوند.

عیسی علیه السلام و اصحابش فرود می‌آیند در حالی که یک وجب مکان پیدا نمی‌شود که پر از گند و کثافت و خون آن موجودات نباشد.

عیسی علیه السلام و اصحابش به درگاه الهی تضرع می‌کنند در نتیجه خداوند پرنده‌ای مانند گردن شتر (عظیم الجثه) می‌فرستد تا جسد آنها را برداشته و دور می‌افکند و مسلمانان از چنگال‌ها و سم‌های باقی‌مانده آنان آتش روشن می‌کنند و خداوند باران را بر آنها نازل می‌کند که خانه‌های کرکی و یا خشتی را از آن محافظت نمی‌کند. زمین را شسته و مانند آئینه می‌گرداند.

سپس به زمین فرمان می‌دهد تا میوه‌ات را خارج کن و برکت خویش را بازگردان. در این روز گروهی از یک انار خورده و از پوستش سایه‌بان درست می‌کنند. خداوند در شیر برکت می‌اندازد تا جایی که گروهی از مردم از شیر یک شتر سیر می‌شوند و یک قبیله از شیر یک گاو شیرده سیر می‌شوند و خویشاوندی از شیر گوسفندی سیر می‌شوند. در همین هنگام خداوند بادی را برمی‌انگیزد تا روح تمام

## مؤمنان را گرفته و بقیه مردم مانند الاغ درهم می‌آمیزند آن‌گاه قیامت بر آنها برپا می‌شود»<sup>۱</sup>.

۱. نواب الدهور، ج ۱، ص ۳۰۹ - ۳۱۱؛ قال رسول الله ﷺ: «و ان يخرج و لست فيكم فامرء حجيج نفسه و الله خليفتي على كل مسلم انه شاب قطط عينه قائمة شبيهه بعبد العزى بن قطن فمن رآه منكم فليقرء فواتح سورة اصحاب الكهف. قال: يخرج ما بين الشام و العراق فعاث يمينا و شمالا يا عباد الله البشوا. قال: قلنا يا رسول الله و ما لبثه في الارض قال اربعين يوماً يوم كسنة و يوم كشهرو و يوم كجمعة و سائر ايامه كايامكم قال قلنا يا رسول الله ارايت اليوم الذي كالسنة اتكفينا فيه صلوة يوم قال لا ولكن اقدروا له قلنا يا رسول الله فما سرعته في الارض. قال: كالغيث استدبرتد الريح فياتي اليوم فيدعوهم فيكذبونه و يردون عليه قوله فينصرف عنهم فتتبعه اموالهم و يصبحون ليس بايديهم شيء ثم ياتي القوم فيدعوهم فيستجيبون له و يصدقونه فيامر السماء ان تمطر فتمطرو يا امر الارض ان تنبت فتنبت فتروح عليهم سارحتهم كاطول ما كانت و امده خواص و ادره ضروعاً قال ثم ياتي الخربة فيقول لها اخرجي كنوزك فينصرف منها فيتبعه كيعاسيب النحل ثم يدعو رجلاً شاباً ممتلئاً شاباً فيضربه بالسيف فيقطعه جزلتين ثم يدعو فيقبل يتهلل وجهه يضحك فيبينما هو كذلك اذهب عيسى بن مريم عليها السلام بشرقي دمشق عند المنارة البيضاء بين مهرودتين و اضعا يديه على اجنحة ملكين اذا طأطأ رأسه قطروا اذا رفعه تحد منه جمان كاللؤلؤ قال و لا يجد ربح نفسه يعني احد الامات و ربح نفسه منتهى بصره. قال فيطلبه حتى يدركه بباب لد فيقتله. قال فيلبث كذلك ماشاء الله قال ثم يوحى الله اليه ان حرز عبادي الى الطور فاتي قد انزلت عباداً لي لا يدان لاحد بقتالهم قال و يبعث الله يا جوج و مأجوج و هم كما قال الله من كل حدب ينسلون قال فيمر اولهم ببخيرة الطبرية فيشرب ما فيها ثم يمر بها آخرهم فيقول لقد كان بهذه مرة ماء ثم يسرون حتى ينتهوا الى جبل بيت مقدس فيقولون لقد قتلنا من في الارض هلم فلنقتل من في السماء فيرمون بنشابهم الى السماء فيرد الله عليهم نشابهم محمراً دمياً و يحاصر عيسى بن مريم و اصحابه حتى يكون رأس الثور يومئذ خيراً لاحدهم من مائة دينار لاحدكم اليوم. قال: فيرغب عيسى بن مريم الى الله و اصحابه قال فيرسل الله اليهم النغف في رقابهم فيصبحون فربى



### نکات مهم حدیث:

۱. در این حدیث نکات بسیار ارزشمندی در مورد حرکت دجال و حوادث بعد از او وجود دارد.
۲. کسانی که می‌خواهند مکر و شبهه‌های دجال در وی اثر نکند آیات اولیه سوره کهف را بخوانند. این آیات بیان‌کننده قدرت و عظمت الهی در اصحاب کهف و فلسفه امتحانات الهی و بی‌ارزشی دنیا می‌باشد و این که ما هرچه را به هرکس دادیم برای آزمایش است. با این دید شما می‌توانید از امکانات فوق‌العاده دجال فریب نخورده و متزلزل نشوید.
۳. مدت فعالیت و تجاوز دجال حدود یک سال و دو ماه و هشت روز است. پیداست که دجال به سرعت قدرت و توسعه پیدا می‌کند.
۴. حرکت وی را به باد پشت باران تشبیه کرده‌اند که حکایت از حرکت وی از طریق آسمان مانند باد دارد. همان چیزی که پیش‌تر بیان کردیم که حرکت وی از طریق آسمان و با سرعت هفتاد و دو هزار کیلومتر در ساعت است.

---

→ موتی کموت نفس واحدة قال و یهبط عیسی و اصحابه فلا یجد موضع شبر الا وقد ملأته زهمتهم و ننتهم و دماءهم قال فیرغب عیسی الی الله و اصحابه قال فیرسل الله علیهم طیراً کاعناق البخت. قال فتحملهم فتطرحهم بالمهل و یستوقد المسلمون من قسیتهم و نشابهم و جعابهم سبع سنین. قال و یرسل الله علیهم مطراً لا یکن منه بیت و بر و لا مدر.

قال فیغسل الارض فیترکها کالزلفة قال ثم یرسل الارض أخرجی ثمرتک و ردی برکتک فیومئذ تاكل العصابة من الرمانة و یستظلون بقحفها و ینزل فی الرسل حتی ان الفئام من الناس لیکتفون باللحفة من الابل و ان القبيلة لیکتفون باللحفة من البقر و ان الفخذ لیکتفون باللحفة من الغنم فبینما هم کذلک اذ بعث الله ریحاً فقبضت روح کل مؤمن و یرقی سائر الناس یتهارجون کما یتهارج الحمير فعلیهم تقوم الساعة».

۵. دجال در ابتدا مردم را دعوت می‌کند ولی او را تکذیب می‌کنند، اما اموالشان به دنبال وی می‌رود. این مطلب یعنی دنبال کردن اموال، حکایت از قدرت اقتصادی وی دارد. به گونه‌ای که به راحتی افراد مخالف خود را از لحاظ اقتصادی سرنگون می‌سازد.

۶. فرمان دادن به آسمان و زمین، حکایت از تسلط تکنولوژی وی در باران مصنوعی و کشت و زرع پرورشی دارد.

۷. گنج‌های درونی زمین به راحتی در اختیار وی قرار می‌گیرد، زیرا تکنولوژی وی بسیار پیشرفته است.

۸. کشتن افراد و سپس زنده نمودن آنان، در عصر حاضر مسأله «کلون» کردن انسان‌ها را تداعی می‌کند. یعنی دجال با تکنولوژی پیشرفته‌ای که در هر زمینه دارد، به راحتی یک انسان را می‌کشد و از طریق سلول‌های بنیادی وی بلافاصله او را از طریق لقاح مصنوعی و رشد خارج رحم و مصنوعی، دوباره‌سازی می‌کند، با تمام خصوصیات و حتی حافظه قبلی. از جمله «او را فرا می‌خواند» می‌فهمیم که از طریق فراخوان، آن جوان را زنده کرده است که تعبیر جالبی از بازسازی جوان کشته شده توسط دجال است.

۹. تکنولوژی «کلون» سازی و همانندسازی به سرعت در حال پیشرفت است و تا زمان دجال این دانش فوق‌العاده رشد خواهد کرد. همان‌گونه که در دستگاه‌ها و آزمایشگاه‌های سری امریکا هم اکنون نیز این روند توسعه به سرعت دنبال می‌شود.

۱۰. نفس حضرت مسیح همان «دم مسیحایی» معروف است که مرده را زنده و زنده را می‌میراند ولی با اجازه خداوند.

۱۱. این دم یا باد نفس، در حقیقت چیست؟ باید دید بعد قضاوت کرد ولی از معجزات بزرگ الهی است و سرعت و دامنه انتشار آن نیز به اندازه دید یک انسان یعنی چیزی حدود بیست تا سی کیلومتر است.

۱۲. پس از نزول عیسی علیه السلام و نابودی دجال، موجودات خطرناکی از آسمان فرود می آیند.

۱۳. آنان یا جوج و مأجوج یعنی متمردين آسمانی هستند. اشاره خداوند که در روایت نیز آمده مبنی بر این که آنان از هر بلندی، پایین می آیند، اشاره دیگری بر پایین آمدن از آسمان است.

۱۴. یا جوج و مأجوج (مسافرین متمردين فضایی) نسبت به آب حساسیت دارند و هر جا دسترسی به آب پیدا کنند آن را نابود می سازند و مردم را دچار کمبود آب می کنند.

۱۵. آنان نه تنها مردم ساکن سطح زمین را از بین می برند. بلکه با ساکنین آسمانها نیز که از دوستان اهل بیت علیهم السلام هستند و ساکن جابلقا و جابرسا می باشند، دشمن می باشند.

۱۶. اشاره به چنگال آنان و نشان گرفتن به آسمان، اشاره به اسلحه های پیشرفته آنان دارد که در جنگ ستارگان استفاده می کنند.

۱۷. هر چند به شکل خارق العاده ای همگی کشته می شوند ولی این گروه از یا جوج و مأجوج پیشقراولان گروه های بعدی خواهند بود و حضرت مهدی علیه السلام پس از تصفیه زمین به تصفیه آسمان از نیروهای شیطانی از جمله یا جوج و مأجوج می پردازد.

۱۸. این حوادث بلافاصله بعد از ظهور واقع نمی شود بلکه به تدریج در طول

بخش دوم / فصل سوم: صلح با اروپا ..... ۲۰۷

سال‌های پس از ظهور و حتی برخی پس از رجعت اهل بیت علیهم‌السلام واقع می‌شود.  
۱۹. موجودات آسمانی یعنی یاجوج و ماجوج بسیار متعفن هستند. حتی زمانی که کشته نشده‌اند.

۲۰. این موجودات بسیار قدرتمند و از لحاظ تکنولوژی پیشرفته هستند ولی در همان حال به لحاظ طبیعی و فیزیکی بسیار حساس و شکننده می‌باشند.  
۲۱. «نشاب» تعبیری از اسلحه‌های این موجودات است که به سوی آسمان نشانه می‌گیرند و شلیک می‌کنند.

۲۲. تعبیر «هبوط» که در مورد حضرت عیسی علیه‌السلام آمده، نشان دهنده این است که ایشان از طریق هوایی و آسمان نقل و انتقال پیدا می‌کنند. آنها وسایلی هستند که هنگام ظهور و از زمان حضور حضرت مهدی علیه‌السلام در کوفه آشکارا بر سطح زمین فرود می‌آیند. آنها سفینه‌های نورانی هستند که جهت حمل و نقل امام علیه‌السلام و اصحابشان به کار می‌رود.

۲۳. علاوه بر موجوداتی شبیه یاجوج و ماجوج که جزء دشمنان دستگاه الهی محسوب می‌شوند، گروه دیگری که جزء یاران و دوستان اهل بیت هستند، نیز فرود می‌آیند.<sup>۱</sup>

نزال بن سبرة گوید:

«امیرالمؤمنین علیه‌السلام برای ما خطبه‌ای خواند و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: از من سؤال کنید پیش از آن که مرا از دست دهید (تا سه مرتبه)... اصبع بن نباته برخاست و پرسید: ای امیرالمؤمنین دجال کیست؟ فرمود: دجال صائد بن صید است. بدبخت کسی است که او را تصدیق کند و سعادت‌مند کسی است که او را تکذیب کند. از شهری

۱. نواب الدهور، ج ۲، ص ۳۴۹.

به نام اصفهان و روستایی به نام یهودیه خارج می‌شود. یک چشمش کور و چشم دیگرش در پیشانی‌اش است و مانند ستاره صبح می‌درخشد. در چشمش (احتمالاً چشم نابینایش) پاره‌ای گوشت است که به نظر می‌رسد با خون ترکیب شده است. میان دو چشم وی نوشته شده «کافر» و آن را هر بی‌سواد و باسوادی می‌خواند. وارد دریاها شده و با خورشید می‌گردد و در مقابل وی کوهی از دود و پشت سرش کوهی سفید است که مردم گمان می‌کنند غذا است. در سالی به شدت (خشک) قحطی ظاهر می‌شود. زیر پای وی الاغی قرمز (سفید) است که طول یک گام وی یک مایل (۱۶۵۰ متر) است. زمین به سرعت زیر پای وی طی می‌شود و به هیچ (برکه) آبی نمی‌گذرد مگر آن که تا روز قیامت خشک می‌شود. با بلندترین صوت خود صدا می‌زند که تمام مردم شرق و غرب از اجنه و انسان‌ها و شیاطین می‌شنوند. می‌گوید: دوستانم به سوی من بشتابید من آن کسی هستم که به زیبایی خلق کردم و تقدیر و هدایت نمودم و من پروردگار برتر شما هستم. این دشمن خدا دروغ می‌گوید. او یک چشم است و غذا می‌خورد و در بازارها می‌گردد در حالی که پروردگار شما کور نبوده و غذا نمی‌خورد و در بازارها نمی‌گردد و از بین هم نمی‌رود. [خداوند برتر است از این صفات که بلند مرتبه و کبیر است]...»<sup>۱</sup>.

۱. کمال الدین، صدوق، ص ۵۲۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۴ - عن نزال بن سبرة قال: «خطبنا علی بن ابی طالب علیه السلام فحمد الله و اثنی علیه ثم قال: سلونی ایها الناس قبل ان تفقدونی - ثلاثاً... فقام الیه اصبح بن نباته فقال: یا امیرالمؤمنین من الدجال؟

### نکات مهم حدیث:

۱. اشاره به دو کوه دود و غذا دلیل دیگر بر این است که این دو کوه اشاره به کارخانه‌های مدرن و تحت کنترل دجال است که هر مقدار از آن برداشت کنند چیزی از تولیداتش کاسته نمی‌شود.
۲. میان دو چشم وی نوشته شده کافر، که با سواد و بی‌سواد آن را می‌خواند. از آنجا که بی‌سواد قدرت خواندن ندارد معلوم می‌شود، منظور از خواندن، خواندن نوشته نیست بلکه مشاهده شخصیت و افکار وی از طریق وسط پیشانیست.

### نزول عیسی علیه السلام

حذیفه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند:

«وقتی روز جمعه و هنگام نماز صبح شد و نماز برپا گردید، مهدی علیه السلام توجه می‌کند که ناگهان عیسی بن مریم علیه السلام را می‌بیند که

→ فقال: أَلَا إِنَّ الدَّجَالَ صَائِدُ بَنِ صَيْدِ فَالشَّقِيَّ مِنْ صَدَقَةٍ وَ السَّعِيدِ مِنْ كَذْبَةٍ يَخْرُجُ مِنْ بَلَدَةٍ يُقَالُ لَهَا اَصْبَهَانَ مِنْ قَرْيَةٍ تُعْرَفُ بِالْيَهُودِيَّةِ عَيْنُهُ الْيَمْنَى مَمْسُوحَةٌ وَ الْآخِرُ فِي جِبْهَةِ تَضْيِئُءَ كَأَنَّهَا كَوْكَبُ الصُّبْحِ فِيهَا عِلْقَةٌ كَأَنَّهَا مَمْرُوجَةٌ بِالذَّمِّ بَيْنَ عَيْنَيْهِ مَكْتُوبٌ «كَاْفِرٌ» يَقْرَأُ كُلَّ كَاتِبٍ وَ أُمَّي.

ينخوض البحار و تسير معه الشمس بين يديه جبل من دخان و خلفه جبل ابيض يرى الناس انه طعام يخرج في قحط شديد، تحته حمار أقر خطوة حماره ميل تطوى له الارض منهلاً منهلاً و لا يمر بماء الا غار الى يوم القيامة. ينادى با على صوته يسمع ما بين الخافقين من الجن و الانس و الشياطين يقول: الّٰى اوليائى انا الذى خلق فسوّى و قدّر فهدى انا ربكم الاعلى و كذب عدوّ الله انه الاعوار يطعم الطعام و يمشى فى الاسواق و ان ربكم عزوجل ليس باعور و لا يطعم و لا يمشى و لا يزول [تعالى الله عن ذلك علواً كبيراً].

با دو (تکیه) لباس از آسمان فرود آمده و آب از سر ایشان می‌چکد»<sup>۱</sup>.

حضرت عیسیٰ علیه السلام در آغاز حرکت حضرت مهدی علیه السلام نزول نمی‌یابد. زیرا مسیحیان و یهودیان و تمامی اهل ادیان که قلب پاک و ضمیر سالم داشته باشند با دیدن روش و عدل حضرت مهدی علیه السلام به وی علاقمند شده و ایمان می‌آورند. در واقع مشکل اولیه و اصلی امام علیه السلام کسانی هستند که مسلمان بوده و بخصوص شیعه هستند و با کتاب و احادیث بر رَد و ارتدادشان سخن می‌رانند. چون با فکر به ظاهر صحیح در مقابل امام علیه السلام قیام می‌کند، دفع فکر با شمشیر میسر نیست و یا با زحمت روبرو می‌شود. همان‌گونه که اشاره کردیم کار حضرت مهدی علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سخت‌تر است. اما در برابر دیگر دین‌ها مشکل زیادی نخواهد داشت زیرا دین آنان خصوصیات مهدی علیه السلام را به اجمال مطرح کرده است به همین دلیل به راحتی در مقابل ایشان تسلیم می‌شوند ولی مسلمانان و بخصوص شیعیان به دلیل این که مشخصات نسبتاً کاملی از مهدی علیه السلام دارند هر کدام در تحلیل و برداشت از این احادیث یا آیات به راهی رفته و نظر خود را کامل و درست می‌دانند بنابراین با هم دچار اختلاف شده (همان‌گونه که امروز نیز شاهد این مطلب هستیم) و در نتیجه اختلاف در برداشت از روایات و آیات با امام علیه السلام نیز مخالفت خواهند کرد. جالب این است که در روایت آمده: «قرآن را علیه امام علیه السلام تأویل می‌کنند».

۱. عقد الدرر، ص ۲۹۵ - عن حذیفة عن رسول الله صلی الله علیه و آله فی قصة الدجال قال: «فاذا كان يوم الجمعة من صلاة الغداة و قد اقيمت الصلاة فالتفت المهدي فاذا هو عیسی بن مریم و قد نزل من السماء فی ثوبین كأنما یقطر من رأسه الماء».

این همان مطلبی است که ما اشاره کردیم.

اکنون که مطلب به این جا رسید راه حل این اشتباه مهلک را نیز می‌گوییم.

### راه حل پیشگیری از اختلاف تفسیر در هنگام ظهور

این مطلب که مطرح می‌کنیم برای شیعیان و بخصوص علماء شیعه حیاتی است. ما براساس روایات و درک عقل الهی موظف به تأویل قرآن نیستیم. بلکه تأویل قرآن صرفاً بر عهده اهل بیت علیهم‌السلام است همان‌گونه که خداوند در قرآن فرموده است: ﴿وَمَا يَتْلُمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ﴾<sup>۱</sup>؛ ترجمه: «کسی تأویل قرآن را نمی‌داند مگر خداوند و اهل بیت علیهم‌السلام که در علم قرآن راسخ هستند».

اما تفسیر قرآن نیز اگر از چارچوب سخنان اهل بیت علیهم‌السلام خارج شود باطل است.

یعنی علماء تفسیر و فقه نباید در تفسیر قرآن از چارچوب سخنان اهل بیت علیهم‌السلام در روایات مختلف عدول کنند. یعنی همان‌گونه که در فقه از چارچوب روایات خارج نمی‌شوند، در تفسیر نیز از چارچوب روایات خارج نشوند.

مسئله مهم‌تر، این است که اگر روایات را تفسیر کرد، تفسیر روایات نیز نباید از چارچوب بیان و روح روایات خارج باشد.

حال اگر کسی در چارچوب روایات، اقدام به تفسیر قرآن یا حدیث نمود و

۱. آل عمران (۳): آیه ۷.



نظر او با برداشت ما اختلاف داشت نباید همدیگر را تخطئه کرده و بی‌دین بدانیم. اگر کسی رعایت روایات را کرد ولی برداشت دیگری غیر از برداشت ما داشت نباید مردود و منحرف بدانیم. این درد اصلی برخی علماء است.

وقتی کسی خود را عالم دانست باید بداند که عالم بودن او به چیست و نیز بداند که اختلاف نظر و برداشت در روایات با دیگران را به رسمیت شناسد، تا زمانی که حضرت مهدی علیه السلام بیایند. در این صورت وقتی حضرت مهدی علیه السلام آمد و ایشان را شناختیم و به صورت یک جوان تقریباً سی ساله ظاهر شد و برای ما براساس قرآن و حدیث برداشت‌های جدیدی ارائه کرد حداقل او را مرتد و گمراه نمی‌شناسیم. ولی با این خصلتی که من در میان برخی افراد می‌بینم از همین امروز می‌توان تشخیص داد که چه کسانی به دلیل نخوت (خود و افکار خود را بزرگ دیدن) در مقابل امام عصر علیه السلام قرار خواهند گرفت. این مطلب را در ذهن داشته باشید تا روز ظهور آنگاه متوجه می‌شوید چقدر اخلاص و تواضع در میان علماء دین راه‌گشا خواهد بود و چه مقدار غرور و خودبزرگی بینی و تکبر علمی و تکبر مذهبی و عبادی، روزگار برخی را سیاه خواهد کرد.



# بخش سوم

## حکومت جهانی عدل

## فصل اول:

### تشابه ظهور حضرت مهدی علیه السلام با ظهور اسلام

اکنون با توجه به مطالبی که در سه جلد کتاب «سپیده دم ظهور» اشاره شده است و نیز کتاب‌های روایی مختلف و مقایسه آنها با تاریخ صدر اسلام و ظهور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، می‌توان تشابه بسیار زیادی در حوادث و رویدادهای دو حادثه بزرگ یافت. در واقع دو حادثه مذکور یعنی «ظهور اسلام» و «ظهور مهدی علیه السلام» به صورتی اعجاب‌آور به یکدیگر شبیه هستند. موارد تشابه آنها را می‌توان به گونه‌ای مختصر در موارد زیر معرفی نمود:

۱. حوادث و نشانه‌های زمینی و آسمانی پیش از ظهور اسلام مانند خشک شدن دریاچه ساوه و... همانند حوادث طبیعی و آسمانی بسیاری است که پیش از ظهور به وقوع خواهد پیوست. مانند «پر آب شدن دریاچه ساوه» و ظهور آب در سطح شهر قم و سیل و زلزله‌های متعدد و ستاره‌های دنباله‌دار که همگی حکایت از نزدیکی ظهور هر دو (ظهور اسلام و حضرت مهدی علیه السلام) داشته و دارد.

۲. حمله اهل کتاب و مسیحیان به اعراب که توسط ابرهه، پیش از ظهور اسلام رخ داده و توسط غربی‌ها پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام واقع می‌گردد.

۳. حمله مسیحیان به کعبه به قصد تخریب آنجا توسط ابرهه واقع شد و

مشابه آن حمله‌ای است که به مکه و مدینه توسط سفیانی و به هدایت مسیحیان و یهودیان افراطی انجام خواهد گرفت.

۴. استقرار نیروهای ابرهه و سفیانی در حومه و اطراف مکه تا صبحگاهان

که به کعبه حمله برند.

۵. نابودی هر دو سپاه در صبحگاهان روز حمله به کعبه.

۶. نجات یافتن یک نفر برای نشان دادن معجزه الهی به نیروهای دشمن که

در هر دو حادثه حمله ابرهه و سفیانی واقع شده و خواهد شد.

۷. توطئه یهود برای نابودی اجداد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و یا نابودی ایشان پس از

ظهور و نیز توطئه یهود برای نابودی حرکت حضرت مهدی علیه السلام پیش از ظهور و

یا نابودی ایشان توسط سفیانی پس از ظهور.

۸. یهودیان در عصر ظهور اسلام ناخودآگاه با معرفی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به

عنوان موعود خویش و تحقیر اعراب، به تمایل اهل مدینه جهت یاری و ایمان

آوردن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کمک کردند به همین گونه پیش از ظهور حضرت

مهدی علیه السلام با ایجاد فتنه و کشتار مخالفین اهل بیت علیهم السلام و بسترسازی جهت

ظهور حضرت مهدی علیه السلام حسن مهدی جویی را در منطقه بالا می‌برند که عاقبت

موجب تسریع در ظهور حضرت خواهد شد و با این کار نابودی خود را تسریع

می‌کنند.

۹. ظهور اسلام و مهدی علیه السلام از مکه مکرمه است.

۱۰. یاران اولیه حضرت مهدی علیه السلام ۳۱۳ نفر هستند همان‌گونه که یاران

اولین نبرد مهم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یعنی غزوه بدر نیز ۳۱۳ نفر بودند.

۱۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله میان خود و بقیه اصحاب تعداد ۱۲ نفر از بزرگان

بخش سوم / فصل اول: تشابه ظهور حضرت مهدی علیه السلام با ظهور اسلام ..... ۲۱۷

اصحاب را به عنوان «نقباء» تعیین نمود همان گونه که حضرت مهدی همین عمل را انجام خواهند داد و این تعداد نقباء هیچ گاه از دستورات ایشان تخطی نخواهند کرد.

۱۲. علم تمام انبیاء به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داده شده است. همان گونه که به مهدی علیه السلام نیز علم تمام انبیاء را داده اند.

۱۳. آثار و معجزه تمام انبیاء در اختیار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است همان گونه که مهدی علیه السلام نیز آثار و معجزه تمام انبیاء را همراه خود دارد.

۱۴. لباس و زره و اسب و دیگر لوازم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همراه ایشان است.

۱۵. قیام به شمشیر از صفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت مهدی است.

۱۶. اسلام در آغاز ظهور اسلام غریب بود، در آغاز ظهور مهدی علیه السلام نیز غریب (تنها) است.

۱۷. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آغاز ظهورشان از قریش سختی دیدند، حضرت مهدی علیه السلام نیز از قریش سختی و مشقت خواهند دید.

۱۸. اولین مبارزات و جنگ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با قریش بود، حضرت مهدی نیز اولین مبارزات خود را با قریش به عمل می آورد.

۱۹. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کتاب جدید (قرآن کریم) آورد. مهدی علیه السلام نیز با کتاب جدید می آید.

۲۰. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با دین جدید آمدند، مهدی علیه السلام نیز با دین جدید می آید.

۲۱. هر دو با امر جدید می آیند که برای عرب سخت و شدید است.

۲۲. هر دو با قضاوت جدید می آیند.

۲۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیش از هجرت و آغاز مبارزات خود با اصحابش مخفیانه بیعت نمود، مهدی علیه السلام نیز مخفیانه با اصحابش بیعت می‌کند.
۲۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کوه‌های اطراف مکه (در منی) بیعت نمود، حضرت مهدی علیه السلام نیز در کوه‌های اطراف مکه (کوه طوبی) با اصحاب خود بیعت می‌کند.
۲۵. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با سایه بانی از ابر حرکت می‌کرد، بالای سر حضرت مهدی علیه السلام نیز همواره سایه‌ای از ابر است.
۲۶. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای معراج به آسمان‌ها رفت، حضرت مهدی نیز با وسیله‌ای به نام «ابر تندر» به آسمان‌ها می‌رود تا نیروهای شیطانی را در آسمان‌ها دفع کند.
۲۷. به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تهمت دیوانه و جادوگر زدند. همین تهمت‌ها را به مهدی علیه السلام نیز خواهند زد.
۲۸. ملائکه و نیروهای آسمانی به کمک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمدند، همان‌ها نیز به کمک و یاری حضرت مهدی علیه السلام می‌آیند.
۲۹. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با اهل کتاب پیمان صلح امضاء کرد، مهدی علیه السلام نیز با اهل کتاب (مسیحیان) پیمان صلح منعقد خواهد کرد.
۳۰. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از شکستن بیعت اهل کتاب (یهودیان) به آنان حمله کرد، مهدی علیه السلام نیز به دلیل نقض پیمان به آنان حمله خواهد کرد.
۳۱. لباس و غذای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خشن بود، لباس و غذای مهدی نیز این‌گونه است.
۳۲. اولین هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه بود، حضرت مهدی علیه السلام نیز

بخش سوم / فصل اول: تشابه ظهور حضرت مهدی علیه السلام با ظهور اسلام ..... ۲۱۹

پس از ظهور اولین جایی که می‌رود، مدینه است.

۳۳. هر خون و گناهی که پیش از ظهور اسلام بوده هدر است و دین اسلام ما قبلش را خنثی می‌سازد، ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیز به منزله آغاز اسلام است که ما قبل خود را می‌پوشاند (مگر ظلم‌های خاصی که به مردم شده باشد که مورد انتقام قرار خواهد گرفت).

۳۴. اسلام آمد تا بر همه ادیان غلبه کند، حضرت مهدی علیه السلام نیز با هدف غلبه بر همه ادیان می‌آید.

۳۵. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با آل بنی‌امیه مبارزه کرد، مهدی علیه السلام نیز با بنی‌امیه (سفیانی) مبارزه خواهد کرد.

۳۶. مهدی علیه السلام هم نام و هم کنیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.

۳۷. شیطان در روز پیمان عقبه فریاد زد، هنگام ظهور نیز از ناحیه دمشق فریاد خواهد زد.

## فصل دوم:

### استقرار در کوفه

پس از مبارزه با دجال و نزول عیسی بن مریم علیه السلام دشمنان اصلی بشریت و امام علیه السلام از بین می‌روند. امام علیه السلام بعد از سال‌ها درگیری و کشمکش به مقر اصلی حکومت خویش بر روی زمین یعنی کوفه بازمی‌گردند.

حضرت باقر علیه السلام پس از حرکت امام علیه السلام برای دفع روم (اروپا) می‌فرماید:

«...سپس (مهدی علیه السلام) به کوفه بازمی‌گردد و سیصد و سیزده مرد (اصحاب خاص) را به اکناف جهان می‌فرستد. به پشت و سینه آنها دست می‌کشد تا در هیچ قضاوتی ناتوان نمانند و در زمین جایی نمی‌ماند مگر آن‌که در آن ندای شهادت، خدایی نیست جز خدای یکتای تنها و بدون شریک و نیز محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسول خداست، منتشر می‌شود و این همان سخن خداوند است که می‌فرماید: «هرچه در آسمان‌ها و زمین است خواه یا ناخواه تسلیم او می‌شود و به سوی او بازمی‌گردد»<sup>۱</sup> و صاحب این امر جزیه را نمی‌پذیرد برخلاف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که آن را می‌پذیرفت و این سخن خداوند است که فرمود:

---

۱. آل عمران (۳): آیه ۸۳.



«با آنان بجنگید تا فتنه نماند و تمام دین متعلق به خدا گردد»<sup>۱</sup>.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«سوگند به خداوند، می‌جنگند تا خداوند به وحدانیت شناخته شده و هیچ چیزی را شریک او قرار ندهند و تا جایی که پیرزن ضعیفی از مشرق به قصد مغرب خروج می‌کند هیچ کس مانع (مزاحم) وی نمی‌شود و خداوند از زمین بذرهایش را خارج ساخته و از آسمان باران می‌فرستد و مردم مالیاتشان را برگردن می‌نهند و نزد مهدی علیه السلام می‌آورند. خداوند بر شیعیان گشایش برقرار کرده و اگر این سعادت به آنها نمی‌رسید سرکش می‌شدند.

در همین هنگام که صاحب‌الامر علیه السلام احکامی برای مردم ارائه می‌کند و راجع برخی سنت‌ها سخن می‌راند، ناگهان عده‌ای از مسجد بیرون زده و می‌خواهند علیه امام علیه السلام قیام کنند. مهدی علیه السلام به اصحابش می‌فرماید: به سوی آنان روید. اصحاب نیز در محل تقارین به آنها رسیده و همگی را دستگیر می‌کنند و نزد امام علیه السلام می‌آورند و حضرت فرمان می‌دهد همگی را گردن بزنند. این قیام آخرین قیامی است که علیه قائم آل محمد علیه السلام صورت می‌گیرد»<sup>۲</sup>.

۱. بقره (۲): آیه ۱۹۳؛ انفال (۸): آیه ۳۱.

۲. غیبت نعمانی، ص ۱۸۱؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۶ - ۶۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۵ - قال الباقر علیه السلام: «...ثم يرجع الى الكوفة فيبعث الثلاث مائة و البضعة عشر رجلا الى الافاق كلها فيمسح بين اكتافهم و على صدورهم فلا يتعايون في قضاء و لا تبقى ارض الانودى فيها شهادة ان اله الا الله وحده لا شريك له و ان محمداً رسول الله و هو قوله: ﴿وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾

### نکات مهم حدیث:

۱. امام علیه السلام پس از آمدن به کوفه اصحاب خاص را به محل مأموریتشان در اقصی نقاط جهان می فرستند.
۲. امام علیه السلام با اعجاز و دست مبارک کشیدن بر سینه و پشت اصحاب آنان را در امر دین و قضاوت بصیرت می دهد تا در قضاوت میان مردم دچار اشتباه نشوند. این مطلب کار خطیر و سنگین قضاوت را بیان می کند.
۳. ندا و شهادت به «لا اله الا الله» در تمام جهان منتشر می شود و پس از مشاهده عدالت حضرت، جهانیان به تدریج به سوی اسلام گرایش می یابند. قضاوت بی نقص فقط با کمک امام علیه السلام میسر است در غیر این صورت لغزش قاضی حتمی است.
۴. امام پس از ورود به کوفه دیگر جزیه قبول نمی کند هرچند پیش تر به دلیل تازگی ظهور اسلام (جدید) جزیه را می پذیرفته اند.
۵. شیعیان پس از ظهور، گشایش فوق العاده ای را خواهند دید و اگر این

---

→ و لا یقبل صاحب هذا الامر الجزية كما قبلها رسول الله و هو قول الله: ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ﴾. قال ابو جعفر عليه السلام: يقاتلون والله حتى يوحد الله ولا يشرك به شيء و حتى يخرج العجوز الضعيفة من المشرق تريد المغرب و لا ينهارا أحد و يخرج الله من الارض بذرها و ينزل من السماء قطرها، و يخرج الناس خراجهم على رقابهم الى المهدي و يوسع الله على شيعتنا و لولا ما يدركهم من السعادة، لبغوا.

فينا صاحب هذا الامر قد حكم ببعض الاحكام و تكلم ببعض السنن اذ خرجت خارجه من المسجد يريدون الخروج عليه فيقول لاصحابه: انطلقوا، فيلحقونهم في التمارين فيأتونه بهم أسرى فيامر بهم فيذبحون و هي آخر خارجه يخرج على قائم آل محمد عليه السلام.

گشایش و رفاه را نمی‌دیدند ممکن بود از اعتقاد خویش برگشته و سرکش شوند. این مطلب نیز از رحمت خداوند بر شیعیان است.

۶. آخرین قیام علیه امام علیه السلام از مسجدی بر می‌خیزد که حضرت احکام را بیان می‌کند. معلوم می‌شود تا این لحظه یعنی پس از چند سال که از ظهور می‌گذرد هنوز بقایای افکار پوسیده دین قدیم در اذهان عده‌ای نادان وجود دارد. به همین دلیل با سخنان حضرت برآشفته و سر به شورش می‌گذارند. البته امام علیه السلام نیز در برابر این افراد اغماض نکرده و همگی را با قاطعیت نابود می‌سازند.

ابوبصیر گوید:

«حضرت صادق علیه السلام به من فرمود: ای ابامحمد! من قائم علیه السلام را می‌بینم که در مسجد سهله با اهل و عیالش فرود آمده است. گفتم: فدایت شوم آیا آنجا منزل ایشان است؟ فرمود: بله، آنجا منزل ادریس علیه السلام و ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام بوده است و خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر آن که در این مسجد نماز گزارده است و در آنجا مسکن خضر علیه السلام است و هر کس آنجا اقامت کند مانند اقامت در خیمه رسول الله صلی الله علیه و آله است و هر زن و مرد مؤمن قلبش به آنجا تمایل دارد.

گفتم: فدایت شوم، آیا قائم علیه السلام برای همیشه آنجا می‌ماند؟ فرمود: بله.

گفتم: همینطور کسی که بعد از اوست؟ فرمود: همین‌گونه کسی که بعد از اوست تا نابودی مخلوقات (در آنجا مسکن خواهد داشت)»<sup>۱</sup>.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶ - عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قال لی: «یا ابا

### نکات مهم حدیث:

۱. محل استقرار خانواده حضرت در مسجد سهله است.
۲. امام علیه السلام هنگام ظهور به احتمال بسیار زیاد دارای خانواده است. به سه دلیل می‌توان هم اکنون ایشان را دارای خانواده دانست:  
(الف) کنیه آن حضرت، ابوالقاسم و ابی‌صالح است و طبیعی است که فرزندان به نام قاسم و صالح داشته باشد.  
(ب) در ادعیه و روایات بر اهل و خانواده ایشان سلام داده‌اند از جمله همین روایت که ذکری از خانواده آن حضرت دارد.  
(ج) ازدواج در اسلام مستحب و مجرّد بودن کراهت شدید دارد، طبیعی است که آن حضرت هیچ کراهتی را مرتکب نشده باشند.
۳. امام علیه السلام که با خانواده‌اش در مسجد سهله فرود می‌آیند، می‌بایست پیش از ظهور نیز خانواده داشته باشند زیرا پس از ظهور تا استقرار در کوفه، فرصت چندانی برای تشکیل خانواده نداشته‌اند. بخصوص اگر این روایت را مربوط به ورود اولیه ایشان به کوفه که به فاصله چند ماه از ظهور رسمی صورت می‌گیرد، بدانیم.

۴. منزل همیشگی ائمه اطهار علیهم السلام تا قیامت، مسجد سهله خواهد بود.

---

→ محمد کائن اری نزول القائم علیه السلام فی مسجد السهله بأهله و عیاله. قلت: یکون منزله جعلت فداک؟ قال: نعم، کان فیہ منزل ادریس و کان منزل ابراهیم خلیل الرحمن و ما یبعث الله نبیاً الا و قد صلی فیہ و فیہ مسکن الخضر [و المقیم فیہ کالمقیم فی فسطاط رسول الله صلی الله علیه و آله و ما من مؤمن و لا مؤمنة الا و قلبه یحنّ الیه]. قلت: جعلت فداک لا یزال القائم فیہ ابداً؟ قال: نعم، قلت: فمن بعده؟ قال: هكذا من بعده الی انقضاء الخلق...».

۵. مسکن گزیدن در مسجد، برای ائمه اطهار علیهم السلام بلامانع است. همان گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای خود و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در مسجد مدینه مسکن گزید (درب خانه‌های خویش را به درون مسجد گشود).

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«هرگاه قائم علیه السلام قیام کرد (اصحابش را) به سرزمین‌های مختلف می‌فرستد و به هر سرزمینی (اقلیمی) یک مرد گسیل می‌دارد و می‌فرماید پیمان تو در کف دست توست. هرگاه حادثه‌ای برای تو رخ داد که آن را نمی‌فهمی و قضاوت در آن را نمی‌دانی به کف دست نگاه کن و براساس آن عمل نما»<sup>۱</sup>.

#### نکات مهم حدیث:

۱. اصحاب خاص کسانی هستند که در نقاط مختلف جهان حکام و والی می‌شوند.
۲. آنها برای فهمیدن و قضاوت کردن، متکی به امام علیه السلام هستند و امام نیز بر کار و قضاوت آنان نظارت دارد.
۳. وسیله ارتباطی یا کسب اطلاعات در کف دست آنان قرار دارد. این مطالب حکایت از پیشرفت تکنیکی در عصر ظهور می‌کند که با وسیله‌ای در حد کف دست می‌توانند اطلاعات لازم را از امام علیه السلام گرفته و یا مشکل را

---

۱. غیبت نعمانی، ص ۳۱۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵ - عن محمد بن جعفر عن ابیه علیه السلام قال: «اذا قام القائم [بعث] فی اقالیم الارض فی کل اقلیم رجلاً یقول عهدک [فی] کفک. فاذا ورد علیک مالا تفهمه و لاتعرف القضاء فیہ، فانظر الی کفک و اعمل بما فیها».

بخش سوم / فصل دوم: استقرار در کوفه ..... ۲۲۷

مطرح کنند و یا امام عليه السلام را ببینند. چیزی پیشرفته‌تر از کامپیوترهای قابل حمل که امروز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۴. از جمله «واعمل بما فیها» یعنی عمل کن به آنچه در آن است، معلوم می‌شود در کف دست وسیله‌ای است که در آن وسیله دستورات قرار دارد و سمعی و بصری است. زیرا صرف کف دست ملاک نیست و چیزی در آن نیست تا به آنچه در آن است عمل شود.

## فصل سوم:

### روش حضرت مهدی علیه السلام در حکومت داری

تا کنون با سیره و روش آن حضرت در استقرار حکومت آشنا شدیم. ایشان با تلاش و جهاد و سختی بسیار و حوادث خارق العاده و محیر العقول موفق می شود تا حکومت جهانی را مستقر کند و اصحاب خویش را به اقصی نقاط جهان گسیل دارد تا به میان مردم به عدالت رفتار کنند. ایشان با پیمانی که از ابتدا با اصحاب خویش منعقد می سازد، از آنان تعهد لازم را می گیرد تا آن گونه که شایسته حکومت الهی است، رفتار کنند. در غیر این صورت به شدت با آنان برخورد خواهد کرد.

عبدالله بن عطا گوید از حضرت باقر علیه السلام پرسیدم:

«هرگاه قائم علیه السلام قیام کرد با کدام سیره (روش) میان مردم رفتار می کند؟ فرمود: آن چه پیش از ایشان بوده را نابود می کند. همان گونه که رسول الله صلی الله علیه و آله کرد و اسلام را از ابتدا آغاز می کند.»<sup>۱</sup>

#### نکات مهم حدیث:

۱. همان گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اسلام را آغاز کرد، حضرت مهدی علیه السلام نیز

---

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۳۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴ - عن عبدالله بن عطا قال: «سألت ابا جعفر الباقر علیه السلام فقلت: اذا القائم علیه السلام باي سيرة يسير في الناس؟ فقال: يهدم ما قبله كما صنع رسول الله صلی الله علیه و آله و يستأنف الاسلام جديداً».

اسلام را از ابتدا شروع خواهد نمود.

۲. لازمه این کار آن است که آنچه پیش از ظهور ایشان بوده به عنوان رفتار دوره جاهلی و کفر، نادیده گرفته شود و رفتار افراد از روز ظهور محاسبه گردد. همان گونه که با آمدن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هر نوع خون و مال و... با اسلام آوردن هدر رفته و نادیده گرفته می شد و مردم تازه مسلمان متعهد بودند از آن روز درست رفتار کنند.

۳. این حرف به معنای آن است که هر کسی از الان تا ظهور هر نوع شرارت کرد، پس از آن می تواند توبه کند و از اول آغاز نماید، اما اگر کسی آگاهانه و با قصد فریب کاری، گناه انجام دهد مسلماً توفیق توبه و تسلیم شدن به امام علیه السلام را پیدا نخواهد کرد.

۴. چه تضمینی است که عمر افراد برای اصلاح شدن کفاف کند و تا آن روز زنده باشند؟

۵. تنها کسانی مورد بخشش و عفو پس از ظهور قرار می گیرند که جاهلانه دست به کار خلاف زنند و اگر می دانستند که حقیقت چیست مرتکب چنین خطاهایی نمی شدند و کسانی که آگاهانه ستم کرده و خودخواه بوده اند مجازات شدیدی در انتظارشان خواهد بود.

ابوبصیر گوید: حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«قائم علیه السلام به امر جدید و کتاب جدید و قضاء جدید برمی خیزد که بر اعراب سخت است. کار او جز استفاده از شمشیر نیست و توبه از کسی نمی پذیرد و به سرزنش کسی در راه خدا اهمیت نمی دهد»<sup>۱</sup>.

---

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۳۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴ - عن ابی بصیر قال: قال



### نکات مهم حدیث:

۱. رفتار، دین و قضاوت حضرت مهدی علیه السلام برای مردم عصرش جدید و حتی غیر قابل باور است.
۲. اعراب بیش از هر ملتی در مواجهه با حضرت مهدی علیه السلام دچار درد و رنج و مشقت می‌شوند. زیرا رفتار وی برای آنها برخلاف اسلام جلوه می‌کند.

### عدم تعیین جانشین و عدم پذیرش توبه

یکی از برداشت‌های نادرست از روش حضرت مهدی علیه السلام انتصاب «نائب» یا «قائم مقام» یا جانشین است. امام علیه السلام در دوران غیبت صغری جانشین تعیین نکرد، بلکه آن چهار نفر که به عنوان نائب معروف شدند در واقع وکلاء امام علیه السلام بودند.<sup>۱</sup> یعنی آن چهار بزرگوار که عبارت بودند از: ۱. عثمان بن سعید عمروی؛ ۲. محمد بن عثمان؛ ۳. حسین بن روح نوبختی؛ ۴. علی بن محمد سمري، همگی از طرف امام علیه السلام وکیل بودند تا حوائج و پرسش‌های مردم را به حضرت منتقل کنند و وجوهات را از آنان اخذ نمایند و بیش از این کاری بر عهده آنان نبود. در دوران غیبت کبری نیز مطابق دستور حضرت مهدی علیه السلام شیعیان موظف شده‌اند تا برای شناخت دین و احکام به علمائی که «راویان حدیث» هستند رجوع کنند. این مراجعه نیز به هیچ وجه به معنای اعطای

---

→ ابو جعفر علیه السلام: «يقوم القائم بامر جديد و كتاب جديد و قضاء جديد على العرب شديد، ليس شأنه الا بالسيف لا يستتیب احداً و لا يأخذ في الله لومة لائم».

۱. در واقع رابطین میان امام علیه السلام و شیعیان به سفیر و وکیل معروف بودند ولی در طول تاریخ به نائب خاص تغییر یافت. برای مطالعه بیشتر به کتاب غیبت شیخ طوسی ص ۳۴۵ تا ۳۷۴ مراجعه نمایید.

حکم نیابت یا جانشینی یا قائم مقامی نیست. همگان می‌دانند که جانشین و قائم مقام و نائب در حکم شخص تعیین‌کننده جانشین (منوب عنه) است و با هم هیچ فرقی ندارند ولی آیا می‌توان تصور کرد که کسی این چنین مقامی را داشته باشد؟ در دوران غیبت صغری این گونه نبود تا چه رسد به دوران غیبت کبری که به هیچ وجه این گونه نمی‌باشد. اما آیا پس از ظهور نیز نیابت وجود خواهد داشت؟ جواب هم چنان منفی است.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«...خوشا به حال کسی که او را ملاقات کند و از یارانش باشد و وای به تمامی بر کسی که با وی و برنامه‌اش مخالفت کرده و از دشمنان وی باشد. سپس فرمود: (مهدی علیه السلام) با امر جدید و سنت جدید و قضاوت جدید قیام می‌کند، در حالی که بر عرب شدید (سخت) است و کار وی جز کشتن نیست و هیچ کس را نائب قرار نمی‌دهد و در راه خداوند سرزنش کسی در وی اثر نمی‌گذارد»<sup>۱</sup>.

#### نکات مهم حدیث:

۱. بیشترین مجازات و بدترین تنبیه برای دشمنان ظاهری و بدتر از آن نصیب دشمنان باطنی امام علیه السلام می‌شود.
۲. امام علیه السلام در طول هشت ماه هر کس را در مقابل ایشان قرار گیرد از بین می‌برند.

---

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۸ - قال الباقر علیه السلام: «...فيا طوبى أدركه و كان من انصاره و الويل كل الويل لمن خالفه و خالف امره و كان من اعدائه ثم قال: يقوم بامر جديد و سنة جديدة و قضاء جديد على العرب شديد و ليس شأنه الا القتل و لا يستنيب أحداً و لا تأخذه في الله لومة لائم».

بخش سوم / فصل سوم: روش حضرت مهدی علیه السلام در حکومت‌داری ..... ۲۳۳

۳. امام علیه السلام هیچ کس را به عنوان نایب و جانشین خویش در امور مختلف

قرار نمی‌دهد. حداکثر نمایندگانی را در امور خاص قرار می‌دهند.

البته ممکن است جمله «لایستتیب احداً» یعنی هیچ کس را نایب قرار

نمی‌دهد، همان‌گونه که در روایات دیگری آمده «لایستتیب احداً» بدانیم یعنی

از هیچ کس توبه نمی‌پذیرد. شاید این برداشت ساده‌ترین راه حل باشد ولی با

توجه به روش اهل‌بیت علیهم السلام و رفتار ایشان با مردم مکه و دیگر کسانی که در

ابتدا از حضرت علیه السلام تقاضای توبه می‌کنند و امام این تقاضا را می‌پذیرد، معلوم

می‌شود که روایات دیگر نیز که در آنها به وضوح «لایستتیب» آمده است<sup>۱</sup> را

حمل بر «لایستتیب» کنیم. زیرا همان‌گونه که اشاره شد روش امام علیه السلام پذیرش

توبه می‌باشد. مگر احتمال سومی دهیم یعنی بگوییم که منظور از نپذیرفتن توبه

از افراد، در مورد افراد خاصی باشد که همانا ناصبی‌ها و دشمنان اهل‌بیت علیهم السلام

هستند.

اما مشکلی که در این برداشت وجود دارد این است که امام علیه السلام می‌فرماید:

«لایستتیب احداً» یعنی از هیچ کس بدون تفاوت، توبه نمی‌پذیرد. در حالی که

با توجه به روایات دیگر و فرامین و سنت الهی کاملاً واضح است که حضرت

مهدی علیه السلام از برخی افراد توبه را می‌پذیرد و این‌گونه نیست که مطلقاً از هیچ

کس توبه را نپذیرد. بنابراین چنین برداشتی نمی‌تواند به حقیقت نزدیک باشد و

در هر صورت برداشت «عدم تعیین نایب» از این دسته روایات به حقیقت

نزدیک‌تر به نظر می‌رسد.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴.

### رفتار با اهل کتاب و ادیان مختلف

بنابه برخی روایات، امام علیه السلام با اهل هر دین و کتابی به همان دین و کتاب رفتار می‌کند و در برخی روایات دیگر اعلام شده است که هر مشرک و صاحب دینی غیر از اسلام را نابود می‌سازد تا دین کاملاً یک دست شود.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«... امام حسین علیه السلام فرمود: (حضرت مهدی علیه السلام) یهود و مسیحیت و

دیگر ادیان را میان اسلام و شمشیر مختیر می‌کند...»<sup>۱</sup>

در قرآن کریم نیز بارها اشاره شده است که در نهایت یعنی با ظهور حضرت مهدی علیه السلام دین اسلام بر همه ادیان غلبه می‌یابد و اثری از شرک و دین‌های باطل نخواهد ماند.

ولی آیا امام عصر علیه السلام با آغاز ظهور خویش تمام اهل ادیان را می‌کشد و یا وادار به پذیرش اسلام می‌نماید یا خیر؟ در این جا سه فرضیه وجود دارد:

الف) برخورد شدید با اهل کتاب و ادیان مختلف همان‌گونه که حدیث قبل بر آن گواهی دارد.

ب) آزاد گذاشتن مردم جهان تا با اختیار و شناخت خود به تدریج وارد اسلام شوند.

ج) آزاد گذاشتن مردم جهان تا مدتی معین و برخورد شدید با آنان پس از آن تاریخ خاص.

---

۱. نواب الدهور، ج ۲، ص ۳۴۹ - قال الباقر علیه السلام: «قال الحسين علیه السلام: ... واعرض علی اليهود و النصارى و سایر الملل و لاخیرنهم بین الاسلام و السیف...»

بخش سوم / فصل سوم: روش حضرت مهدی علیه السلام در حکومت داری ..... ۲۳۵

با توجه به مجموع روایات در این زمینه که متمرکز بر برخورد شدید و نیز گرفتن جزیه و عمل براساس دین هر یک از اهل کتاب است می توان فرضیه سوم را محتمل تر دانست.

جابر از حضرت باقر علیه السلام نقل می کند:

«... و (حضرت مهدی علیه السلام) تورات و دیگر کتب خداوند عزوجل را از غاری در انطاکیه بیرون می آورد و میان اهل تورات به تورات و میان اهل انجیل به انجیل و میان اهل زبور به زبور و میان اهل قرآن به قرآن حکم می راند...»<sup>۱</sup>

با توجه به مدت مبارزات نظامی امام علیه السلام که هشت ماه به طول می انجامد و ابعاد وسیع خاورمیانه و صلح ابتدایی که با غربی ها می کنند، معلوم می شود که تا مدت های مدیدی افراد به آئین خویش عمل می کنند. ولی به دلیل سیطره و تسلط نظامی و سیاسی و آنگاه فرهنگی امام علیه السلام بر جهان مردم به تدریج با عدل امام علیه السلام آشنا می شوند و سپس دین وی برای آنان با ارزش و پذیرفتنی جلوه می کند. در این هنگام است که مردم به تدریج وارد دین اسلام می شوند ولی زمانی خواهد رسید که افراد لجوج با وجود آن که اکثریت افراد روشن ضمیر به دین اسلام گرویده اند همچنان به جهت خودخواهی زیر بار اسلام نمی روند، در این صورت، چنین افرادی میان اسلام و مرگ به وسیله شمشیر امام علیه السلام یکی را

---

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۳۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۰ - عن جابر قال: «قال الباقر علیه السلام: ... و يستخرج التوراة و سایر کتب الله عزوجل من غار بانطاکیه و یحکم بین اهل توراة بالتوراة و بین اهل الانجیل بالانجیل و بین اهل الزبور بالزبور و بین اهل القرآن بالقرآن و...».

باید انتخاب کنند. به این ترتیب هم عامل اختیار و انتخاب آزادانه اجرا شده است و هم صلابت و مبارزه حضرت علیه السلام با کفر و اهل کتاب تحقق می‌یابد.  
ابوبصیر از حضرت صادق علیه السلام نقل می‌کند:

«...گفتم: (فدایت شوم)، اهل ذمه چه جایگاهی نزد امام علیه السلام دارند؟  
فرمود: با آنها به مسالمت رفتار می‌کند. همان‌گونه که رسول الله صلی الله علیه و آله  
رفتار می‌کرد و جزیه را با حالت سرافکنندگی و با دست خود پرداخت  
می‌کنند.

گفتم: کسی که با شما دشمنی کرده چطور؟ فرمود: خیر، ابامحمد،  
کسانی که مخالف ما هستند در دولت ما نصیبی ندارند. زیرا خداوند  
خون آنها را هنگام قیام قائم علیه السلام برای ما حلال نموده است. ولی  
امروز (خون) آنها بر ما و شما حرام است. مبادا تو را فریب دهند،  
هرگاه قائم ما قیام کرد ایشان برای خدا و پیامبرش و همگی ما،  
انتقام می‌گیرد».<sup>۱</sup>

با توجه به این حدیث تکلیف اهل کتاب و ناصبی‌ها یعنی دشمنان  
ظاهری و باطنی امام و اهل بیت علیهم السلام روشن می‌شود. در واقع بدترین  
موجودات نسبت به اهل بیت علیهم السلام دشمنان و ناصبی‌ها هستند، به همین جهت  
به هر کدام از اهل ملت‌ها و ادیان مختلف فرصت شناخت و تجدید نظر

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶ - عن ابی بصیر عن ابی عبد الله علیه السلام قال: «...قلت: فما  
یکون من اهل الذمة عنده؟ قال: یسالمهم کما سالمهم رسول الله صلی الله علیه و آله و یؤدون الجزیه  
عن یدوهم صاغرون قلت: فمن نصب لکم عداوة؟ فقال: لا یا ابامحمد، ما لمن خالفنا  
فی دولتنا من نصیب ان الله قد احل لنا دماءهم عند قیام قائمنا، فالیوم محرّم علینا و  
علیکم ذلك فلا یغرنک احد، اذا قام قائمنا انتقم الله عزوجل و لرسوله و لنا اجمعین».

بخش سوم / فصل سوم: روش حضرت مهدی علیه السلام در حکومت‌داری ..... ۲۳۷

در مواضع خویش می‌دهند ولی فرصت چندانی به دشمنان ظاهری یا باطنی داده نمی‌شود.

دشمنان ظاهری امام علیه السلام کسانی هستند که آشکارا با سخن و شخصیت امام علیه السلام مقابله و مبارزه می‌کنند.

دشمنان باطنی امام علیه السلام کسانی هستند که آشکارا با امام علیه السلام مخالفت نمی‌کنند بلکه ممکن است به ظاهر خود را از پیروان اهل بیت علیهم السلام قلمداد کنند ولی در واقع و باطن خود، با سخنان یا اهداف یا عملکرد ایشان مقابله کرده یا ارزش‌ها و مقامات آنان را به یغما می‌برند و خود را شریک مقام آنان علیهم السلام قرار می‌دهند. این افراد به هیچ وجه مورد چشم‌پوشی و گذشت ایشان قرار نمی‌گیرند. همان‌گونه که در مبارزات امام علیه السلام با شیعیان متمرد در کوفه اشاره کردیم.

### اجرای احکام

اولین حکمی که پس از استقرار حکومت به اجرا می‌گذارند، ممنوع کردن حج تمتع مستحبی است و این حکم بسیار طبیعی خواهد بود زیرا با چنین جمعیتی که در جهان است و پس از ظهور نیز به سرعت افزایش خواهد یافت، دیگر نمی‌توان حج تمتع مستحبی را پذیرفت.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«اولین حکمی که قائم علیه السلام براساس عدل آشکار خواهد کرد این است

که سخن‌گوی ایشان اعلان می‌کند، کسانی که صاحب (حج) نافله

(مستحب) هستند، حجرالاسود و طواف (حج تمتع) را به صاحب

### فريضة (حج واجب) تحويل دهند.<sup>۱</sup>

#### نکات مهم حدیث:

۱. حج تمتع مستحب موجب تضييع حق کسانی می شود که حج تمتع واجب نکرده اند. افراد عادل پیش از ظهور این قاعده را محترم می دانند ولی پس از ظهور همه انسان ها مجبور هستند، اجرا کنند.
۲. با وجود جمعیت چند میلیاردی زمین و با توجه به رفاهی که پس از ظهور نصیب افراد می شود و مستطیع بودن همه مردم دنیا، معلوم می شود که باید فقط یک بار حج تمتع را انجام داد.
۳. جمعیت زمین پس از ظهور از کمند کنترل جمعیت که نوعی شرک<sup>۲</sup> به خداوند است (زیرا بی اعتمادی به روزی دهندگی خداوند است) نجات می یابد و مردم در داشتن فرزند بیشتر، مسابقه خواهند داد. زیرا بچه های ظهور همگی در جامعه صالح و پاک رشد می یابند نه جامعه فاسد امروزی، تا جایی که هر مؤمن هزار فرزند صالح خواهد داشت.

### اصلاح مساجد و اماکن مقدس

مساجد عصر ظهور بسیار ساده، معنوی و بزرگ و خالصانه است، چیزی که

۱. کافی، ج ۴، ص ۴۲۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۴ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «اول ما یظهر القائم علیه السلام من العدل ان ینادی منادیه ان یسلم صاحب النافلة لصاحب الفریضة الحجر الاسود و الطواف».

۲. لازم به تذکر است که در عصر حاضر باید برای سختی تربیت فرزند و انحراف جامعه، دست به کنترل جمعیت زد ولی آنچه موجب شرک است، اعتقاد به وخیم شدن اوضاع اقتصادی در اثر رشد بالای جمعیت می باشد.



امروز در هاله‌ای از تجملات و مفاصد پنهان شده است.

حلبی گوید:

«از حضرت صادق علیه السلام در مورد مساجد مسقف سؤال شد، آیا نماز خواندن در آنها مکروه است؟ فرمود: بله، ولی امروز برای شما زیانی ندارد. ولی وقتی عدالت (مهدی علیه السلام) برپا شد، خواهید دید که در این مورد چه می‌کند».<sup>۱</sup>

نکات مهم حدیث:

۱. مساجد مظلمه می‌تواند مساجد مسقف یا سایه‌بان‌دار باشند. به هر حال احتمالاً مساجدی است که دارای سقف‌های ثابت و مجلل باشد.
۲. سقف‌ها بعد از ظهور برداشته شده و جای آن را سقف‌های ساده مانند صدر اسلام، خواهد گرفت.

عمر بن جمیع گوید:

«از حضرت باقر علیه السلام از نماز در مساجد تصویردار پرسیدم. فرمود: نماز در آنها کراهت دارم ولی امروز به زیان شما نیست اما وقتی عدل (مهدی علیه السلام) قیام کرد، خواهید دید که در این مورد چگونه رفتار خواهد کرد».<sup>۲</sup>

---

۱. کافی، ج ۳، ص ۳۶۸ - عن الحلبي قال: «سئل ابو عبد الله عليه السلام عن المساجد المظلمة، اتركه الصلاة فيها؟ فقال: نعم و لكن لا يضركم اليوم و لو قد كان العدل لرأيتم كيف يصنع في ذلك».

۲. کافی، ج ۳، ص ۳۶۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۴ - عن عمرو بن جميع قال: سألت ابا جعفر عليه السلام عن الصلاة في المساجد المصورة فقال: أكره ذلك، ولكن لا يضركم اليوم و لو قد قام العدل لرأيتم كيف يصنع في ذلك».

### نکات مهم حدیث:

۱. کشیدن تصویر و نقاشی موجوداتی که دارای روح هستند خواه تصویر انسان‌ها یا حیوانات، ممنوع است.

۲. وجود این تصاویر در خانه نیز پسندیده نیست، بخصوص هنگام نماز خواندن و یا در مسجد و محلی که مخصوص نماز خواندن است.

۳. فلسفه حرمت کشیدن این‌گونه تصاویر به دلیل اشتغال و توجه یافتن به آنان و غافل شدن از خداوند بوده و نیز در طول تاریخ، بت‌پرستی و شخصیت پرستی از همین‌جا شروع شده است. به همین دلیل است که اهل بیت علیهم‌السلام به هیچ وجه اجازه نمی‌دادند که کسی تصویر آنان را نقاشی کند. ولی امروز همه چیز عوض شده اما به زودی با آمدن حضرت مهدی علیه‌السلام دین واقعی عرضه خواهد شد.

هنگام ظهور به طور کلی آنچه مایه بدعت بوده و مساجد را از سادگی انداخته، از بین رفته و سادگی و صفا و اخلاص جانشین آن می‌شود، تا جایی که اغلب مساجد، ساده و سایه بان دار<sup>۱</sup> می‌شوند، مگر مساجد بزرگی که فقط باید محکم و وسیع ساخته شوند که آنها را نیز بدون گنبد و مناره و با نهایت سادگی می‌سازند.

حَبَّه عَرْنَى كَوَيْد:

«امیرالمؤمنین علیه‌السلام به سوی حیره حرکت کرد و فرمود: این قسمت به آنجا متصل خواهد شد و (با دستش به حیره و کوفه اشاره

### نمونه‌هایی از تغییر احکام پس از ظهور

حضرات صادق و موسی بن جعفر علیهما السلام فرمودند:

«هرگاه قائم علیه السلام قیام نماید سه حکم صادر می‌کند که پیش از ایشان صادر نشده بود: پیرمرد زناکار (حتی غیر محصنه) و نیز کسی که زکات ندهد را می‌کشد و برادران دینی برای یکدیگر ارث می‌گذارند»<sup>۱</sup>.

#### نکات مهم حدیث:

۱. پیش از ظهور، پیرمردی که زنای غیر محصنه مرتکب شده باشد را تنها صد تازیانه می‌زنند ولی بعد از ظهور به دلیل برطرف شدن همه نوع نیاز افراد، چنین افرادی را اعدام می‌کنند.

۲. مجازات مرگ پس از ظهور نیز خواهد بود.

۳. ندادن زکات نیز موجب مرگ و اعدام می‌گردد.

۴. ارث نصیب برادران دینی خواهد شد، یعنی به آن کسی که دوست داریم وصیت می‌کنیم تمام یا بخشی از ارث پرداخت می‌شود.  
حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«دنیا تمام نمی‌شود تا این که مردی از ما اهل بیت علیهم السلام خروج می‌کند و مانند داود علیه السلام و آل داود حکم صادر می‌کند و از مردم بینه (شاهد) نمی‌خواهد»<sup>۲</sup>.

---

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۹ - عن ابی عبدالله و ابی الحسن علیهما السلام قالوا: «لو قد قام القائم لحکم بثلاث لم یحکم بها احد قبله: یقتل الشیخ الزانی و یقتل مانع الزکاة و یورث الاخ اخاه فی الاظله».

۲. همان، ص ۳۱۹ - قال الصادق علیه السلام: «لن تذهب الدنیا حتی ینخرج رجل منا اهل البیت علیهم السلام یحکم بحکم داود و آل داود و لا یسأل الناس بینة».

بخش سوم / فصل سوم: روش حضرت مهدی علیه السلام در حکومت‌داری ..... ۲۴۳

امام عصر علیه السلام پس از ظهور در قضاوت‌های خویش به بینه و شاهد اعتنایی نمی‌کنند بلکه براساس علم الهی خویش حکم صادر می‌کنند. هرچند هیچ مدرکی بر آن وجود نداشته باشد.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«در کتاب علی علیه السلام یافتیم که زمین متعلق به خداست، به هر کسی خواست ارث می‌دهد و عاقبت متعلق به متقین است. هرکس زمینی را از مسلمانان گرفته و آباد ساخته است، باید مالیات (خراج) آن را به امام علیه السلام از اهل بیت علیهم السلام بدهد و او می‌تواند از محصولات آن زمین مصرف کند تا قائم علیه السلام از اهل بیت علیهم السلام من با شمشیر قیام کرده و آنها را به چنگ آورده و از دست آنها بیرون آورد، همان‌گونه که رسول الله صلی الله علیه و آله نمود، مگر آن‌چه در اختیار شیعیان ما است که مقاطعه در اختیار آنها خواهد ماند و زمین را در دست آنها می‌گذارد»<sup>۱</sup>.

#### نکات مهم حدیث:

۱. تمام زمین پس از ظهور از چنگ صاحبانش بیرون می‌آید و هیچ کس مالک زمین نخواهد بود.
۲. شیعیان هنگام ظهور از طرف امام علیه السلام مأمور می‌شوند تا مالک زمین در دست خود باشند.

---

۱. همان، ص ۳۹۰ - عن ابی خالد الکابلی قال: «قال ابو جعفر علیه السلام: وجدنا فی کتاب علی علیه السلام ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبة للمتقین فمن اخذ ارضاً من المسلمین فعمرها فلیؤد خراجها الی الامام من اهل بیتی و له ما اکل منها حتی ینظر القائم علیه السلام [من اهل بیتی] بالسیف فیحویها و یخرجهم عنها کما حواها رسول الله صلی الله علیه و آله الا ما کان فی ایدی شیعتنا فانه یقاطعهم علی ما فی ایدیهم و ینتک الارض فی ایدیهم».

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«...مهدی علیه السلام را مهدی می‌نامند زیرا به امری مخفی هدایت می‌کند. به گونه‌ای که مردی را دستگیر می‌کند و مردم گمان نمی‌کنند گناهی مرتکب شده است ولی او را می‌کشد تا جایی که هر کسی در خانه‌اش سخن می‌گوید، می‌ترسد مبادا دیوارها علیه وی شهادت دهند»<sup>۱</sup>.

### نکات مهم حدیث:

۱. حضرت مهدی علیه السلام با اذن الهی به امور غیبی و مخفی با اطلاع هستند. از این جهت یکی از دلایل نام‌گذاری ایشان به عنوان مهدی علیه السلام، این است که ایشان مردم را به امور پنهان و مخفی نسبت به افکار و اعمال آنان آگاه می‌سازد.

۲. این مطلب در راستای قضاوت آن حضرت علیه السلام براساس علم الهی خویش می‌باشد.

۳. شهادت دیوارها می‌تواند ناشی از احساس ترس دشمنان امام علیه السلام از قدرت و توانایی آن حضرت باشد و یا می‌تواند ناشی از یک امر واقعی یعنی استفاده از وسایل پیشرفته استراق سمع یا منظور اطلاع رسانی امور پنهان توسط ملائکه به امام علیه السلام باشد.

### شیعیان پس از ظهور

شیعیان به طور عام و اصحاب حضرت مهدی علیه السلام به طور خاص بهترین جایگاه

---

۱. همان، ص ۳۹۰ - قال الباقر علیه السلام: «انما سُمِّي المهدی علیه السلام لانه یهدی الی امر خفی حتی انه یبعث الی رجل لا یعلم الناس له ذنب فیقتله حتی ان احدهم یتکلّم فی بیته فیخاف ان شهید علیه الجدار».

بخش سوم / فصل سوم: روش حضرت مهدی علیه السلام در حکومت‌داری ..... ۲۴۵

را در ظهور و پس از ظهور خواهند داشت. فراموش نکنید که منظور ما از شیعیان، شیعیانی هستند که از آزمایش‌های عصر ظهور به سلامت عبور کرده باشند.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«شیعیان ما در دولت قائم علیه السلام بزرگان و حاکمان زمین خواهند بود. به هر یک از مردان شیعه نیروی چهل مرد داده می‌شود و حضرت باقر علیه السلام فرمود: وحشت در قلب‌های شیعیان ما از دشمنان ما افکنده شده است. وقتی امر (حکومت) ما واقع شد و مهدی علیه السلام ما قیام کرد و مهدی علیه السلام ما آمد، هر یک از شیعیان قوی‌تر از شیر و برنده‌تر از پیکان خواهد بود. با پایش دشمنان ما را کوبیده و با دستش به قتل می‌رساند»<sup>۱</sup>.

در مورد وحشت و ترس و علل آن در قلب شیعیان پیش از ظهور و قدرت یافتن و نهراسیدن آنان پس از ظهور، پیش‌تر بررسی کردیم. همان‌گونه که اشاره شد منظور از شیعه کسانی که ادعای شیعه بودن می‌کنند، نیست بلکه کسانی هستند که از آزمایش‌های عصر ظهور نجات یافته‌اند و پس از ظهور نیز شیعه هستند. زیرا بسیاری از شیعیان پس از ظهور و در عصر حوادث ظهور بی‌اعتقاد می‌شوند.

---

۱. همان، ص ۳۷۲ - قال ابو عبد الله علیه السلام: «یکون شیعتنا فی دولة القائم علیه السلام سنام الارض و حکامها، يعطى كل رجل منهم قوة اربعین رجلا و قال ابو جعفر علیه السلام: ألقى الرعب فی قلوب شیعتنا من عدونا فاذا وقع امرنا و خرج مهدینا کان احدهم اجری من اللیث و امضى من السنان، يطا عدونا بقدمیه و یقتله بكفیه».

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«هرگاه قائم علیه السلام قیام کرد، کسانی از این امر (ولایت) خارج می‌شوند که گمان می‌رفت از اهل (ولایت) بوده‌اند و وارد سنت (و روش) پرستندگان خورشید و ماه می‌گردند»<sup>۱</sup>.

از این گمراهی پس از هدایت به خدا پناه می‌بریم. ولی نمی‌توان چشم را به روی این واقعیت بست. کسانی که می‌خواهند پس از ظهور شیعه باشند، باید فقط به دامن اهل بیت علیهم السلام چنگ زنند و از سست ایمانان که دین را وارونه جلوه می‌دهند، پیروی نکنند و برای این منظور سعی کنند از راهی که روایات اهل بیت علیهم السلام نشان می‌دهند، عدول نکنند.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«من شیعیان را در مسجد کوفه می‌بینم در حالی که چادرهایی زده‌اند، قرآن را همان‌گونه که نازل شده است، آموزش می‌دهند و بدانید قائم ما هر وقت قیام کرد آنجا (مسجد کوفه) را خراب کرده و قبله‌اش را راست می‌گرداند»<sup>۲</sup>.

**نکات مهم حدیث:**

۱. شیعیان به آموزش اعراب و مردم عراق خواهند پرداخت.
۲. قرآن را آن‌گونه که نازل شده است، آموزش می‌دهند.

۱. همان، ص ۳۶۴ - قال ابو عبد الله علیه السلام: «اذا خرج القائم علیه السلام خرج من هذا الامر من كان یری انه من اهله و دخل فی سنة عبدة الشمس و القمر».

۲. غیبت نعمانی، ص ۳۱۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴ - قال امیرالمؤمنین علیه السلام: «کانی أنظر الی شیعتنا بمسجد الکوفه و قد ضربوا الفساطیط یعلمون الناس القرآن کما انزل، أما ان قائمنا اذا قام کسره و سوی قبلته».

بخش سوم / فصل سوم: روش حضرت مهدی علیه السلام در حکومت‌داری ..... ۲۴۷

۳. مسجد کوفه در آن زمان آنقدر بزرگ شده است که در جای جای آن چادرهای متعدد زده می‌شود و آنجا را محل آموزش قرآن قرار می‌دهند.
۴. امام عصر علیه السلام مسجد کوفه را خراب می‌کند و دوباره بنا می‌سازد.  
ابن نباته گوید:

«شنیدم علی علیه السلام می‌فرمود: من عجم را می‌بینم که چادرهایشان را در مسجد کوفه زده‌اند و قرآن را همان‌گونه که نازل شده است به مردم آموزش می‌دهند. گفتم: ای امیرالمؤمنین آیا مگر قرآن (موجود) همان‌گونه که نازل شده نیست؟ فرمود: خیر. هفتاد اسم از اسامی قریش و اجدادشان را از قرآن پاک کرده‌اند و فقط ابولهب را گذاشته‌اند تا به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آزار رسانند، زیرا ابولهب عمومی ایشان بود»<sup>۱</sup>.

#### نکات مهم حدیث:

۱. شیعیان در احادیث قبل همان ایرانی‌هایی هستند که در کوفه مستقر شده‌اند. یا حداقل اکثریت آنها ایرانی هستند.
۲. به این ترتیب جایگاه شیعیان خالص ایرانی را در عصر ظهور و پس از آن می‌شناسیم تا جایی که آنان قرآن جدید و واقعی را به عرب زبان‌ها یاد می‌دهند. البته آن شیعیان ایرانی که از حوادث و آزمایش‌های ظهور، سالم خارج شده باشند.

---

۱. غیبت نعمانی، ص ۳۱۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴ - عن ابن نباته قال: «سمعت علیاً علیه السلام يقول: کأنی بالعجم فساطیطهم فی مسجد الکوفة یعلمون الناس القرآن کما انزل. قلت: یا امیرالمؤمنین اولیس هو کما انزل؟ فقال: لا، محی منه سبعون من قریش بأسمائهم و أسماء آبائهم و ما ترک ابولهب الا للآزرء علی رسول الله صلی الله علیه و آله لانه عمه».



۳. حذف برخی مطالب از قرآن به معنی تأویل و تفسیری است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نوشته‌اند، ولی قریش آن قرآن را نپذیرفت و یا منظور این است که آیاتی از اصل قرآن حذف شده است در این صورت حذف مقداری از قرآن به معنای تحریف نیست، زیرا آیات موجود بدون دخالت بشر نوشته شده و وحی (الهی) است، هر چند اگر چیزی از آن حذف شده باشد. در واقع بشر چیزی به قرآن نیافزوده است و تحریف کتاب‌های آسمانی دیگر، به حذف و اضافه شدن مطالب در آنها است ولی کسی نتوانسته است چیزی به قرآن موجود اضافه کند و همین به معنی دست نخورده بودن قرآن است.

#### محل استقرار حضرت مهدی علیه السلام

هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام جهان را فتح نمودند و تمام دشمنان و خائنان بشریت را نابود ساختند، دوباره برای اداره جهان به کوفه بازمی‌گردند. احتمال دارد، ساختن مسجدی در کوفه با ابعاد هزار درب را نیز در همین مرتبه و پس از استقرار عدل بر جهان آغاز نمایند.

ابوبصیر از حضرت صادق علیه السلام نقل می‌کند:

«ای ابامحمد من قائم علیه السلام را می‌بینم که با اهل و عیالش در مسجد سهله فرود می‌آیند. گفتم: آنجا منزلش است؟ فرمود: بله. آنجا منزل ادریس است و خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر در آنجا نماز گزارده است. کسی که آنجا اقامت گزیند مانند کسی است که در خیمه رسول الله صلی الله علیه و آله جا گرفته است و هیچ زن و مرد مؤمنی نیست مگر قلبش به آنجا تمایل دارد و هیچ شب و روزی نمی‌گذرد مگر این که

بخش سوم / فصل سوم: روش حضرت مهدی علیه السلام در حکومت‌داری ..... ۲۴۹

ملائکه به این مسجد پناه برند و در آن نماز می‌گذارند. ای ابامحمد بدان، اگر من نزدیک شما بودم جز در آنجا نماز نمی‌گزاردم. هرگاه قائم ما قیام نمود، خداوند برای پیامبرش و ما همگی انتقام خواهد گرفت»<sup>۱</sup>.

همان‌گونه که در حدیث فوق مشهود است محل استقرار حضرت مهدی علیه السلام مسجد سهله خواهد بود و انتقام برای اهل بیت علیهم السلام فقط از طریق حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود و شخص دیگری نمی‌تواند ادعای انجام این مهم را داشته باشد.

حضرت صادق علیه السلام مسجد سهله را یاد کرد و فرمود:

«بدانید که آنجا منزل صاحب ما (حضرت مهدی علیه السلام) خواهد بود، هرگاه با خانواده‌اش به کوفه آیند»<sup>۲</sup>.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف مسجد کوفه فرمود: در وسط مسجد چشمه‌ای از روغن و چشمه‌ای از شیر و چشمه‌ای از آب که شراب

---

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷ - عن ابوبصیر عن ابی عبدالله علیه السلام انه قال: یا ابامحمد کأنی أری نزول القائم فی مسجد السهله بأهله و عیاله، قلت: یکون منزله؟ قال: نعم هو منزل ادریس علیه السلام و ما بعث الله نبیاً الا و قد صلی فیہ و المقیم فیہ کالمقیم فی فسطاط رسول الله صلی الله علیه و آله و ما من مؤمن و لا مؤمنة الا و قلبه یحس الیه و ما من یوم و لا لیلة الا و الملائكة یأوون الی هذا المسجد، یعبدون الله فیہ، یا ابامحمد أما اتی لو کنت بالقرب منکم ما صلیت صلاة الا فیہ. ثم اذا قام قائمنا انتقم الله لرسوله و لنا اجمعین».

۲. غیبت طوسی، ص ۴۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۱ - عن صالح بن ابی الاسود عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «ذکر مسجد السهله فقال: أما انه منزل صاحبنا اذا قدم بأهله».

مؤمنین است و چشمه‌ای از آب پاک برای مؤمنین خواهد بود»<sup>۱</sup>.  
این چشمه‌ها در سال‌های پس از استقرار حکومت عدل در جهان و شاید در  
نزدیکی عصر رجعت جاری شوند. زمانی که بیابان‌های دنیا به مراتع سرسبزی  
تبدیل شده و هیچ‌گونه خشکسالی و قحطی در جهان یافت نشود.  
مسجد کوفه محل قضاوت و حکومت‌داری و مسجد سهله محل استقرار  
خانواده حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود.

---

۱. تهبذیب، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۳۲۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۴ - عن  
ابی عبدالله علیه السلام قال: «قال امیر المؤمنین علیه السلام فی وصف مسجد الکوفه: فی وسطه عین  
من دهن و عین من لبن و عین من ماء شراب للمؤمنین و عین من ماء طهور  
للمؤمنین».

## فصل چهارم:

### رفاه در عصر حضرت مهدی علیه السلام

رفاه و آسایش و آرامش روحی، آرزوی دیرینه بشر بوده است. متفکرین و اندیشمندان بشری در تصورات و تلاش‌های ذهنی خویش (بیراهه) به دنبال مدینه فاضله‌ای (اتوپیا) بوده‌اند که در آن غم و اندوه و رنج رخت بر بسته و جای آن سراسر شادی، آسایش و رفاه و بی‌نیازی قرار گرفته باشد. اما بیچارگان و درماندگان فکری جهان (اندیشمندان بشری) نمی‌دانستند که از چه طریق و کدام راه به این آرزو می‌رسند، در نتیجه تلاش آنان، بر جهل و نادانی و تبعیض و گرفتاری و درگیری بشر را افزوده شده است. در واقع جستجوی بیهوده اندیشمندان بشری، نقطه سقوطی در گرداب تبعیض و ستم بر حجّت‌های الهی است. در حالی که آنان فقط می‌بایست بجای تفکرات واهی و فریبنده، تسلیم اهل بیت علیهم السلام می‌شدند.

با ظهور دولت حضرت مهدی علیه السلام است که بشر با گم‌شده دیرینه خود آشنا می‌شود و یکی از عوامل گسترش دولت عدل حضرت مهدی علیه السلام، رفاهی است که با استقرار دولت حضرتش علیه السلام به وجود می‌آید.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«... و اموال مردم دنیا به تمامی آن چه درون و آن چه در سطح زمین

است، نزد مهدی علیه السلام جمع می‌گردد. در نتیجه به مردم (جهان) گفته می‌شود: بیاید به سوی آن چه (اموالی) که به خاطر آن با خویشاوندانتان می‌بریدید و خون بی‌گناهان را می‌ریختید و (هزاران) گناه مرتکب می‌شدید. پس مهدی علیه السلام اموالی اعطاء می‌کند که هیچ کس پیش از وی اعطا نکرده است.<sup>۱</sup>

زهی تاسف بر این انسان خیره‌سر که خونس را در راه دنیایی می‌ریخت که می‌خواست به چنگش آورد تا لذت ببرد. این کمال حماقت است که جانش را بدهد تا شاید به لذتی برسد و طبیعی است که با جان دادن یا جان ستاندن نه به لذتی می‌رسید و نه به حیات و زندگی دست می‌یافت.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«من دین شما را می‌بینم که همواره در عقب‌گرد (کاهش) است و به خون آلوده می‌شود، سپس آن (دین) را کسی باز نمی‌گرداند مگر مردی از ما اهل بیت علیهم السلام (حضرت مهدی علیه السلام) که در طول یک سال دو مرتبه عطاء (هدیه) و در ماه دو مرتبه حقوق برای شما اعطاء می‌کند و در زمان وی آنچنان حکمت پیدا می‌کنید که زنان در خانه به کتاب خدا و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قضاوت می‌کنند».<sup>۲</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰ - قال الباقر علیه السلام: «و یجتمع الیه اهل الدنیا کلها من بطن الارض و ظهرها، فیقال للناس: تعالوا الی ما قطعتم فیہ الارحام و سفکتتم فیہ الدم الحرام و رکبتم فیہ المحارم، فیعطی عطاء لم یعطه احد قبله».

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۳۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲ - عن ابی جعفر علیه السلام انه قال: «کأننی بدینکم هذا لایزال مولیاً یفحص بدمه ثم لا یرده علیکم الا رجل منا اهل البیت فیعطیکم فی السنة عطائین و یرزقکم فی الشهر رزقین و تؤتون الحکمة فی زمانه حتی ان المرأة لتقضى فی بیتها بکتاب الله تعالی و سنة رسول الله صلی الله علیه و آله».

نکته مهم در این حدیث نقش زنان در جامعه حضرت مهدی علیه السلام است. زنان در عصر ظهور با حکمت الهی که پیدا می‌کنند در خانواده‌ها نقش قاضی را میان فرزندان و شوهرانشان ایفا می‌کنند. ولی در جامعه، خود را مطرح نمی‌کنند چون نیازی به این کار نمی‌بینند. این مطلب هشدار است به زنانی که گمان می‌کنند می‌توانند مبلغ دین برای عموم جامعه باشند، هرچند روایات در این مورد بسیار است و برای دور نشدن از مقصود از مطرح کردن آنها صرف نظر می‌کنیم. اگر کسی مخالف این سخنان است، صبر کند به زودی دولت حق را که دید، پی به درستی این سخنان خواهد برد.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«هرگاه قائم علیه السلام قیام نمود، خداوند دستش را بر سر بندگان قرار داده در نتیجه به این وسیله عقل‌های آنان گرد آمده و اخلاقشان (رفتارشان) کامل می‌گردد»<sup>۱</sup>.

#### نکات مهم حدیث:

۱. خداوند در عصر ظهور، قبل و بعد از ظهور به تمام بندگان عنایت می‌کند و سیستم زندگی آنها را تغییر می‌دهد.

۲. دست خداوند اشاره به عنایت خداوند به تمام بندگان است و این عنایت را در پیشرفت‌های تکنیکی و علمی مشاهده می‌کنیم و در واقع اگر بخصوص در وسایل ارتباط راه دور توفیق بیشتری نصیب بشر شده، به جهت کاربرد این وسایل در معرفی حضرت علیه السلام پیش از ظهور و اعلان عمومی ظهور پس از ظهور

---

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶ - قال الباقر علیه السلام: «إذا قام قائمنا وضع يده على رؤس العباد فجمع به عقولهم و اكمل به اخلاقهم».

ایشان می باشد.

۳. عقل مردم جمع می شود، کنایه از دوری انسانها از تفرقه فکری و یکدست شدن ارادهها و خواستهای بشری است که همگی یکدست، نجات و رهایی را از جانب خداوند خواستار می شوند.

۴. اخلاق مردم کامل می شود، کنایه از روش و رفتار مردم است که به سوی پیروی مطلق از امام عصر علیه السلام پیش می روند.

## فصل پنجم:

### دانش و تکنولوژی در عصر حضرت مهدی علیه السلام

از مهم‌ترین مشخصات حکومت حضرت مهدی علیه السلام گسترش فوق‌العاده علم و تکنولوژی می‌باشد. این تغییر و پیشرفت در تمام ابعاد علوم تجربی و انسانی صورت می‌گیرد. یک سری علوم بخصوص در زمینه‌های علوم انسانی از بین می‌رود و یک سری نیز تغییرات اساسی می‌بینند و تعدادی نیز به سرعت رشد می‌کند.

از مهم‌ترین علوم که از بین رفته یا تغییر اساسی می‌یابد، علوم انسانی شامل فلسفه، عرفان، روانشناسی و علوم اجتماعی می‌باشد. به طور کلی علمی که بر پایه تخیلات و تصورات بشری ساخته شده، محکوم به نابودی است و جای آن را علوم حقیقی بر پایه حقایق غیبی و قطعی می‌گیرد.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«علم ۲۷ حرف (بخش) است. تمام آن چه پیامبران علیهم السلام آورده‌اند، دو حرف (بخش) است و همه مردم تا امروز جز دو حرف یاد نگرفته‌اند. اما وقتی قائم علیه السلام قیام کرد، ۲۵ حرف (دیگر) را بیرون آورده و



میان مردم پخش می‌کند و آن دو حرف را به آنها (۲۵ حرف) اضافه می‌کند تا ۲۷ حرف را میان مردم منتشر سازد»<sup>۱</sup>.

### نکات مهم حدیث:

۱. مراد از علم فقط تکنولوژی و دانش فنی نیست بلکه تمام آنچه که یک انسان باید بداند تا به آسایش، رفاه و سعادت ابدی برسد، منظور است.
۲. تا پیش از ظهور دو بخش از بخش‌های بیست و هفت‌گانه علم، ارائه شده است. ولی این حرف دلیل نمی‌شود که این بخش‌ها به قسمت مساوی تقسیم شده باشند، یعنی این‌گونه نیست که تا پیش از ظهور ۷/۴٪ از ۲۷ بخش ظاهر شده باشد و ۹۶/۶٪ بقیه پس از ظهور آشکار شود. زیرا دو حرف پیش از ظهور ممکن است اصلاً با دو حرف پس از ظهور به لحاظ کیفیت و کمیت قابل مقایسه نباشند.

دانش بشری پس از ظهور از حالت تجربه و خطا بیرون می‌آید. در عصر حاضر علوم تجربی بر پایه مشاهده اولیه و طرح فرضیه و سپس آزمایش و تجربه فرضیات و آنگاه پس از اثبات فرضیه، یک قانون تجربی به دست می‌آید. این قانون بر پایه مشاهدات به دست آمده است و ممکن است در هر زمانی بطلان و خطایش روشن شود. اما پس از ظهور، روش شناخت علوم تغییر می‌کند. علوم شامل علوم تجربی و علوم غیر تجربی نخواهد بود. در آن عصر

---

۱. مختصر بصائر، ص ۱۱۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶ - قال ابو عبدالله عليه السلام: «العلم سبعة و عشرون حرفاً جميع ما جاءت به الرسل حرفان فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين، فاذا قام قائمنا اخرج الخمسة و العشرين حرفاً فبثها في الناس و ضم اليها الحرفين حتى يشبه سبعة و عشرين حرفاً».

تمامی علوم از منبع وحی و ارتباط با حقیقت و غیب به دست می آید. دیگر نیاز نیست یک فرضیه را بارها تجربه کنیم تا به نتیجه برسیم. روش تجربه و خطا برای کشف علوم که به مثابه حرکت در یک اتاق تاریک است، عوض شده و تبدیل به حرکت در یک اتاق روشن می شود. کسی که در یک اتاق روشن حرکت می کند، با کسی که در اتاق تاریک گام بر می دارد تفاوت دارد. کسی که در اتاق تاریک گام بر می دارد طبیعی است از روش تجربه و خطا تبعیت کرده و به آهستگی پیش رود و چندین احتمال را آزمایش کند تا به طور تصادفی به نتیجه مطلوب برسد. اما همان نتیجه نیز دائمی نیست و پس از کشف خطا یا نقص آن، دوباره جستجوی جدید و کشف قانون و نتیجه جدید مطرح می شود.

ولی پس از ظهور و با حرکت در اتاق روشن، تنها چیزی که شما برای دریافت نتیجه و قانون طبیعی و حقیقی لازم دارید، این است که هدفی را مشخص کنید و کوتاه ترین راه را برای رسیدن به آن انتخاب نمایید، همه این کارها را نیز با بصیرت و بینایی انجام می دهید. دیگر خطایی در کار نیست. در اینجا است که در عصر ظهور، نقص علم به نقص انتخاب افراد مربوط است، نه مانند عصر حاضر که به نقص ابزار و عدم دسترسی به هدفی معین مربوط می باشد. در عصر ظهور هدف علوم کاملاً آشکار است.

علاوه بر علم امام علیه السلام و دسترسی به علم ایشان، برای کسانی که می خواهند از این علم استفاده کنند، با ارتباط با موجودات فرازمینی و دریافت سطح تمدن و امکانات فنی و تکنولوژی آنها، بشریت به راحتی می تواند از تجربیات آن

موجودات استفاده کرده و علوم خویش را به سرعت و بدون خطا پیش ببرد.  
در این جا به برخی شواهد و موارد تغییرات علمی اشاره می‌کنیم.  
ابوبصیر گوید:

«به حضرت باقر علیه السلام گفتم: فدایت شوم، چگونه سال‌ها طولانی می‌شوند؟ فرمود: خداوند به فلک (منظومه شمسی) فرمان می‌دهد تا آرام شده و حرکتش کند گردد. در این صورت روزها و سال‌ها طولانی می‌شود. گفتم: فلاسفه (منجمان) می‌گویند: اگر فلک (گردش سیارات) تغییر کند، نابود می‌شوند. امام علیه السلام فرمود: این سخن منکرین خداوند است. اما مسلمانان نمی‌توانند این چنین اعتقادی داشته باشند، در حالی که (می‌دانند) خداوند ماه را برای پیامبرش صلی الله علیه و آله شکافت و خورشید را برای یوشع بن نون (و حضرت امیر علیه السلام) برگرداند و خبر داده که روز قیامت طولانی است و مانند هزار سال شمردنی شماست»<sup>۱</sup>.

#### نکات مهم حدیث:

۱. بسیاری از برداشت‌های ما در دانش فیزیک و نجوم ناقص است و متأسفانه با همه پیشرفتی که داشته‌ایم اساس دانش فیزیک و نجوم ما بر

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹ - قال ابوبصیر: «قلت له (ابا جعفر علیه السلام): جعلت فداك، فكيف تطول السنون؟ قال: يأمر الله تعالى الفلك باللبوث و قلة الحركة فتطول الايام لذلك و السنون قال: قلت له: انهم يقولون: انّ الفلك اذا تغیر فسد. قال: ذلك قول الزنادقة فأما المسلمون فلا سبيل لهم الى ذلك، و قد شقّ الله القمر لنبيه صلی الله علیه و آله و ردّ الشمس من قبله ليوشع بن نون، و اخبر بطول يوم القيامة و أنّه كآلف سنة مما تعدّون».

بخش سوم / فصل پنجم: دانش و تکنولوژی در عصر حضرت مهدی علیه السلام . . . . . ۲۵۹

محاسبات قدیمی استوار است. از جمله نواقص فیزیک امروز، برداشت غلط از حرکت سیارات و افلاک است. ما هنوز نمی‌دانیم سیارات مختلف با چه زاویه‌ای و چه فاصله‌ای و چه مقدار گردش دچار چه تحولی می‌شود. در نتیجه حق نداریم از پیش خود بگوییم که اگر مثلاً سرعت حرکت زمین یا زاویه این حرکت تغییر کرد چه روی می‌دهد.

۲. نمونه این تغییرات در طول تاریخ رخ داده است، از جمله شکافته شدن ماه و حرکت معکوس زمین یا خورشید و . . . .

۳. قدرت علمی و دانش بشر پس از ظهور به جایی می‌رسد که می‌تواند عنان حرکت ستارگان از جمله خورشید و زمین و دیگر سیارات را به دست گیرد و حتی به دلخواه خود تغییراتی در آنها ایجاد کند.  
مفضل گوید:

«شنیدم حضرت صادق علیه السلام فرمود: هرگاه قائم علیه السلام قیام کرد، زمین با نور پروردگارش روشن می‌شود و مردم از نور خورشید بی‌نیاز می‌شوند و تاریکی از بین می‌رود و افراد عمر طولانی می‌یابند تا این که هزار فرزند پسر برای آنها درست می‌شود، در حالی که دختری میان آنها نیست و زمین گنج‌هایش را آشکار می‌کند تا جایی که مردم آنها را در سطح زمین می‌بینند...»<sup>۱</sup>

---

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷ - روی المفضل بن عمر قال: «سمعت ابا عبد الله علیه السلام يقول: ان قائمنا اذا قام اشرفت الارض بنور ربها و استغنى العباد عن ضوء الشمس و ذهب الظلمة و يعمر الرجل في ملكه حتى يولد له الف ذكر لا تولد فيهم انثى و تظهر الارض كنوزها حتى تراها الناس على وجهها...»

### نکات مهم حدیث:

۱. با ظهور حضرت مهدی علیه السلام دانش بشری به جایی خواهد رسید که به منبع ارزان و بدون کاستی نور و تولید انرژی دست خواهد یافت و دیگر نیازی به خورشید در شب نیست زیرا تاریکی و شب جای خودش را به نور و روشنایی می‌دهد.
۲. این سخن به این معنا نیست که خورشید بی‌خاصیت می‌شود. بلکه معنایش این است که نور خورشید در اختیار انسان‌ها قرار می‌گیرد و آن‌گونه که اختیار آنها است از آن استفاده می‌کنند نه این که خورشید بدون استفاده می‌شود.
۳. سفرهای فضایی انسان‌ها و استفاده از انرژی‌های نهفته درون مواد (از جمله انرژی راکتورهای جوش هسته‌ای) که بدون خطر و تمام ناشدنی هستند انسان‌ها را از منظومه شمسی و خورشید بی‌نیاز می‌کند. زیرا تا اعماق کهکشان‌ها در تصرف انسان‌های موحد و تابع حضرت علیه السلام خواهد بود.
۴. عمر طولانی و داشتن هزار پسر بدون داشتن دختر حکمی همگانی نیست بلکه منظور این است که افراد به انتخاب خودشان نوع بچه را انتخاب می‌کنند. کسی که خواست هزار پسر داشته باشد می‌تواند بدون این که اشتباه کند و دختری ساخته شود، همین‌طور بر عکس. انتخاب جنسیت فرزندان با افراد خواهد بود.
۵. آشکار شدن گنج‌های زمین نیز حکایت از پیشرفت تکنیکی معدن‌شناسی و استخراج معادن دارد.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«هرگاه قائم ما قیام کند، خداوند گوش‌ها و چشم‌های شیعیان را توسعه می‌دهد تا جایی که میان آنان و قائم علیه السلام نامه‌رسانی نخواهد بود. اما با امام علیه السلام سخن گفته و صدایش را می‌شنوند و به ایشان نگاه می‌کنند در حالی که امام علیه السلام در مکان اولیه‌اش است.»<sup>۱</sup>

### نکات مهم حدیث:

۱. امکانات ارتباطی پیش از ظهور از نشانه‌ها و برکات ظهور امام علیه السلام است که خداوند به بشریت اعطاء کرده است.
  ۲. اعطاء این امکانات به تمام مردم دنیا است و تخصیص نام شیعه برای انحصار آنها نیست بلکه توجه خاص و استفاده بهینه از جانب آنان خواهد بود.
  ۳. البته معنای دیگری برای حدیث می‌توان نمود. شاید منظور، قدرت خاص ارتباطی معنوی با امام علیه السلام باشد که هنگام ظهور نصیب شیعیان و اصحاب آن حضرت علیه السلام می‌شود. ولی خصوصیات دیدن و شنیدن امام علیه السلام و وجود ایشان در مکان اولیه نظریه اول را تقویت می‌کند. هرچند ممکن است دو مطلب مورد نظر امام علیه السلام بوده باشد.
- در روایت دیگر سخن گفتن حیوانات مختلف با انسان‌ها و طولانی شدن عمر تا هزار سال و برطرف شدن بیماری‌ها و از بین رفتن بیابان‌های جهان و... همگی از برکات و نتایج دولت عدل و حق است. همان‌گونه که خداوند تمام این

---

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

آثار را در این آیه شریفه جمع کرده است: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾<sup>۱</sup>؛ ترجمه: «اگر اهل تمدن‌ها (آبادی‌ها) ایمان آورده و تقوای الهی پیشه خود می‌کردند ما نیز در ب‌های آسمان‌ها و زمین را بر آنها می‌گشودیم. ولی (افسوس) آنها (پیامبران و پیام‌های آسمانی را) تکذیب کردند، ما نیز آنان را به جهت آنچه تکذیب کردند، عذاب نمودیم...».

اگر مردم جهان از ابتدایی که حجّت‌های الهی نزد مردم می‌آمدند مطیع و منقاد آنان می‌شدند و پیروی افراد جاه‌طلب و خودخواه نمی‌کردند و به دنبال رهبران سیاسی، فکری و اجتماعی و ثروتمندان خویش نمی‌رفتند، هزاران سال پیش به عدالت و رفاه رسیده و از تلفات انسانی در طول تاریخ که در اثر جنگ و آسیب‌های به ظاهر طبیعی یعنی سیل و زلزله و... بوجود آمده است در امان بودند ولی چه کنیم که این سخنان همواره در گوش کر تاریخ فرو نرفت تا امروز که همان سرنوشت گریبان مردم جهان را گرفته و باید گروه گروه در مسلخ جهالت خویش به نابودی بنشینند. ﴿فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾<sup>۲</sup> (نابود باد دنباله کسانی که کافر حجّت خدا شدند و شکر بیکران مخصوص پروردگار جهانیان).

۱. اعراف (۷): آیه ۹۶.

۲. انعام (۶): آیه ۶.



# بخش چهارم

پایان حکومت حضرت مهدی علیه السلام



## فصل اول:

### مدت حکومت

روایات متعددی در مورد مدت حکومت آن حضرت ارائه شده است. شاید علت متنوع بودن این روایات گوشزد کردن این مطلب باشد که مدت حکومت ایشان مسأله‌ای منوط به مشیت و اراده الهی است و می‌تواند هر یک از این مدت‌ها را در برگیرد.

در برخی روایات این مدت را هفت سال<sup>۱</sup> که هر سال آن معادل ده سال امروزی ما است، بیان کرده‌اند. در نتیجه مدت حکومت ایشان معادل هفتاد سال مورد عادت ما می‌باشد.

برخی دیگر نوزده سال<sup>۲</sup> نیز ذکر کرده‌اند. مدت هفتاد<sup>۳</sup> سال نیز در حدیث دیگری مطرح شده است.

اگر به رسالت و برنامه‌های حضرت مهدی علیه السلام توجه داشته باشیم متوجه می‌شویم این اهداف به چند سال کوتاه برآورده نمی‌شود.

انسان‌ها پیش از ظهور به شدت دچار ظلم و ستم هستند، تا جایی که ظلم و

---

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹.

۲. همان، ص ۲۹۹.

۳. همان، ص ۳۳۷.

ستم جزء عادت و رسوم و طبیعت شان گردیده است. طبیعی است که پاک کردن ظلم و ستم از جامعه بشری و سرنگونی حاکمان ظالم، بخش آسان گسترش و جایگزینی عدالت بر سطح زمین است. قسمت مشکل تر زدودن ظلم و ستم در طبیعت و فرهنگ مردم می باشد. این کار، ده ها بلکه صدها سال و گذشت چند نسل را می طلبد.

پس از گذشت حداقل چهار تا پنج نسل است که بشر رفته رفته ارزش های شرک آلود و ستمگرانه را به فراموشی سپرده و فضای عدل بر روح و رفتار مردم سایه می افکند.

به این ترتیب می توان مدت زمان حکومت حضرت مهدی علیه السلام را طولانی تر از مدت های مذکور یافت. اما آیا در روایات تأییدی برای مدت طولانی تر، وجود دارد.

در برخی روایات به گونه ای استثنایی مدت زمان سیصد و نه سال مطابق خواب اصحاب کهف را برای مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام عنوان نموده اند و این عدد را در روایات متعددی می بینیم.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«سوگند به خدا مردی از ما اهل بیت علیهم السلام مدت سیصد و نه سال حکومت خواهد کرد...»<sup>۱</sup>

نکته مهم در این روایت این است که ممکن است کسی بگوید این حدیث

۱. غیبت نعمانی، ص ۳۳۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۸ - عن جابر بن یزید قال: «سمعت ابا جعفر محمد بن علی علیه السلام يقول: والله لیملکن رجل منا اهل البیت ثلاث مائة سنة و یزداد تسعاً».

مربوط به بعد از حضرت مهدی علیه السلام است. همان‌گونه که در ادامه روایت این مطلب مطرح شده است ولی توجه به روایات دیگر این شک و تردید را از بین می‌برد.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«قائم علیه السلام سیصد و نه سال حکومت می‌کند. همان‌گونه که اصحاب کهف در غارشان همین مقدار درنگ کردند و (به این وسیله) زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همان‌گونه که پر از ظلم و جور شده است...»<sup>۱</sup>

همان‌گونه که این حدیث به صراحت اشاره دارد، مدت حکومت امام عصر علیه السلام را سیصد و نه سال عنوان می‌کند که با محاسبات مورد نظر نیز موافق است. به این ترتیب بسیار طبیعی است که در این مدت، فرهنگ ستمگری نیز از جامعه بشری در اقصی نقاط دنیا رخت بریندد.

---

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰ - قال الباقر علیه السلام: «يملك القائم ثلاثمائة سنة و يزداد تسعاً كما لبث اهل الكهف في كهفهم يملاء الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظملاً و جوراً».

## فصل دوم:

### رجعت

رجعت یعنی بازگشت دوباره مردگان در این دنیا و زنده شدن مجدد آنان با همان خصوصیات و ابعادی که فوت نموده‌اند.

شیعیان تنها گروه در دنیا هستند که معتقدند مردگان در این دنیا و به صورت کامل، از قبر برمی‌خیزند. البته این رجعت، عام و همگانی نیست بلکه شامل تعداد خاصی از مؤمنین و کافران می‌شود.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«در مورد آیه: «و روزی که از هر امتی گروهی را محشور می‌کنیم»<sup>۱</sup> فرمود: هر مؤمنی که کشته شده باز می‌گردد تا (به مرگ عادی) فوت کند و هر مؤمنی که فوت کرده باز می‌گردد تا کشته شود».<sup>۲</sup>

#### نکات مهم حدیث:

۱. در رجعت از هر امتی گروهی محشور می‌شوند. برخلاف قیامت که

---

۱. نمل (۲۷): آیه ۸۳.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۰؛ مختصر بصائر الدرجات، ص - عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل: «﴿و یَوْمَ نَخْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا﴾» فقال: لیس احد من المؤمنین قتل الا سیرجع حتی یموت و لا احد من المؤمنین مات الا سیرجع حتی یقتل».

تمام امت‌ها محشور خواهند شد.

۲. مؤمنینی که کشته می‌شوند، برای مرگ طبیعی باز می‌گردند.

۳. مؤمنینی که به مرگ طبیعی مرده‌اند، باز می‌گردند تا فیض شهادت

نیز بیابند.

### ضرورت اعتقاد به رجعت

شاید برخی گمان کنند که اعتقاد به رجعت، اعتقادی غیر ضروری و نامعلوم است که پذیرش یا عدم پذیرش آن به مسلمان بودن یا شیعه بودن افراد زیانی نمی‌رساند. بلکه در واقع این‌گونه نیست.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«هر کس معتقد به متعه و مؤمن به رجعت ما (اهل بیت علیهم السلام) نباشد،

از ما اهل بیت علیهم السلام نیست.»<sup>۱</sup>

۱. اعتقاد به رجعت جزء اعتقادات ضروری اسلام است.

۲. هر کس اعتقاد به متعه (ازدواج موقت) و رجعت همه اهل بیت علیهم السلام

نداشته باشد، پیرو اهل بیت علیهم السلام نخواهد بود.

### اثبات رجعت براساس قرآن

حماد گوید:

«حضرت صادق علیه السلام فرمود: مردم در مورد این آیه «و روزی که از هر

امتی گروهی حشر کنیم»<sup>۲</sup> چه می‌گویند؟

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۳۶ - قال الصادق علیه السلام: «و لیس منا من لم یقل بمتعتنا

و یؤمن برجعتنا».

۲. نمل (۲۷): آیه ۸۳.

گفتم: می‌گویند در مورد قیامت است.

فرمود: آن‌گونه که می‌گویند نیست. این آیه در مورد رجعت است. آیا خداوند در روز قیامت از هر امتی، گروهی را حشر می‌کند و بقیه را زنده نمی‌کند؟ آیه قیامت این است: (و ما آنها را حشر کردیم و هیچ یک را فرو نگذاشتیم)»<sup>۱</sup>.

نکات مهم حدیث:

۱. در قیامت تمام امت‌ها و قوم‌ها زنده خواهند شد.
۲. زنده شدن یک یا چند گروه و قوم، نشان از زنده شدن گزینشی و پیش از قیامت در این دنیا دارد.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«در مورد آیه: «و حرام است بر هر تمدنی که آن را هلاک کرده‌ایم، باز نگردند»<sup>۲</sup> فرمود: هر تمدنی که خداوند مردمش را به وسیله عذاب هلاک کرده است، در رجعت باز نمی‌گردند. اما در قیامت (همگی) باز می‌گردند و هر کس ایمان خالص (کامل) و همچنین غیر از آنها کسانی که با عذاب هلاک نشده‌اند و کفر خالص (کامل) دارند باز می‌گردند»<sup>۳</sup>.

---

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۶۰ - عن حماد عن ابي عبد الله عليه السلام قال: ما يقول الناس في هذه الآية ﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا﴾ قلت: يقولون انها في القيامة. قال: ليس كما يقولون، ان ذلك في الرجعة أحشر الله يوم القيامة من كل امة فوجاً و يدع الباقيين؟ انما آية القيامة قوله: ﴿وَحَشَرْنَاَهُمْ فَلَمْ نُغَايِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾ كهف (۱۸): آیه ۴۸.

۲. انبیا (۲۱): آیه ۹۵.

۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۱ - قال الصادق عليه السلام في قوله تعالى: ﴿وَحَرَامٌ عَلَيَّ قَرْيَةً أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ﴾ قال: كل قرية اهلك الله اهلها بالعذاب لا يرجعون في

### تکات مهم حدیث:

۱. هر تمدن یا آبادی که پیش از رجعت با عذاب نابود شده‌اند پس از رجعت باز نمی‌گردند.

۲. بنابراین از این که تمام انسان‌ها و قوم‌ها در قیامت باز می‌گردند نتیجه می‌گیریم که باید پیش از قیامت نیز بازگشتی باشد که شامل همگی نیست بلکه تعداد مخصوصی از مردم را شامل می‌شود.

۳. کسانی بعد از رجعت باز می‌گردند که ایمان یا کفر کاملی داشته باشند.

### تمامی انبیاء و ائمه اطهار علیهم‌السلام باز می‌گردند

برخی گمان می‌کنند که فقط تعدادی از ائمه اطهار علیهم‌السلام یا انبیاء به وسیله رجعت باز می‌گردند. در حالی که این اعتقاد کاملاً مردود و صریحاً نفی شده است. بلکه تمام انبیاء و بخصوص تمامی ائمه اطهار علیهم‌السلام به دنیا باز می‌گردند.

حضرت صادق علیه‌السلام فرمود:

«در مورد آیه: «و هنگامی که خداوند از پیامبران پیمان گرفت به دلیل کتاب و حکمتی که به آنان دادیم، سپس رسولی آمد که آن‌چه را همراه آنان است، تصدیق نمود، به او ایمان آورده و یاریش کنند»<sup>۱</sup> فرمود: خداوند از زمان آدم علیه‌السلام هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر آن که او را به این دنیا باز می‌گرداند تا یاری امیرالمؤمنین علیه‌السلام نمایند و

→ الرجعة فأمّا الى القيامة فيرجعون و من محض الايمان محضاً و غيرهم ممن لم يهلكوا بالعذاب و محضوا الكفر محضاً يرجعون».

۱. آل عمران (۳): آیه ۸۱.

آیه: «به او ایمان آورند» یعنی رسول الله ﷺ و «و وی را یاری کنند»  
یعنی امیرالمؤمنین علیؑ.<sup>۱</sup>

نکات مهم حدیث:

۱. پیامبران الهی همگی پیمان داده‌اند که یاری حضرت امیرالمؤمنین علیؑ نمایند.

۲. هر پیامبری به این دنیا رجعت می‌کند تا این آیه و پیمان الهی را تحقق بخشد، یعنی یاری امیرالمؤمنین علیؑ کند.  
حضرت عسگری علیؑ فرمود:

«در مورد آیه: «و آن را کلمه باقیه‌ای در پشت (نسل) وی قرار داده است تا رجعت کنند»<sup>۲</sup> فرمود: یعنی آنان رجعت می‌کنند، یعنی ائمه علیهم السلام به دنیا باز می‌گردند».<sup>۳</sup>

براساس حدیث فوق تمام ائمه اطهار علیهم السلام رجعت می‌کنند. زیرا رجعت را به همگی نسبت می‌دهد.

«حضرت امیر علیؑ سوگند می‌خورد که خداوند منزله به زودی فرزندان را جمع می‌کند همان‌گونه که برای یعقوب جمع کرد و در واقع فرزندان یعقوب را در همین دنیا جمع کرد. پس امیرالمؤمنین علیؑ نیز همچنین در دنیا و هنگام رجعت فرزندان

---

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۱ - عن ابی عبدالله علیؑ فی قوله: ﴿وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ﴾ قال: ما بعث الله نبياً من لدن آدم إلا و يرجع الى الدنيا فينصر اميرالمؤمنين و قوله: ﴿لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ﴾ یعنی رسول الله ﷺ، ﴿وَ لَتَنْصُرُنَّهُ﴾ یعنی امیرالمؤمنین علیؑ.

۲. زخرف (۴۳): آیه ۲۸.

۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۹.



ائمه‌اش علیهم‌السلام نزد وی جمع خواهند شد و نص صریح در روایات صریح و صحیح در مورد رجعت ائمه علیهم‌السلام وجود دارد «و عاقبت متعلق به متقین»<sup>۱</sup> است و آنان همان متقون هستند»<sup>۲</sup>.

### نکات مهم حدیث:

۱. جمع شدن فرزندان حضرت امیر علیه‌السلام کنایه از بازگشت همگی به حکومت در رجعت می‌باشد.
۲. عاقبت جهان متعلق به متقیان است و ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز همان متقیان هستند.

حضرت صادق علیه‌السلام فرمود:

«...هیچ امامی در هر عصری نیست مگر به همراه او نیکان و فاجران دوران‌ش رجعت می‌کنند تا خداوند مؤمنین را بر کافران مسلط گرداند»<sup>۳</sup>.

### نکات مهم حدیث:

۱. تمام امامان در رجعت باز می‌گردند.
۲. هر امامی در هر عصری به همراه نیکان و بدان آن عصر رجعت می‌کند.
۳. هدف از آمدن مؤمنین و کفار هر عصر، برتری یافتن مؤمنین در برابر

۱. اعراف (۷): آیه ۱۲۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۸ - فقد حلف علیه‌السلام ان الله سبحانه و تعالی سیجمع له ولده كما جمعهم ليعقوب و قد كان اجتماع يعقوب بولده في دار الدنيا فيكون امير المؤمنين كذلك في الدنيا يجمعون له في رجعتهم علیهم‌السلام و ولده الائمة علیهم‌السلام و هم المنصوصون على رجعتهم في احاديثهم الصحيحة الصريحة ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ و هم المتقون.

۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۲ - قال الصادق علیه‌السلام: «...ما من امام في قرن الا و يكر معه البتر و الفاجر في دهره حتى يدبيل الله المؤمن [من] الكافر».

کفار است.  
اولین کسی که رجعت می‌کند

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«اولین کسی که زمین برای وی شکافته می‌شود و به دنیا بر می‌گردد، حسین بن علی علیه السلام است و رجعت، عمومی نیست بلکه خاص است و فقط اختصاص به کسی دارد که ایمان محض (کامل) یا شرک محض (کامل) داشته باشد»<sup>۱</sup>.

#### نکات مهم حدیث:

۱. امام حسین علیه السلام اولین کسی است که در رجعت باز می‌گردد.
۲. پیداست که آنچه در مورد رجعت برخی افراد مانند سلمان فارسی و ابوذر و... گفته شده است پس از رجعت امام حسین علیه السلام اتفاق می‌افتد.
۳. از آنجا که رجعت امام حسین علیه السلام در اواخر عمر امام عصر علیه السلام و حکومت ایشان واقع می‌شود، طبیعی است که رجعت دیگران نیز پس از آن حضرت علیه السلام واقع می‌گردد.
۴. همان‌گونه که اشاره کردیم فقط مؤمنین کامل و مشرکین کامل به رجعت گام می‌گذارند. مؤمنین کامل برای دیدن حاکمیت حق بر جهان و خشنودی اهل حق باز می‌گردند و مشرکان و کافران نیز برای تنبیه شدن و مشاهده ذلت و بیچارگی اهل باطل بر می‌گردند.
۵. افراد متوسط یعنی مؤمنین عادی (مشکوک) و کافران عادی (مشکوک) رجعت ندارند.

---

۱. مختصر بصائر، ص ۲۴ - قال الصادق علیه السلام: «اول من تنشق الارض عنه و يرجع الى الدنيا، الحسين بن علي علیه السلام و ان الرجعة ليست بعامة و هي خاصة لا يرجع الا من محض الايمان محضاً او محض الشرك محضاً».

### پاک شدن زمین پس از رجعت

ظهور امام عصر علیه السلام سبب پاک شدن زمین از لوث باطل می‌گردد، یعنی کسانی که در عصر حضرت مهدی علیه السلام و هنگام ظهور ایشان در سطح زمین زندگی می‌کنند، شاهد پیروزی حق بر باطل خواهند بود. این مطلب به معنی پاک شدن برهه‌ای از تاریخ بشر است. اما کل تاریخ بشر چگونه؟ آیا لازم نیست علاوه بر زمان حال، تمام زمان‌ها اعم از «گذشته» و «آینده» نیز پاک شود. رجعت وسیله‌ای است برای پاکسازی تاریخ گذشته بشریت. با رجعت تمام ائمه اطهار علیهم السلام به ترتیب تمامی سپاهیان شیطان در طول تاریخ بشریت در عرصه محاکمه الهی روی زمین قرار می‌گیرند. پس از رجعت است که زمین در گذشته و حال پاک می‌گردد. در واقع دوران حکومت حضرت مهدی علیه السلام دوران گذر از حاکمیت باطل به حاکمیت حق است. امام مهدی علیه السلام با ظهور خود و تشکیل حکومت جهانی عدل شرایط بسط عدالت در سراسر کهکشان‌ها و گیتی را فراهم می‌کند و وقتی شرایط آماده شد و مردم به شعور و درک الهی دست یافتند آماده دیدن عجایب الهی و از جمله رجعت می‌شوند. در واقع هدف تاریخ پس از گذر از دوران ظهور، رسیدن به عصر رجعت است.

حضرت صادق علیه السلام در گفتگو با مفضل بن عمر می‌فرماید:

«شما همواره این زمین را در چنین رجعتی لرزان خواهید دید تا هیچ شک‌کننده و مشرک و انکارکننده و مخالف و منکر و لجوجی باقی نمی‌ماند، مگر آن که پاک و طاهر می‌شود. تمام کشورها و ادیان نابود شده و دین تماماً برای خدا می‌گردد. وقتی جهان پاک شد، نهرهای آن با آب و شیر و عسل و شراب پاک جاری می‌گردد. دیگر جنبنده زیان‌آور و بلایی (در زمین) نخواهد بود و دروازه‌های آسمان گشوده می‌گردد و برکت‌های آن نازل می‌گردد و آسمان خیرات (باران) خود

را می‌بارد و زمین گنج‌های خود را بیرون می‌فرستد و دانه گندم آنقدر بزرگ می‌شود که به اندازه بار یک شتر می‌شود و انسان‌ها و درندگان و پرندگان و خزندگان (مارها) در یک جا جمع می‌شوند و هیچ کدام همدیگر را نمی‌ترسانند. بلکه با هم انس پیدا کرده و گفتگو می‌کنند. گوسفند و گریز از یک آبشخور آب می‌خورند و با هم می‌گردند، همانند دو برادر که در راه خدا با هم برادر باشند. دخترهای جوان و زن‌های عقیم و پیرزن انبان‌های آرد یا گندم خرد شده را بر سر می‌گذارند و در اطراف زمین بگردند، در حالی که هیچ‌گونه سختی و رنجی به آنها نمی‌رسد. تمام امراض و دردها از بین می‌رود و مردان از چیدن موی سر و چیدن ناخن و شستن لباس و حمام و حجامت کردن و پزشک بی‌نیاز می‌شوند و هر صاحب‌زبانی اعم از بشر، چهارپایان و پرندگان، جانوران و جنیندگان به سخن در می‌آیند و تمام زبان‌ها از بین می‌رود و فقط یک زبان عربی فصیح باقی می‌ماند و مؤمن از دنیا نمی‌رود مگر تا موقعی که هزار پسر مؤمن موجه متقی از او به دنیا آید.<sup>۱</sup>

۱. نواب‌الدهور، ج ۳، ص ۲۳۳ - قال الصادق عليه السلام للمفضل بن عمر: «...فانكم لاتزالون ترون هذه الارض في هذه الرجعة منكم مقشعة الى ان لا يبقى عليها شاك ولا مشرك ولا راد ولا مخالف ولا منكر ولا جاحد الا طاهر مطهر و تفقد الملل و الشرايع و يصير الدين كله لله فاذا صفت جرت انهارها بالماء و اللبن و العسل و الخمر فلا دابة و لا عائلة و تفتح ابواب السماء و تنزل منها البركات و تمطر السماء خیرها و تخرج الارض كنوزها و تعظم البرة حتى تصير البرة حمل بعير و يجتمع الانسان و السبع و الطائر و الحية في بقعة واحدة و لا يوحش بعضهم بعضاً بل يونسه و يحادثه و تشرب الشاة و الذئب من مورد واحد و يصدران منه كما يصدر الرجلان المتواخيان

### نکات مهم حدیث:

۱. این حدیث به آثار رفاهی و امنیتی و علمی دوران رجعت و پس از آن اشاره دارد.
۲. برخی از این آثار مربوط به دوران پس از ظهور است مانند گسترش امنیت و آرامش وحوش و تکلم و درک سخن حیوانات و برخی مربوط به صرفاً پس از رجعت است. مانند جاری شدن چهار نهر بهشتی از مسجد کوفه.
۳. اغلب این حوادث در عین حال که می‌تواند خارق‌العاده باشد و با عنایت الهی و به برکت گسترش عدل ائمه اطهار علیهم‌السلام صورت گیرد ولی با استفاده از وسایل طبیعی در عصر خود واقع می‌شود.
۴. علم در عصر ظهور و پس از آن به میزانی پیشرفت می‌کند که تمامی بدی‌ها و امراض ریشه کن شده و انسان می‌تواند با امکاناتی که می‌یابد عمر طولانی یافته و نیز زبان حیوانات را درک کند.
۵. به این ترتیب در عصر رجعت دنیایی شبیه بهشت‌برین در زمین ایجاد می‌شود.
۶. بی‌نیاز شدن از پزشکان به جهت نابودی عوامل بیماری است.

→ فی الله من موردها و تخرج الفتاة العاتق و العجوز العاقرة و علی رأسها مکتل من دقیق او بر من سویق فتبلغ اطراف الارض و حیث من الارض لا یمسها نصب و لا لغوب و ترفع الامراض و الاسقام و یتغنی الرجل عن قص شعره و تقلیم ظفره و غسل ثوبه و عن حمّام و عن حجّام و عن طبیب و یفصح کل ذی منطق من البشر و الدّواب و الطیر و الهوام و الدیب و تفقد جمیع اللغات و تكون لغة واحدة کلام العربیة بافصاح کبیران واحد و لا ینخرج المؤمن من الدنیا حتی ینخرج من صلبه الف ذکر مؤمن موحد تقی».

## فصل سوم:

### نابودی شیطان و قیامت

با ظهور حضرت مهدی علیه السلام شیطان ناامید می‌شود، اما کشته نمی‌شود. علت آن هم واضح است، زیرا با ظهور دولت حق، دولت‌های باطل به کنار می‌روند ولی اهل باطل تماماً از بین نمی‌روند. بلکه در گوشه‌های خزیده و نظاره‌گر سقوط خویش خواهند بود. وقتی نبرد آسمانی با ابلیس و سپاهیان وی به انتها رسید، در پایان دوران رجعت کار ابلیس به پایانش نزدیک می‌شود.

عبدالکریم گوید حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«ابلیس گفت: «مرا تا روز برانگیخته شدن مهلت دهید» خداوند نپذیرفت و فرمود: «تو از مهلت داده شدگانی (البته) تا روز وقت معلوم» وقتی روز وقت معلوم رسید، ابلیس لعنت‌الله علیه با تمام پیروانش از زمان خلقت آدم علیه السلام تا روز قیامت آشکار می‌شود و آن روزی است که آخرین دور برگشت (رجعت) امیرالمؤمنین علیه السلام است.

گفتم: آیا حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام چند بار رجعت می‌کند؟

فرمود: بله. ایشان دارای رجعت‌های متعدد (کرات بعد از کرات) هستند و هیچ امامی در هر عصری نیست مگر آن که به همراه او افراد نیک و بد در عصر خودش رجعت می‌کنند تا خداوند انتقام

مؤمن را از کافر بگیرد.

وقتی روز وقت معلوم شد امیرالمؤمنین علیه السلام با اصحابش می‌آید و ابلیس نیز با نیروهایش می‌آید و محل ملاقات آنها در سرزمینی از سرزمین‌های فرات است که به آن «روحاء» می‌گویند و نزدیک کوفه قرار دارد. آنها با یکدیگر به گونه‌ای می‌جنگند که از زمانی که خداوند جهان‌ها را خلق کرده این چنین کسی نجنگیده است. من اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام را می‌بینم که در حال عقب‌نشینی هستند و به میزان صد گام به عقب برمی‌گردند و به گونه‌ای که می‌بینم، پای برخی از آنها در آب فرات قرار دارد.

در این هنگام فرمان خداوند (رسول اکرم صلی الله علیه و آله) در سایه‌ای از ابر و ملائکه فرود می‌آیند و فرمان اجرا می‌شود. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در پیشاپیش بوده و در دستش اسلحه‌ای نوری است. وقتی ابلیس به ایشان می‌نگرد به پشت برمی‌گردد در حالی که عقب عقب می‌رود. یارانش به وی می‌گویند: کجا می‌روی در حالی که داری پیروز می‌شوی؟ ابلیس می‌گوید: من چیزی را می‌بینم که شما نمی‌بینید. من از خداوند پروردگار جهانیان می‌ترسم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ابلیس رسیده و از پشت سر ضربه‌ای میان دو کتفش می‌زند. در این هنگام شیطان و تمام یارانش از بین می‌روند. در آن موقع فقط خداوند یکتا پرستیده شده و چیزی را با وی شریک نمی‌کنند و امیرالمؤمنین علیه السلام مدت چهل و چهار هزار سال حکومت می‌کند تا جایی که هر مرد از شیعیان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام صاحب هزار پسر می‌شود. در این هنگام دو بهشت سیه‌فام (باغ انبوه) نزد مسجد کوفه و اطرافش با

### امکاناتی که خداوند خواسته ایجاد می‌شود.<sup>۱</sup>

#### نکات مهم حدیث:

۱. در آغاز جلد سوم (این کتاب) اشاره نمودیم، در این کتاب حوادث و وقایع خارق‌العاده‌ای ارائه می‌شود که شاید برای برخی خوانندگان تا کنون مطرح نشده است. این حدیث یکی از این موارد است، اما باید بدانید که حوادث مذکور در این کتاب یک دهم واقعیت‌هایی است که در آینده پیش می‌آید.

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۲ - عن عبدالكريم بن عمرو الخثعمي قال: «سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول: ان ابليس قال: «انظرنى الى يوم بيعثون» فابى الله ذلك عليه «فقال انك من المنظرين الى يوم الوقت المعلوم» فاذا كان يوم الوقت المعلوم، ظهر ابليس لعنه الله فى جميع اشياعه منذ خلق الله آدم الى يوم الوقت المعلوم و هى آخر كرة يكرها امير المؤمنين عليه السلام فقلت: و انها لكرات؟ قال: نعم، انها لكرات و كرات ما من امام فى قرن الا و يكر معه البر و الفاجر فى دهره حتى يدبيل الله المؤمن من الكافر. فاذا كان يوم الوقت المعلوم كر امير المؤمنين عليه السلام فى اصحابه و جاء ابليس فى اصحابه و يكون ميقاتهم فى ارض من اراضى الفرات يقال له: الروحا قريب من كوفتكم فيقتتلون قتالاً لم يقتل مثله منذ خلق الله عزوجل العالمين فكأنى انظر الى اصحاب على امير المؤمنين قد رجعوا الى خلفهم القهقرى مائة قدم و كأنى انظر اليهم وقد وقعت بعض ارجلهم فى الفرات. فعند ذلك يهبط الجبار عزوجل فى ظل من الغمام و الملائكة و قضى الامر رسول الله صلى الله عليه وآله امامه بيده حربة من نور فاذا نظر اليه ابليس رجع قهقرى ناكصاً على عقبه فيقولون له اصحابه: اين تريد و قد ظفرت؟ فيقول: ائى ارى ما لاترون ائى اخاف الله رب العالمين. فيلحقه النبى صلى الله عليه وآله فيطعنه طعنة بين كتفيه، فيكون هلاكه و هلاك جميع اشياعه فعند ذلك يعبد الله عزوجل و لا يشرك به شيئاً و يملك امير المؤمنين عليه السلام اربعاً و اربعين الف سنة حتى يلد الرجل من شيعة على عليه السلام الف ولد من صلبه ذكراً و عند ذلك تظهر الجنتان المدهامتان عند مسجد الكوفة و ما حوله بما شاء الله.»



۲. ابلیس در ابتدا و پس از سجده نکردن، از خداوند خواست او را تا قیامت و برانگیخته شدن مردگان فرصت دهد ولی خداوند تا روز «وقت معلوم» به وی مهلت داد.

۳. روز وقت معلوم آخرین مرتبه از سلسله رجعت‌ها و بازگشت‌های امیرالمؤمنین علیه السلام به صورت مادی و ظاهری در این دنیا است.

۴. امیرالمؤمنین علیه السلام به تعداد بسیاری به زمین بازگشته است. از کلمه «کرات و کرات» متوجه می‌شویم که امیرالمؤمنین علیه السلام دو مرحله سه مرتبه‌ای یعنی حداقل شش مرتبه رجعت خواهند داشت. به همین دلیل است که از لحظه ظهور حضرت مهدی علیه السلام وجود امیرالمؤمنین علیه السلام را در کنار ایشان می‌بینیم تا آمدن امام حسین علیه السلام و تا آخرین رجعت ایشان که با ابلیس می‌جنگند.

۵. همان‌گونه که در کتاب «فراز مینی‌ها در آیات و روایات» اشاره کرده‌ایم، ابلیس در کهکشان‌ها دارای حاکمیت و قدرت فوق‌العاده‌ای است و ظهور امام عصر علیه السلام موجب می‌شود تا حاکمیت زمین را که امروز به دست شیطان است از دست داده ولی با نیروهایی که در اقصی نقاط کهکشان‌ها دارد در جنگ پایانی که نظیر ندارد، با حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نبرد سرنوشت‌ساز خود را انجام می‌دهد.

۶. نبرد اصلی ابلیس به عنوان پادشاه شرّ و تاریکی در طول تاریخ با امیرالمؤمنین علیه السلام یعنی پادشاه خیر و روشنایی بوده است.

۷. هرچند بعد از ظهور به تدریج تمامی کهکشان‌ها به زیر سلطه حق و اصحاب امام علیه السلام در می‌آید و منطقه‌ای که در دست ابلیس است باقی می‌ماند.

۸. محل جنگ نهایی نیز روی زمین خواهد بود، در منطقه خاورمیانه. ابلیس با تمام نیروهایی که در سطح کهکشان‌ها دارد به نبرد با حضرت علی علیه السلام برمی‌خیزد و همان‌گونه که مشاهده می‌کنید امیرالمؤمنین علیه السلام و اصحابش یارای مقابله با ابلیس را ندارند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که همواره نظاره‌گر مبارزات اهل بیت علیهم السلام بوده‌اند ناچار می‌شوند شخصاً وارد معرکه شوند.

۹. به دلیل عظمت و ارزش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آیه شریفه تعبیر «الله» از ایشان شده است. این مطلب به معنی آمدن خداوند نیست چون خداوند دیدنی نیست بلکه بیان‌گر رجعت باشکوه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان فرمانده حضرت امیرالمؤمنین پادشاه روشنایی می‌باشد.

۱۰. اسلحه‌ای که در دست حضرت محمد صلی الله علیه و آله است مانند دیگر سلاح‌های عصر ظهور و بعد از آن اسلحه نوری یا شمشیر نورانی است که با آن کوه‌ها را می‌شکافند. هرچند اسلحه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بسیار پیشرفته‌تر از اسلحه‌های قبل از خود خواهد بود.

۱۱. این اسلحه حالت خاص دارد و این‌گونه به آن اشاره صریح شده است که بالاتر از اسلحه‌های موجود در آن عصر خواهد بود.

۱۲. حکومت‌های بعد از ظهور بسیار طولانی خواهد شد. بخصوص حکومت امام حسین علیه السلام و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام.

## پایان هستی

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه‌البیان پس از بیان حوادث ظهور و رجعت به برپا شدن قیامت می‌پردازند.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«سپس کف (دستی) بدون مچ آشکار می‌شود و در آن قلمی است و در هوا می‌نویسد. در حالی که مردم صدای نوشتن قلم را می‌شنوند و آن قلم می‌گوید: «نزدیک شد وعده حق» در نتیجه چشم‌های کسانی که کافرند خیره می‌شود. خورشید و ماه بیرون می‌آیند در حالی که نوری ندارند. صیحه (فریاد) مردم را در برمی‌گیرد در حالی که تاجران در حال خرید و فروش و مسافران در میان کالاهای خویش و لباس‌ها در محل خودش و زنان در حال نساجی می‌باشند. (وحشت آنچنان است که) اگر کسی لقمه‌ای در دست داشته باشد نمی‌تواند آن را بخورد. ماه و خورشید، تیره ظاهر می‌شوند زیرا به دلیل ترس از خداوند متعال در شرف نابودی (فرو ریختن) هستند در حالی که آن دو می‌گویند: ای پروردگار و خالق و سرور ما، ما را به سبب عذاب بندگان مشرکت، عذاب نفرما و تو (میزان) اطاعت و تلاش و سرعت ما در انجام فرمان خودت را می‌دانی و تو نهان‌ها را کاملاً می‌دانی. خداوند می‌فرماید: شما راست می‌گویید. ولی من با خودم حکم حتمی صادر نمودم تا (به هستی) آغاز و پایان دهم و من شما را از نور عزتم ساختم و به همان بازمی‌گردید. هر یک از آن دو (ماه و خورشید) درخششی (ناگهانی) می‌زنند که نزدیک است چشم‌ها را کور کند و با نور عرش ترکیب می‌شوند. در صور دمیده می‌شود و تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند بی‌هوش (و نابود) می‌شوند. مگر آن که خداوند بخواهد. سپس دوباره در صور دمیده می‌شود ناگهان همگی برخاسته و نگاه می‌کنند. ما به خداوند تعلق داریم و به سوی خدا می‌رویم. پس از آن امام علیه السلام گریه شدیدی نمود تا جایی که ریش ایشان با اشک‌ها خیس شد. سپس از منبر پایین آمد در حالی که

مردم از سنگینی مطالبی که شنیده بودند در معرض هلاکت قرار گرفته بودند.<sup>۱</sup>

امیدوارم که ما و شما از وحشت و هراس آن روز در امان باشیم.

دعای امام عصر علیه السلام هنگام عبور از وادی السلام

برای حسن ختام کتاب دعای حضرت صاحب الامر علیه السلام را هنگامی که از وادی السلام عبور می‌کنند، می‌آوریم.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«من مهدی علیه السلام را می‌بینم که از وادی السلام به سوی مسجد سهله

عبور می‌کند در حالی که بر مرکبی نورانی و نشان‌دار سوار است، دعا

می‌خواند و در دعایش می‌گوید:

لا اله الا الله حقاً حقاً، لا اله الا الله ايماناً و صدقاً، لا اله الا الله

تعبداً و رقاً. اللهم معز كل مؤمن وحيد، و مذل كل جبار عنيد، انت

---

۱. نواب الدهور، ج ۲، ص ۱۵۱ - قال علی علیه السلام: «ثم يظهر كف بلا زند و فيها قلم يكتب في الهواء و الناس يسمعون صرير القلم و هو يقول و اقترب الوعد الحق فاذا هي شاخصة ابصار الذين كفروا فتخرج يومئذ الشمس و القمر و هما منكسفتان النور فتأخذ الناس الصيحة و التاجر في بيعه و المسافر في متاعه و الثوب في مسداته و المرثة في غزلها و اذا كان الرجل اللقمة بيده فلا يقدر اكلها و يطلعان الشمس و القمر و هما اسودان اللون و قد وقعا في زوال (زلزل) خوفا من الله تعالى و هما يقولان الهنا و خالقنا و سيدنا لا تغد بنا بعذاب عبادك المشركين و انت تعلم طاعتنا و الجهد فينا و سرعتنا لمضى امرك و انت علام الغيوب قال الله تعالى صدقتما و لكني قضيت في نفسي ان ابدء و اعيدو اني خلقتكما من نور عزتي فيرجعان اليه فيبرق كل واحد منهما برقة تكاد تخطف الابصار و يختلطان بنور العرش فينفخ في الصور فصعق من في السموات و من في الارض الا ماشاء الله تعالى ثم ينفخ فيه اخرى فاذا هم قيام ينظرون فانا لله و انا اليه راجعون».

کنفی حین تعیننی المذاهب و تضیق علی الارض بما رحبت.  
 اللهم خلقتی و کنت غنیاً عن خلقی و لولا نصرک ایای لکنت من  
 المغلوبین یا منشر الرحمة من مواضعها و مخرج البرکات من  
 معادنہا و یا من خص نفسه بشموخ الرفعة، فاولیاؤه بعزه يتعززون،  
 یا من وضعت له الملوك نیر المذلة علی اعناقهم فهم من سطوته  
 خائفون. أسألك باسمک الذی فطرت به خلقک فکلُّک مذعنون،  
 أسألك ان تصلّی علی محمد و آل محمد و ان تنحزلی امری  
 و تعجّل لی فی الفرج و تکفینی و تعافینی و تقضی حوائجی الساعة  
 الساعة اللیلة اللیلة انک علی کل شیء قدير»<sup>۱</sup>.

---

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱ - ترجمه: «نیست خدایی جز خدای یکتای حقیقی و به حق، نیست خدایی جز خدای یکتا با ایمانی راستین، نیست خدایی جز خدای یکتا با بندگی و سرافکنندگی (در پیشگاهش)، بار خدایا ای کسی که عزیز کننده هر مؤمن تنهایی و ای ذلیل کننده هر ستمگر سرکش، تو پناه منی زمانی که راه‌های بن بست مرا بیچاره می کند و زمین با گستردگی اش برایم تنگ می شود. خدایا تو مرا خلق کردی در حالی که بی نیاز از خلقتم بودی. اگر یاری تو نبود من از شکست خوردگان بودم. ای گستراننده رحمت از محل هایش و بیرون آورنده برکت‌ها از گنجینه هایش. ای کسی که با بلندای عظمت، نفس خودش را به بزرگی اختصاص داده و دوستانش با عزت او عزیز می شوند. ای کسی که پادشاهان در برابرش به ذلت افتاده‌اند و آنها از هیبتش ترسان هستند. از تو درخواست دارم به اسم خودت که مخلوقات را خلق نمودی و همه مخلوقات به وجود تو اعتراف دارند و از تو می خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و کار مرا تمام نموده و در گشایش کارم تعجیل نمایی و مرا کفایت نموده و سلامت داشته و نیازهایم را برطرف سازی همین ساعت، همین ساعت، همین شب، همین شب زیرا تو بر هر کاری قادری».